

شعائر حسینی

پدیدآور: تبریزی، جعفر

موضوع: فقه - کلام

زبان: عربی - فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: دار الصدیقه الشهیده (سلام الله علیها)

مکان چاپ: قم - ایران

سال چاپ: ۱۳۸۹ ه. ش

نوبت چاپ: ۱

ص: ۳

مقدمه

«السَّلامُ عَلَیْكَ يَا ابا عَبْدِاللهِ وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِئائِكَ، عَلَیْكَ مِنِّی سَلامُ اللهِ أَبَداً ما بَقِیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ وَلَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّی لِزِیَارَتِکُمْ السَّلامُ عَلَی الْحُسَینِ وَعَلِی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَینِ وَعَلِی أَوْلادِ الْحُسَینِ وَعَلِی أَصْحابِ الْحُسَینِ»

ص: ۴

قال الصادق علیه السلام فی دعاء له:

.... فارحم تلك الوجوه التي قد غيّرتها الشمس، وارحم تلك الخدود التي تقلّبت على حفرة أبي عبد الله الحسين عليه السلام، وارحم تلك الأعين التي جرت دموعها رحمةً لنا، وارحم تلك القلوب التي جزعت واحتترقت لنا، وارحم الصرخة التي كانت لنا، اللهم إني استودعك تلك الأنفس وتلك الأبدان حتّى نوافيهم على الحوض يوم العطش [الأكبر]؛ (الكافي، ج ٤، ص ٥٨٣، وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٤١١)

ص: ٥

امام صادق عليه السلام در دعایی فرمودند:

... پس تو این صورتهایی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده، مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورتهایی را که روی قبر ابی عبد الله الحسين عليه السلام می گذارند و برمی دارند، مشمول لطف و رحمتت بگردان و همچنین به چشم هایی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته اند نظر عنایت فرما و دل هایی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته اند را ترحم فرما. بار خدایا! به فریادهایی که به خاطر ما بلند شده برس. خداوندا! من این بدن ها و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می شوند، آنها را سیراب نمایم.

ص: ٧

العلماء ورثة الانبياء

بسم الله الرحمن الرحيم

علمای بزرگ، پرچمداران حریم ولایت و حافظان علوم آل محمد صلی الله علیه و آله هستند که با تلاش شبانه روزی خود سعی در پاسداری از دستاوردهای رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام داشته و دارند. آنان که پشت به دنیا کرده و خود را از لذّتهای آن دور نگاه داشته اند و خالصانه و با جدّیت از حریم علوم آل محمد صلی الله علیه و آله دفاع کرده و در جهت ترویج آن تلاش نموده و می نمایند و امروز نشر مذهب، مرهون تلاش آن بزرگوارانی است، که در طول عمر پربرکت خود سعی کرده اند به هر نحو ممکن، ضمن نقل علوم آل محمد صلی الله علیه و آله و بیان آن، بر مسند فتوی بنشینند؛ حرام و حلال خدا را برای مردم بیان کنند و از هر چیزی که موجب تقویت و انتشار مذهب بر حق تشیع است، دریغ ننمایند؛ از جان و مال خود مایه گذاشته و با اخلاص کامل، شمع وجود تشیع را

با عنایت پروردگار متعال و اهل بیت علیهم السلام روشن نگاه داشته و همچون پروانه در حال پاسداری از آن می‌باشند. وجود عالمان و متفکرانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، کلینی، شیخ طوسی، علامه حلی، محقق کرکی، علامه مجلسی، صاحب جواهر، شیخ انصاری، میرزای شیرازی و ده‌ها شخصیت دیگر ... بدون شک عنایت الهی و اهل بیت علیهم السلام بوده، که با حضور چنین علمایی در قرون مختلف ضمن تقویت مبانی تشیع، ادامه

ص: ۸

راه نشان داده شد. عالمانی امین و ناقلانی حکیم که در عین صداقت و امانت، در حفظ و انتقال آنچه از معصوم علیه السلام رسیده است، نهایت تلاش خود را برای موشکافی و تعمق در متون و معارف اهل بیت علیهم السلام، برای نیل به غایت واقعی احکام و مفاهیم صادره از اهل بیت علیهم السلام به کار بسته و صدها هزار صفحه کتاب و رساله در همین زمینه تألیف و به آیندگان هدیه کرده‌اند. البته از این نکته نباید غافل بود که در هر زمان و هر مکانی به فراخور حال، بوده و هستند اشخاص و عالمانی که پیرو واقعی امامان معصوم علیهم السلام بوده و خلف صادقی برای پیشینیان خویش به شمار می‌روند و در قرن خود تحوّل ایجاد نموده‌اند. از جمله این عالمان ژرف اندیش و متفکران سترگ، که تمامی عمر خود را برای اعتلای معنوی مذهب جعفری به کار بسته و دمی را از دست نداده‌اند، عالم بزرگوار و مقدّس راحل، آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی قدس سره بود، که پس از سال‌ها تحصیل، تدریس و اقامت در نجف اشرف، و با کوله‌باری مملو از علم و عمل راهی ایران شده و سال‌ها در قم رحل اقامت افکند، و سفره فیض خود را برای طالبان و تشنگان معارف ناب محمدی صلی الله علیه و آله گسترده بود و پرجمعیت‌ترین درس فقه را، که هر روزه در «مسجد اعظم» قم برگزار می‌شد، نصیب ایشان کرده بود. ماحصل تلاش و کوشش شبانه روزی آن مرحوم قدس سره (که بنابر نقل نزدیکانشان، بیش از نیمی از شبانه روز را به مطالعه و تحقیق اختصاص داده بودند) تربیت هزاران شاگرد فاضل و

ص: ۹

محقق و عالم، که اغلب محققان نامی و فقهای برجسته کشور به شمار می‌روند و کرسی درس سطح عالی حوزه را به عهده دارند، موجب این گردیده که سالیان سال حوزه‌های علمیه، مدیون زحمات شبانه روزی و ثمرات باقیه ایشان باشند. اما در این میان نکته‌ای که بسیار در غفلت مانده، حجب و حیای ذاتی آن مرحوم و نیز حساسیت ویژه‌ای است که نسبت به دوری از شهرت و تبعات ناشی از آن داشته‌اند. او پدری مهربان و رئوف بود و رحلت ایشان ثلمه‌ای بود غیرقابل جبران، «اذا مات العالم ثلّم فی الاسلام ثلّمه لایسدّها شیء» چرا که خسارت جبران ناپذیری که با فقدان ایشان

حوزه های علمی و مراکز آموزشی را فرا خواهد گرفت، به مرور و روز به روز بیشتر از گذشته رخ نمایانده و احساس خواهد شد. به یقین آیندگان به مرور زمان شأن و منزلت او را درک می کنند، زمانی که او دیگر در میان ما نیست. »

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا

« سلام و درود خداوند بر او باد که جز در راه رضای حق گام برنداشته و به غیر از رضای او به چیز دیگری نیندیشید.

مرحوم میرزا قدس سره مصداق عینی و بارز قول امام صادق علیه السلام بودند که فرمود: »

مَنْ كَانَ مِنَ الْفَقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلَّدُوهُ

« .مرحوم میرزا قدس سره در تمام لحظات، یا مشغول مطالعه، درس ویا تألیف بودند و تا آخرین لحظه عمر، مانند یک

طلبه جوان کار می کردند و هم و غمشان نشر علوم آل محمد صلی الله علیه و آله و تربیت طلباب بود؛ ایشان با تمام

وجود

ص: ۱۰

از معتقدات شیعه دفاع کردند و اجازه نمی دادند که کسی در مذهب و معتقدات شیعه شبهه ای وارد کند. ایشان در قرن

خود در ردّ شبهات تحوّل ایجاد نمودند و در مقابل هر شبهه ای ایستاده و جوابگو بودند که نمونه بارز آن دفاع قهرمانانه

ایشان از مظلومیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

مرحوم میرزا قدس سره با عملکرد خود طریقی را ترسیم کردند که تا ابد در قلوب محبّان و مخلصان اهل بیت علیهم

السلام جای گرفته و آثار آن در جامعه به وضوح مشاهده می شود. ایشان قدس سره هنگامی که احساس کردند بعضی

افراد به دلیل جهالت و وابستگی سعی دارند در مظلومیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام شبهه وارد کنند، با هیئت عزا،

با پای برهنه، و بر سر و سینه زنان با عده ای از مخلصین درگاه ولایت، خارج شدند و با تمام وجود از مظلومیت آن

حضرت علیها السلام دفاع کردند؛ به طوری که این حرکت سنت شد و همه ساله هیئت های مذهبی بر سر و سینه زنان

جهت اظهار ارادت به آن صدیقه شهیده علیها السلام به صورت دسته های عزا از محل و تکیه خود خارج می شوند و

نسبت به آن کریمه دو عالم ابراز ارادت می کنند.

ایشان علاوه بر تحوّل علمی در قرن خود و تربیت طلبّاب فاضل و متدین، تحوّل علمی حوزه ایجاد کردند و امروزه شاگردان آن فقید از دست رفته، سکّان دار هدایت جامعه، و استادان دروس سطح عالی حوزه می‌باشند. دیگر از افتخارات این بزرگ مرجع، مواقف شجاعانه

ص: ۱۱

ایشان در دفاع از مسلمّات تشیّع است که تا ابد برایشان ثبت است و این موضع گیری‌های شجاعانه موجب شد که ایّام فاطمیّه به عاشورای دیگری تبدیل شود. مرحوم میرزا قدس سره آن‌گونه زندگی کرد که به واقع روز وفات ایشان

يَوْمَ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٍ

بود و تمام مردم به خصوص طلبّاب فاضل و متدین در حسرت فراق آن یار سوختند و بر سر و سینه زنان، پیکر مطهر آن عالم بزرگوار را تشییع کردند. هرکدام از ابعاد وجودی مرحوم میرزا قدس سره خود نیاز به کتابی مستقل و مفصّل دارد؛ زیرا فقید راحل قدس سره آن‌گونه زندگی کرد که لحظه به لحظه زندگی پرمعنا و ملکوتی ایشان قابل ثبت می‌باشد، امید است که این جزوه که جهت نقل شمه‌ای از حیات معنوی آن فقیه مقدّس قدس سره نگاشته شده، جهت استفاده و الگوگیری به‌خصوص برای طلاب جوان مقبول بیفتد و ذخیره‌ای باشد برای

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

. و این کتابی که در دست شما می‌باشد حاصل مجموعه‌ای از استفتائات ایشان قدس سره می‌باشد که ان شاء الله چراغی باشد بر رهروان پاک سیدالشهداء علیه السلام و عاشقین راستین آن حضرت علیه السلام آمین یا رب العالمین.

مرکز تحقیقات دار الصدیقه الشهیده علیها السلام

قم مقدسه، رمضان سال ۱۴۲۸ ه. ق

ص: ۱۲

زندگی نامه‌ی استاد الفقهاء والمجتهدين، ميرزا جواد تبریزی قدس سره

یکی از اعیان و مفاخر فقهای نامدار شیعه و یکی از اکابر و متبحرین در علوم اسلامی و یکی از استوانه‌های فقهی و اجتهادی در فقه جعفری، که از نظر آثار و برکات وجودی، بسیار با برکت بوده، استاد الفقهاء والمجتهدين، ميرزا جواد تبریزی قدس سره است. ایشان بسیار عابد و زاهد، اهل خشوع و تهجد بود و بر علم و دانش مداومت جدی داشت. جماعت بسیاری از فضلاء از او بهره بردند. او بر تمام موالین و محبین اهل بیت علیهم السلام، بالاخص طلاب حوزه حق زیادی دارد؛ زیرا که در قرن خود در معارف و ولای اهل بیت علیهم السلام تحوّل عظیم ایجاد نمود.

هرگاه در پی شناخت ایشان برآییم، ایشان را آگاه بر هر فنی خواهیم یافت. جملات مدح و ستایش، در معرفی او ناتوانند. گویا او تندیس علم، دانش و ادب و تجسم فضل و کمال است.

فقیهی هوشیار، محدثی پارسا، شخصیتی جلیل القدر و سرچشمه‌ی بزرگواری‌ها و فضیلت‌ها، و دارای تألیفات سودمندی است. علمای دین نه تنها از استاد خود درس علم و دانش می‌آموزند، بلکه مراتب معنوی و منازل کمال را نیز سپری می‌نمایند. مرحوم ميرزا جواد تبریزی قدس سره همزمان با طی مدارج علمی، و سریع‌تر از آن مراحل معنوی؛ کمالات

ص: ۱۳

روحي را پيمودند تا آنجا که مصداق واقعی عالم ربّانی گردیدند. این ادعا با مروری بر سجایای اخلاقی ایشان کاملاً روشن می‌شود، از جمله خصائص بارز اخلاقی مرحوم ميرزا قدس سره می‌توان به این موارد اشاره کرد:

یاد خداوند متعال: مرحوم ميرزا قدس سره هیچ گاه از یاد خدا غافل نبودند و تمام اعمالشان را با قصد قربت انجام می‌دادند.

زیارت و توسل: مرحوم ميرزا قدس سره به زیارت ائمه‌ی هدی علیهم السلام اهمیت فراوانی می‌دادند و هر جا فرصت می‌یافتند و یا امکان برایشان حاصل می‌شد، شروع به خواندن دعا و زیارت ائمه علیهم السلام می‌نمودند.

توجه خاص و توسل به معصومین علیهم السلام باعث گردیده بود که مرحوم ميرزا قدس سره به تألیف کتب عقایدی روی آورند و اهمیت خاصی به ردّ شبهات و دفاع از کیان تشیع و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام دهند.

زهد و پارسایی: یک ویژگی بسیار مهم در زندگی این بزرگ مرد، زهد، پارسایی و ساده زیستی ایشان بود. مرحوم میرزا قدس سره تمام امکانات را در اختیار داشتند اما با همه‌ی اینها، زندگی شخصی ایشان در نهایت زهد و پارسایی سپری می‌شد.

تواضع: تواضع مرحوم میرزا قدس سره از دیگر خصائص ایشان بود. مرحوم میرزا قدس سره هیچ‌گاه به مقام اجتماعی و بالا و پائین بودن موقعیت نظر نمی‌کرد. آن خصائص روحی و کمالات معنوی و آن علم و دانش گسترده، از او شخصیتی ممتاز ساخته بود.

ص: ۱۴

سعه صدر، خوش فهمی، حسن سلیقه، داشتن نظم و برنامه‌ی تحصیلی، ظرافت طبع، معنویت سخن، پختگی و بی‌نقص بودن آثار علمی، تخلّق به اخلاق الهی و قرب منزلت از خصوصیات این عالم ربّانی است.

تعلیم و تعلّم از مهم‌ترین خدمات ایشان به شمار می‌آید. شخصیت بارز علمی ایشان، در دقیق بودن مطالب، عمیق فکر کردن و حسن سلوک با طلبّاب باعث می‌شد هر روز گروه بیشتری از افراد علاقه‌مند و با استعداد، به سوی مجلس درس ایشان جذب شوند.

ایشان یکی از اعجوبه‌های روزگار خود بودند که در زمینه‌های مختلف علمی از جمله فقه، اصول، کلام، رجال و ... کتاب‌هایی ارزشمند نوشته‌اند که به زیور طبع آراسته شده، و در حدود ده‌ها کتاب از آثار خطی از ایشان به جای مانده است که حاکی از نبوغ این فقیه فقید است.

این تألیفات فراوان و گوناگون در علوم و فنون مختلف اسلامی، هر کدام گوهری تابناک و گنجینه‌ای پایان‌ناپذیر است که هم اکنون با گذشت ایّام روز به روز بر ارزش و اعتبار آنها افزوده می‌شود و جایگاهی بس رفیع و والا یافته‌اند و در صدر قفسه‌ی کتابخانه‌ها و حقیقت در سینه‌ی فقها و دانشمندان جای می‌گیرند که از میان آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- ارشاد الطالب فی شرح المکاسب، ۷ جلد؛ ۲- تنقیح مبانی العروة

ص: ۱۵

(الطهارة)، ۷ جلد؛ ۳- تنقیح مبانی العروة (الصلاة)، ۶ جلد؛ ۴- تنقیح مبانی العروة (الحج)، ۳ جلد؛ ۵- تنقیح مبانی العروة (كتاب الصوم)؛ ۶- تنقیح مبانی العروة (كتاب الزكاة والخمس)؛ ۷- اسس القضاء والشهادات؛ ۸- اسس الحدود والتعزیرات؛ ۹- كتاب القصاص؛ ۱۰- كتاب الديات؛ ۱۱- كتاب النكاح؛ ۱۲- كتاب الاجاره؛ ۱۳- تعليقه بر عروة الوثقی؛ ۱۴- تعليقه بر منهاج الصالحین؛ ۱۵- طبقات الرجال؛ ۱۶- الدروس فی علم الاصول (دورهی کامل اصول)؛ ۱۷- صراط النجاة، ۱۲ جلد؛ ۱۸- كتاب ظلمات فاطمة الزهراء عليها السلام (در حال چاپ)؛ ۱۹- كتاب اميرالمؤمنین علی بن ابی طالب: (در حال چاپ)؛ ۲۰- فدک؛ ۲۱- الشعائر الحسينية (فارسی - عربی)؛ ۲۲- زیارت عاشورا فراتر از یک شبهه؛ ۲۳- زیارت عاشوراء فوق الشبهات؛ ۲۴- نفی السهو عن النبی صلی الله علیه و آله؛ ۲۵- النصوص الصحيحة علی الائمة عليهم السلام؛ ۲۶- الانوار الالهية فی المسائل العقائدية؛ ۲۷- النکات الرجالية (مخطوط)؛ ۲۸- ما استفدت من الروایات فی استنباط الاحکام الشرعية (وسائل الشیعة مخطوط)؛ ۲۹- النصایح (فارسی - عربی)؛ ۳۰- آداب المتعلمین (عربی)؛ ۳۱- زیارت عاشورا؛ ۳۲- حضرت رقیه علیها السلام و

فوائد ارزشمند نوشته‌های ایشان همچون ابر بهاری با قطرات حیّات بخش خود، دل‌های تشنه‌ی علم و دانش را سیراب می‌سازد.

تألیفات او بر پیشانی روزگار همچون مروارید می‌درخشد و کلماتشان

ص: ۱۶

در میان سطرها همچون گوهرهایی گرانبها کنار هم چیده می‌شود.

تمام کسانی که از ایشان یاد کرده‌اند، جز ستایش و تعریف چیزی نگفته‌اند و بنابر شهادت تمام بزرگان، مرحوم میرزا قدس سره قلّه‌های رفیع علوم مختلف از جمله فقه، اصول، کلام، رجال و ... را فتح کرده است.

آری به حق که او شایسته الطاف ویژه ربّانی بود و آیت حقّی که، خود شیفته و دلسوخته اقطاب عالم امکان، و قطرات زلال اشکش که همواره با ذکر نام و یاد مظلومیت، مظلوم‌ترین خاندان تاریخ، در صفحات اضمّار محبّان جاری بود، خود گواهی صادق بر این مدعاست که با پزوکی به وسعت دامنه ازمان در قلب دوست داران ائمه اطهار طنین افکن بود. این مرد سترگ و فقیه فقید آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی قدس سره در عصر طوفان شبهات خصم، با صلابتی به یاد ماندنی، در دفاع از حریم بی بی دو عالم فاطمه زهرا علیها السلام با پای برهنه قدم در مسلخ عشق گذاشت و با هر گامی که بر جاده‌های تفدیده جهل و نادانی پیش می‌نهاد، داغ گرانی بر آمال و امیال شیطان صفتان می‌گذاشت.

مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره در روز شهادت مظلومانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با چشمی گریان و پایی عریان، اشک ریزان خود را به حرم و حریم ملکوتی دخت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رساند که از امام رضا علیه السلام از ثواب زیارت آن بانو سؤال شد؟ حضرت فرمود: «

من

ص: ۱۷

زارها فله الجنة

«۱. تا با دلی داغدار و حرکتی ماندگار، در این فاجعه عظمی با حضرتش همدردی کرده و به همه مشتاقان بگوید: ای دوستان اهل بیت علیهم السلام، ای محبان اهل ولاء بر حذر باشید و نگذارید حرف‌های انحرافی عده‌ای جاهل، عوام از مردم را، از نیل به فوز اعظم دلسرد کنند، و این ندای جاوید در گوش فلک و ملک پیچید که سالکان سعادت، راهی جز دست بدامان شدن اهل بیت علیهم السلام ندارند.

این مرد ملکوتی سال‌ها در جوار حرم جبروتی وصی بر حق آخرین رسول سرمدی، نفس خویش را به عطر مضجع امیرمؤمنان علیه السلام معطر نمود و در تهذیب و تزکیه سخت کوشید و در عین حال در حلقه درس فقهاء و اکابر فقه و اصول که هر کدام استوانه وزین در آن بودند حضور فعال یافت از جمله اساتید ایشان، می‌توان به آیاتی چون: آیت الله بروجردی رحمه الله، آیت الله سید عبدالهادی شیرازی رحمه الله، آیت الله خویی رحمه الله، آیت الله حجّت کوه کمره‌ای رحمه الله، آیت الله زنوزی رحمه الله، آیت الله خوانساری رحمه الله و ... اشاره کرد و نیز جلب اعتماد ویژه استادان مبرز حوزه،

ص: ۱۸

از شاخصه‌هایی است که در کمتر کسی از عالمان معاصر دیده می‌شود.

اما در این میان، قرابت علمی آن مرحوم قدس سره با مرحوم آیت الله خویی رحمه الله، ابهت خاصی را به شیوه علمی و نگارش فقهی و اصولی آن مرحوم قدس سره بخشیده است، به طوری که همین ویژگی، در کنار دقت نظرهای دقیق

۱ (۱) - کامل الزیارات، ص ۵۳۶، ح ۸۲۶؛ ثواب الاعمال، ص ۹۸؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۶ و ج

۱۰، ص ۴۵۲؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۶ و ج ۵۷، ص ۲۲۸ و ج ۹۹، ص ۲۶۵.

ایشان، پرجمعیت‌ترین درس فقه را، نصیبشان کرده بود با انتشار خبر حضور مرحوم میرزا قدس سره در قم طلباب به دور این استاد گرانقدر حلقه زده و با شرکت در محافل علمی میرزا قدس سره بهره‌های وافیه می‌بردند. دقت نظر، تسلط بالا، احاطه بر مبانی و شاگرد پروری، از محسّنات درس ایشان بود که ماحصل تلاش و کوشش شبانه روزی آن مرحوم قدس سره (که بنابر نقل نزدیکانشان، بیش از نیمی از شبانه روز را به مطالعه و تحقیق اختصاص داده بودند) تربیت صدها شاگرد فاضل، محقق و عالم، که اغلب محققان نامی و فقهای برجسته کشور به شمار می‌روند و کرسی درس سطح عالی حوزه را به عهده دارند، سیره علمی و عملی آن فقید سعید موجب گردیده که حوزه‌های علمیه، سالیان سال مدیون زحمات شبانه روزی و ثمرات باقیه ایشان باشند. اما در این میان نکته‌ای که بسیار محفوف مانده، حجب و حیای ذاتی آن مرحوم و نیز حساسیت ویژه‌ای است که نسبت به دوری از شهرت و تبعات ناشی از آن داشته‌اند. در عین اینکه از میرزا قدس سره، به عنوان آخرین حلقه اتصال به فقهای عظام شیعه و استوانه‌های تأثیرگذار حوزه یاد می‌شود، بارها مشاهده می‌شد که با طلاب و دانشجویان حتی جوانان، به مباحثه نشست و هیچ گاه مرجعیت

ص: ۱۹

و مقام علمی والای ایشان، مانع از آن نمی‌شد که تازه نفس‌ها را رانده، و خود را فراتر از دنیای پریها و جنجال‌ها بدانند. عشق به اهل بیت علیهم السلام و به خصوص بانوی دو عالم، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که بارها با راهپیمایی‌های پا برهنه خود در روز شهادت آن حضرت، عشق و ارادت خود را نسبت به ایشان نشان داده بودند، یکی از رموزی است که بدون شک، تمامی زندگی پربار آن مرحوم قدس سره متأثر و نشأت از آن گرفته بود. از دیگر ویژگی‌های آن مرحوم قدس سره که شاگردان و ارادتمندانش همگی بر آن متفق القول اند، عنایت خاص ایشان به محرومان و به خصوص افرادی بود که در جامعه از آنها به عنوان بی‌کس و کار یاد می‌شود.

او پدری مهربان و رؤف بود و رحلت ایشان ثلمه‌ای بود غیرقابل جبران،

«إذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمة لا یسدّها شیء»^۲

چرا که خسارت جبران ناپذیری که با فقدان ایشان حوزه‌های علمی و مراکز آموزشی را فرا گرفته، به مرور و روز به روز بیشتر از گذشته رخ نمایانده و احساس خواهد شد. به یقین آیندگان به مرور زمان شأن و منزلت او را درک می‌کنند، زمانی که او دیگر در میان ما نیست. »

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» ۳

سلام و درود خداوند بر او باد که جز در راه رضای حق گام برنداشته و به غیر از رضای او به چیز دیگری نیندیشید.
البته از این

ص: ۲۰

نکته نباید غافل بود که در هر زمان و هر مکانی به فراخور حال، اشخاص و عالمانی که پیرو واقعی امامان معصوم علیهم السلام و خلف صادقی برای پیشینیان خویش به شمار می‌روند، بوده و هستند و مرحوم میرزا قدس سره یکی از آن بزرگانی است که مصداق عینی و بارز قول امام علیه السلام: «

مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلَدُوهُ» ۴

می‌باشد، با نظر به وصیت نامه مرحوم میرزا قدس سره می‌توان پی برد که چگونه ایشان به دنبال طرح مسائلی بودند که روح اسلام و دین به آن وابسته است و فراموش کردن هر یک از آن فرازا مصیبتی غیر قابل جبران به دنبال دارد.

مرحوم میرزا قدس سره آن‌گونه زندگی کرد که به واقع روز وفات ایشان

يَوْمٌ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٍ

بود و تمام مردم به خصوص طلاب فاضل و متدین در حسرت فراق آن یار سوختند و بر سر و سینه زنان، پیکر مطهر آن عالم بزرگوار را تشییع کردند. هرکدام از ابعاد وجودی مرحوم میرزا قدس سره خود نیاز به کتابی مستقل و مفصل دارد؛ زیرا فقید راحل قدس سره آن‌گونه زندگی کرد که لحظه به لحظه زندگی پرمعنا و ملکوتی ایشان قابل ثبت می‌باشد.

ص: ۲۱

وفات

۳ (۲) - مریم، آیه ۱۵.

۴ (۱) - الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۳.

مردان الهی با رفتن از دنیا نمی‌میرند؛ بلکه تا ابد در یاد و خاطر آیندگان زنده‌اند و برکات آنان در ایام زندگیشان خلاصه نیست؛ بلکه پس از وفات نیز به واسطه‌ی تألیفات، شاگردان و باقیات و صالحاتی که بر جای گذارده‌اند منشأ بسیاری از عنایات الهی برای مردم هستند.

مرحوم میرزا قدس سره هنگام مرگ، خدمات فراوانی از خود بر جای گذاشتند که به لطف پروردگار پس از ایشان شاگردان و فرزندان، ادامه دهندگان این راه پرفروغ، بوده و خدمات ارزشمندی ارائه می‌نمایند، اما جای خالی یک عالم فرزانه را هیچ کس و هیچ چیز پر نمی‌کند.

چراغ عمر مرحوم میرزا قدس سره پس از ۸۲ سال نورافشانی، در شب ۲۷ شوال سال ۱۴۲۷ ه. ق در شهر مقدس قم خاموش گشت و جهان از فیض وجود این عالم گرانمایه محروم شد و در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام کنار قطعه‌ی بزرگان و مفاخر مذهب آرامید. راهش پر رهرو و یادش گرامی باد، آمین یا رب العالمین.

ص: ۲۲

آخرین توصیه‌های فقیه مقدس، آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی قدس سره

در بستر بیماری چند روز قبل از رحلت، در ایام شهادت رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

ایام شهادت امام صادق علیه السلام در حالی فرا می‌رسد که من در بستر بیماری هستم؛ پس قلبم از اندوه پر شده و اشک‌هایم جاری است، از حزن بر مصائبی که بر آن امام بزرگوار علیه السلام وارد شده است، از محاصره و دستگیری آن حضرت علیه السلام از سوی عُمّال منصور و بردن آن بزرگوار علیه السلام با پای برهنه در حالی که حضرت عمامه بر سر نداشت، همان‌طور که جدّ بزرگوارشان، امیرالمؤمنین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام را نیز به آن حال دستگیر کرده و به اجبار بردند، تا ترساندن عیالات آن حضرت و رعب و وحشتی که بر اهل بیت حضرت علیه السلام مستولی شده بود (همان‌طور که بر فرزندان امام حسین علیه السلام در کربلا مستولی بود) تا قطعه قطعه شدن قلب مبارک حضرت

علیه السلام در اثر سم مهلک، همان طور که قلب جدّ مظلومشان امام حسین علیه السلام با تیرها قطعه قطعه شده بود. پس از اعماق قلبم آرزو دارم که در احیای مراسم عزاداری جهت این فاجعه‌ی دردناک شریک باشم، و این امر باعث شده تا برادران و فرزندان مؤمنم را مورد خطاب قرار داده و از آنها بخواهم که در احیای مراسم عزاداری اهل بیت علیهم السلام و در ایام شادی و حزن آن بزرگواران و اقامه‌ی

ص: ۲۳

مجالس عزاداری برای مصائب اهل بیت علیهم السلام تلاش نمایند و ضمن برگزاری مجالس با عظمت و پر شکوه، آن را با امور موهن، از قبیل کف زدن و استعمال آلات موسیقی و مثل آن اموری، که موجب اذیت اهل بیت علیهم السلام می‌شود، هتک ننموده و نیز در ترویج شعائر حسینی، به نحوی که بین طائفه‌ی برحق شیعه معروف است، و زنده نگه داشتن مظلومیت اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ و گذر زمان تلاش نمایند و برای کسانی که در این شعائر تشکیک کرده و در جهت تغییر، تبدیل یا محو آن تلاش می‌کنند، مجالی باقی نگذارند، که این شعائر، همان چیزی است که سیره‌ی علمای ابرار ما بر آن جاری است و شیعیان مخلص اهل ولاء در طول قرون متمادی بر آن مشی کرده‌اند و این خود به کار بستن دستورالعملی است که از حضرات معصومین علیهم السلام وارد شده است که فرموده‌اند:

من تذاکر مصابنا وبکی لما ارتکب منا کان معنا فی درجتنا یوم القیامه، ومن ذکر بمصابنا فبکی وابکی لم تبک عینه یوم تبکی العیون، ومن جلس مجلساً یحیی فیهِ أمرنا لم یمت قلبه یوم تموت فیهِ القلوب ۵

، و نیز وارد شده است:

ان

البکاء والجزع مکروه للعبد فی کل ما جزع، ما خلاء البکاء والجزع علی الحسین بن علی علیهما السلام فانه فیهِ مأجور ۶.

ص: ۲۴

همه‌ی مؤمنین می‌دانند که اینجانب وقتی مشاهده نمودم که بعضی از اشخاص در صدد تشکیک در مسلمات طائفه‌ی برحق امامیه و عقاید برحق آنها هستند و می‌خواهند مظلومیت صدیقه‌ی طاهره، حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را

۵ (۱). امالی صدوق، ص ۱۳۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۲.

۶ (۲). کامل الزیارات، ص ۲۰۱، ح ۲۸۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۷؛ الفصول المهمه فی اصول الائمه، ج ۳، ص ۴۱۳.

مورد خدشه قرار دهند، به صورتی واضح و صریح و بدون ملاحظه و مجامله با هیچ شخص، هر کس که باشد، در صدد دفاع از مظلومیت بانوی بزرگوار اسلام و شفیعه‌ی روز جزا، فاطمه‌ی شهیده‌ی مظلومه علیها السلام و دفاع از حریم عقاید مذهب برآمدن و مؤمنین را نسبت به خطر این افکار پلید و تشکیکات مخرب آن مطلع ساختم و در این راه مصائب و اذیت‌هایی را از دور و نزدیک متحمل شدم؛ ولیکن اینها ما را از ادامه‌ی راه فداکاری و دفاع از مذهب برحق جعفری باز نداشته و مانع نشده است. به این جهت، به برادران مؤمن، اهل ولایت و باغیرت تأکید می‌کنم که در مسیر دفاع از مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و عقاید برحق آنها، استقامت داشته باشند و از کید دشمنان مذهب و مکر تشکیک کنندگان و یاوه سرایان نترسند که شما به کمک حضرت حجت علیه السلام پیروز خواهید بود. به تبلیغات مادی و دنیایی آنها که غرض‌شان برگرداندن شما از وظیفه‌ی دفاع از مذهب حق است، ترتیب اثر نداده و به آن اعتنایی نکنید. همان‌طور که از علما و فضلا انتظار می‌رود که نهایت تلاش خود را در این راه مبارک به کار گیرند؛ هر چند راه سخت و دشواری است که از معصومین علیهم السلام وارد شده است:

إذا

ص: ۲۵

ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالَمِ أَنْ يُظْهَرَ عِلْمُهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سُلِبَ مِنْهُ نُورُ الْإِيمَانِ ۷

. در نهایت به برادران مؤمن خود نسبت به ضرورت احیای این حادثه‌ی عظیم؛ یعنی زنده نگه داشتن شهادت رئیس مذهب، امام صادق علیه السلام تأکید می‌کنم و از آنها می‌خواهم که این مراسم را مانند ایام عاشورا و ایام فاطمیه، در این سال و همه‌ی سال‌ها جهت تحکیم ارکان مذهب جعفری و تجلیل از این امام بزرگ که حیات خود را در راه نجات ما از هر گونه گمراهی فدا کرد، زنده نگه دارند. از خداوند متعال مسئلت دارم که همه را برای خدمت به ائمه‌ی معصومین علیهم السلام موفق گرداند؛

أَنَّهُ سَمِعَ الدُّعَاءَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

ص: ۲۶

وصیت‌نامه‌ی فقیه مقدس، آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی قدس سره

بسمه تعالی

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكَ أَعْدَائَهُمْ

حال که پیکر اینجانب بر دستان شماسه؛ بر دستان شاگردان عزیزم که سال‌ها برای موفقیت آنان تلاش کردم و هیچ‌گاه تعطیلی را احساس نکردم، ویا در قبر آرمیده است، این ناقابل نصیحتی دارم که در طول حیاتم سعی کرده‌ام قبل از آنکه نصیحتی متوجه کسی کنم، خود بدان عمل کرده باشم. بر تمام مؤمنین است که با دل و جان از مسلمات مذهب حق دفاع کنند و هیچ‌گاه اجازه ندهند بعضی با القای شبهه، عوام از مؤمنین را فریب دهند، به خصوص در مسائل شعائر حسینی که تشیع به واسطه‌ی آن زنده است، حفظ شعائر اهل بیت علیهم السلام حفظ مذهب برحق تشیع است. در آن کوتاهی نکنید که مسئول هستید. به طلاب عزیز نصیحت می‌کنم که با جدّیت و تلاش، تقوای الهی را پیشه خود کنند و در امر تحصیل تلاش کنند و همواره رضای خدا را مدّ نظر داشته باشند.

اینجانب در طول دوران عمرم، طلبه‌ای بیش نبودم و مثل یک طلبه‌ی جوان شب و روز در امر تحصیل تلاش می‌کردم تا بتوانم خدمتی ناچیز داشته باشم و اثری از خود بر جای بگذارم که طلاب عزیز از آن استفاده

ص: ۲۷

کنند. عزیزانم! سگان هدایت مردم به دست شماسه. کاری نکنید که دل امام زمان علیه السلام به درد آید. او به اذن خدا ناظر بر اعمال ماست و در همین جا از پیشگاه مبارکشان می‌خواهم که اگر کوتاهی از سوی اینجانب سر زده، بر من ببخشند، عزیزانم! به دعای خیر شما نیاز دارم. من چه در میان شما باشم یا نباشم، دلی به دنیا نبسته‌ام که در ادای وظیفه‌ی خود تردید کرده باشم، هنگامی که در میان شما بودم، خود را یک خادم کوچک حساب می‌کردم و امیدوارم این خدمت ناچیز، مورد رضایت اهل بیت علیهم السلام واقع شده باشد که رضای آنان رضای خداست. حال که در میان شما

نیستم، به دعای خیر شما عزیزان محتاجم. در پایان بر حفظ شعائر تأکید می‌کنم و ضمن طلب دعای خیر، شما عزیزان را به خدای بزرگ می‌سپارم.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ جَمِيعاً وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

جواد تبریزی

ص: ۲۸

سند تبدیل فاطمیه به عاشورای دوم

با اقدام شجاعانه و به موقع آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی قدس سره، فاطمیه به عاشورای دیگر تبدیل شد. در نیمه‌ی دوم قرن پانزدهم هجری؛ یعنی در روز سوم جمادی الثانی سال ۱۴۱۴ ه. ق، برابر با سال ۱۳۷۴ ه. ش، ایام فاطمیه، به همت فقیه مقدس میرزای تبریزی قدس سره به عاشورای دیگر تبدیل شد. ایشان با مشاهده‌ی تشکیکات در خصوص واقعه‌ی هجوم به خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام مجلس عزاداری روز شهادت حضرت علیها السلام را با پای برهنه و بر سروسینه زنان برگزار کردند و در تاریخ تشیع، اولین مرجعی بودند که با اقدام به این کار ضمن تحوّل در مراسم فاطمیه، آن را به عاشورای دیگر تبدیل کردند و این افتخار تا ابد در پرونده‌ی ایشان قدس سره ثبت شد و سال‌های بعد با الگوگیری از آن مرجع فاطمی، آن سنت حسنه ادامه یافت و امروز برگزاری فاطمیه و عظمت آن، مرهون تلاش و موافق شجاعانه‌ی آن فقید راحل می‌باشد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

ص: ۲۹

زیارت و عزاداری از دیدگاه شیعه

و ردی بر ادعای اهل سنت با استفاده از روایاتشان

«مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا؛ ۸»

هرکس مرا (پیامبر صلی الله علیه و آله) یا یکی از ذریه‌ی مرا زیارت کند، او را در روز قیامت ملاقات خواهم کرد و از مواضع هولناک آن نجات می‌دهم».

استحباب زیارت (قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای خدا علیهم السلام)

هرچند که اصل زیارت قبور مستحب است ولی زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرات معصومین علیهم السلام از اولویت خاصی برخوردار است و بر استحباب آن تأکید بیشتری شده است؛ زیرا علاوه بر روایاتی که در این خصوص وارد شده، آثار تربیتی زیارت قبور این اولیای خدا بسیار زیاد است؛ زیارت آنها بزرگداشت کسانی است که عمری در طریق ایمان و تقوا گام برداشته‌اند و در واقع زیارت آنها ارج نهادن به ایمان و تقوا و ارزشهای معنوی و ترویج آن اوصافی است که در اولیای خدا وجود دارد.

و نیز زیارت قبور اولیای خدا نوعی اظهار محبت به کسانی است که

ص: ۳۰

دوست داشتن آنها در شرع لازم و ضروری و از جمله علامات ایمان دانسته شده است.

در خصوص زیارت قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایاتی وارد شده است، برخی از این روایات از طریق شیعه و برخی دیگر از طریق اهل سنت می‌باشد:

بعضی از روایات وارد شده از طریق شیعه:

امام صادق علیه السلام از پدرش علیهم السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مرا در حال حیات و ممات زیارت کند، در روز قیامت شفیع او خواهم بود^۹.

۸ (۱). کامل الزیارات، ص ۴۱، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۲.

۹ (۱). عن الصادق علیه السلام عن أبيه إن النبي صلى الله عليه وآله قال: «من زارني حيًّا وميتًا كنت له شفيعاً يوم القيامة» (بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۳۹، ح

۲؛ أبواب زيارة النبي صلى الله عليه وآله وسائر المشاهد في المدينة)

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: وقتی زیارت خانه خدا می‌روید حج خود را با زیارت قبر شریف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به پایان برید؛ زیرا که ترک زیارت آن حضرت جفاست و به این عمل امر شده‌اید و نیز حج خود را تمام کنید با زیارت قبوری که خداوند زیارت و ادای حق آنها را بر شما لازم کرده است و نزد آنها طلب روزی کنید ۱۰.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک کنند بر

ص: ۳۱

عهده والی مسلمین است که مردم را به این کار مجبور کند و این که نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله باشند و اگر امکانات مالی نداشتند والی از بیت المال مسلمانها هزینه آنها را بپردازد ۱۱.

و بسیاری روایات دیگر در این خصوص از طریق شیعه وارد شده است

بعضی از روایات وارد شده از طریق اهل سنت:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب می‌شود ۱۲.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مرا پس از مرگ زیارت کند، مانند این است که در حال حیاتم زیارت کرده است ۱۳.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مرا به قصد قربت در مدینه زیارت کند، شفیع او خواهم بود ۱۴.

۱۰ (۲). قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «أَتَمُّوا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَجَّكُمْ إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ، فَإِنَّ تَرْكَهَ جَفَاءٌ وَبِذَلِكَ أَمَرْتُمْ، وَأَتَمُّوا بِالْقَبْرِ الَّتِي أَلَزَمَكُمْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ زِيَارَتَهَا وَحَقَّهَا وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ عِنْدَهَا». (بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۳۹، ح ۳)

۱۱ (۱). عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «... وَلَوْ تَرَكُوا زِيَارَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجِيرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمَقَامِ عِنْدَهُ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَمْوَالٌ أَنْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ». (وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۱۶، ح ۲)

۱۲ (۲). عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجِيتَ لَهُ شَفَاعَتِي». (سنن دار قطنی، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۲۶۶۹؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۲۶؛ لسان المیزان، ج ۶، ص ۱۳۵)

۱۳ (۳). عَنْ حَاطِبِ بْنِ أَبِي بَلْتَعَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَوْتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي فِي حَيَاتِي». (سنن دار قطنی، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۲۶۶۸؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۸۶)

و روایات دیگری که از طریق اهل سنت وارد شده است ...

خداوند متعال در قرآن کریم به اهل معصیت از مؤمنان دستور می‌دهد: خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بروند و از آن حضرت بخواهند که از خدا برای آنها طلب مغفرت کند. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» ۱۵ در چنین صورتی امید است که خدا آنها را ببخشد. از آنجا که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به فرموده خداوند متعال در قرآن کریم اسوه حسنه است:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» ۱۶ پس نسبت به او که مصداق اتم و الگوی اکمل در کمالات و عبودیت حضرت حق است، حیات و ممات فرقی نمی‌کند، و به مفاد روایات زیادی پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از حیات شریفشان به اذن خداوند سبحان ناظر بر اعمال ما بوده و همواره برای امتش طلب رحمت و مغفرت می‌کند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: زندگی من برای شما خیر است که با هم سخن می‌گوییم و مرگ من نیز برای شما خیر است که اعمال شما بر من عرضه می‌شود، اگر عمل خیری دیدم بخاطر آن خدا را سپاس می‌گویم و اگر عمل بدی دیدم از خدا برای شما طلب مغفرت می‌کنم ۱۷.

بنابراین می‌توان گفت: مسافرت برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله، همانند مسافرت برای دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات آن حضرت است.

۱۴ (۴). عن أنس بن مالك عن النبي صلى الله عليه وآله قال: «من زارني بالمدينة محتسباً كنت له شقيقاً...» (شوکانی، نیل الأوطار، ج ۵، ص ۱۷۹؛ الجامع الضعيف، ج ۲، ص ۶۰۶؛ كنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۵۲)

۱۵ (۱). سورة نساء، آیه ۶۴.

۱۶ (۲). سورة احزاب، آیه ۲۱.

۱۷ (۳). عن عبدالله بن مسعود قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «حياتي خير لكم تحدثون واحدت لكم وفاتي خير لكم تعرض علي أعمالكم فما رأيت من خير حمدت الله عليه وما رأيت من شر استغفرت الله لكم». (مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۴؛ كنز العمال، ج ۱۱، ص ۴۰۷؛ الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۹۴)

از همه اینها گذشته طبق روایات بسیاری که در دست داریم، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر زیارت قبور شهدای احد به آنجا سفر کرده ۱۸ و نیز بعضی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله برای زیارت قبور مسافرت‌ها کرده‌اند و یا همدیگر را به سفر برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت نموده‌اند ۱۹ و اینهمه می‌رساند که سفر برای زیارت قبور مشروع و مطلوب بوده و سیره مسلمانان از عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و صحابه و تابعین به این طرف بر آن جاری بوده است.

ابو هریره می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که از کنار شهدای احد عبور می‌کرد فرمود: گواهی می‌دهم که اینها در روز قیامت نزد خداوند گواه هستند پس به سوی آنها بیاوید و آنها را زیارت کنید. قسم به خدایی که جانم در دست اوست تا روز قیامت هیچکس به آنها سلام نمی‌دهد مگر این که آنها جواب سلام او را می‌دهند ۲۰.

ص: ۳۴

طلحة بن عبیدالله می‌گوید: «با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیرون رفتیم و آن حضرت زیارت قبور شهدای احد را قصد کرده بود. وقتی نزد قبور رسیدیم، فرمود:

این قبور برادران ماست» ۲۱. (منظور از قبور شهدا در اینجا، قبور شهدای احد است که چند کیلومتر با مدینه فاصله دارد).

حضرت علی بن حسین علیهما السلام از سیدالشهداء امام حسین علیه السلام نقل می‌کند که: فاطمه علیها السلام هر روز جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه می‌رفت و در آنجا نماز می‌خواند و گریه می‌کرد ۲۲.

۱۸ (۱). مستدرک الصحيحین، ج ۲، ص ۲۴۸.

۱۹ (۲). واقدی، فتوح الشام، ج ۱، ص ۲۴۴.

۲۰ (۳). عن أبي هريرة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله حين مرّ على شهداء أحد: «أشهد أن هؤلاء شهداء عند الله يوم القيامة فأتوهم و زورهم والذي نفسي بيده لا يسلم عليهم أحد إلى يوم القيامة إلّا ردّوا عليه». (المستدرک علی الصحيحین، ج ۲، ص ۲۴۸؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۸۱؛ تفسیر القرطبی، ج ۱۴، ص ۱۶)

۲۱ (۱). عن طلحة بن عبیدالله قال: «خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وآله يريد قبور الشهداء ... فلما جئنا قبور الشهداء قال: هذه قبور إخواننا». (سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۵۳؛ ح ۲۰۴۳؛ سبل الهدی والرشاد، ج ۸، ص ۳۸۴)

۲۲ (۲). علی بن الحسین علیهما السلام عن أبيه قال: «كانت فاطمة تزور قبر عمّها حمزة في كلّ جمعة فتصلّي وتبکی عنده». (سنن بیهقی، ج ۴، ص ۷۸؛ المستدرک، ج ۱، ص ۳۷۷ و ج ۳، ص ۲۸؛ تلخیص الحبیر، ج ۵، ص ۲۴۹)

ابن عباس گفته: ابوبکر و علی علیه السلام شش روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به زیارت قبر آن حضرت آمدند... ۲۳.

ص: ۳۵

منیب بن عبدالله بن ابی امامه گوید که پدرم گفت: انس بن مالک را دیدم که نزد قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و ایستاد، آنگاه دست‌هایش را بالا برد، به طوری که من گمان کردم نماز شروع کرد، سپس مشاهده کردم که بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاد و از آنجا رفت ۲۴.

از نافع نقل شده که هرگاه عبدالله بن عمر از سفری باز می‌گشت، داخل مسجد می‌شد، سپس نزد قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌آمد و می‌گفت: سلام بر تو ای فرستاده خدا ۲۵.

عبدالله بن دینار گوید: عبدالله بن عمر را دیدم که نزد قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌ایستاد، آنگاه بر حضرتش درود می‌فرستاد و دعا می‌کرد ۲۶.

هنگامی که ابوعبیده با مردم سرزمین بیت المقدس به نبرد پرداخت، نامه‌ای را همراه با میسره بن مسروق برای عمر فرستاد و از او درخواست کرد که در این سرزمین حضور داشته باشد، وقتی که میسره وارد شهر

ص: ۳۶

پیامبر صلی الله علیه و آله شد، شب هنگام بود، در همان وقت به مسجد رفت و بر قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و قبر ابوبکر سلام و درود فرستاد ۲۷.

۲۳ (۳). «عن ابن عباس: جاء أبو بكر وعلي يزوران قبر النبي صلى الله عليه وآله بعد وفاته بستة أيام...» (الرياض النضره في مناقب العشرة، ج ۳، ص ۱۱۸؛ المناقب خوارزمی، ص ۲۹۷؛ جواهر المطالب في مناقب الامام علی علیه السلام، ج ۱، ص ۵۸)

۲۴ (۱). «منیب بن عبدالله بن ابی امامه، عن أبيه قال: رأيت أنس بن مالك أتى قبر النبي صلى الله عليه وآله فوقف فرقع يديه حتى ظننت أنه افتتح الصلاة، فسلم على النبي صلى الله عليه وآله ثم انصرف» (شعب الایمان، ج ۳، ص ۴۹۱، ح ۴۱۶۴؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۳۷؛ امتاع الاسماع، ج ۱۴، ص ۶۱۸)

۲۵ (۲). «عن نافع أن ابن عمر كان إذا قدم من سفر دخل المسجد ثم أتى القبر فقال: السلام عليك يا رسول الله...» (الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۷۸؛ السنن الكبرى، بیهقی، ج ۵، ص ۲۴۵؛ معرفة السنن والآثار، ج ۴، ص ۲۶۸)

۲۶ (۳). «عن عبدالله بن دینار أنه قال رأيت عبدالله بن عمر يقف على قبر النبي صلى الله عليه وآله ثم يسلم على النبي صلى الله عليه وآله ويدعو...» (سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۸، رقم ۲۳۰۴۳)

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام گوید: سه روز پس از به خاک سپاری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردی بر ما وارد شد، آن گاه خودش را روی قبر آن حضرت انداخت و مقداری از خاک آنجا را بر سرش ریخت و گفت: ای فرستاده خدا، مطالبی را به ما فرمودی و ما سخنان را شنیدیم. تو از خداوند دریافت کردی و پذیرفتی ما هم از تو دریافت کردیم و پذیرفتیم و در میان آیاتی که خداوند بر تو فرو فرستاد، این کلام است: «اگر آنان پس از آن که به خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند! اکنون بر خود ستم کرده و نزد تو آمده‌ام، تا برایم استغفار کنی ناگهان از قبر بانگی برآمد که آمرزیده شدی!» ۲۸.

ص: ۳۷

داود بن ابی صالح گوید: روزی مروان بر سر مرقد نورانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت، آنگاه دید که مردی صورت خود را بر قبر آن حضرت نهاده است. مروان گردن او را گرفت و گفت: آیا می‌دانی چه می‌کنی؟ ناگهان دید که ابویوب انصاری، از صحابه گرانقدر پیامبر صلی الله علیه و آله است. وی در پاسخ گفت:

آری، من برای زیارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده‌ام و برای این سنگ نیامده‌ام. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: هرگاه دین به دست اهلش افتاد، بر آن نگریدید، اما هنگامی که دین به دست نااهل افتاد بر آن بگریید ۲۹.

۲۷ (۱). «لَمَّا كَانَ أَبُو عُبَيْدَةَ مَغَازِيًا بَيْتَ الْمَقْدِسِ، أُرْسِلَ كِتَابًا إِلَى عَمْرِو بْنِ مَسْرُوقٍ يَسْتَدْعِيهِ الْحَضُورَ، فَلَمَّا قَدِمَ مِيسِرَةَ مَدِينَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَخَلَهَا لَيْلًا، وَدَخَلَ الْمَسْجِدَ وَسَلَّمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى قَبْرِ أَبِي بَكْرٍ...». (شفاء السقام، ص ۱۴۴)

۲۸ (۲). «عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَدِمَ عَلَيْنَا أَعْرَابِيٌّ بَعْدَمَا دَفَنَّا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، فَرَمَى بِنَفْسِهِ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحَثَا مِنْ تَرَابِهِ عَلَى رَأْسِهِ، وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قُلْتَ فَسَمِعْنَا قَوْلَكَ وَوَعَيْتَ عَنِ اللَّهِ، فَوَعَيْنَا عَنكَ، وَكَانَ فِيهِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»، وَقَدْ ظَلَمْتَ نَفْسِي وَجِئْتُكَ تَسْتَغْفِرُ لِي فَنُودِيَ مِنَ الْقَبْرِ: أَنَّهُ قَدْ غَفَرَ لَكَ». (تفسير ثعلبي، ج ۳، ص ۳۳۹؛ كنز العمال، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۴۳۲۲ و ج ۴، ص ۲۵۹)

۲۹ (۱). «عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي صَالِحٍ، قَالَ: أَقْبَلَ مَرْوَانَ يَوْمًا، فَوَجَدَ رَجُلًا وَاضِعًا وَجْهَهُ عَلَى الْقَبْرِ، [فَأَخَذَ بَرَقَبَتِهِ] فَقَالَ: أَتَدْرِي مَا تَصْنَعُ؟ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ، فَإِذَا هُوَ أَبُو أَيُّوبَ، فَقَالَ: نَعَمْ، جِئْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ آتِ الْحَجَرَ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: لَا تَبْكُوا عَلَى الدِّينِ إِذَا وَلِيَهُ أَهْلُهُ، وَلَكِنْ ابْكُوا عَلَيْهِ إِذَا وَلِيَهُ غَيْرُ أَهْلِهِ». (تاريخ مدينة دمشق، ج ۵۷، ص ۲۴۹؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۸۴؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۴۲۲؛ المستدرک، ج ۴، ص ۵۱۵)

ابن حوشب می‌گوید: چون کعب الأحبار پیش عمر مسلمان شد و او در آن موقع در بیت المقدس بود، عمر از اسلام آوردن کعب الأحبار خوشحال شد و به او گفت: آیا می‌توانی با من به مدینه بیایی تا قبر پیامبر را زیارت کنی و از زیارت قبر او لذت ببری؟ گفت: آری یا امیرالمؤمنین چنین خواهم کرد ۳۰.

ص: ۳۸

ابودرداء می‌گوید: بلال پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او می‌گوید: این چه جفایی است ای بلال آیا وقت آن نرسیده که مرا زیارت کنی؟ بلال از خواب بیدار شد، در حالی که محزون و غمگین بود پس مرکب خود را سوار شد و آهنگ مدینه کرد و به قبر پیامبر آمد، آنجا گریه می‌کرد و صورت خود را با خاک قبر، خاک مالی می‌نمود ۳۱.

با توجه به این روایات که به عنوان نمونه نقل شد، به خوبی روشن می‌شود که سفر به آهنگ زیارت قبور در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه یک سنت جاری بوده و کسی در مشروعیت آن تردید نداشته است و از آن زمان به بعد هم سیره مسلمین از هر فرقه و مذهبی بر آن جاری بوده و مسلمانان برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای خدا از اطراف و اکناف بلاد اسلامی مسافرت می‌کردند.

زیارت بزرگان دین، نوعی ترویج از دین و مقامات معنوی است، و توجه مردم به مدفن بزرگان، این فکر را تقویت می‌کند که معنویت آنان مایه این گرایش‌ها است، و گر نه صاحبان قدرت و مکنت ولی فاقد معنویت، زیر خاک خفته‌اند و کسی به آنها توجهی ندارد.

ص: ۳۹

رسول گرامی صلی الله علیه و آله در آخرین روزهای عمر خود به قبرستان بقیع رفتند و برای اصحاب قبور، طلب آمرزش کردند و فرمودند: پروردگارم دستور داده است که به سرزمین بقیع بیایم و برای آنان طلب مغفرت کنم، آنگاه فرمودند:

۳۰ (۲). عن شهر بن حوشب قال: «لَمَّا أَسْلَمَ كَعْبُ الْأَحْبَارِ عِنْدَ عُمَرَ وَ هُوَ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ، فَرَحَ عُمَرُ بِإِسْلَامِ كَعْبِ الْأَحْبَارِ ثُمَّ قَالَ: هَلْ لَكَ أَنْ تَسِيرَ مَعِيَ إِلَى الْمَدِينَةِ فَتُزُورَ قَبْرَ النَّبِيِّ وَتَتَمَتَّعَ بِزِيَارَتِهِ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَا أَفْعَلُ ذَلِكَ». (واقدي، فتوح الشام، ج ۱، ص ۲۴۴)

۳۱ (۱). عن أبي الدرداء: «إِنَّ بَلَاءًا رَأَى فِي مَنَامِهِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ هُوَ يَقُولُ لَهُ: مَا هَذِهِ الْجَفْوَةُ يَا بَلَالُ؟ أَمَا أَنْ لَكَ أَنْ تَزُورَنِي يَا بَلَالُ؟ فَانْتَبَهَ حَزِينًا وَجَلًّا خَائِفًا فَرَكِبَ رَاحِلَتَهُ وَ قَصَدَ الْمَدِينَةَ فَأَتَى قَبْرَ النَّبِيِّ فَجَعَلَ يَبْكِي عِنْدَهُ وَ يَمْرُغُ وَجْهَهُ عَلَيْهِ وَ...». (تاريخ مدينة دمشق، ج ۷، ص ۱۳۷؛ اسد الغابة، ج ۱، ص ۲۰۸؛ سير اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۵۸؛ تاريخ الاسلام، ج ۱۷، ص ۶۷؛ اعانة الطالبين، ج ۱، ص ۲۶۷؛ نيل الاوطار، ج ۵، ص ۱۸۰)

هر گاه به زیارت آنان شتافتید بگویید: »

السلام على أهل الديار من المؤمنين والمسلمين يرحم الله المستقدمين منا والمستأخرين وإنا إن شاء الله بكم لاحقون؛ ۳۲

درود بر ساکنان این وادی از مؤمنان و مسلمانان، رحمت خدا بر گذشتگان از ما و بازماندگان، و ما به خواست خدا به شما می‌پیوندیم».

ابن ماجه در سنن خود نقل می‌کند که عائشه گفت: به دنبال رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌گشتم، ایشان را در بقیع یافتم می‌گفت: (سلام بر مؤمنین در این مکان، شما بر ما سبقت گرفتید و ما به شما ملحق خواهیم شد، خدایا ما را از اجر و پاداش آنها محروم مگردان و ما را ثابت قدم نگاه دار) ۳۳.

و همچنین در همان کتاب آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زوروا القبور فإنها تذكركم بالآخرة» ۳۴

یعنی قبور را زیارت کنید که این

ص: ۴۰

زیارت آخرت را به شما یادآوری می‌کند».

عبدالله پسر احمد حنبل مؤسس فرقه حنبلی می‌گوید: از پدرم درباره حکم کسی که به منبر رسول خدا دست می‌کشد و تبرک می‌جوید و آن را می‌بوسد و با قبر نیز همین کار را می‌کند تا ثواب ببرد، پرسیدم. گفت: اشکالی ندارد» ۳۵.

۳۲ (۱). صحیح مسلم، ج ۳، باب ما يقال عند دخول القبور، ص ۶۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۹۴؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۳۶۰.

۳۳ (۲). «فقده» تعنی النبی صلی الله علیه و آله فإذا هو بالقیع. فقال: السلام علیکم دار قوم المؤمنین، أنتم لنا فرط ونحن بکم لاحقون اللهم لا تحرمننا أجرهم ولا تفتننا بعدهم». (سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۹۳، ح ۱۵۴۶)

۳۴ (۳). سنن ابن ماجه، ج ۱، باب ما جاء فی زیارة القبور، ص ۱۱۳.

۳۵ (۱). «سألت أبا عن مسّ الرجل رمانة المنبر يقصد التبرک وكذلك عن مسّ القبر فقال: لا بأس بذلك، وفي كتاب «العلل ومعرفة الرجال» ما نصّه: سألته - أي الإمام أحمد - عن الرجل يمسّ منبر النبي صلی الله علیه و آله ويتبرک بمسه ويقبله ويفعل بالقبر مثل ذلك - أي يمسّه ويقبله أيضاً - أو نحو هذا يريد التقرب إلى الله جلّ و عزّ فقال: لا بأس بذلك». (مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۱۵؛ وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۴۱۰؛ العلل احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۴۹۲)

شبهه‌ای زائیده فکر وهابیت است که قصد دارند با پوشاندن لباس بدعت و شرک بر قامت زیارت و استشفاء و تبرک جستن به قبور اولیای الهی، این مسئله مهم اعتقادی را خدشه‌دار کنند.

غافل از آنکه اگر هر احترام و بوسیدنی عبادت بود، لازم می‌آمد بوسیدن اطفال و کتاب خدا هم شرک و حرام باشد. روشن است که هیچ مسلمانی به وسیله زیارت و بوسیدن مقابر شریفه، قصدش این نیست که به آنان نسبت خدایی بدهد و آنان را عبادت کند تا شرک لازم بیاید.

و قرآن کریم می‌فرماید: «اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ»^{۳۶} اشاره به اینکه حضرت یعقوب علیه السلام به

ص: ۴۱

واسطه تبرک جستن به لباس فرزندش حضرت یوسف علیه السلام بینائی خود را بازیافت.

و موضوع تبرک جستن به آثار و نیز قبور اولیای الهی به ویژه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در متون تاریخی و روایی به طور متعدد نقل شده است و سنت حساب می‌شود که خود اهل سنت در متون صحیح خود بدان اعتراف دارند: الف) باب تبرک جستن صحابه و تابعین به آثار نبی خدا صلی الله علیه و آله بعد از وفاتش.

۱. »

حدَّثَنَا إِسْرَائِيلُ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَوْهَبٍ قَالَ: أُرْسِلَنِي أَهْلِي إِلَى أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ - وَقَبْضِ إِسْرَائِيلَ ثَلَاثَ أَصَابِعٍ - مِنْ فَضَّةٍ فِيهِ شَعْرٌ مِنْ شَعْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ إِذَا أَصَابَ الْإِنْسَانَ عَيْنَ أَوْ شَيْءٍ بَعَثَ إِلَيْهَا مَخْضَبَةً فَاطْلَعَتْ فِي الْجُلْجُلِ فَرَأَيْتُ شَعْرَاتِ حَمْرَاءَ؛^{۳۷}

اسرائیل گفت: عثمان بن عبدالله بن موهب گفت: اهل من مرا به سوی ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد همراه ظرفی از آب - و اسرائیل با سه انگشت عمق ظرف را نشان داد - تا از موهای پیامبر صلی الله علیه و آله که در ظرفی از نقره نگه داری می‌شد و مردم برای دفع چشم زخم یا مرض از آنها استشفاء می‌کردند در آن

۳۶ (۲). سوره یوسف، آیه ۹۳.

۳۷ (۱). صحیح البخاری، ج ۷، ص ۵۷؛ فتح الباری، ج ۱۰، ص ۲۹۸؛ عمدة القاری، ج ۲۲، ص ۴۸، ح ۵۸۹۶.

آب بشورم، من در آن جعبه نگاه کردم و موهای سرخی دیدم».

۲. »

... ولما حضره

[معاوية]

[الموت أوصى أن يكفن في قميص كان رسول الله صلى الله عليه وآله قد كساه إتياء وأن يجعل ممّا يلي جسده، وكان عنده قلامه أظفار رسول الله صلى الله عليه وآله، فأوصى أن تسحق وتجعل في عينيه وفمه وقال: إفعلوا ذلك؛ ۳۸

آن هنگام که معاویه مرگ را به چشم خود مشاهده کرد، وصیت نمود، او را در لباس و ردای رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن نمایند، و توصیه کرد ناخن از آن حضرت صلی الله علیه و آله را آرد کرده و مقداری بر چشم و دهانش بگذارند».

۳. »

عن محمد بن عبد الله قال: أوصى عمر بن عبدالعزيز عند الموت فدعا بشعر من شعر النبي صلى الله عليه وآله وأظفار من أظفاره، وقال: إذا متّ فخذوا الشعر والأظفار، ثم اجعلوه في كفني؛ ۳۹

وقتی که اجل عمر بن عبدالعزیز نزدیک شد، گفت: مو و ناخن از رسول خدا صلی الله علیه و آله برایم بیاورید، سپس گفت:

زمانی که من مردم، این دو (مو و ناخن) را در کفنم قرار بدهید».

۴. »

عن حميد الطويل عن أنس، قال: جعل في حنوطه

۳۸ (۱). اسد الغابة، ج ۴، ص ۳۸۷.

۳۹ (۲). الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۴۰۶.

[أنس بن مالك]

[صرة مسك وشعر من شعر النبي صلى الله عليه وآله وفيه سك؛ ٤٠]

انس بن مالك را با مقداری مشک حنوط دادند و با او مویی از نبی الله صلی الله علیه و آله را دفن کردند».

ص: ٤٣

٥. »

أعطى بعض ولد الفضل بن الربيع أبا عبد الله (يعني أحمد بن حنبل) وهو في الحبس ثلاث شعرات فقال: هذا من شعر النبي صلى الله عليه وآله، فأوصى أبو عبد الله عند موته أن يجعل على كل عين شعرة، وشعرة على لسانه؛ ٤١

به یکی از بچه‌های فضل بن ربیع - یعنی احمد بن حنبل - که در زندان به سر می‌برد، سه تار مویی از پیامبر صلی الله علیه و آله دادند، پس او گفت: این موی پیامبر خداست، آنگاه وصیت کرد دو تا از موها را بر چشمانش گذاشته و دیگری را بر زبانش بگذارند و به همان صورت دفن نمایند».

٦. »

عن ابن سيرين، قال: قلت لعبيدة: عندنا من شعر النبي صلى الله عليه وآله أصبناه من قبل أنس أو من قبل أهل أنس. فقال: لأن تكون عندى شعرة منه أحب إلي من الدنيا وما فيها؛ ٤٢

ابن سیرین خطاب به عبیده گفت: از انس یا خانواده‌اش، یک تار موی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به دستم رسید، و این موی پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله برایم از دنیا و متعلقاتش با ارزش‌تر است».

٧. »

سألت عائشة: من أين هذا الشعر الذي عندك؟ قالت: إن رسول الله صلى الله عليه وآله لما حلق رأسه في حجته فرق شعره في الناس فأصابنا ما أصاب الناس و...؛ ٤٣

٤٠ (٣). الطبقات الكبرى، ج ٧، ص ٢٥.

٤١ (١). سير اعلام النبلاء، ج ١١، ص ٣٣٧.

٤٢ (٢). صحيح البخاری، ج ١، ص ٥٠؛ عمدة القاری، ج ٣، ص ٣٧.

از عائشه سؤال شد: از کجا این تار موی رسول خدا صلی الله علیه و آله به دست رسید؟ گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حج آن زمان که سر مبارک را

ص: ۴۴

می تراشیدند، مردم موهای پیامبر صلی الله علیه و آله را بین خود تقسیم می کردند، در این بین، این تار موی پیامبر هم به من رسید».

(ب) آب آشامیدن در لیوان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

۱. »

عن سهل بن سعد فی حدیث، قال: فأقبل النبي صلی الله علیه و آله يومئذ حتّى جلس فی سقیفة بنی ساعدة هو وأصحابه ثم قال: «اسقنا یا سهل»، فخرجت لهم بهذا القدح فأسقیتهم فيه (قال ابو حازم): فأخرج لنا سهل ذلك القدح فشربنا منه، قال: ثم استوهبه عمر بن عبدالعزيز بعد ذلك فوهبه له؛ ۴۴

سهل بن سعد گفت: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به سقیفه بنی ساعده تشریف آورده و در جمع اصحاب نشستند، سپس فرمودند: ای سهل آبی برای آشامیدن بیاور، پس سهل لیوان آبی به محضر رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله آورد، ابو حازم گفت: سهل آن لیوان را برای ما هم آورد تا در آن آب بیاشامیم، آنگاه عمر بن عبدالعزيز از او - سهل - خواست که آن لیوان را به وی هدیه دهد، و سهل نیز چنین کرد».

۲. »

عن أنس: إنَّ قدح النبي صلی الله علیه و آله انكسر، فاتَّخذ مكان الشعب سلسلة من فضة. قال عاصم: رأيت القدح وشربت فيه؛ ۴۵

۴۳ (۳). امتاع الاسماع، ج ۱۰، ص ۵۱.

۴۴ (۱). صحیح البخاری، ج ۶، ص ۲۵۲؛ السنن الکبری، ج ۱، ص ۳۱؛ عمدة القاری، ج ۲۱، ص ۲۰۵.

۴۵ (۲). صحیح البخاری، ج ۴، ص ۴۷؛ فتح الباری، ج ۱۰، ص ۸۶؛ عمدة القاری، ج ۲۱، ص ۲۰۵.

انس گفت: لیوان پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله شکست، جای شکاف آن را با نقره پر کردند. عاصم گوید: من با آن لیوان آب آشامیده‌ام».

ص: ۴۵

۴۶

۳. »

قال أبو بردة: قال لي عبدالله بن سلام: ألا أسقيك في قدح شرب النبي صلي الله عليه و آله فيه؛ ۴۷

ابو برده گوید: عبدالله بن سلام به من گفت: آیا می‌خواهی در لیوان پیامبر صلی الله علیه و آله آب بیاشامی؟».

۴. »

عن صفية بنت بحرة، قالت: استوهب عمي فراس من النبي صلي الله عليه و آله قصعة رآه يأكل فيها فأعطاه إياها. قال: وكان عمر إذا جاءنا قال: أخرجوا إلي قصعة رسول الله صلي الله عليه و آله، فنخرجها إليه فيملأها من ماء زمزم فيشرب منها وينضح على وجهه؛ ۴۸

صفیه دختر بحره گفت: عمویم فراس، پیغمبر صلی الله علیه و آله را در حال تناول نمودن طعام در ظرفی دید و ظرف را از ایشان طلبید، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن ظرف را به او دادند، وقتی عمر به نزد ما می‌آمد می‌گفت: آن ظرف رسول خدا صلی الله علیه و آله را به من بدهید. پس آب زمزم در آن می‌ریخت و مقداری می‌نوشید و بر صورتش می‌پاشید».

ج) تبرک جستن به مواضع دست و دهان مبارک رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

۱. »

۴۶ تبریزی، جعفر، شعائر حسینی، ۱ جلد، دار الصدیقة الشهيدة (سلام الله علیها) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۹ ه.ش.

۴۷ (۱). صحیح البخاری، ج ۶، ص ۲۵۲؛ عمدة القاری، ج ۲۱، ص ۲۰۴.

۴۸ (۲). الإصابه، ج ۵، ص ۲۷۶؛ اسد الغابة، ج ۴، ص ۱۷۶.

فی قصهٔ نزول النبی صلی الله علیه و آله فی بیت اَبی اَیوب الأنصاری عندما قدم مهاجراً إلى المدینة، قال أبو اَیوب: وکنا نضع له العشاء ثم نبعث، فإذا ردّ علينا فضله تیممت أنا وامّ اَیوب موضع یده فأکلنا منه نبتغی بذلك البرکة، حتّی بعثنا إلیه لیلة بعشائه وقد جعلنا له بصلاً وثوماً، فردّه رسول الله صلی الله علیه و آله ولم أرَ لیده فیهِ أثراً، فجئته فزعا، فقلت: یا رسول الله!

ص: ۴۶

بأبی أنت وامّی رددت عشاءک ولم أرَ فیهِ موضع یدک؟

فقال: إني وجدت فیهِ ریح هذه الشجرة، وأنا رجل اناجی فأما أنتم فکلوه...؛ ۴۹

ابو ایوب انصاری می‌گوید: بعد از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه و نزول حضرت به منزل ما، برای ایشان صلی الله علیه و آله شام می‌بردم، وقتی برای جمع آوری سفره بر می‌گشتم، نگاه می‌کردم در سفره چیزی از غذای رسول خدا صلی الله علیه و آله مانده تا بخوریم و به واسطه وجود گرمی رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما خیر برسد، تا اینکه شبی برای حضرت طعامی از سیر و پیاز آوردم، وقتی دوباره برگشتم دیدم حضرت دست به غذا نزده‌اند، با غصه و اندوه گفتم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله پدر و مادرم فدایتان چرا غذا میل نکردید؟ حضرت فرمود:

من مرد مناجات هستم و نخواستم با دهانی که بوی سیر و پیاز می‌دهد به عبادت پروردگارم بایستم، اما شما از این غذا بخورید».

۲. »

عن أنس: أن النبی صلی الله علیه و آله دخل علی امّ سلیم بیتهما وفي البیت قریة معلقة فیها ماء، فتناولها فشرب من فیها وهو قائم، فأخذتها امّ سلیم فقطعت فمها فأمسکته عندها؛ ۵۰

انس گوید: پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد خانه ام سلیم شد و از مشکی که در آنجا آویزان بود اندکی آب آشامید در حالی که ایستاده بود، سپس ام سلیم دهنه مشک را برید و برای خود پنهان کرد از باب تبرک و

۴۹ (۱). البدایة والنهایه، ص ۲۰۱، ح ۳، سیره ابن هشام، ص ۱۴۴، ح ۲؛ دلائل النبوة البیهقی، ص ۵۱۰، ح ۲.

۵۰ (۲). مسند احمد، ص ۵۲۰، ح ۷، ح ۲۶۵۷۴؛ الطبقات، ۳۱۳ / ۸.

تیمن».

۳. »

عن امّ عامر أو أسماء بنت يزيد بن السكن قالت: رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله صلى في مسجدنا المغرب فجئت منزلي فجئته بعرق وأرغفة، فقلت: بأبي وأمي تعش. فقال لأصحابه: كلوا بسم الله. فأكل هو وأصحابه الذين جاؤوا ... قالت: وشرب من ماء عندي في شجب فاخذت ذلك الشجب فدهنته فطويته يسقى فيه المريض ويشرب منه في الحين رجاء البركة؛ ۵۱

ام عامر یا اسماء دختر یزید پسر سکن گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نماز مغرب را خواندند، بعد از نماز به منزل آمدم و استخوانی که دارای گوشتی لطیف و لذیذ بود به همراه نان خدمت حضرت آوردم و گفتم:

پدر و مادرم فدایتان بفرمائید از این غذا میل کنید. رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به اصحابش نموده و فرمود: با نام و یاد خدا از این طعام میل کنید. سپس حضرت و اصحابش از آن غذا میل کردند، ... گفت: و آشامید از آبی که در ظرف بود، پس من آن ظرف را گرفتم و آن را روغن مالی کردم و با آن به بیماران آب می‌دادم به امید شفا و برکت».

۴. »

عن عبدالرحمن بن أبي عمرة عن جدته كلثم قالت: دخل علينا رسول الله صلى الله عليه وآله وعندنا قربة معلقة فشرّب منها، فقطعت فم القربة ورفعها، (نبتغي البركة موضع في رسول الله صلى الله عليه وآله

(۵۲: عبدالرحمن بن ابی

۵۱ (۱). تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۹، ص ۳۷؛ الاصابه، ج ۸، ص ۴۲۶.

۵۲ (۲). اسدالغابه، ۵/۵۳۹، حرف الکاف، ترجمه کلثم، رقم ۷۲۴۳؛ سنن ابن ماجه، ۲/۱۱۳۲.

عمره از مادر بزرگش - کلثم - نقل کرد: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل ما تشریف آوردند، و از مشکی که آویزان بود مقداری آب آشامیدند، سپس من دهانه آن مشک را از باب تبرک بردم، چرا که آن موضع دهان پیغمبر صلی الله علیه و آله است».

(د) تبرک جستن به عصا، پیراهن و انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. »

عن محمد بن سيرين عن أنس بن مالك: أنه كانت عنده عصية لرسول الله صلى الله عليه وآله فمات فدفنت معه بين جنبه وقميصه؛ ٥٣

محمد بن سيرين به نقل از انس بن مالک گوید: همانا او - انس بن مالک - عصایی از رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت، چون انس بمرد آن عصا را در بغل و زیر کفنش دفن نمودند».

۲. »

عن ابن عمر أن رسول الله صلى الله عليه وآله اتخذ خاتماً من ذهب أو فضة وجعل فصه ممّا يلي كفّه ونقش فيه: (محمد رسول الله) فاتخذ الناس مثله، فلما رأهم قد اتخذوها رمى به، وقال: لا ألبسه أبداً ثم اتخذ خاتماً من فضة فاتخذ الناس خواتيم الفضة. قال ابن عمر: فلبس الخاتم بعد النبي صلى الله عليه وآله أبو بكر ثم عمر ثم عثمان حتى وقع من عثمان في بئر اريس؛ ٥٤

ص: ٤٩

عبدالله بن عمر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله انگشتری از طلا یا نقره درست کردند و بر روی نگینش نوشتند «محمد رسول الله» پس مردم هم به تقلید از حضرت صلی الله علیه و آله چنین کردند، چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله عکس العمل مردم را مشاهده کردند آن انگشتر را انداختند و فرمودند: من هرگز دیگر این انگشتر را به دست نمی‌کنم، سپس انگشتری از نقره درست نمودند، و مردم نیز انگشترها را با نقره درست کردند، ابن عمر گوید: آن انگشتر

٥٣ (١). البداية والنهاية، ٦/ ٦؛ السيرة النبوية، ج ٤، ص ٧٠٩.

٥٤ (٢). صحيح البخاري، ٧/ ٥١، كتاب اللباس، باب خاتم الفضة، الاستيعاب بهامش الإصا، ٢/ ٤٩٤؛ ترجمة عمرو بن سعيد بن العاص، صحيح مسلم،

١٦٥٦/ ٣، النسائي، ٨/ ١٩٦، أبي داود، ٤/ ٨٨؛ مسند أحمد، ٢/ ٩٦، ح ٤٧٢٠.

را بعد از نبی اسلام صلی الله علیه و آله ابوبکر سپس عمر و بعد از او عثمان به دست کرد تا آنکه انگشتر از دست عثمان به چاه اریس افتاد».

۳. »

عن سهل بن سعد، قال: جاءت امرأة ببردة ...، قالت: يا رسول الله إني نسجت هذه يدي أكسوكها، فأخذها رسول الله صلی الله علیه و آله محتاجاً إليها، فخرج إلينا وإنها إزاره فقال رجل من القوم: يا رسول الله (اكسني) فقال:

نعم، فجلس النبي صلی الله علیه و آله في المجلس، ثم رجع فطواها ثم أرسل بها إليه، فقال له القوم: ما أحسنت، سألتها إياه لقد علمت أنه لا يرد سائلاً، فقال الرجل: والله ما سألتها إلا لتكون كفني يوم أموت، قال سهل: فكانت كفنه. ۵۵

قال ابن حجر: وفي رواية أبي غسان، فقال: رجوت بركتها حين لبسها النبي صلی الله علیه و آله

ص: ۵۰

وقال في شرحه: ما يستفاد من الحديث وفيه التبرک بآثار الصالحين ۵۶؛

سهل بن سعد گوید: زنی پیراهنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد و گفت:

یا رسول الله صلی الله علیه و آله من این پیراهن را به دست خودم دوخته‌ام، خواهش می‌کنم این هدیه را قبول بفرمائید و حضرت آن لباس را پوشیدند و به جمع اصحاب حاضر شدند، مردی گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله لباس را به من بدهید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله نیز قبول کردند و آن لباس را به سائل عطا کردند، مردم گفتند: ای مرد کار خوبی نکردی. می‌دانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال هیچ سائلی را رد نمی‌کند چرا چنین کردی؟ گفت: والله من این پیراهن را برای اینکه کفنم باشد در خواست کردم. سهل گوید: عاقبت آن مرد در همان لباس دفن شد. ابن حجر می‌گوید: در روایت پسر غسان اینگونه وارد شده که آن مرد گفت: منظور من از درخواست این پیراهن، برکت جستن به پیراهنی بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله پوشیده، و در شرح این روایت گفته: از این حدیث تبرک جستن به آثار صالحان استفاده می‌شود».

۵۵ (۱). صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۴ و ج ۷، ص ۴۰؛ مسند أحمد، ۴۵۶/۶، ح ۲۳۱۸؛ سنن ابن ماجه، ۱۱۷۷/۲.

۵۶ (۱). صحیح البخاری، ج ۷، ص ۸۲؛ فتح الباری، ۱۴۴/۳، باب ۲۸ من استعد الکفن فی زمن النبی صلی الله علیه و آله فلم ینکر علیه، ذیل الحدیث ۱۲۷۷.

أراد معاوية بن أبي سفيان أن يشتري من كعب بن زهير برده رسول الله صلى الله عليه وآله التي ألقاها عليه بعد إسلامه بعشرة آلاف درهم، فأبى كعب وقال: ما كنت لأؤثر بثوب رسول الله أحداً. فلما مات بعث معاوية

ص: ۵۱

إلى ورثته بعشرين ألف درهم، فأخذها منهم. هي البردة التي كانت عند السلاطين، وهي التي يلبسها الخلفاء في الأعياد؛ ۵۷
معاوية بن أبي سفيان از کعب بن زهیر تقاضای خرید پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله را نمود. پیراهنی که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که کعب اسلام آورد به وی اعطا کرد، معاویه برای خریدش ده هزار درهم پیشنهاد کرد، اما کعب نپذیرفت و گفت: پیراهن رسول الله صلی الله علیه و آله را به احدی نمی‌بخشم. چون کعب بمرد معاویه برای خرید آن لباس بیست هزار درهم به ورثه کعب پرداخت کرد و آن‌ها آن لباس را به معاویه دادند، و این همان لباسی بود که حاکمان در اعیاد می‌پوشیدند».

۵. »

عن أم عطية الأنصارية رضي الله عنها، قالت: دخل علينا رسول الله صلى الله عليه وآله حين توفيت ابنته، فقال: اغسلنها ثلاثة أو خمسا أو أكثر من ذلك إن رأيتهن ذلك بماء وسدر، واجعلن في الآخرة كافورا أو شيئا من كافور فإذا فرغتن فأذنتي، فلما فرغنا آذناه فأعطانا حقوة، فقال: اشعرنها إياها تعني إزاره؛ ۵۸

ام عطیه انصاری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما وارد شدند در حالی که دخترش از دنیا رفته بود، پس حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: او را غسل بدهید با آب و سدر سه مرتبه یا پنج مرتبه یا بیشتر، و در آخر مقداری کافور

ص: ۵۲

۵۷ (۱). تبرک الصحابة، ۱۷؛ تاریخ الإسلام للذهبی، ۴۱۲/۲؛ السيرة الحلیة، ۲۴۲/۳؛ تاریخ الخلفاء للسيوطی، ص ۱۹.

۵۸ (۲). صحیح البخاری، ۷۴/۲؛ کتاب الجنائز، باب يجعل الکافور فی آخره، صحیح مسلم، ۶۴۷/۲؛ مسند أحمد، ۵۵۶/۷، ح ۲۶۷۵۲، السنن الکبری للبيهقي، ۵۴۷/۳، باب ۳۴، ح ۶۶۳۴، ۶/۴، باب ۷۲، ح ۶۷۶۴؛ سنن النسائي، ۴/۳۱.

بگذارید، پس زمانی که از این کارها فارغ شدید مرا صدا بزنید، پس چون از کار تغسیل فارغ شدیم به رسول خدا صلی الله علیه و آله اطلاع دادیم. پس حضرت به ما عبايشان را دادند و فرمودند: با این دخترم را تکفین نماید».

۶. »

عن محمد بن جابر، قال: سمعت أبي يذكر عن جدّي أنّه أوّل وفد وفد علی رسول الله صلی الله علیه و آله من بنی حنیفه، فوجدته یغسل رأسه، فقال:

اقعد یا أبا أهل الیمامة فاعسل رأسک فغسلت رأسی بفضلہ غسل رسول الله صلی الله علیه و آله ... فقلت: یا رسول الله أعطنی قطعۀ من قميصک أستأنس بها، فأعطانی. قال محمد بن جابر: فحدّثنی أبا أنّها كانت عندنا نغسلها للمریض یستشفى بها؛ ۵۹

محمد بن جابر گوید: از پدرم شنیدم و او از پدرش که می گفت: من و عده ای دیگر از بنی حنیفه از اولین کسانی بودیم که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آوردیم آنگاه که به دیدار حضرتش صلی الله علیه و آله مشرف شدم، پیغمبر را در حالی که سر مبارکش را می شستند دیدم، حضرت فرمود:

بنشین ای برادر اهل یمامه و سرت را بشوی، پس سرم را با آب باقی مانده از ایشان شستم. پس گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله لباسی از لباس هایتان را به من عطا کنید تا با آن انس گیرم. پس حضرت لباسی به من عطا کردند. محمد بن جابر گوید: پدرم گفت: این لباس نزد ما بود آن را می شستیم و برای استشفاء بیماران استفاده می کردیم».

۷. »

عن عیسی بن طهمان، قال: أمر أنس وأنا عنده فأخرج نعلًا لهما

ص: ۵۳

قبالان، فسمعت ثابت البنانی یقول: هذه نعل النبی صلی الله علیه و آله ۶۰

۵۹ (۱). الإصابه، ۲/ ۱۰۲، ۲، حرف السین القسم الأوّل.

۶۰ (۱). صحیح البخاری، ج ۷، ص ۵۰.

؛ عیسی بن طهمان گفت: در نزد انس بودم که او امر کرد نعلینی که دو بند داشت آوردند پس شنیدم که ثابت بنانی می‌گفت: این نعلین رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد».

(ه) تبرک جستن به منبر رسول الله صلی الله علیه و آله

۱. »

لقد أوضح النبي صلى الله عليه وآله لأمته أن لمنبره قدسيّة خاصّة لا ينبغي التجاوز عليها، لذا فقد سنّ صلى الله عليه وآله تحريم اليمين على منبره كذباً، فقال: من حلف على منبري كاذباً ولو على سواك أراك فليتبوأ مقعده من النار؛ ٦١

در مسند احمد آمده: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مردم واضح کرده بودند که منبرشان دارای قداست و جایگاه والایی است و حرام است کسی به دروغ به منبر قسم بخورد، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس به منبر من قسم دروغ بخورد، جایگاهش را در آتش جهنم خواهد دید، ولو قسم او برای چوب مسواک اراک باشد».

۲. »

وعن جابر (رضي الله عنه): قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أيما امرئ من المسلمين حلف عند منبري على يمين كاذبة يستحقّ بها حقّ مسلم، أدخله الله عزّ وجلّ النار وإن كان على سواك أخضر؛ ٦٢

جابر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر مردی از مسلمانان به منبر من قسم دروغ بخورد، او

ص: ٥٤

مستحق آتش جهنم است، اگرچه بوده باشد بر چوب سواک سبز».

۳. »

وقد أدرك الصحابة ذلك، فنجذ زيد بن ثابت يأبى أن يحلف على المنبر عندما قضى عليه مروان بذلك، وقال: احلف له مكاني، فجعل زيد يحلف وأبى أن يحلف على المنبر، فجعل مروان يعجب منه.

٦١ (٢). مسند أحمد، ٣/٣٥٧، ح ١٤٦٠٦؛ فتح الباری، ٥/٢١٠؛ الطبقات، ١٠/١ / ١.

٦٢ (٣). كنز العمال، ١٦/٦٩٧، ح ٤٦٣٨٩، وفيه عن أبي هريرة أيضاً.

لذا نجد الصحابة الكرام يعرفون لهذا المنبر قدسيته وبركته، فنجدهم يقصدونه ويمسحون أيديهم برمانته ويمقعد رسول الله صلى الله عليه وآله منه، ويضعونها على وجوههم تبركاً بها؛ ٦٣

در صحیح بخاری آمده: اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، مسأله حرمت و قداست منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را می دانستند، لذا زید بن ثابت، زمانی که مروان برایش قضاوت می کرد حاضر نشد بر منبر پیامبر صلی الله علیه و آله قسم یاد کند و این مسأله باعث تعجب مروان شد. بر همین اساس اصحاب بزرگوار، قداست و برکت منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را می دانستند، به همین جهت برای تبرک و تیمن منبر را مسح کرده و آنگاه دست خود را به صورت و بدن خود می کشیدند».

۴. »

فعن إبراهيم بن عبدالرحمن بن عبدالقاري: أنه نظر إلى ابن عمر وضع يده على مقعد النبي صلى الله عليه وآله من المنبر ثم وضعها على وجهه؛ ٦٤

ابراهيم بن عبدالرحمن بن عبدالقار گوید: ابن عمر را دیدم در حالی که بر نشیمنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر دست گذاشت و سپس به صورت خود کشید».

ص: ٥٥

۵. »

وعن يزيد بن عبدالله بن قسيط قال: رأيت ناساً من أصحاب النبي صلى الله عليه وآله إذا خلا المسجد أخذوا برمانة المنبر الصلحاء التي تلي القبر بميامنهم ثم استقبلوا القبلة يدعون؛ ٦٥

یزید بن عبدالله بن قسیط گوید: من می دیدم کسانی از صحابه را بعد از اینکه مسجد خالی می شد به کنار منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته و به عنوان تبرک آن را مسح می کردند و آنگاه رو به قبله دعا می نمودند».

٦٣ (١). صحیح البخاری، ٢٣٤ / ٣.

٦٤ (٢). الطبقات، ٢٥٤ / ١، ذکر منبر الرسول، الثقات لابن حبان، ٩: الانساب، ج ٤، ص ٤٢٦.

٦٥ (١). الطبقات الكبرى، ٢٥٤ / ١، ذکر منبر الرسول.

(و) تبرک جستن به قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله

تبرک جستن به مرقد مطهر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از همان ابتدا بین مسلمانان یک سنت و عادت شده بود و این سنت در طی اعصار مختلف هنوز نیز ادامه دارد و مسلمانان از آب آنجا می‌خوردند و با آن مریضان خود را شفا می‌دادند و به تربت حضرت برای استشفاء تمسک می‌جستند و این سنت در بین تمام مذاهب و فرق با اختلافاتی که دارند، نسل به نسل ادامه داشته، و کسی هنوز ایرادی بر این عملکرد مسلمانان وارد نکرده، مگر ابن تیمیه حرانی که ادعا کرد: سلف صالح تمسک جستن به مرقد نورانی رسول خدا صلی الله علیه و آله را قبول نداشته‌اند و لکن سیره بسیاری از صحابه و تابعین و علما و سائر مسلمانان با کلام ابن تیمیه مغایرت دارد.

۱. »

عن داود بن صالح، قال: أقبل مروان يوماً فوجد رجلاً واضعاً وجهه على القبر فقال: أتدري ما تصنع! فأقبل عليه فإذا هو أبو أيوب!

ص: ۵۶

فقال: نعم، جئت رسول الله صلی الله علیه و آله ولم آت الحجر، سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: لا تبكوا علي الدين إذا وليه أهله، ولكن ابكوا عليه إذا وليه غير أهله؛ ۶۶

داود بن صالح گفت: روزی مروان به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و دید مردی صورتش را بر روی قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله گذاشته است. مروان در حالی که به سوی او می‌رفت گفت: می‌دانی چه می‌کنی؟ چون نزدیک شد دید او ابو ایوب است، ابو ایوب گفت: بله من به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده‌ام نه به دیدار سنگ؛ از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: برای دین گریه نکنید زمانی که اهلش امور آن را به دست بگیرند، بلکه آن زمان باید به حال دین گریست که غیر اهل، امور دین را به دست داشته باشد.

۲. »

۶۶ (۱). المعجم الأوسط، ۱/۹۴؛ الجامع الصغير للسيوطي، ۷۲۸؛ كنز العمال، ۶/۸۸، ح ۱۴۹۶۷؛ والذهبي في تلخيصه مجمع الزوائد، ۴/۲۲؛ وفاء الوفا للمصطفى، ۲/۴۱۰؛ شفاء الأسماء للسيبكي، ۱۵۲.

عن عليّ عليه السلام قال: قدم علينا أعرابي بعدما دفنّا رسول الله صلى الله عليه وآله بثلاثة أيّام، فرمى بنفسه على قبر النبيّ صلى الله عليه وآله وحثا من ترابه على رأسه وقال: يا رسول الله، قلت فسمعنا قولك، ووعيت عن الله سبحانه فوعينا عنك، وكان فيما أنزل عليك: (ولو أنّهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤوك ...

الآية). وقد ظلمت نفسي وجئتك تستغفر لي. فنودي من القبر قد غفر الله لك؛ ٦٧

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: سه روز بعد از آنکه پیامبر

ص: ٥٧

خدا صلی الله علیه و آله را به خاک سپردیم، بادیه نشینی بر سر قبر حضرت صلی الله علیه و آله آمده و خودش را بر قبر انداخت، مشتی از خاک برداشته و بر سر خویش ریخت و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله شما فرمودید و ما شنیدیم، شما از خدا گرفتگی و ما از شما، و این آیه را تلاوت کرد: «اگر کسانی که بر خودشان ظلم کردند به نزد تو آیند» و گفت: من به خودم ظلم کردم و اکنون به نزد شما برای طلب آمرزش و مغفرت از خداوند آمده‌ام. در آن هنگام صدایی از داخل قبر به گوش رسید که: «خداوند تو را مورد مغفرت خویش قرار داد».

۳. »

أخرج الحافظ ابن عساكر في التحفة من طريق طاهر بن يحيى الحسيني قال: حدثني أبي عن جدّي عن جعفر بن محمد عن أبيه عن عليّ (رضي الله عنه) عنه قال: لما رُمس رسول الله صلى الله عليه وآله جاءت فاطمة عليها السلام فوفقت على قبره صلى الله عليه وآله وأخذت قبضة من تراب القبر ووضعتها على عينيها، وبكت وأنشأت تقول:

أَنْ لَا يَشْمَ مَدَى الزَّمَانِ غَوَالِيَا

مَاذَا عَلَيَّ مِنْ شَمِّ تَرْبَةِ أَحْمَدَ

صُبَّتْ عَلَيَّ الْأَيَّامُ صِرْنَ لِيَالِيَا

صُبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا

٦٨؛

٦٧ (٢). الروض الفائق، ٣٨٠؛ المواهب اللدنية للقسطاني، ٥٨٣/٤؛ مشارق الأنوار، ١/١٢١؛ وفاء الوفا، ١٣٩٩/٤؛ كنز العمال، ٢/٣٨٦، ح ٤٣٢٢ و ٢٥٩/٤، ح ١٠٤٢٢.

حافظ ابن عساکر از عده‌ای نقل کرده که: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

ص: ۵۸

بعد از تدفین رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام خودش را بر روی قبر انداخت و مشتی از خاک قبر برداشت و بر روی چشم‌هایش گذاشت و گریست، و دو بیت شعر خواند:

کسی که تربت احمد را بکند دیگر به هیچ چیزی برای استشمام نیاز ندارد.

وارد شد بر من مصائبی سخت که اگر بر روزها وارد می‌شد آن را تیره و تار می‌کرد.

۴. »

ذکر الخطیب ابن جماعه أنَّ عبد الله بن عمر كان يضع يده اليمنى على القبر الشريف، وأنَّ بلالاً (رضي الله عنه) وضع خديّه عليه أيضاً.

ورأيت في كتاب السؤالات لعبد الله ابن الإمام أحمد وذكر ما تقدّم عن ابن جماعه. ثمَّ قال: ولا شكَّ أن الاستغراق في المحبّة يحمل على الإذن في ذلك، والمقصود من ذلك كلّ الاحترام والتعظيم، والناس تختلف مراتبهم في ذلك كما كانت تختلف في حياته، فاناس حين يرونه لا يملكون أنفسهم بل يبادرون إليه، واناس فيهم أناة يتأخرون، والكلّ محلّ خير؛ ۶۹

خطیب ابن جماعه نقل کرده: عبد الله بن عمر دست راستش را بر روی قبر شریف پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌گذاشت، و بلال گونه‌هایش را بر روی قبر نورانی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گذاشت. سپس گفته: در کتاب السؤالات که از عبد الله بن احمد است دیدم که بعد از ذکر چنین وقایعی، گفته است: گذاشتن

ص: ۵۹

دست یا گونه بر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت ابراز محبت است و اشکالی ندارد.

۶۸ (۱). رواه كل من: ابن الجوزي في وفاء الوفا في فضائل المصطفى، ۸۱۹، ح ۱۵۳۸؛ وابن سيد الناس في السيرة النبوية، ۴۳۲/۲؛ والقسطلاني في المواهب اللدنية مختصراً، ۵۶۳/۴؛ والقاري في شرح الشمائل، ۲۱۰/۲؛ والشبراوي في الاتحاف، ۳۳۰؛ والسهمودي في وفاء الوفا، ۱۴۰۵/۴؛ سير أعلام النبلاء، ۱۳۴/۲ وغيرهم.

۶۹ (۱). وفاء الوفا للسهمودي، ۱۴۰۵/۴.

و در نحوه ابراز مودت به پیامبر صلی الله علیه و آله و میزان آن، مردم در رتبه‌های مختلف می‌باشند، مثلاً بعضی از مردم با مشاهده‌ی جمال دل‌آرای پیامبر صلی الله علیه و آله اختیار از دست می‌دادند و به سوی او می‌شتافتند، و عده‌ای به خاطر وقاری که داشتند شتاب نمی‌کردند، در تمام این موارد خیر است».

۵. »

عن أبي الدرداء قال: إن بلالاً مؤذن النبي صلی الله علیه و آله رأى في منامه رسول الله صلی الله علیه و آله وهو يقول: ما هذه الجفوة يا بلال! أما أن لك أن تزورني يا بلال؟! فانتبه حزيناً خائفاً، فركب راحلته وقصد المدينة، فأتى قبر النبي صلی الله علیه و آله فجعل يبكي عنده ويمرغ وجهه عليه، فأقبل الحسن والحسين عليهما السلام فجعل يضمهما ويقبلهما؛ ۷۰

از ابی درداء نقل شده که گفت:

بلال مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب آن حضرت را دید، پیامبر صلی الله علیه و آله به بلال فرمود: این چه جفایی است ای بلال، آیا وقت آن نشده که به زیارت من بیایی؟ سپس بلال به قصد زیارت حضرت صلی الله علیه و آله سوار بر مرکب به سوی مدینه حرکت کرد. چون به کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید گریه کنان خود را بر قبر انداخت و صورتش را به خاک قبر می‌مالید، تا حسن و حسین آمدند، بلال آن دو را به آغوش کشید و می‌بوسید».

ص: ۶۰

۶. »

روی ابن زباله عن المطلب قال: كانوا يأخذون من تراب القبر، وأمرت عائشة بجداره فضرب عليهم، وكان في الجدار كوة فكانوا يأخذون منها، فأمرت بالكوة فسدت؛ ۷۱

از مطلب نقل شده که گفت:

۷۰ (۱). تاریخ دمشق لابن عساکر، ۷/۱۳۷؛ مختصر تاریخ دمشق، ۴/۱۱۸، ۴/۲۶۵؛ تهذیب الکمال، ۴/۲۸۹؛ اسد الغابۃ، ۱/۲۴۴؛ وفاء الوفا للسمهودی،

۱۳۵۶/۴؛ شفاء السقام، ۵۳؛ مشارق الأنوار، ۱/۱۲۱.

۷۱ (۱). سبیل الهدی والرشاد، ج ۱۲، ص ۳۴۵.

مسلمانان برای تبرک از خاک قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله می گرفتند، پس به دستور عائشه اطراف قبر مبارک دیوار کردند ولی روی دیوار سوراخی بود که مسلمانان از آن سوراخ خاک به عنوان تبرک می گرفتند، سپس عائشه دستور داد آن سوراخ را هم مسدود کردند».

۷. »

ذكر السهمودی أنّ الناس كانوا يتبرکون بالصلاة إلى القبر ۷۲، قال:

عن هشام بن عروة قال: أخبرني أبي قال كان الناس يصلّون إلى القبر، فأمر به عمر بن عبدالعزيز فرفع حتى لا يصلّ إليه أحد؛ ۷۳

سهمودی ذکر کرده که: مردم به عنوان تبرک در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می خوانند، و از هشام بن عروة نقل شده که گفت: پدرم می گفت: مردم تبرکاً کنار قبر پیامبر نماز می خوانند، سپس عمر بن عبدالعزيز دستور داد دیگر کسی در کنار قبر پیامبر نباید نماز بخواند».

۸. »

كان ابن المنکدر وهو أحد أعلام التابعين يجلس مع أصحابه، قال: وكان يصيبه الصمات، فكان يقوم كما هو ويضع خده على قبر

ص: ۶۱

النبي صلی الله علیه و آله ثم يرجع، فعُتِبَ في ذلك فقال: إنه ليصيبني خطرة، فإذا وجدت ذلك استشفيت بقبر النبي صلی الله علیه و آله، وكان يأتي موضعاً من المسجد في الصحن فيتمرغ فيه ويضطجع، فقليل له في ذلك، فقال: إني رأيت النبي صلی الله علیه و آله في هذا الموضع. یعنی فی النوم ۷۴

۷۲ (۲). یعنی قبر النبي صلی الله علیه و آله.

۷۳ (۳). وفاء الوفا، ۵۴۷ / ۲.

۷۴ (۱). وفاء الوفاء، ۴۴۴ / ۲ عن أبي خيثمة زهير بن حرب قال: حدثنا مصعب بن عبد الله، حدثنا إسماعيل بن يعقوب التيمي.

؛ ابن منکدر از بزرگان تابعین گاهی در کنار اصحابش ساکت می ماند آنگاه به سوی قبر پیامبر رفته و گونه هایش را بر روی قبر پیغمبر می گذاشت و سپس برمی گشت، به وی اعتراض کردند که این چه کاری است انجام می دهی؟ پس ابن منکدر گفت:

وقتی به مشکل و خطری مبتلا می شوم برای طلب شفاء به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله مراجعه می کنم، و گاه خود را به بعضی از جاهای مسجد در صحن شریف می مالید، سؤال کردند: چرا چنین می کنی؟ گفت: در خواب دیدم که پیامبر اینجا بود.»

۹. »

قال ابن قدامة الحنبلي في المغني: ويستحبّ الدفن في المقبرة التي يكثر فيها الصالحون والشهداء لتناله برکتهم، وكذلك في البقاع الشريفة.

هذه هي السنّة التي دأب عليها الصحابة والتابعون في التبرک بقبر النبي صلی الله علیه و آله والاستشفاء بترتبه، ولم يخالفهم فيها إلاّ أولاء بني أمية الظلمة من أمثال مروان بن الحكم طريد رسول الله صلی الله علیه و آله الذي لعنه الله وهو في

ص: ۶۲

صلب أبيه، كما أخبرت بذلك عائشة وعبدالله بن الزبير: ۷۵

ابن قدامة حنبلي در کتاب «مغنی» گفته: دفن شدن در قبرستانی که صلحا و شهداء در آن زیاد مدفون هستند، مستحب است، زیرا در جوار خوبان و به برکت آنان، میت آرام می گیرد. تبرک جستن به قبر شریف پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و طلب شفا از تربت ایشان سنت و سیره صحابه و تابعین بوده، و با این سنت حسنه کسی مخالفت نورزیده مگر حکام ستمکار بنی امیه، مثل مروان بن حکم که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را از مدینه اخراج کردند و مورد لعن خداوند قرار گرفت، در حالی که هنوز به دنیا نیامده بود، همانطور که از عائشه و عبدالله بن زبیر نقل شده.»

ردّ بر این تیمّه

قرنهاست که مسلمانان جهان، طبق یک سیره حسنه و سنت پذیرفته شده و با پیروی از روایات وارده از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، بر سر قبور اولیای خدا و بزرگان دین حاضر می‌شوند و با ادای احترام نسبت به آنان، قبورشان را زیارت می‌کنند و از ارواح مقدسه آنها کسب فیض می‌نمایند و به یاد ارزشها و اصالتهایی می‌افتند که این بندگان خوب خدا، همواره منادی آن بوده‌اند.

با وجود این، در نیمه اول قرن هشتم، شخصی به نام ابن تیمیه (علیه لعائن الله) ظاهر شد و زیارت قبور را نوعی بدعت دانست و با تمسک به مطالب

ص: ۶۳

سست و غیر مستند، به حرمت آن فتوا داد و سفر برای زیارت قبور، حتی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را نامشروع خواند.

علمای مذاهب، حتی حنبلی‌ها از ابن تیمیه که خود را حنبلی می‌دانست روی برگردانیدند و او را گمراه دانستند؛ مثلاً «یافعی» درباره او گفته:

«ابن تیمیه مسائل غریبی آورد که بر او انکار کردند و از قبیح ترین سخنان او این که او از زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نهی کرد».

ابن حجر عسقلانی نوشته:

«فقیه مالکی به کفر او حکم داد و در دمشق اعلام شد که هر کس عقیده ابن تیمیه را داشته باشد، خون و مال او حلال است».

یکی از مطالب عمده ابن تیمیه و اتباع او (وهابی‌ها) این است که آنها سفر برای زیارت قبور، حتی زیارت قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را، نامشروع بلکه مساوی با شرک می‌دانند.

ابن تیمیه در ذیل حدیثی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بخاری و مسلم نقل شده (

لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد؛ المسجد الحرام والمسجد الأقصى ومسجدی هذا؛ ۷۶

بار سفر بسته نشود مگر برای سه جا:

مسجدالحرام، مسجدالأقصی و این مسجد من) می‌گوید: «اگر کسی برای زیارت قبر حضرت ابراهیم و یا قبر پیامبر اسلام نذر کند، وفا به این نذر واجب نیست؛ زیرا از سفر کردن به این محل‌ها نهی شده است».

ص: ۶۴

همچنین ابن تیمیه در منهاج السنه، با وارد ساختن تهمتهای ناروا به شیعه، از این که شیعیان قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای خدا علیهم السلام را زیارت می‌کنند، آنها را به یهود و نصاری تشبیه می‌کند و حتی شیعه را به خاطر این عمل، مشرک می‌داند و جالب این که به صورت «ان قیل» از خود می‌پرسد که: تنها شیعه به زیارت قبور نمی‌رود بلکه بسیاری از اهل سنت هم چنین می‌کنند، پس چرا فقط شیعه را متهم می‌کنی؟ و پاسخ می‌دهد:

«درست است که بسیاری از اهل سنت هم به زیارت قبور می‌روند، آنها هم کار حرام می‌کنند و گمراه هستند ولی گمراهی شیعه بیشتر است!»

و بدینگونه خود ابن تیمیه اعتراف می‌کند که اکثریت مسلمانان از شیعه و سنی زیارت قبور اولیای خدا را مشروع می‌دانند و آن را انجام می‌دهند.

ابن تیمیه نه تنها سفر برای زیارت قبور را جایز نمی‌داند بلکه اساس زیارت قبور و از جمله زیارت قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را ولو برای ساکنین مدینه جایز نمی‌داند و روایاتی را که درباره زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده، رد می‌کند و آنها را ضعیف و جعلی می‌داند.

ثواب داشتن زیارت قبور انبیاء و ائمه علیهم السلام و شهداء و صلحا از مسلمات نزد شیعه اثنی عشری است و در این خصوص از ائمه اطهار علیهم السلام روایات فراوانی وارد شده است و اشکالی هم که از طرف اهل سنت در خصوص زیارت وارد شده، قابل نقض از متون و صحاح خودشان می‌باشد که قبلاً

ص: ۶۵

متعرض بعضی از آنها شدیم ۷۷.

۷۷ (۱). صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۵۱؛ ج ۳، ص ۶۵؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۱، ص ۱۴۶؛ تاریخ الشام، ابن عساکر، ج ۶، ص ۱۰۸؛ المنتظم، ابن جوزی، ج ۵، ص ۹۹؛ سنن ابن داود، ج ۲، ص ۷۲؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۴۷.

با توجه به احادیث منقول در متون اهل سنت و گفتار آنها در خصوص احادیث بخاری و مسلم (که اگر حدیثی در مسلم و یا بخاری وارد شد دال بر آن است که آن حدیث متفق علیه است و می‌توان بدان عمل نمود زیرا که روایت صحیح است) دیگر بهانه‌ای برای شبهه افکنی باقی نمی‌ماند.

روشن است که علاقه زیاد و عشق و محبت به این کار فرمان می‌دهد و این نوعی احترام و بزرگداشت است و مردم به تناسب شوقشان حالات متفاوتی دارند. بعضی‌ها وقتی قبر را می‌بینند، بی‌اختیار به سمت آن می‌شتابند، برخی هم با تاخیر و درنگ رفتار می‌کنند.

مسئله عزاداری

عزاداری شیعه برای اولیای خدا که ائمه اثنی عشر علیهم السلام و اولادشان می‌باشند سنتی حسنه است که خود رسول خدا صلی الله علیه و آله بر جای گذاشت و اهل سنت در متون خود بدان اعتراف دارند: عایشه نقل می‌کند که:

حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام هنگامی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد

ص: ۶۶

شد که وحی در حال نزول بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودند و امام حسین علیه السلام بر شانه ایشان سوار شد و شروع به بازی کرد.

جبرئیل گفت: ای رسول خدا، امت تو بعد از تو فتنه به پا خواهند کرد و فرزند تو (امام حسین علیه السلام) را بعد از رحلت خواهند کشت و آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله دست خود را بلند کرده، جبرئیل خاک سفیدی به ایشان صلی الله علیه و آله داد و گفت: در این زمین که نامش طُف است فرزندت کشته خواهد شد.

هنگامی که جبرئیل رفت رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که اشک می‌ریختند و آن خاک در دستشان بود به طرف اصحاب حرکت کردند که در آن میان ابوبکر، عمر، علی، حذیفه، عمار و ابوذر بودند. اصحاب سؤال کردند: چرا

گریه می‌کنید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به من خبر داد که فرزندم حسین در دشت کربلا شهید خواهد شد و این خاک سفید را جبرئیل برایم آورد و به من خبر داد که در سرزمین طف قبر اوست ۷۸.

عده‌ای از علمای اهل سنت در کتب خود کلام رأس جالوت از علمای

ص: ۶۷

یهود را نقل کرده‌اند که:

وقتی ما از کربلاء عبور می‌کردیم، اسب ما رم کرد و ما به زمین خوردیم و احساس ناراحتی کردیم، از پدرم سوال کردم که چرا این چنین حوادثی در عبور از کربلاء برای ما اتفاق افتاد؟ »

قال کنا نتحدّث أنّ ولد نبیّ مقتول فی ذلک المكان

«، گفت: پدرم گفت: پدران و بزرگان ما گفته‌اند که فرزند یک پیغمبری در این مکان کشته خواهد شد. »

فلما قتل الحسین قلنا هذا الذی نتحدّث

«، وقتی حسین شهید شد، ما فهمیدیم خبری که بزرگان و انبیاء گذشته به ما داده بودند، مراد حسین فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. ۷۹ و خوارزمی در (مقتل الحسین) و طبری در (ذخائر العقبی) آورده‌اند:

۷۸ (۱). «دخل الحسین بن علی علیه السلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله وهو یوحی إلیه، فبرک علی ظهره، وهو منکب، ولعب علی ظهره. فقال جبرائیل: یا محمد، إنّ أمّک ستفتن بعدک، وتقتلُ ابنک هذا من بعدک، ومدّ یعدّه فأتاه بتریه بیضاء، وقال: فی هذه الأرض یقتل ابنک، اسمها الطفّ. فلما ذهب جبرئیل خرج رسول الله صلی الله علیه و آله إلی أصحابه والتریه فی یده، وفیهم أبوبکر وعمر و علی وحذیفه وعمّار وأبو ذر وهو یبکی.

فقالوا: ما یبکیک یا رسول الله؟

فقال: أخبرنی جبرئیل أنّ ابنی الحسین یقتل بعدی بأرض الطفّ، وجاءنی بهذه التریه، فأخبرنی أنّ فیها مضجعه». (مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۴۲؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۸؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۲۳)

۷۹ (۱). سیر أعلام النبلاء للذهبی، ج ۳، ص ۲۹۱؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۶؛ المعجم الكبير للطبرانی، ج ۳، ص ۱۱۱؛ تاریخ مدینه دمشق لابن عساکر، ج ۱۴، ص ۲۰۰؛ تهذیب الکمال للمزی، ج ۶، ص ۴۱۰؛ تهذیب التهذیب لابن حجر العسقلانی، ج ۳، ص ۳۰۱؛ مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۶.

چون حسین علیه السلام بدنیا آمد، قنداقه او را خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آوردند، نگاهی به او کرد و قطرات اشکش جاری شد؛ خواهر اُسماء بنت عمیس عرض کرد: یا رسول الله، چرا گریه می‌کنی؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: این فرزندم را »

تقتله الفئة الباغية من أمتي

«، گروه ستمکار و یاغی از امتم او را خواهند کشت، »

ولا أنالهم الله شفاعتي

«خداوند شفاعت من را به اینها قسمت نکند. ۸۰

ص: ۶۸

و حاکم نیشابوری نقل می‌کند: وقتی امام حسین علیه السلام یک ساله بوده، ام الفضل دختر حارث می‌گوید: روزی نبی مکرم صلی الله علیه و آله وارد شد و امام حسین علیه السلام را روی زانوانش نشاند و دیدم از چشمانش قطرات اشک جاری شد، عرض کردم: «یا نبی الله بآبی أنت وأُمّی ما لک؟ قال أتانی جبرئیل علیه الصلاة والسلام فأخبرنی إنَّ أُمَّتِی ستقتل إبنی هذا، فقلت: هذا؟ فقال نعم وأتانی بتربة من تربته حمراء

«پدر و مادرم فدای تو باد، تو را چه شده است؟ فرمودند: جبرئیل آمد و به من خبر داد: امت تو در آینده این فرزندت را خواهند کشت، وبعد مقداری از خاک قرمز کربلاء را به من داد. ۸۱ اهل سنت سیره پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله را حجت و لازم الاتباع می‌دانند؛ یعنی اگر در سیره و روش آن حضرت احراز گردد که فعلی را انجام می‌دادند با عدم وجود معارض، آن را تکلیف می‌دانند.

۸۰ (۲). مقتل الحسين للخوارزمي، ج ۱، ص ۸۸؛ ذخائر العقبی للطبری، ص ۱۱۹.

۸۱ (۱). هذا حديث صحيح على شرط الشيخين. این روایت بر مبنای صحیح مسلم و صحیح بخاری، صحیح است. (المستدرک علی الصحیحین للحاکم النیشابوری، ج ۳، ص ۱۷۶)

به گواهی متون اهل سنت، عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام سابقه‌ای به درازای تاریخ اسلام دارد و به حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره آن بزرگوار برمی‌گردد. منابع تاریخی اهل سنت به وضوح این نکته را بیان نموده‌اند که آن حضرت نخستین فردی بود که از شهادت فرزندش حسین بن علی علیه السلام

ص: ۶۹

خبر داد و برای مظلومیت وی اشک ریخت.

در مسند احمد و دیگر کتب آمده است که امام حسین علیه السلام فرمودند: ام سلمه به من خبر داد: جبرئیل نزد رسول خدا بود و تو پیش من بودی و ناگهان گریستی. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

بگذار فرزندم را. من تو را رها نمودم، پیامبر تو را در آغوش کشید.

جبرئیل پس از دیدن این منظره پرسید: آیا دوستش داری؟ پیامبر پاسخ داد:

بلی. جبرئیل گفت: همانا امت تو به زودی او را خواهند کشت؛ آیا می‌خواهی خاک سرزمینی را که در آنجا کشته می‌شود به تو نشان بدهم و آن را ببینی؟ گفت: بلی. پس جبرئیل بال‌هایش را گشود و زمین کربلا را نشان داد ... پیامبر از آن حالت بیرون آمد و در دستش خاک سرخ بود ... ۸۲ ابن سعد، از مورخان و رجال‌شناسان معروف اهل سنت، نقل می‌کند:

«علی بن ابی‌طالب علیه السلام در یکی از سفرهایش از کربلا عبور می‌کرد و عازم صفین بود و هنگامی که به مقابل قریه‌ی نینوا رسید، از همراهان پرسید: نام این سرزمین چیست؟ پاسخ داده شد: کربلا، با شنیدن نام کربلا، امام به گریه افتاد، به اندازه‌ای که اشک‌هایش به زمین جاری شد. سپس فرمود: روزی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم در حالی که وی می‌گریست. پرسیدم: چه چیزی شما را به گریه واداشته است؟ حضرت فرمود: جبرئیل چند لحظه قبل نزد من

ص: ۷۰

بود و به من خبر داد که فرزندم حسین در کرانه فرات به قتل می‌رسد؛ جایی که به آن کربلا گفته می‌شود. بعد جبرئیل مشتی از خاک آن را به من داد و من آن را بوییدم و نتوانستم جلوی اشک خود را بگیرم».^{۸۳} از عبدالله بن وهب بن منبه روایت شده که گفت: «ام سلمه به من خبر داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله شبی برای خوابیدن دراز کشیدند، سپس بیدار شدند در حالی که گرفته و پریشان بودند. دوباره حضرت دراز کشیدند و خوابشان برد، بعد مضطرب و پریشان از خواب بیدار شدند. این بار اضطراب وی غیر از اضطرابی بود که در مرتبه نخست مشاهده کردم. بار سوم حضرت دراز کشیدند و این بار که از خواب بیدار شدند، در دستشان تربت سرخی بود که آن را می‌بوسیدند. سپس من گفتم: یا رسول الله این تربت چیست؟ حضرت فرمودند: جبرئیل به من خبر داد که این (اشاره به حسین نمود) در زمین عراق کشته می‌شود. به جبرئیل گفتم: خاک زمینی را که حسین در آنجا شهید می‌شود نشانم بده ... و این تربت همان سرزمین است»^{۸۴}.

از سلمی نقل شده است که: خدمت ام سلمه رسیدم و او گریه می‌کرد. از ام سلمه پرسیدم: چرا گریه می‌کنی؟ او در پاسخ گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله را

ص: ۷۱

دیدم (در خواب) سر و صورت و محاسن آن حضرت پر از خاک بود. عرض کردم: ای رسول خدا شما را چه شده است؟ حضرت فرمود: همین حالا شاهد کشته شدن حسینم بودم.^{۸۵} از ابن عباس روایت شده است که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را نیمه روز در خواب دیدم که پریشان و خاک‌آلود بود و شیشه‌ای پر از خون در دست داشت.

عرض کردم: ای پیامبر خدا، این چیست؟ در جواب فرمود: این خون حسین و اصحابش است که امروز پیوسته در این شیشه جمع کرده‌ام. ابن عباس گفت: آن روز را شمارش کردم و ضبط نمودم. بعدا معلوم شد که حسین یک روز پیش از آن به شهادت رسیده بود.^{۸۶} مجموع این روایات و سایر اخبار مربوطه نشان می‌دهد که از نظر بزرگان اهل سنت شهادت

۸۳ (۱). تذکره الخواص، ص ۲۵۰؛ ابن حجر العسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۰۰؛ ابوبکر الهیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۷.

۸۴ (۲). محمد بن عبدالله الحاکم النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۴۰؛ احمد بن عبدالله الشافعی، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۱۴۷؛ ابوالقاسم سلیمان ابوالاحمد الطبری، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۰۹.

۸۵ (۱). محمد بن عبدالله الحاکم النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۵، ص ۱۶۵.

۸۶ (۲). المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۳۹؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۴۲؛ المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۱۰؛ النعیم المقیم لعتره النبأ العظیم، ص ۱۰۲.

امام حسین علیه السلام از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشگویی شده و به طور مکرر آن حضرت و برخی همسرانش از جمله ام سلمه و نیز امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام برای حسین علیه السلام به سوگواری پرداخته‌اند. ۸۷ روایات مزبور، مظلومیت حسین علیه السلام را یادآور شده و عزاداری برای ایشان را به عنوان یک سنت قابل پیروی و عمل تقرب‌بخش در بین آنان مطرح کرده‌اند.

ص: ۷۲

نخستین سوگواری‌ها

حضرت آدم علیه السلام در کربلا

در روایات ما آمده است: هنگامی که حضرت آدم علیه السلام به زمین فرستاده شد. میان او و همسرش «حوا» جدایی افتاد. آدم برای یافتن همسرش، به جست‌وجو پرداخت. در میانه راه، گذارش به کربلا افتاد. پس بی‌اختیار، ابری از غم، دلش را تسخیر کرد و بر اثر لغزش به گودال قتلگاه افتاد با چشمی گریان و تنی مجروح سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! بار دیگر، امری مرتکب شده‌ام که این حال به من دست داده است؟ خطاب رسید: «ای آدم! گناهی از تو سر نزده است، لکن در این سرزمین، فرزند تو - حسین علیه السلام - را با ستم، به قتل می‌رسانند». عرض کرد: خدایا حسین کیست؟ آیا از پیامبران است؟ ندا آمد: «نه، پیامبر نیست، ولی فرزند پیامبر آخر الزمان - محمد بن عبدالله - است». عرض کرد: خدایا! قاتل او کیست؟ خطاب آمد: «نامش یزید است که ملعون آسمان‌ها و زمین است». در این هنگام به جبرئیل رو کرد و گفت: درباره قاتل حسین علیه السلام چه باید کرد؟ جبرئیل گفت: «باید او را لعن کرد». آدم علیه السلام چهار بار یزید را لعن کرد و راه خود را در پیش گرفت و از سرزمین کربلا خارج شد. ۸۸

۸۷ (۳). محمد بن عبدالواحد الموصلی، مناقب آل محمد، ص ۱۰۳.

۸۸ (۱). بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۲-۲۴۳؛ «وروی مرسلان آدم لما هبط إلى الأرض لم ير حوا فصار يطوف الأرض في طلبها فمر بكربلا فاغتم، وضاق صدره من غير سبب، وعثر في الموضع الذي قتل فيه الحسين، حتى سال الدم من رجله، فرفع رأسه إلى السماء وقال: إلهي هل حدث مني ذنب آخر فعاقبتني به؟ فأنى طفت جميع الأرض، وما أصابني سوء مثل ما أصابني في هذه الأرض. فأوحى الله إليه يا آدم ما حدث منك ذنب، ولكن يقتل في هذه الأرض ولدك الحسين ظلما فسأل دمك موافقة لدمه، فقال آدم: يا رب أكون الحسين نبيا قال: لا، ولكنه سبط النبي محمد، فقال: ومن القاتل له؟ قال: قاتله

کشتی نوح علیه السلام در کربلا

وقتی حضرت نوح علیه السلام و همراهانش بر کشتی سوار شدند و کشتی بر امواج پر تلاطم آب سرگردان شد، مدتی در راه بودند که ناگهان کشتی از حرکت ایستاد. نوح علیه السلام، مضطرب و نگران با خود می‌گفت: خدایا! چه شده است؛ چرا کشتی حرکت نمی‌کند؟ ناگهان ندا آمد: «ای نبی الله! این جا، سرزمینی است که فرزند زاده خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و پسر اشرف اولیا کشته می‌شود». نوح پرسید: قاتل او کیست؟ ندا آمد: «قاتل او، ملعون آسمان‌ها و زمین است». نوح علیه السلام چهار بار قاتلان آن حضرت را لعن کرد تا سرانجام کشتی به راه افتاد و از غرق شدن نجات پیدا کرد. ۸۹.

عبور حضرت ابراهیم علیه السلام از قتلگاه

حضرت ابراهیم علیه السلام در سفری به سرزمین کربلا رسید. آرام آرام با

مرکبش می‌گذشت که ناگهان به گودال قتلگاه رسید و اسب، او را به زمین زد. ابراهیم علیه السلام زبان به استغفار گشود و عرض کرد: خدایا! از من، چه خطایی سر زده است که به این بلا دچار شدم؟ جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «ای ابراهیم! از تو گناهی سر نزده است. در این سرزمین، فرزند آخرین فرستاده خدا، - محمد بن عبدالله - را به قتل می‌رسانند». پرسید: قاتل او کیست؟

یزید لعین أهل السماوات والأرض، فقال آدم: فأى شيء أصنع يا جبرئيل؟ فقال: العنه يا آدم فلعنه أربع مرات ومشي خطوات إلى جبل عرفات فوجد حوا هناك.

۸۹ (۱). بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳: «وروی أن نوحا لما ركب في السفينة طافت به جميع الدنيا فلما مرت بكربلا أخذته الأرض، وخاف نوح الفرق فدعا ربه وقال: إلهي طفت جميع الدنيا وما أصابني فرع مثل ما أصابني في هذه الأرض فنزل جبرئيل وقال: يا نوح في هذا الموضع يقتل الحسين سبط محمد خاتم الأنبياء، وابن خاتم الأوصياء فقال: ومن القاتل له يا جبرئيل؟ قال: قاتله لعين أهل سبع سماوات وسبع أرضين، فلعنه نوح أربع مرات فسارت السفينة حتى بلغت الجودي واستقرت عليه».

جبرئیل گفت: «قاتل او، ملعون آسمان‌ها و زمین است که قلم، بر لوح اعظم، لعن او را نگاشته است». در این هنگام، ابراهیم دست خود را به طرف آسمان بالا برد و در حق قاتلان آن حضرت، لعن و نفرین کرد. مرکب ابراهیم نیز آمین گفت، پس ابراهیم خطاب به اسب گفت: تو چه می‌دانی که آمین گفتی؟

گفت: ای ابراهیم من افتخار می‌کنم که ابراهیم را کیم می‌باشد و چون من ترا به زمین انداختم خجل شدم پس بعد دعایت آمین گفتم که مزید عذاب یزید (لعنة الله عليه) باشد. ۹۰

ص: ۷۵

گوسفندان اسماعیل و نیاشامیدن آب فرات

اسماعیل گوسفندان خود را برای چرا به کنار رودخانه فرات برد، لکن چوپان به اسماعیل خبر داد که گوسفندان از آب فرات نمی‌خورند! اسماعیل رو به درگاه الهی کرد که جبرئیل نازل شد و گفت: از خود گوسفندان بپرس که به زبان فصیح جوابت خواهند گفت: اسماعیل از گوسفندان سؤال کرد، چرا آب نمی‌خورید؟ یکی از آنها گفت: به ما خبر رسیده فرزند تو و سبط محمد صلی الله علیه و آله در اینجا با لبی تشنه به شهادت می‌رسد، اسماعیل از قاتل امام حسین علیه السلام سؤال کرد؟ گفتند: او ملعون اهل آسمان‌ها و زمین‌ها و جمیع خلایق است، پس اسماعیل هم او را لعن نمود. ۹۱

حضرت موسی و یوشع در کربلا

۹۰ (۱). بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳؛ وروی آن ابراهیم علیه السلام مر فی أرض کربلا وهو راكب فرسا فعثرت به وسقط إبراهيم وشج رأسه وسال دمه، فأخذ فی الاستغفار وقال: إلهی أى شئ حدث منی؟ فنزل إلیه جبرئیل وقال: یا ابراهیم ما حدث منك ذنب، ولكن هنا یقتل سبط خاتم الأنبیاء، وابن خاتم الأوصیاء، فسال دمک موافقة لدمه. قال: یا جبرئیل ومن یكون قاتله؟ قال: لعین أهل السماوات والأرضین والقلم جرى علی اللوح بلعنه بغیر إذن ربه، فأوحى الله تعالى إلی القلم إنک استحققت الثناء بهذا اللعن. فرفع ابراهیم علیه السلام یدیه ولعن یزید لعنا کثیرا وأمن فرسه بلسان فصیح فقال ابراهیم لفرسه: أى شئ عرفت حتى تؤمن علی دعائی؟ فقال: یا ابراهیم أنا أفتخر برکوبک علی فلما عثرت وسقطت عن ظهري عظمت خجلتی وكان سبب ذلک من یزید لعنه الله تعالى».

۹۱ (۱). بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳-۲۴۴؛ وروی آن اسماعیل کانت أغنامه ترعى بشط الفرات، فأخبره الراعی أنها لا تشرب الماء من هذه المشرعة منذ کذا یوما فسأل ربه عن سبب ذلک فنزل جبرئیل وقال: یا اسماعیل سل غنمک فإنها تجیبک عن سبب ذلک؟ فقال لها: لم لا تشربین من هذا الماء؟ فقالت بلسان فصیح؟ قد بلغنا أن ولدک الحسین علیه السلام سبط محمد یقتل هنا عطشانا فنحن لا نشرب من هذه المشرعة حزنا علیه، فسألها عن قاتله فقالت یقتله لعین أهل السماوات والأرضین والخلایق أجمعین، فقال اسماعیل: اللهم العن قاتل الحسین علیه السلام».

حضرت موسی و یوشع بن نون گذارشان به کربلا افتاد، کفششان پاره و خاری به پایشان فرو رفته و خون جاری شد، موسی به خدا عرض کرد: بار خدایا چه لغزشی از من سر زد که اینگونه باید توبیخ شوم؟ خطاب آمد: اینجا قتلگاه حسین علیه السلام است و جاری شدن خون تو، برای موافقت با خون

ص: ۷۶

حسین علیه السلام است. موسی سؤال کرد، الهی حسین کیست؟ فرمود: او سبط محمد مصطفی و پسر علی مرتضی است. موسی گفت: قاتلش کیست؟

فرمود: او لعین در لسان موجودات دریایی، وحوش و پرندگان است. پس موسی، یزید ملعون را لعن کرده و یوشع آمین گفت. ۹۲

باد و حضرت سلیمان علیه السلام

روزی حضرت سلیمان علیه السلام بر بساط خود، در آسمان در حال حرکت بود. ناگهان، باد به جنب و جوش افتاد و بساط سلیمان از کنترل ولی خارج شد. سلیمان علیه السلام تعجب کرد و وحشت و اضطرابی عجیب، سراپای او را فرا گرفت. پرسید: چه شده است؟ باد جواب داد: ما به قتل گاه حسین علیه السلام رسیده ایم. سلیمان پرسید: حسین علیه السلام کیست؟ باد گفت: او سبط محمد مختار و پسر علی کرار است که در این سرزمین، به دست قومی جفاکار به قتل می رسد. سلیمان پرسید: قاتلش کیست؟ پاسخ داد: او ملعون زمین و آسمانها است. در این هنگام، سلیمان دست به آسمان برداشت و یزید را

ص: ۷۷

لعن کرد. باد بساط سلیمان را برداشت و از زمین کربلا دور کرد. ۹۳

۹۲ (۱). بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۴؛ «وروی أن موسی کان ذات یوم سائرا ومعه یوشع بن نون، فلما جاء إلى أرض کربلا انخرق نعله، وانقطع شراکه، ودخل الخسک فی رجليه، وسال دمه، فقال: إلهی أی شیء حدث منی؟ فأوحی إلیه أن هنا یقتل الحسین علیه السلام وهنا یسفک دمه، فسال دمک موافقةً لدمه فقال: رب ومن یكون الحسین؟ فقلیل له: هو سبط محمد المصطفی، وابن علی المرتضی، فقال: ومن یكون قاتله؟ فقلیل: هو لعین السمک فی البحار، والوحوش فی القفار، والطیر فی الهواء، فرفع موسی یدیه ولعن یزید ودعا علیه وأمن یوشع بن نون علی دعائه ومضی لشأنه».

۹۳ (۱). بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۴؛ «وروی أن سلیمان کان یجلس علی بساطه ویسیر فی الهواء، فمر ذات یوم وهو سائر فی أرض کربلا فأدارت الريح بساطه ثلاث دورات حتی خاف السقوط فسكنت الريح، ونزل البساط فی أرض کربلا. فقال سلیمان للريح: لم سکتی؟ فقالت: إن هنا یقتل الحسین علیه السلام

حضرت عیسی علیه السلام و کربلا

حضرت عیسی علیه السلام در جمع حواریون از سرزمین کربلا می‌گذشت، پس از شنیدن خبر قرار گرفتن شیری بر سر راه عابران، جلو آمد و رو به شیر گفت: چرا در این راه نشسته‌ای و مانع رفت و آمد عابران هستی؟ حیوان به زبان آمد و گفت: یا نبی الله! نمی‌گذاریم از این جا بگذری، مگر آن که بر یزید، قاتل حسین، لعن کنی. عیسی پرسید: حسین علیه السلام کیست؟ گفت: او سبط محمد نبی امی، و پسر علی علیه السلام ولی و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است. عیسی علیه السلام پرسید: قاتل او کیست؟ شیر گفت: ملعون چرندگان و پرندگان و درندگان بیابان‌ها است. به ویژه در ایام عاشورا. عیسی علیه السلام به همراه حواریان دست به آسمان برداشت و یزید و قاتلان امام حسین علیه السلام را لعن کرد، آنگاه شیر از سر راه کنار رفت و آنان از آن سرزمین گذشتند. ۹۴

ص: ۷۸

گریه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر امام حسین علیه السلام

روایت شده که فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: روزی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم و فرزندم امام حسین را در حالی که کودک بود در آغوش ایشان قرار دادم ناگهان دیدم رسول خدا شروع به گریه کردند؟ سؤال کردم جانم فدای شما چرا گریه می‌کنید؟ فرمود: این جبرئیل است که به من خبر داد اتمم این فرزندم را خواهند کشت. سؤال کردم از جبرئیل آیا این فرزندم؟ گفت:

آری، آن گاه تربیتی به من داد که به رنگ خون بود ۹۵

علی بن ابی طالب علیهما السلام در کربلا

فقال ومن یكون الحسین؟ فقالت: هو سبط محمد المختار، وابن علی الكرار، فقال: ومن قاتله؟ قالت: لعین أهل السماوات والأرض یزید، فرفع سلیمان یدیه ولعنه ودعا علیه وأمن علی دعائه الإنس والجن، فهبت الريح وسار البساط».

۹۴ (۲). بحار الأنوار، ج ۴، ص ۲۴۴-۲۴۵؛ «وروی أن عیسی کان سائحا فی البراری، ومعه الحواریون، فمروا بکربلا فأروا أسدا کاسرا (۱) قد أخذ الطريق فتقدم عیسی إلی الأسد، فقال له: لم جلست فی هذا الطريق؟ وقال: لا تدعنا نمر فیه؟ فقال الأسد بلسان فصیح: إنی لم أدع لكم الطريق حتی تلعنوا یزید قاتل الحسین علیه السلام فقال عیسی علیه السلام: ومن یكون الحسین؟ قال: هو سبط محمد النبى الأمی وابن علی الولی قال: ومن قاتله؟ قال: قاتله لعین الوحوش والذباب والسباع أجمع خصوصا أيام عاشورا فرفع عیسی یدیه ولعن یزید ودعا علیه وأمن الحواریون علی دعائه فتحنى الأسد عن طریقهم ومضوا لشأنهم».

۹۵ (۱). دلائل الامامة، ص ۱۸۰؛ الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۲۹؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۷۷؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۲۳.

ابن سعد در (طبقات) نقل می‌کند: چون امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در مسیر صفین از کربلا گذشت و رو به روستای نینوا بر کرانه فرات قرار گرفت، ایستاد و سؤال کرد: به این سرزمین چه می‌گویند؟ گفتند:

کربلا. حضرت گریست تا آنکه زمین از اشکهایش تر شد. فرمود: روزی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم که می‌گریست. سبب گریه را پرسیدم، فرمود:

جبرئیل پیش من بود. مرا خبر داد که فرزندم حسین علیه السلام در کنار فرات در

ص: ۷۹

جایی به نام کربلا کشته می‌شود. مشتی از خاک آن را برداشت و داد تا بویش کنم، چشمانش پر از اشک شد. ۹۶

عزاداری زینب علیها السلام و اهل بیت سیدالشهدا علیه السلام

هنگامی که یزید سر مبارک سیدالشهداء علیه السلام را به مجلس آورد، حضرت زینب علیها السلام بی‌تاب شد: «

أَهْوَتْ إِلَى جَبِيهَا فَشَقَّتْهُ ثُمَّ نَادَتْ بِصَوْتٍ حَزِينٍ تَفَزَعُ الْقُلُوبَ يَا حُسَيْنَا يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ يَا ابْنَ مَكَّةَ وَمِنِي يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ يَا ابْنَ بِنْتِ الْمُصْطَفَى ۹۷

؛ اما چون نگاه زینب علیها السلام به سر بریده برادر افتاد گریبان چاک کرد سپس با صدای حزین که قلب‌ها را می‌سوزاند ناله سر داد و گفت: ای حسین من، ای حبیب رسول خدا، ای فرزند مکه و منی ای زاده فاطمه زهرا علیها السلام سرور بانوان و ای فرزند دخت رسول خدا...».

و همچنین در روایت دارد: «

... فالتفتت زینب، فرأت رأس أخيها، فنطحت جبينها بمقدم المحمل، حتى رأينا الدَّمَّ يخرج من تحت قناعها، وأومات اليه بخرقة و... ۹۸

۹۶ (۱). طبقات، ج ۷، ص ۲۷۴؛ اخبار الطوال، ص ۱۰۷؛ شرح احقاق الحق، ج ۸، ص ۱۴۷.

۹۷ (۲). بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۲؛ العوالم، ص ۴۳۳؛ لواعج الاشجان، ص ۲۲۲.

۹۸ (۳). بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵؛ العوالم، ص ۳۷۳.

؛ حضرت زینب علیها السلام از کجاوه روی آورد سر برادرش را دید و به سختی پیشانی خود را به چوب جلو کجاوه زد تا اینکه دیدم خون از زیر مقنعه و روسری او بیرون می‌شد به طوری که دشمنان هم

ص: ۸۰

دیدند».

شیخ مفید رحمه الله می‌فرماید: حضرت زینب با امام حسین علیه السلام گفتگو کرد بعد از زمزمه‌های حضرت، «

ثُمَّ لَطَمْتُ وَجْهَهَا وَهَوَتْ إِلَى جَبِيهَا فَشَقَّتْهُ وَخَرَّتْ مَغْشِيًّا عَلَيْهَا؛ ۹۹

امام صادق علیه السلام در حق اهل بیت سیدالشهداء علیه السلام فرمود: «

وَقَدْ شَقَّقْنَ الْجُيُوبَ وَلَطِمْنَ الْخُدُودَ الْفَاطِمِيَّاتُ، عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى مِثْلِهِ تُلَطَّمُ الْخُدُودُ وَتُشَقُّ الْجُيُوبُ؛ ۱۰۰

چیزی در زدن بر صورت به جز استغفار و توبه نیست، و زنان فاطمی در سوگ حسین علیه السلام گریان چاک داده و به صورت زدند، و بر مثل حسین علیه السلام باید گریست و گریان چاک زد».

امام زمان علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه می‌فرماید: «

فَلَمَّا رَأَيْنَ النِّسَاءَ جَوَادِكَ مَخْزِيًّا وَابْصَرْنَ سَرْجَكَ مَلُوبًا بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ، لِلشُّعُورِ نَاشِرَاتٍ وَلِلْخُدُودِ لَاطِمَاتٍ وَلِلْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ؛ ۱۰۱

در این هنگام که اسب تو درمانده و خوار، با سرعت به سوی حرمت بازگشت، زنان که این صحنه را دیدند از خیام بیرون آمدند، در حالی که موهایشان پریشان بود و بر سر و صورت خود می‌زدند و با صدای بلند گریه و شیون می‌کردند».

ص: ۸۱

۹۹ (۱). ارشاد، شیخ مفید، ص ۹۴؛ اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۱۳۸.

۱۰۰ (۲). تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۳۲۵؛ جامع الاحادیث الشیعة، ج ۳، ص ۴۹۲.

۱۰۱ (۳). بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۴۰؛ المزار، ابن مشهدی، ص ۵۰۴.

طبری مورّخ سنی جریان عبور خاندان امام حسين عليه السلام توسط لشكريان يزيد از مسير قتلگاه را يادآور شده و ذكر مصيبتی که خواهرش زينب عليها السلام آن هنگام که بدن غرقه به خون برادرش را دید اينگونه گزارش می‌کند: «يا محمده، يامحمده! درود فرشتگان آسمان بر تو! اين حسين است که در بيابان افتاده، با خون خود آغشته گردیده، اعضايش قطه قطعه شده. يا محمده! دخترانت اسير شده‌اند و اولادت از دم تيغ گذرانده شده‌اند که بر پیکرشان باد می‌وزد...» وی در ادامه می‌افزاید: «با اين جملات و کلماتی که زينب ادا کرد، دوست و دشمن اشک ريختند» ۱۰۲.

طبری همچنين از عزاداری در منزل یکی از دشمنان معروف امام حسين عليه السلام به نام خولی بن يزيد ازدي ياد می‌کند که سر امام را از عرسعد تحويل گرفت و برای بشارت به عبیدالله بن زياد و گرفتن پاداش، پيش از ديگران به سوی کوفه حرکت کرد، پس از آنکه با در بسته دارالاماره مواجه شد، به خانه برگشت و سر مبارک را در تنور يا صندوقچه‌ای پنهان داشت. زن حُرمیه او پس از اطلاع، شروع به ناله و فریاد نمود، برای مظلوميت امام حسين عليه السلام و حادثه عاشورا، سخت گريست و منزل او را ترک گفت. ۱۰۳

سوگواری سيدالشهدا عليه السلام و ساير قربانيان کربلا با انتقال اسرا به شام، نیز ادامه یافت و محفل جشن و شادمانی يزيد (عليه اللعنة والعذاب) را به

ص: ۸۲

مجلس عزا تبديل کرد. يزيد پس از ورود اهلبيت پیامبر عليهم السلام، سر امام حسين عليه السلام را در طشتی در مقابل نهاد و لب و دندان آن حضرت را به چوب بست و اشعاری را، که نشانگر مستی او در رضایت از انتقام کشته‌گان بدر و احد بود، بر زبان راند. مردی از اهلبيت، که اتفاقاً از اصحاب پیامبر بود، تاب نیاورد و خطاب به يزيد گفت: «آيا با نی بر لب و دندان حسين می‌زنی؟ تو همانا چوبت را بر جایی می‌زنی که من خود دیدم پیامبر آن را می‌بوسید. ای يزيد! تو در روز قیامت محشور خواهی‌شد و ابن زياد شفیعت خواهد بود و اين سر مبارک در روز قیامت از راه می‌رسد در حالی که محمد صلی الله عليه و آله او را شفاعت می‌کند...» ۱۰۴

۱۰۲ (۱). تاريخ الطبری، ابوجعفر محمدبن جرير طبری، ج ۵، ص ۴۵۵-۴۵۶.

۱۰۳ (۲). تاريخ الطبری، ابوجعفر محمدبن جرير طبری، ج ۵، ص ۴۵۵-۴۵۶.

۱۰۴ (۱). تاريخ طبری، ج ۵، ص ۴۶۵ و ۴۶۴؛ العقد الفرید، ج ۴، ص ۳۵۸.

عزاداری خاندان یزید (علیه لعنة الله)

یزید ملعون که پس از ارتکاب جنایت کربلا همچنان بر تداوم خط جاهلی و ستم بیشتر اصرار می‌ورزید و با بازماندگان عاشورا با کمال پستی و دنائت رفتار می‌کرد، سرانجام در اثر فعالیت‌های تبلیغی حضرت زینب علیها السلام و امام زین العابدین علیهما السلام و تنفر روزافزون مردم، مردم احساسات خود را ابراز کردند که از جمله آن، گریه و سوگواری حرمسرای یزید است:

«هنگامی که اهل بیت وارد منزل یزید شدند، هیچ زن و دختری از خاندان یزید باقی نماند مگر آنکه نزد اهل بیت آمدند و به سوگواری پرداختند» ۱۰۵

ص: ۸۳

گسترش عزاداری و سوگواری

تنها عراق و شام نبود که در غم از دست دادن اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و فاجعه عاشورا می‌سوخت، بلکه خراسان در شرق نیز علی‌رغم همه فعالیت‌های شدید فرهنگی و سیاسی امویان و سپس عباسیان و فشار وحشتناک نظامی و امنیتی آنان، آن فاجعه عظیم را از یاد نبرد و مظلومیت همه جانبه خاندان پیامبر را با تمام وجود درک نمود؛ مظلومیتی که با رخداد عاشورا آغاز و با شهادت زید بن علی بن حسین علیه السلام در سال ۱۲۲ و شهادت یحیی بن زید در سال ۱۲۶ در خراسان ادامه یافت.

یعقوبی از مورخین سنی می‌نویسد: «هنگامی که زید بن علی به شهادت رسید، در میان شیعیان خراسان حرکتی پدید آمد، آن‌ها مسائل خویش را آشکار کردند و لذا کسان [اهل سنت] زیاد به نزد آن‌ها آمده به آن‌ها متمایل شدند. آن‌ها نیز جرایم اموی‌ها را در حق آل رسول علیهم السلام برای مردم بیان می‌کردند، در آن میان شهری نبود مگر آنکه این خبر فضای آن را آکنده بود.» ۱۰۶ طبیعی است که سوگواری و عزاداری در آن زمان شیوه و آداب ویژه‌ای نداشت و صرفاً در

۱۰۵ (۲). تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۶۵ و ۴۶۴؛ العقد الفرید، ج ۴، ص ۳۵۸.

۱۰۶ (۱). ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۶.

بیان مظلومیت آل رسول خدا صلی الله علیه و آله، و خصوصاً فاجعه عاشورا، متمرکز بوده و جریان عاشورای حسینی جلوه‌ای غیر قابل انکار و بی‌مانند پیدا کرده بود. احساسات و عواطف فراوان مردم از آن همه مظلومیت و ستم‌دگی غلیان می‌کرد و به دو صورت عشق به اولاد

ص: ۸۴

سیدالشهدا امام حسین بن علی علیه السلام و نفرت از دشمنان آنان و دستگاه حاکم اموی بروز می‌نمود.

پس از شهادت یحیی بن زید «به محض اینکه از شدت اختناق و ارباب حاکم اموی کاسته شد، احساس امنیت نسبی کردند، به مدت هفت روز در مناطق دور و نزدیک برای یحیی بن زید عزاداری کردند و در آن سال هر فرزندی که به دنیا آمد اسمش را یحیی یا زید گذاشتند به علت اندوه و دردی که از این حادثه بر مردم خراسان وارد شده بود»^{۱۰۷}. امام رضا علیه السلام در دهه محرم به طور منظم و همه ساله به سوگ جدشان امام حسین علیه السلام می‌نشستند. دعبل خزاعی، از شاعران نامدار شیعه، می‌گوید:

خدمت مولایم امام رضا علیه السلام رسیدم، دیدم آن حضرت همراه اصحابش به سوگ نشسته است. آن بزرگوار با مشاهده من فرمود: ای دعبل می‌خواهم شعری بگویی؛ زیرا این روزها، ایام حزن و اندوه ما اهل بیت است و روزهای سرور دشمنان، بخصوص بنی‌امیه است. ای دعبل، هرکس بر مصیبت ما بگرید یا بگریاند اجرش با خداست. ای دعبل، هرکس از چشمش بر مصیبت ما اشک بریزد و بگرید همراه ما و در زمره ما محشور می‌شود. ای دعبل، هرکس بر مصیبت جدم حسین بگرید البته خدا گناهان او را می‌آمرزد.

آن‌گاه دستور دادند پرده‌ای میان ما و اهل حرم زدند و فرمودند: زنان و دختران در پس پرده بنشینند و در مصیبت جد خود بگریند. در این هنگام به

ص: ۸۵

من فرمودند: ای دعبل! بر حسین علیه السلام مرثیه بخوان، مادامی که تو زنده‌ای یاور و مدح‌کننده ما هستی؛ پس هرچه توانستی از یاری ما کوتاهی نکن.

۱۰۷ (۱). مسعودی، مروج الذهب و معادن الفضة، ج ۳، ص ۲۱۳؛ ابوالفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۱۰۸؛ ابن اعثم، الفتوح، ج ۴.

آن‌گاه من گریستم و اشعار زیر را در آن مجلس عزا خواندم: ای فاطمه، اگر زنده می‌بودی و می‌دیدی که حسین جنگید و با لب تشنه در کنار نهر فرات کشته شد، در آن صورت ای فاطمه، نزد پیکرش بر سر و صورت می‌زدی و اشک‌هایت را بر گونه و صورت جاری می‌کردی. ای فاطمه، ای دخت‌بهترین انسان! برخیز و ماتم نما، اختران آسمان در بیابان‌ها افتاده‌اند.

مقابری در کوفه و قبری در مدینه و دیگری در فح؛ درود و سلام بر همه آن‌ها. قبوری در کنار رودخانه در جنب کربلا که حجله‌گاه‌های آن‌ها بر کرانه فرات است بر لب فرات با لب عطشان جان باختند. ای کاش پیش از حسین جان می‌دادم. به خدا شکایت می‌کنم که ذکر مصیبت آن‌ها به من جام عزا و بی‌تابی را نوشانده است. دختران «زیاد» در قصرها مصون بودند، اما دختران پیامبر صلی الله علیه و آله هتک حرمت می‌شدند. خاندان زیاد در قلعه در امنیت بودند و اهل بیت پیامبر در بیابان‌ها اسیر. خاندان پیامبر حرمتشان شکسته می‌شد و به اسارت برده می‌شدند و دودمان زیاد در پس پرده و با امنیت می‌زیستند. ۱۰۸

ص: ۸۶

در کتب شیعه اثنا عشری احادیث مأثور فراوان دال بر عظمت زیارت و عزاداری می‌باشد زیرا که این فعل حفظ شعائر است که قرآن بر آن تأکید کرده می‌فرماید: «وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» ۱۰۹.

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا؛ ۱۱۰

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برای شهادت حسین علیه السلام، حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود».

قال الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَابْكَى بِهِ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَغُفَرَ لَهُ؛ ۱۱۱

۱۰۸ (۱). ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۰، ص ۱۴۸.

۱۰۹ (۱). سوره حج، آیه ۳۲.

۱۱۰ (۲). جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۵۶.

۱۱۱ (۳). رجال شیخ طوسی، ص ۲۸۹.

امام صادق علیه السلام به جعفرین عفان فرمود: هیچ کس نیست که درباره امام حسین علیه السلام شعری بسراید و بگرید و با آن بگریاند مگر آن که خداوند، بهشت را بر او واجب می‌کند و او را می‌آمرزد.

قال الصادق علیه السلام: «مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتَ شِعْرِ بَنِي اللَّهِ لَهُ بُيْتًا فِي الْجَنَّةِ؛ ۱۱۲»

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس برای ما یک بیت شعر بسراید، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت، بنا می‌کند.

قال الصادق علیه السلام: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُّ الْبَيْنَا

ص: ۸۷

وَيَمْدَحُنَا وَيَرْتِي لَنَا؛ ۱۱۳»

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به سوی ما می‌آیند و بر ما وارد می‌شوند و برای ما مرثیه می‌گویند.

قال عليّ عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ ... اخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ بِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا؛ ۱۱۴»

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: خداوند برای ما، شیعیان و پیروانی برگزیده است که ما را یاری می‌کنند، با خوشحالی ما خوشحال می‌شوند و در اندوه و غم ما، محزون می‌گردند.

قال الصادق علیه السلام: «كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ۱۱۵»

امام صادق علیه السلام فرمود: هر نالیدن و گریه‌ای مکروه است، مگر ناله و گریه بر حسین علیه السلام.

قال الصادق علیه السلام: «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَظْلَمِنَا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ وَ كِتْمَانُ سِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَجِبُ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ بِالذَّهَبِ؛ ۱۱۶»

۱۱۲ (۴). وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۷.

۱۱۳ (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۹.

۱۱۴ (۲). غررالحکم، ج ۱، ص ۲۳۵.

۱۱۵ (۳). بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۱۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: نَفْسُ كَسِيٍّ بِخَاطِرِ مَظْلُومِيَّتِ مَا اَنْدَوَهْغِيْنَ

ص: ۸۸

شود، تسبیح است و اندوهش برای ما، عبادت است و پوشاندن راز ما جهاد در راه خداست. سپس امام صادق علیه السلام افزود: این حدیث را باید با طلا نوشت!».

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «ارْبَعَةُ آلَافٍ مَلَكٍ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شُعْتُ غُبْرِيَّ كُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ ۱۱۷

امام صادق علیه السلام فرمود: چهار هزار فرشته نزد قبر سیدالشهدا علیه السلام ژولیده و غبارآلود، تا روز قیامت بر آن حضرت می‌گریند».

قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بَا ابْنِ شَيْبٍ! اِنْ كُنْتَ بَاكِياً لِسَيِّءِ فَاَبِكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَانَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ؛ ۱۱۸

امام رضا علیه السلام به ریّان بن شیبب فرمود: ای پسر شیبب! اگر بر چیزی گریه می‌کنی، بر حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کن، چرا که او را مانند گوسفندی سر بریدند».

قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً يُحْيِي فِيهِ اَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ ۱۱۹

امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (و خطّ و مرام ما) احیا می‌شود، دلش در روزی که دلها می‌میرند، نمی‌میرد».

ص: ۸۹

قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «اِنْ سَرَّكَ اَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَنَ لِحُزْنِنَا وَاَفْرَحَ لِفَرَحِنَا؛ ۱۲۰

۱۱۶ (۴) . امالی شیخ مفید رحمه الله، ص ۳۳۸.

۱۱۷ (۱) . کامل الزیارات، ص ۱۱۹.

۱۱۸ (۲) . بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.

۱۱۹ (۳) . بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

۱۲۰ (۱) . جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۴۹.

امام رضا علیه السلام به ریّان بن شیبب فرمود: اگر تو را خوشحال می کند که در درجات والای بهشت با ما باشی، پس در اندوه ما غمگین باش و در شادی ما خوشحال باش».

قال الصادق علیه السلام: «قال لی ابی: یا جعفر! اوقف لی من مالی کذا وكذا التّوادیب تندبني عشرَ سنینَ بمنی ایّامَ منی؛ ۱۲۱»

امام صادق علیه السلام می فرماید: پدرم امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای جعفر! از مال خودم فلان مقدار وقف نوحه خوانان کن که به مدّت ده سال در منا در ایام حجّ، بر من نوحه خوانی و سوگواری کنند».

قال الرضا علیه السلام: «فعلی مثل الحُسنینِ فلیبکِ الباکونَ فانّ البُکاءَ علیهِ یحُطُّ الذُّنوبُ العِظامُ؛ ۱۲۲»

امام رضا علیه السلام فرمود: گریه کنندگان باید بر کسی همچون حسین علیه السلام گریه کنند، چرا که گریستن برای او، گناهان بزرگ را فرو می ریزد».

قال الرضا علیه السلام: «یا بنَ شیبب! انْ بکیتَ علی الحُسنینِ علیه السلام حتّی تصیرَ دُمُوعُکَ علی خَدَیکَ غَفَرَ اللَّهُ لَکَ کُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتُهُ صَغِيراً کَانَ اَوْ کَبِيراً قَلِیلاً»

ص: ۹۰

کان اَوْ کَثِيراً؛ ۱۲۳

امام رضا علیه السلام فرمود: ای پسر شیبب! اگر بر حسین علیه السلام آن قدر گریه کنی که اشکهایت بر چهره ات جاری شود، خداوند همه گناهانت را که مرتکب شده ای می آمرزد؛ کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد».

قال الرضا علیه السلام: «مَنْ کَانَ یَوْمُ عاشوراءَ یَوْمَ مُصِیْبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُکَائِهِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ یَوْمَ الْقِیَامَةِ یَوْمَ فَرَجِهِ وَ سُرُورِهِ؛ ۱۲۴»

۱۲۱ (۲). بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۰.

۱۲۲ (۳). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.

۱۲۳ (۱). امالی صدوق، ص ۱۱۲.

۱۲۴ (۲). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.

امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس که عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریه‌اش باشد، خداوند روز قیامت را برای او روز شادی و سرور قرار می‌دهد».

قال الرضا عليه السلام: «إنَّ أبا عبد الله عليه السلام إذا دخلَ شهرَ المحرمِ لا يرى ضاحكاً وَكانتِ الكآبةُ تغلبُ عليه حتى يمضيَ مِنْهُ عشرةُ أيَّامٍ، فإذا كانَ اليومُ العاشرُ كانَ ذلكَ اليومُ يومَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ...»؛ ۱۲۵

امام رضا علیه السلام فرمود: هرگاه ماه محرم فرا می‌رسید، پدرم (موسی بن جعفر علیه السلام) دیگر خندان دیده نمی‌شد و غم و افسردگی بر او غلبه می‌یافت تا آن که ده روز از محرم می‌گذشت، روز دهم محرم که می‌شد، آن روز، روز مصیبت و اندوه و گریه‌ی پدرم بود».

قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله: «يا فاطمة! كلُّ عَيْنٍ باكيةٌ يومَ القيامةِ إلَّا عَيْنًا

ص: ۹۱

بَكَتْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ؛ ۱۲۶

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه جان! روز قیامت هر چشمی گریان است؛ مگر چشمی که در مصیبت و عزای حسین گریسته باشد، که آن چشم در قیامت خندان است و به نعمتهای بهشتی مژده داده می‌شود».

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «نَيَّحَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ سَنَةً فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ وَثَلَاثَ سِنِينَ مِنَ الْيَوْمِ الَّذِي أَصِيبَ فِيهِ؛ ۱۲۷

حضرت صادق علیه السلام فرمود: یک سال تمام، هر روز و شب بر حسین بن علی علیه السلام نوحه خوانی شد و سه سال، در روز شهادتش سوگواری برپا گشت».

قال الحسين عليه السلام: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى؛ ۱۲۸

۱۲۵ (۳). امالی صدوق، ص ۱۱۱.

۱۲۶ (۱). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳.

۱۲۷ (۲). بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۰۲.

۱۲۸ (۳). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹.

حسین بن علی علیه السلام فرمود: من کشته‌ی اشکم. هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند مگر آنکه (بخاطر مصیبت‌هایم) گریه می‌کند».

قالَ الحسینُ علیه السلام: «مَنْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةً بَوَّأَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ؛ ۱۲۹»

حسین بن علی علیه السلام فرمود: چشمان هر کس که در مصیبت‌های ما قطره‌ای

ص: ۹۲

اشک بریزد، خداوند او را در بهشت جای دهد».

قال علی بن الحسین السَّجَّاد علیه السلام: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ وَ مَنْ مَعَهُ حَتَّى يَسِيلَ عَلَى خَدَيْهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ غُرَفًا؛ ۱۳۰»

امام سجّاد علیه السلام فرمود: هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین بن علی علیه السلام و همراهانش اشکبار شود و اشک بر صورتش جاری گردد، خداوند او را در غرفه‌های بهشتی جای دهد».

قالَ السَّجَّادُ علیه السلام: «أَنِّي لَمْ أَذْكَرْ مَضْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقْتَنِي لِذَلِكَ عِبْرَةً؛ ۱۳۱»

امام سجّاد علیه السلام فرمود: من هرگز شهادتِ فرزندانِ فاطمه علیها السّلام را به یاد نیاوردم، مگر آنکه بغضِ گلویم را گرفت و چشمانم اشکبار گشت».

قال الصّادق علیه السلام: «... رَحِمَ اللَّهُ دَمْعَتَكَ، أَمَا أَنْكَ مِنْ الَّذِينَ يُعَدُّونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا وَالَّذِينَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا، أَمَا أَنْكَ سَتَرَى عِنْدَ مَوْتِكَ حُضُورَ آبَائِي لَكَ...؛ ۱۳۲»

امام صادق علیه السلام، به مسمع که از سوگواران و گریه‌کنندگان بر عزای حسینی بود، فرمود: خدا، اشک تو را مورد رحمت قرار دهد. آگاه باش، تو از آنانی که از دلسوختگان ما به شمار می‌آیند، و از آنانی که با شادی ما شاد

۱۲۹ (۴). احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۲۳.

۱۳۰ (۱). ینابیع الموده، ص ۴۲۹.

۱۳۱ (۲). بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۹.

۱۳۲ (۳). وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۷.

می‌شوند و با اندوه ما غمگین می‌گردند. آگاه باش! تو هنگام مرگ، شاهد حضور پدرانم بر بالین خویش خواهی بود».

قال الصادق عليه السلام: «اللهم ... وَارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَ اخْتَرَقَتْ لَنَا وَارْحَمْ الصَّرْخَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا؛ ۱۳۳

امام صادق علیه السلام بر سجاده خود نشسته و بر زائران و سوگواران اهل بیت، چنین دعا می‌کرد و می‌فرمود: خدایا ... آن دیدگان را که اشکهایش در راه ترخم بر ما جاری شده و دلهایی را که بخاطر ما نالان گشته و سوخته و آن فریادها و ناله‌هایی را که در راه ما بوده است، مورد رحمت قرار بده».

قال الصادق عليه السلام: «مَنْ دَمَعَتْ عَيْنُهُ فِينَا دَمْعَةً لِدَمِّ سَفِكِ لَنَا أَوْ حَقَّ لَنَا نُقْصَانُهُ أَوْ عَرَضَ انْتِهَكَ لَنَا أَوْ لِحَادٍ مِنْ شِيعَتِنَا بَوَاءَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا فِي الْجَنَّةِ حُقُبًا؛ ۱۳۴

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که چشمش در راه ما گریان شود، بخاطر خونی که از ما ریخته شده است، یا حقی که از ما گرفته‌اند، یا آبرویی که از ما یا یکی از شیعیان ما برده و هتک حرمت کرده‌اند، خدای متعال به همین سبب، او را در بهشت جاودان، برای ابد جای می‌دهد».

قال الصادق عليه السلام: «لِكُلِّ شَيْءٍ ثَوَابٌ إِلَّا الدَّمْعَةَ فِينَا؛ ۱۳۵

امام صادق علیه السلام فرمود: هر چیزی پاداش و مزدی دارد، مگر اشکی که برای ما ریخته شود [که چیزی با آن برابری نمی‌کند و مزد بی اندازه دارد]».

قال الصادق عليه السلام: «مَا مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ لَنَا إِلَّا نُعِمَتْ بِالنُّظَرِ إِلَى الْكَوْثَرِ وَسُقِيَتْ مِنْهُ؛ ۱۳۶

۱۳۳ (۱). بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۸.

۱۳۴ (۲). امالی شیخ مفید، ص ۱۷۵.

۱۳۵ (۱). جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۴۸.

۱۳۶ (۲). جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۵۴.

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ چشمی نیست که برای ما بگرید، مگر اینکه برخوردار از نعمتِ نگاه به کوثر می‌شود و از آن سیرابش می‌کنند».

«عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي: انْشِدْنِي، فَأَنْشَدْتُهُ فَقَالَ: لَا، كَمَا تُنْشِدُونَ وَ كَمَا تَرْتِيهِ عِنْدَ قَبْرِهِ...؛ ۱۳۷

ابو هارون مکفوف می‌گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم. امام به من فرمود: برایم شعر بخوان. پس برایم اشعاری خواندم. فرمود: اینطور نه، همان طور که (برای خودتان) شعرخوانی می‌کنید و همانگونه که نزد قبر حضرت سیدالشهدا علیه السلام مرثیه می‌خوانی».

قال الرضا عليه السلام: «يا دُعِيلُ! احِبُّ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ أَيَّامُ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ ۱۳۸

ص: ۹۵

۱۳۹

امام رضا علیه السلام به دعیل (شاعر اهل بیت) فرمود:

ای دعیل! دوست دارم که برایم شعری بسرایی و بخوانی، چرا که این روزها (ایام عاشورا) روز اندوه و غمی است که بر ما اهل بیت وارد شده است».

عَنْ الرضا عليه السلام: «يا دُعِيلُ! ارْثِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّتَ نَاصِرُنَا وَ مَادِحُنَا مَا دُمْتَ حَيًّا فَلَا تُقْصِرْ عَنْ نَصْرِنَا مَا اسْتَطَعْتَ؛ ۱۴۰

۱۳۷ (۳). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷.

۱۳۸ (۴). جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۶۷.

۱۳۹ تبریزی، جعفر، شعائر حسینی، ۱ جلد، دار الصدیقه الشهیده (سلام الله علیها) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۹ ه.ش.

۱۴۰ (۱). جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۶۷.

امام رضا علیه السلام فرمود: ای دعبل! برای حسین بن علی علیه السلام مرثیه بگو، تو تا زنده ای، یاور و ستایشگر مایی، پس تا می‌توانی، از یاری ما کوتاهی مکن».

قال الباقر علیه السلام: «يَبْكِيهِ وَ يَأْمُرُ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَ يُقِيمُ فِي دَارِهِ مُصِيبَتَهُ بِأَظْهَارِ الْجَزَعِ عَلَيْهِ وَ يَتَلَاوُنَ بِالْبُكَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً فِي الْبُيُوتِ وَ لِيُعَزَّ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِمُصَابِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ١٤١

امام باقر علیه السلام نسبت به کسانی که در روز عاشورا نمی‌توانند به زیارت امام حسین علیه السلام بروند، اینگونه دستور عزاداری دادند و فرمودند: برای حسین علیه السلام ندبه و عزاداری و گریه کنند و به اهل خانه خود دستور دهند که بر او بگریند و در خانه‌هایشان با اظهار گریه و ناله بر حسین علیه السلام، مراسم عزاداری برپا کنند و یکدیگر را با گریه و تعزیت و تسلیت گویی در سوگ

ص: ٩٦

حسین علیه السلام در خانه هایشان ملاقات کنند».

قال أبي عبد الله عليه السلام: «مرّ أمير المؤمنين بكربلاء في أناس من أصحابه فلما مرّ بها اغرورقت عيناه بالبكاء ثم قال: هذا مناخ ركبهم وهذا ملقى رجالهم وهنا تهرق دماؤهم، طوبى لك من تربى عليك تهرق دماء الأحياء؛ ١٤٢

امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام با یارانش از کربلا گذر کردند، حضرت، هنگام عبور از آنجا، چشمهایش اشک آلود شد، سپس فرمود:

اینجا مرکبهایشان بر زمین می‌خوابد، اینجا محلّ بارافکندنشان است و اینجا خونهایشان ریخته می‌شود، خوشا به حال توای خاکی که خون دوستان بر روی تو ریخته می‌شود!»

قال الباقر علیه السلام: «ما من رجلٍ ذكرنا أو ذكرنا عنده يخرج من عيَّنه ماءً ولو مثل جناح البعوضة إلا بنى الله له بيتاً في الجنة وجعل ذلك الدَّمعَ حجاباً بينه وبين النار؛ ١٤٣

١٤١ (٢) . کامل الزیارات، ص ١٧٥.

١٤٢ (١) . بحارالانوار، ج ٤٤، ص ٢٥٨؛ کامل الزیارات، ص ٤٥٣، ح ٦٨٥.

١٤٣ (٢) . الغدير، ج ٢، ص ٢٠٢.

امام باقر علیه السلام پس از شنیدن سروده های کمیت درباره اهل بیت علیهم السلام، گریست و سپس فرمود: هیچ کس نیست که ما را یاد کند، یا نزد او از ما یاد شود و از چشمانش هر چند به اندازه بال پشه ای اشک آید، مگر اینکه خداوند برایش در بهشت، خانه ای بنا کند و آن اشک را حجاب میان او و

ص: ۹۷

آتش دوزخ قرار دهد».

قال الصادق عليه السلام: «بَكَى عَلَى بَنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ عِشْرِينَ سَنَةً وَ مَا وَضَعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامٌ إِلَّا بَكَى؛ ۱۴۴

امام صادق علیه السلام فرمود: امام زین العابدین علیه السلام بیست سال (به یاد عاشورا) گریست و هرگز طعامی پیش روی او نمی گذاشتند مگر اینکه گریه می کرد».

قال الصادق عليه السلام: «مَنْ ذَكَرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ؛ ۱۴۵

امام صادق علیه السلام فرمود: نزد هر کس از ما (و مظلومیت ما) یاد شود و چشمانش پر از اشک گردد، خداوند چهره اش را بر آتش دوزخ حرام می کند».

قال الصادق عليه السلام: «تَزَاوَرُوا وَ تَلَاَقُوا وَ تَذَاكَرُوا وَ أَحْيُوا أَمْرَنَا؛ ۱۴۶

امام صادق علیه السلام فرمود: به زیارت و دیدار یکدیگر بروید، با هم به سخن و مذاکره بنشینید و امر ما را زنده کنید».

قال الصادق عليه السلام لِلْفَضِيلِ: «تَجَلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحْيَاهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا؛ ۱۴۷

امام صادق علیه السلام از فضیل پرسید: آیا (دور هم) می نشینید و حدیث و

ص: ۹۸

۱۴۴ (۱). بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۸.

۱۴۵ (۲). بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.

۱۴۶ (۳). بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۲.

۱۴۷ (۴). وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۲.

سخن می‌گویید؟ گفت: آری. فرمود: اینگونه مجالس را دوست دارم، پس امر ما را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند».

عزاداری اجابت امر اهل بیت علیهم السلام و تمسک به سیره آنهاست

با توجه به احادیث مأثوره، ائمه علیهم السلام اصرار بر برگزاری این مراسم داشته‌اند و عملاً آن را به ما درس داده‌اند تا با زنده ماندن این وقایع حقانیت شیعه باقی بماند زیرا که مظلومیت اهل بیت علیهم السلام سند حقانیت مذهب است و حال که عزاداری بر سیدالشهداء علیه السلام مورد توجه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام است و خود برگزار کننده آن بوده‌اند هیچ گونه شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که این سنت باید برای احیای دین باقی بماند زیرا که بقاء دین منوط به بیان حقانیت این مذهب است و یکی از راه‌های آن ذکر واقعه طف است که اسلام به کجا انحراف پیدا کرد که موجب شد سبط نبی اعظم صلی الله علیه و آله که از سروران بهشت است جان خود را بدهد تا ظلم و ظالم معرفی شوند و امروز بقاء سنت واقعی رسول خدا صلی الله علیه و آله که شیعه اثنی عشری حامل آن است به واسطه همان جان‌فشانی است.

ص: ۹۹

سؤالاتی از محضر فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی قدس سره در خصوص نحوه‌ی عزاداری، سینه زنی و مداحی

* عزاداری اجابت امر اهل بیت علیهم السلام

* پاداش عزاداران

* وظیفه ما در مقابل وقایع کربلا و عاشورا

* عظمت زنده نگاه داشتن عاشورا

* عزاداری بر سیدالشهدا علیه السلام

* نوع عزاداری

* جزع چیست؟

* زنجیرزنی و سینه زنی

* عزاداری و شبهه وهن بر تشیع

* سینه زدن لخت مردان

* آرایش زنان در عزا

ص: ۱۰۱

در مقابل عزاداری خالصانه، خداوند متعال به ما چه خواهد داد؟

بسمه تعالی: تمام گناهان بزرگ و کوچک را می‌بخشد در روایتی آمده است:

«يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ بَكَيْتَ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا
كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا؛ ۱۴۸»

ای پسر شیبب اگر بر حسین علیه السلام آن قدر گریه کنی که اشک‌هایت بر چهره‌ات جاری شود، خداوند همه‌ی گناهانی را که مرتکب شده‌ای می‌آمرزد، کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد.

بدون گناه می‌شوی:

«يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَرُّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ۱۴۹»

فرزند شیبب اگر دوست داری خدا را ملاقات کنی و گناهی هم نداشته باشی امام حسین علیه السلام را زیارت کن.

با رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در یک مکان:

«يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَسْكُنَ الْغُرْفَ الْمُبْنِيَّةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ وَآلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَالْعَنْ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ؛ ۱۵۰»

۱۴۸ (۱). عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۸؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.

۱۴۹ (۲). امالی، صدوق، ص ۱۹۳؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۲۹.

فرزند شیبب اگر بخواهی در مکان‌هایی که در بهشت بنا شده و با رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام باشی لعن کن

ص: ۱۰۲

قاتلین امام حسین علیه السلام را».

ثواب شهداء کربلا:

«يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ سَرْكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ مَا لِمَنْ اسْتُشْهِدَ مَعَ الْحُسَيْنِ فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً؛ ۱۵۱

ای پسر شیبب اگر دوست داری ثواب کسی را که در رکاب سیدالشهدا علیه السلام شهید شد ببری هرگاه یاد امام حسین علیه السلام افتادی بگو ای کاش با آنها بودم و به سعادت عظیم می‌رسیدم».

بلند مرتبه ترین مکان در بهشت:

«يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ سَرْكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَنَ لِحُزْنِنَا وَأَفْرَحَ لِفَرَحِنَا وَعَلَيْكَ بِوَلَايَتِنَا فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لِحَشْرِهِ اللَّهُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ ۱۵۲

ای پسر شیبب اگر دوست داری ما را در مقامات والایی از بهشت ملاقات کنی پس غمگین باش به غمگینی ما و خوشحال باش با خوشحالی ما و بر ولایت ما ملازم باش و اگر مردی سنگی را دوست داشته باشد خدا را با آن محشور خواهد کرد روز قیامت».

ابی هارون مکفوف می‌گوید داخل بر امام صادق علیه السلام فرمود:

انشدنی

(بخوان) خواندم، فرمود: نه، بخوان به نحوی که بین خود می‌خوانید که بر مردم می‌خوانی و در نزد قبر سیدالشهدا علیه السلام،

۱۵۰ (۳). عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱۷.

۱۵۱ (۱). امالی، صدوق، ص ۱۹۳؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۰.

۱۵۲ (۲). امالی، صدوق، ص ۱۹۳.

لا، کَمَا تَنْشِدُونَ وَکَمَا تَرْتِیْهِ

ص: ۱۰۳

عِنْدَ قَبْرِهِ

خواندم:

اَمْرٌ عَلٰی جَدَّتِ الْحُسَيْنِ فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الزَّكِيَّةِ

«بر پیکر سیدالشهداء علیه السلام مرور کن و بگو به آن استخوان‌های پاکیزه».

صدای امام علیه السلام به گریه بلند شد، صبر کردم تا امام علیه السلام از گریه فارغ شد، امام علیه السلام فرمود: بخوان
بیشتر بخوان، خواندم:

يَا مَرْيَمُ قُومِي فَاَنْدُبِي مَوْلَاكِ وَعَلَى الْحُسَيْنِ فَاسْعِدِي بُبْكَائِ

«ای مریم برخیز و بر مولای خود گریه کن و با گریهات بر حسین او را یاری نما».

ناگهان امام صادق علیه السلام گریه کرد، زنها صدایشان بلند شد وقتی صدای زن‌ها خاموش شد به من فرمودند:

«یا ابا هارون، من أنشد فی الحسین شعراً فبکی وأبکی عشرة کتبت لهم الجنة، ومن أنشد فی الحسین شعراً فبکی وأبکی خمسة کتبت لهم الجنة، ومن أنشد فی الحسین شعراً فبکی وأبکی واحداً کتبت لهما الجنة، ومن ذکر الحسین عنده فخرج من عينه من الدمع مقدار جناح ذباب کان ثوابه علی الله ولم یرض له بدون الجنة؛ ۱۵۳

اگر کسی در عزای ما ده نفر را به گریه درآورد بهشت بر او خواهد بود. بعد امام فرمودند: اگر نه نفر را ... اگر هشت نفر را ... تا رسیدند به اینکه اگر یک نفر را بگریاند بهشت بر او

ص: ۱۰۴

خواهد بود. بعد فرمودند: اگر کسی امام حسین علیه السلام را یاد کند و خود گریه کند بهشت بر او خواهد بود.»

حفظ انسان از غافل بودن از خدا:

امام رضا علیه السلام فرمود: «

مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا، لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ ۱۵۴

امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (و خطّ و مرام ما) احیا می‌شود، دلش در روزی که دلها می‌میرند، نمی‌میرد.»

عظمت زنده نگاه داشتن عاشورا از کجا مشخص می‌شود؟

بسمه تعالی: از تأکید و برپائی این مجالس توسط ائمه معصوم علیهم السلام و آن قدر این کار اجر و پاداش دارد که امام صادق علیه السلام خطاب به پروردگار متعال (در مورد عزاداران و زائرین سیدالشهدا علیه السلام) می‌فرماید: «

.... فارحم تلك الوجوه التي قد غيّرتها الشمس، وارحم تلك الخدود التي تقلّبت على حفرة أبي عبد الله الحسين عليه السلام، وارحم تلك الأعين التي جرت دموعها رحمةً لنا، وارحم تلك القلوب التي جزعت واحترقت لنا، وارحم الصرخة التي كانت لنا، اللهم إني استودعك تلك الأنفس وتلك الأبدان حتى نوافيهم على الحوض يوم العطش

[الأكبر]

[۱۵۵... پس تو این

ص: ۱۰۵

صورت‌هایی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده، مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت‌هایی را که روی قبر ابی عبد الله الحسين علیه السلام می‌گذارند و برمی‌دارند، مشمول لطف و رحمتت بگردان و همچنین به

۱۵۴ (۱). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

۱۵۵ (۲). کافی، ج ۴، ص ۵۸۳؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۱۱.

چشم‌هایی که از بابِ ترحم بر ما اشک ریخته‌اند نظر عنایت فرما و دل‌هایی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته‌اند را ترحم فرما. بار خدایا! به فریادهایی که به خاطر ما بلند شده برس. خداوند! من این بدن‌ها و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می‌شوند، آنها را سیراب نمایی.»

وظیفه ما در مقابل وقایع کربلا و عاشورا چیست؟

شما می‌توانید وظیفه خود را از روایات اهل بیت علیهم السلام به دست آورید:

امام رضا علیه السلام: «

... إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَأَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَأَذَلَّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ، أَوْزَنَّا الْكَرْبَ وَالْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِي الْبَاكُونَ، فَإِنَّ الْبُكَاءَ فِيهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامُ؛ ۱۵۶

روز عاشورا پلک‌های ما را زخمی کرد و اشک‌های ما را جاری نمود و عزیز ما را در سرزمین کربلا خار کرد و تا روز قیامت مصائب بر جای گذاشت، پس برای مثل حسین گریه کنندگان، گریه کنند، به درستی که گریه در روز عاشورا

ص: ۱۰۶

محو می‌کند گناهان بزرگ را».

امام رضا به دعبل می‌فرمود: «

يَا دَعْبِلُ احْبِبْ أَنْ تُتَشِدَّنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ أَيَّامَ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ ۱۵۷

ای دعبل دوست دارم برایم شعر بخوانی به درستی که این روزها، روزهای حزن بر ما اهل بیت علیهم السلام بوده است».

امام رضا علیه السلام به دعبل فرمود: «

يَا دَعْبِلُ! إِرِثِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّتَ نَاصِرُنَا وَمَادِحُنَا مَا دُمْتَ حَيًّا فَلَا تُقْصِرْ عَنْ نَصْرِنَا مَا اسْتَطَعْتَ؛ ۱۵۸

۱۵۶ (۱). امالی، شیخ صدوق، ص ۱۹۰؛ روضة الواعظین، ص ۱۶۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۳۸.

۱۵۷ (۱). بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷؛ العوالم، ص ۵۴۵.

۱۵۸ (۲). بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷؛ جامع الاحادیث، ج ۱۲، ص ۵۶۷.

ای دعبل مرثیه بسرا در حق حسین، تو یاور و ماح مائی تا زنده هستی هر آنچه در توان داری جهت نصرت ما به کار گیر.»

«فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي قَدْ غَيَّرَتْهَا الشَّمْسُ، وَارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَقَلَّبَتْ عَلَى حُفْرَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا، وَارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاحْتَرَقَتْ لَنَا، وَارْحَمِ الصَّرَخَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَتِلْكَ الْأَبْدَانِ حَتَّى تُؤَافِيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ

[الأكبر]

[۱۵۹] پس تو این صورت‌هایی که حرارت آفتاب آنها را در راه ما تغییر داده مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت‌هایی را که روی قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام می‌گذارند و بر می‌دارند مشمول لطف و رحمتت بگردان و همچنین به

ص: ۱۰۷

چشم‌هایی که از باب ترحم فرما بار خدایا به فریادهایی که به خاطر ما بلند شده برس خداوند من این بدن‌ها و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می‌شوند آنها را سیراب نمایی.»

امام رضا علیه السلام فرمود: »

كَانَ أَبِي (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) إِذَا دَخَلَ شَهْرُ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَكَانَتْ الْكَأَبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ وَيَقُولُ: هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ۱۶۰

هرگاه محرم فرا می‌رسید پدرم (موسی بن جعفر علیه السلام) دیگر خندان دیده نمی‌شد و غم و افسردگی بر او غلبه می‌یافت تا آن که ده روز از محرم می‌گذشت، روز دهم محرم که می‌شد آن روز، روز مصیبت و اندوه و گریه پدرم بود.»

قال الباقر عليه السلام: «... يَبْكِيهِ وَ يَأْمُرُ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَ يُقِيمُ فِي دَارِهِ مُصِيبَتَهُ بِإِظْهَارِ الْجَزَعِ عَلَيْهِ وَ يَتَلَقَّوْنَ بِالْبُكَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فِي الْبُيُوتِ وَ لِيُعَزَّ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِمُصَابِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ۱۶۱

۱۵۹ (۳). کافی، ج ۴، ص ۵۸۲؛ کامل الزیارات، ص ۲۲۹، ح ۳۳۶؛ ثواب الاعمال، ص ۹۵.

۱۶۰ (۱). امالی، شیخ صدوق، ص ۱۹۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۰۵.

... هرکس برای حسین علیه السلام ندبه و عزاداری و گریه کند و به اهل خانه خود دستور دهد که بر او بگریند و در خانه‌اش با اظهار گریه و ناله بر امام حسین علیه السلام، مراسم عزاداری برپا کند و یکدیگر را با گریه و تعزیت و تسلیت گویی در سوگ حسین علیه السلام در خانه هایشان ملاقات کنند».

ص: ۱۰۸

عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «

مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ ۱۶۲

هرکس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (و خط و مرام ما) احیاء می‌شود، دلش در روزی که دل‌ها می‌میرند، نمی‌میرد».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «

قَالَ لِلْفَضِيلِ: تَجْلِسُونَ وَتُحَدِّثُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ جَعَلَتْ فِدَاكَ، قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحْيَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ! فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا ...؛ ۱۶۳

آیا دور هم می‌نشینید و حدیث و سخنی می‌گویید گفت: آری، فرمود: اینگونه مجالس را دوست دارم پس امر ما را زنده بدارید خدای رحمت کند کسی که امر و راه ما را احیاء کند».

«عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ شَبِيبٍ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ لَهُ: يَا ابْنَ شَبِيبٍ إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لِشَيْءٍ فَأَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ وَقُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَبِيبٌ وَلَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَلَقَتْلِهِ ... ۱۶۴

۱۶۱ (۲). کامل الزیارات، ص ۱۷۵.

۱۶۲ (۱). بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۹۹.

۱۶۳ (۲). وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۹۲.

۱۶۴ (۳). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲، ح ۱۴؛ العوالم، ص ۵۲۷.

؛ امام رضا علیه السلام به ریان بن شیبب فرمود: ای پسر شیبب! اگر بر چیزی گریه می‌کنی، بر حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کن، چرا که او را مانند گوسفند سر بریدند، و از اهل بیتش هیجده مرد کشته شدند که در روی زمین شبیه آنان وجود نداشت، و به درستی که آسمان‌های هفتگانه و زمین‌ها برای شهادت مظلومانه او گریست.»

ص: ۱۰۹

نظر مبارک حضرت تعالی در مورد عزاداری برای امام بزرگوار، ابا عبدالله الحسین علیه السلام چیست؟

بسمه تعالی: بر همه است که با عزاداری و شرکت در مراسم سالار شهیدان و سایر ائمه علیهم السلام اخلاص و ارادت خود را به آن خاندان نشان دهند.

بر مؤمنین است که با شرکت در مجالس و عظم، خطابه و عزاداری که شامل مراسم مختلف می‌باشد، این روزها را زنده نگاه دارند و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را به همه‌ی مردم نشان دهند که چگونه آنان در راه خدا از همه چیز خود گذشتند و خالصانه از زحمات رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع کردند و با اهدای جان خود، این مذهب بر حق را زنده نگاه داشتند. خود و فرزندان در این گونه مجالس شرکت کنید و فرزندان خود را حسینی بار آورید که فردا مسئول هستید و آنان را اهل بیتی بار آورید که سعادت فرزندان در توسل به اهل بیت علیهم السلام است.

چه نوع عزاداری در سوگ سیدالشهدا علیه السلام بهتر است انجام گیرد؟

بسمه تعالی: هر چه عنوان جزع بر آن منطبق شود، در عزاداری سیدالشهدا علیه السلام مستحب است.

ص: ۱۱۰

نوحه خوانی و عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام توسط کسانی که مسئولیت دارند و تلاش می‌نمایند چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: کسی که به روز قیامت و حیات ابدی یقین دارد و می‌داند که برای آخرتش باید ذخیره تهیه کند، در دنیا هر قدر بتواند برای خدمت به اسلام و مسلمین و رونق دادن و قوّت دادن به مملکت امام زمان علیه السلام کوشش می‌کند و عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام که موجب تقرب به خداوند متعال است با خدمت کردن به اسلام و مملکت امام زمان علیه السلام منافاتی ندارد، و افراد بزرگی که منشأ خدمات بزرگی در جامعه بوده‌اند خودشان در عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام مباشر بوده‌اند و هیچ وقت عزاداری در همّت آن‌ها برای خدمت خللی وارد نکرد، واللّٰه العالم.

محبت ورزیدن، اشک ریختن و درخواست شفاعت از شهدای کربلا، اینها نتیجه‌ای نداشته است و تاریخ گواه است،
بفرمایید چکار باید کرد تا نتیجه بدهد؟

بسمه تعالی: آنهایی که به واسطه قضیه حضرت سیدالشهداء علیه السلام هدایت شده‌اند و با استفاده از مجالس عزاداری و
توسل به آن حضرت و بقیه معصومین علیهم السلام به مقصود رسیده‌اند، زیاد و بسیار هستند، قضیه سیدالشهداء علیه
السلام دلیل بر حقانیت مذهب و وسیله هدایت برای مردم در همه زمان‌ها می‌باشد و بر همه لازم است این شعار را حفظ
کنند و بدان جهت

ص: ۱۱۱

آنهایی که با دین و برنامه‌های دینی معاندت دارند از این کار منع می‌کنند، شما هم مواظب باشید مورد وسوسه شیطان
قرار نگیرید، واللّٰه العالم.

آیا عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام واجب است؟ و اگر کسی در اینگونه مجالس شرکت نکند، معصیت
کرده‌اند؟

بسمه تعالی: عزاداری بر امام حسین علیه السلام تعظیم شعائر دین است، و شرکت نکردن در مجالس عزاداری چنانچه از
روی بی‌اعتنایی و به عنوان اعراض از مذهب اهل البیت علیهم السلام باشد، جایز نیست، واللّٰه العالم.

سینه و زنجیر زدن در مراسم عزاداری ائمه در صورتی که بدن سرخ شده و یا زخم شود جایز است؟

بسمه تعالی: مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

گذاشتن وسایل هیئات عزاداری امام حسین علیه السلام در مساجد چگونه است؟

بسمه تعالی: گذاشتن وسایل هیئات و دسته‌های عزاداری امام حسین علیه السلام در مسجد مانعی ندارد، لکن باید در
جایی از مسجد بگذارند که مانع از نماز نمازگزاران نباشد، ولو به اینکه با تخته و مثل آن جای خاصی برای آن در
مسجد درست کنند، که مانع نمازگزاران نشود، واللّٰه العالم.

ص: ۱۱۲

از قدیم الایام بین مردم رسم است در ایام عاشورا در مساجد شمع می‌سوزانند، نذر می‌کنند که اگر حاجتم برآورده شود در شب عاشورا در مسجد شمع می‌سوزانم، آیا شمع سوزاندن رجحان دارد چون شعار ابی عبدالله علیه السلام است لذا نذر منعقد می‌شود؟ و یا رجحان ندارد و لازم العمل نیست؟

بسمه تعالی: شمع سوزاندن مانعی ندارد و چنانچه نذر کرده شمع بسوزاند به نذرش عمل کند، واللّٰه العالم.

عزاداری باید به چه صورت انجام گیرد؟

بسمه تعالی: هرچه مصداق اندوه و فغان بر مصائب اهل بیت علیهم السلام باشد، به خصوص بر سید الشهداء علیه السلام مستحب است و در مجالس گریه و سینه زنی و دسته‌جات عزاداری، بر زنده نگاه داشتن مظاهر حزن تأکید می‌شود.

آیا عزاداری امام حسین علیه السلام را می‌توان در مسجد بر پا نمود؟

بسمه تعالی: روضه‌خوانی مستحب است، ولو در مسجد باشد، لکن مانع از نماز نشود، واللّٰه العالم.

ص: ۱۱۳

جزع چیست؟

این سؤال را جابر بن عبدالله انصاری از امام صادق علیه السلام نموده است.

جابر عن ابی جَعْفَرٍ علیه السلام قال: «

قُلْتُ لَهُ مَا الْجَزَعُ؟ قَالَ: اشْدُّ الْجَزَعِ الصُّرَاخُ وَالْعَوِيلُ وَلَطْمُ الْوَجْهِ وَالصَّدْرِ وَجَرُّ الشَّعْرِ مِنَ النَّوَاصِي؛ ۱۶۵

جزع یعنی چه؟ حضرت علیه السلام فرمودند: شدیدترین جزع فریاد زدن بویل و بلند گریه کردن و فریاد زدن و بر سر و صورت زدن و کندن موهای پیشانی است.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «

انَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَأَسْبَلَ دُمُوعَنَا...؛ ۱۶۶

۱۶۵ (۱). کافی، ج ۲، ص ۲۲۳.

۱۶۶ (۲). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

روز حسین پلک چشم‌هایمان را زخمی کرد و اشک‌هایمان را جاری نمود».

این افرادی که در مجالس سوگواری ائمه اطهار علیهم السلام بسیار سینه می‌زنند و بدن خود را سُرخ می‌کنند و از حالت خود خارج می‌شوند، آیا کار درستی انجام می‌دهند؟

بسمه تعالی: مانعی ندارد و داخل عنوان جزع است و جزع بر ائمه علیهم السلام مستحب است، واللّٰه العالم.

ص: ۱۱۴

نظر مبارک حضرت تعالی در مورد نحوه‌ی برگزاری مراسم عزاداری؛ به خصوص زنجیر زنی چیست؟

بسمه تعالی: هرگونه آه و ناله (عزاداری) برای مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام و یاران او پسندیده است و پاداش دارد و سینه زنی (حتی با زنجیر) که در هیئت‌ها انجام می‌گیرد؛ مانند بر سرزدن یا بر ران‌ها زدن و گریه و شیون، جزئی از مراسم عزاداری به شمار می‌آید.

سینه زدن با تیغ و یا زنجیر زدن با زنجیری که دارای چاقو و یا تیغ می‌باشد و به زخمی شدن بدن و جاری شدن خون منجر می‌شود، اگرچه خطر جانی نداشته باشد چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: در عزاداری از اعمالی که عنوان حرامی بر آن منطبق می‌شود باید پرهیز کرد، و از اموری که موجب سوء استفاده دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم السلام است باید اجتناب نمود، ولی ذکر فضائل اهلبیت علیهم السلام و عزاداری به صورت دسته‌های سینه زنی و مواكب حسینی که موجب زنده نگهداشتن خاطره مظلومیت و سیره اهلبیت و بیانگر کرامت آن خاندان باشد از عبادات است، واللّٰه العالم.

ص: ۱۱۵

ضربه زدن به بدن که ناشی از تیغ باشد و منجر به جاری شدن خون شود چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: سینه زنی و زنجیر زنی متعارف در عزاداری معصومین علیهم السلام از مصادیق جزع و امری مطلوب و مستحب است و در هر حال هر عملی که صدق جزع کند مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

بعضی از عزاداران حسینی به گونه‌ای سینه می‌زنند که گاهی مشاهده می‌شود از محل سینه زدن خون خارج می‌شود، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: سینه زدن شدید به دلیل حزن و جزع بر سیدالشهدا و اهل بیت علیهم السلام مطلوب است و هرکاری که عنوان جزع بر آن منطبق شود، مطلوب می‌باشد و اما در مورد سؤال مطرح شده، سینه زنی اگر منجر به ضرر جانی شود مانعی ندارد ولیکن نباید به حد جنایت برسد. در حفظ شعائر تلاش کنید که بهترین ذخیره‌ی آخرت است و به وسوسه‌ی مشککین گوش ندهید که القاء شیطان می‌باشد.

سینه و زنجیر زدن در عزاداری‌ها به صورتی که به کبود شدن و حتی جاری شدن خون از بدن بیانجامد چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: مجرد کبود شدن در صورتی که ضرر کلی در بین نباشد مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

ص: ۱۱۶

آیا سینه زدن و زنجیر زدن در عزاداری که منجر به کبود و حتی جاری شدن خون می‌شود جایز است؟

بسمه تعالی: مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

بعضی جوانان در عزاداری‌ها آنگونه سینه می‌زنند که خون مردگی می‌شود این از کجا به عزاداری‌ها ملحق شده است؟

بسمه تعالی: منقول است که حضرت زینب علیها السلام هنگامی که سر مبارک امام حسین علیه السلام را بر روی نیزه دید، سر خود را به چوبه‌ی محمل کوبید.

(فالتفتت زینب، فرأت رأس أخيها، فَنَطَحَتْ جَبِينَهَا بِمَقْدَمِ الْمُحْمَلِ، حَتَّى رَأَيْنَا الدَّمَ يَخْرُجُ مِنْ تَحْتِ قِنَاعِهَا، وَأَوْمَأَتْ إِلَيْهِ بِخَرْقَةٍ) ۱۶۷.

برخی سینه‌زنی یا زنجیر زنی را تا حد خون مردگی زیر پوست و یا سیاه شدن آن انجام می‌دهند که گاهی منجر به خونریزی هم می‌شود، آیا این امر جایز است؟

بسمه تعالی: هرگاه عنوان جزع (آه، ناله و فغان) بر آن صدق کند، ایرادی ندارد.

واللّٰه الموفق.

ص: ۱۱۷

بعضی از جوانان به گونه‌ای سینه می‌زنند که موجب می‌شود از محل سینه زدن خون خارج می‌شود و موجب تشویه‌ی سمعه‌ی شیعه می‌شود، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: جزع بر سیدالشهدا علیه السلام مستحب است و ما کاری نداریم که مخالفین انتقاد می‌کنند یا خیر، اهل بیت علیهم السلام ما را امر کردند به جزع و بکاء، و خود اهل بیت علیهم السلام در بیوت خود اقامه‌ی عزا کرده و بر مصائب سیدالشهدا علیه السلام گریه می‌کردند و از طرفی این اعمال شعائر شیعه شده است و حالا که به شعائر شیعه تبدیل شده، بر همگان است که از آن پاسداری کرده و آن را با شکوه برگزار کنند و با این اعمال قلب اهل بیت علیهم السلام را از خود راضی نگاه دارند؛

ان شاء الله تعالی.

حکم سینه زدن، خراشیدن و سیلی زدن به صورت در مصائب اهل بیت علیهم السلام چیست؟

بسمه تعالی: هرچه که عنوان جزع بر آن منطبق شود، ثواب و اجر دارد، هرچند که موجب ضرر جانی شود [ولیکن نباید به حد جنایت برسد] و مؤمنین باید با تمام وجود با شرکت در مجالس با گریه و سینه‌زنی شدید، هرچند که به سیاهی یا خون‌مردگی دچار شوند، مجالس و فیات اهل بیت علیهم السلام را با عظمت برگزار نمایند.

ص: ۱۱۸

در عزاداری زدن سینه به شدت و سرخ شدن پوست و تاوول زدن و خون شدن سینه و دست شرعاً چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: سینه زنی در عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام به نحوی که در سؤال ذکر شده مانعی ندارد، والله العالم.

دلیل سینه زدن برای ائمه علیهم السلام چه می‌باشد؟

بسمه تعالی: سینه زدن داخل عنوان جزع است و جزع در مصیبت مکروه است الا در مصیبت ائمه هدی علیهم السلام خصوصاً مصیبت سیدالشهداء علیه السلام (صحیحہ ابی محمد الانصاری وسائل الشیعه، ج ۱۴، ح ۱۰، باب ۲۶ من أبواب المزار)، والله العالم.

آیا سینه و زنجیر زدن در عزاداری که منجر به کبود و حتی جاری شدن خون می‌شود جایز می‌باشد؟

بسمه تعالی: اگر خوف ضرری که جنایت بر نفس حساب شود نباشد مانعی ندارد، در هر حال هر عملی که داخل در عنوان جزع باشد مستحب است، واللّٰه العالم.

ص: ۱۱۹

آیا سینه و زنجیر زدن ریائی می‌باشد؟

بسمه تعالی: ریاء در عبادت حرام و مبطل است، و در غیر عبادت که عزاداری هم از آن قبیل است حرمتی ندارد و فقط باعث از بین رفتن ثواب می‌شود و استحقاق ثواب احتیاج به قصد قربت دارد، واللّٰه العالم.

دهل زدن در مصائب اهل بیت علیهم السلام چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: طبل زدن غیر لهوی و دهل زدنی که برای خبر کردن مردم به عزاداری باشد مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

آیا در عزاداری سیدالشهداء علیه السلام استفاده از طبل و دهل جایز می‌باشد؟

بسمه تعالی: چنانچه طبل و دهل جنگی باشد که در عزاداری مرسوم است مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

ضربه زدن به صورت و بدن با دست هنگام سینه زنی چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

ص: ۱۲۰

بعضی از جوانان در مجالس اهل بیت علیهم السلام به خصوص سید الشهداء علیه السلام خود را خونی می‌کنند، هرکدام به نحوی؛ برخی با خراش، دیگری با سر کوبیدن به دیوار و ... آیا این گونه کارها جایز است؟

بسمه تعالی: مصائب اهل بیت علیهم السلام آن قدر زیاد و دردناک است که انسان گاهی احساس می‌کند در عزاداری کوتاهی کرده است. شما حدیث زیر را بخوانید:

«عن معاوية بن وهب قال: استأذنت عن أبي عبد الله عليه السلام فقبل لي:

ادخل، فدخلت فوجدته في مصلاه في بيته فجلست حتى قضى صلاته فسمعتة وهو يناجي ربه ويقول: «يا مَنْ خَصَّنَا بالكرامة؛ وخصَّنَا بالوصية؛ ووعدنا بالشفاعة؛ وأعطانا علم ما مضى وعلم ما بقى؛ وجعل أفتدء من الناس تهوى إلينا، اغفرلى ولاخوانى ولزوار قبر أبى

[عبدالله

[الحسين عليه السلام، الذين أنفقوا أموالهم وأشخصوا أبدانهم رغبةً في برنا، ورجاءً لما عندك في صلتنا، و سروراً أدخلوه على نبيك صلواتك عليه وآله، وإجابةً منهم لأمرنا، وغيظاً أدخلوه على عدونا، أرادوا بذلك رضاك، فكافهم عنا بالرضوان، واكلأهم بالليل والنهار، واخلف على أهاليهم وأولادهم الذين خلّفوا بأحسن الخلف واصحبهم، واكفهم شرّ كلّ جبّار عنيد؛ وكلّ ضعيف من خلقك وشديد، وشرّ شياطين الإنس والجنّ، واعطهم أفضل ما أملوا منك في غربتهم عن أوطانهم، وما آثرونا به على أبنائهم وأهاليهم وقراباتهم.

ص: ١٢١

اللهمّ إنّ أعداءنا عابوا عليهم خروجهم، فلم ينههم ذلك عن الشخوص إلينا خلافاً منهم على من خالفنا، فارحم تلك الوجوه التي قد غيّرتها الشمس، وارحم تلك الخدود التي تقلّبت على حفرة أبي عبدالله الحسين عليه السلام، وارحم تلك الأعين التي جرّت دموعها رحمةً لنا، وارحم تلك القلوب التي جزعت واخرقت لنا، وارحم الصرخة التي كانت لنا، اللهمّ إنّني استودعك تلك الأنفس وتلك الأبدان حتّى نوافيهم على الحوض يوم العطش

[الأكبر

[فما زال عليه السلام وهو ساجدٌ يدعو بهذا الدعاء، فلمّا انصرف قلت: جعلت فداك لو أنّ هذا الذى سمعت منك كان لمن لا يعرف الله عزّ وجلّ لظننت أنّ النار لا تطعم منه شيئاً!! والله لقد تمنّيت أنّى كنت زرتّه ولم أحجّ، فقال لى: ما أقربك منه؛ فما الذى يمنعك من إتيانه؟ ثمّ قال: يا معاوية لم تدع ذلك، قلت: جعلت فداك لم أدر أنّ الأمر يبلغ هذا كلّه؟ فقال: يا معاوية

[و

[من يدعو لزواره في السماء أكثر ممن يدعو لهم في الأرض؛ ١٦٨]

معاویه بن وهب می گوید: اذن خواستم که بر امام صادق علیه السلام داخل شوم، به من گفته شد که داخل شو، پس داخل شده و آن جناب را در محل نمازشان یافتم، پس نشستم تا حضرت نمازشان را تمام کردند. آن گاه شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می گفتند: بار خدایا! ای کسی که ما را

ص: ۱۲۲

اختصاص به کرامت داده و مختص به وصیت نمودی! (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) وعده‌ی شفاعت دادی و علم به گذشته و آینده را به ما عطا فرمودی، و قلوب مردم را مایل به سوی ما نمودی. من، برادران و زائرین قبر پدرم، حسین علیه السلام را بیمارز، آنان که اموالشان را انفاق کرده و ابدانشان را به سختی انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما، و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما، و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت صلی الله علیه و آله، و به جهت اجابت کردنشان به فرمان ما و به قصد وارد نمودن خشم بر دشمنان ما.

اینان اراده و نیتشان از این ایثار، تحصیل رضا و خشنودی تو است پس تو هم از سوی ما این ایثار را جبران کن و به واسطه‌ی رضوان، احسانشان را جوابگو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده‌اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جنی حفظ فرما، و عطا کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بودنشان از اوطان خویش، از تو آرزو کرده‌اند و نیز به ایشان ببخش برتر و بالاتر از آنچه را که به واسطه‌اش ما را بر فرزندان، اهل و نزدیکانشان اختیار کردند. بار خدایا! دشمنان ما به واسطه‌ی خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند اما این حرکت دشمنان، ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این ثبات

ص: ۱۲۳

آنان، از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو این صورت‌هایی که حرارت آفتاب آنها رای در راه محبت ما تغییر داده، مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت‌هایی رای که روی قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام می گذارند و برمی دارند، مشمول لطف و رحمتت بگردان و همچنین به چشم‌هایی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته‌اند نظر عنایت

فرما و دل هایی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته اند رای ترحم فرما. بار خدایا! به فریادهایی که به خاطر ما بلند شده برس. خداوندا! من این بدن ها و این ارواح رای نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می شوند، آنها را سیراب نمای.

و پیوسته امام علیه السلام در سجده این دعا را می خواندند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم:

فدایت شوم! این فقرات و مضامین ادعیه ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عز وجل را نمی شناسد، گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نیاید! به خدا سوگند، آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السلام) را زیارت کرده اما به حج نروم.

امام علیه السلام به من فرمودند: چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی! پس چه چیز تو را از زیارتش باز می دارد؟

سپس فرمودند:

ای معاویه! زیارت آن حضرت را ترک مکن.

ص: ۱۲۴

عرض کردم: فدایت شوم! نمی دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن این مقدار است.

حضرت فرمودند:

ای معاویه! کسانی که برای زائرین امام حسین علیه السلام در آسمان دعا می کنند به مراتب بیشتر هستند از آنان که در زمین برای ایشان دعا و ثنا می نمایند».

دنیای فانی فرصتی است برای ذخیره اعمال صالح و یکی از اعمالی که می تواند فریادرس انسان در هنگام جان دادن و قبر و قیامت باشد، ابراز ارادت، محبت و مودت به اهل بیت علیهم السلام است که از جمله آن همین عزاداری هاست. واللّه الموفق.

نقل می کنند که مرحوم استاد الفقهاء آقای خویی رحمه الله فرمودند، شعائر نباید منجر به تشویه ی سمعه ی شیعه شود، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: نسبت دادن کلامی به بزرگواران، بدون وجود مدرک معتبر نمی‌باشد، هر چیزی که مظهري از مظاهر عزا باشد و عنوان جزع بر اهل بیت علیهم السلام بر آن منطبق شود، امر مستحبی است. به خصوص برخی مظاهر غیر متعارف که بعضی شیعیان آن را انجام می‌دهند، تا با این عمل، ضمن اعلام عظمت مصیبت بر اهل بیت علیهم السلام مردم را نیز متوجه کنند و تبلیغی برای این واقعه‌ی عظیم باشد.

ص: ۱۲۵

در این سال‌های اخیر، حضور مردم در مراسم سینه‌زنی ماه محرم فزونی یافته اما با کمال تأسف این سینه‌زنی در مناسبت‌های دیگر مانند ایام شهادت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام و امامان دیگر علیهم السلام کمتر است، از حضرت تعالی می‌خواهیم سخنی به برادران ایمانی بفرمایید که باعث تشویق آنان به حضور بیشتر در مناسبت‌های دیگر بشود، چون خوشبختانه مشاهده شده است که برخی از جوانان در مراسم عزاداری ایام محرم هدایت شده‌اند.

بسمه تعالی: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نور واحد هستند و چون مصیبت سیدالشهدا علیه السلام بیشتر بوده، مردم بیشتر اهمیت می‌دهند و مصائب اهل بیت علیهم السلام نشان حقانیت مذهب می‌باشد. بر شیعیان واجب است که با برگزاری مجالس سوگواری، این حوادث دردناک که دل را می‌سوزاند، را حفظ کرده تا نسل‌های آینده درک کنند که مذهب شیعه حق است و مذهب دیگران باطل.

اگر جلوه‌های عزاداری متعارف؛ مانند سینه‌زنی، منجر به توهین به مذهب شیعه شود، حرام است؟ نظر شما در این باره چیست؟

بسمه تعالی: هر جلوه‌ای از جلوه‌های عزاداری، هرگاه مصداق اندوه و فغان برای مصیبت‌های اهل بیت علیهم السلام باشد، از امور مستحب است؛ به ویژه آن حرکت‌های غیر متعارفی که شیعیان جهت جلب توجه مردم و تحریک

ص: ۱۲۶

عاطفه‌ها برای تبلیغ حماسه‌ی حسینی انجام می‌دهند و این روش برای تبلیغات، حتی در زمان حاضر انجام می‌گیرد. چه بسا آنان که جلوه‌های عاشورا را مورد انتقاد قرار می‌دهند، اگر این کار از غیر شیعیان صورت می‌گرفت، سکوت اختیار می‌کردند.

حکم شرعی مردانی که لباس خود را در عزا (به مقدار سینه) در آورده و در خیابان‌های عمومی عزاداری می‌کنند، چیست؟

بسمه تعالی: درآوردن آن مقدار از لباس در مراسم عزاداری ایرادی ندارد؛ گرچه در خیابان‌های عمومی باشد.

برخی در مورد مراسم عزاداری حسینی می‌گویند، سینه‌زنی و زنجیر زنی نوعی عقب‌ماندگی محسوب می‌شود، نظر شما در این زمینه چیست؟

بسمه تعالی: هرچه مصداق جزع (آه و فغان) بر سیدالشهدا علیه السلام باشد، مستحب است؛ چنان که در روایات صحیح آمده است (و همچنین بر امامان دیگر علیهم السلام).

ص: ۱۲۷

ما جمعی از طلاب بلاد غرب، سال گذشته مراسم محرم را با شکوه برگزار کردیم که موجب جلب نفوس عده‌ای از مردم شد و امسال به حول قوه‌ی الهی در نظر داریم این مراسم را برگزار کنیم، نظر مبارک حضرتعالی راهنمای کار ما خواهد بود.

بسمه تعالی: اقامه‌ی مجالس عزا و خطابه‌ی فاطمیه در ایام ماه محرم الحرام شرعاً امر راجحی است، با این کار محبت خود به اهل بیت علیهم السلام را ابراز دارید و بر مظلومیت آنها تأکید بنمایید. سیره‌ی مؤمنین بر این بوده است که ایام وفیات را تعطیل کرده و سعی می‌نمایند این شعائر به نحو احسن برگزار شود، تا ضمن حفظ شعائر الهی، اجر و ثواب کسب نمایند که ذخیره‌ی آخرت گردد. حفظ شعائر، بزرگ‌ترین ذخیره برای آخرت است، در جهت با عظمت برگزار شدن آن تلاش کنید و کارهایی انجام دهید که نفوس دیگران را جذب کند و تبلیغی باشد بر انتشار مظلومیت اهل بیت علیهم السلام.

آیا هنگام سینه‌زنی می‌شود بر ران‌ها هم زد یا زدن، تنها مخصوص سینه است؟

بسمه تعالی: مانعی در هر دو نوع نیست.

ص: ۱۲۸

گاهی گفته می‌شود: سینه زدن برای حضرت امام حسین علیه السلام هرگاه منجر به خونین شدن سینه و یا درد زیاد گردد، حرام است نظر حضرتعالی در این باره چیست؟

بسمه تعالی: سینه‌زنی گرچه محکم باشد، برای مصیبت سیدالشهدا علیه السلام از کارهای پسندیده است؛ چون در عنوان جزع (عزا، آه، فغان) داخل می‌شود، که روایت‌های بسیاری در ستایش این کار وجود دارد اگر چه گاهی باعث خونین شدن (خون‌ریزی) و سیاه شدن سینه شود. دلیلی وجود ندارد که هرگونه ضرر رساندن به بدن، حرام باشد؛ مگر اینکه به مرز جنایت برسد و تاکنون مشاهده نشده است کسی به خاطر عزاداری کاری کند که جنایت محسوب شود و این یک فرض است که بعضی‌ها تصور می‌کنند؛ اما مصداق خارجی ندارد.

گریه و سینه زنی بر سیدالشهداء علیه السلام از شعائر است؟

بسمه تعالی: سینه زنی و گریه هرچه شدید باشد، حزن بر سیدالشهدا علیه السلام است و از شعائر محسوب می‌شود و داخل در عنوان جزع است و در این خصوص روایات فراوانی در رجحان و استحباب جزع وارد شده است.

و جزع موجب تقرب به خداست ولو اینکه سینه زدن به سیاه شدن و اضرار به جسد منجر شود. فقط عمل نباید به حد جنایت و یا وهن بر تشیع برسد، هر عملی که منطبق بر جزع شود، از شعائر محسوب شده و مستحب است، »

وَمَنْ يَعْظُمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ

«، به کتاب «وسائل»

ص: ۱۲۹

باب ۶۶ از ابواب مزار مراجعه کنید. ۱۶۹ آیا زنان می‌توانند در دسته‌جات عزاداری شرکت کنند؟

بسمه تعالی: خروج زنان با رعایت تمام موازین شرع مقدس، مانعی ندارد، بلکه این حرکت همراه شدن با حزن عقیده‌ی بنی هاشم علیها السلام و حرم اهل بیت علیهم السلام است.

الحمد لله روز به روز بر عظمت مجالس سیدالشهدا علیه السلام افزوده می‌شود، ولیکن مجالس سایر ائمه علیهم السلام کمرنگ است، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: اهمیت دادن به محرم و صفر، به دلیل عظمت مصیبت است؛ واقعه‌ی کربلا دلیل قاطع بر حقانیت مذهب برحق تشیع است و شیعه باید بر این مجالس اهتمام ورزیده و آنها را هرچه باشکوه‌تر برگزار کنند تا سند حقانیت تشیع همیشه زنده باقی بماند، این مراسم را نسل به نسل منتقل کرده و فرزندان خود را حسینی تربیت کنند.

ص: ۱۳۰

چه کنیم تا خدای ناکرده مجالس اهل بیت علیهم السلام به مرور زمان کمرنگ نشود؟

بسمه تعالی: ان شاء الله هیچ‌گاه این مجالس کمرنگ نخواهد شد و به حمد الله روز به روز عظمت این مجالس (در مصائب اهل بیت علیهم السلام) افزون می‌گردد. »

إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا» ۱۷۰

همانا شهادت امام حسین علیه السلام حرارت و شعله‌هایی در قلب‌های مؤمنین ایجاد کرده که هرگز سرد نمی‌شود. وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که بر عظمت برگزاری این مجالس بیفزاییم و اجازه ندهیم عده‌ای با القاء شبهه، سعی در فریب دادن عوام از مؤمنین نمایند.

نظر حضرت تعالی در مورد روایت معاویه بن وهب در خصوص ناله و گریه بر حضرت امام حسین علیه السلام، از لحاظ سند و دلالت چیست؟

بسمه تعالی: آن روایت از لحاظ دلالت، تام و از لحاظ سند، صحیح است.

«قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اَللّٰهُمَّ ... وَاَرْحَمُ تِلْكَ الْاَغْنِيَنَّ اَلَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَّنَا وَاَرْحَمُ تِلْكَ الْقُلُوبَ اَلَّتِي جَزَعَتْ وَاَحْتَرَقَتْ لَّنَا وَاَرْحَمُ الصَّرْحَةَ اَلَّتِي كَانَتْ لَّنَا؛ ۱۷۱

امام صادق علیه السلام بر سجاده‌ی خود نشسته و بر زائران و سوگواران اهل بیت علیهم السلام، چنین دعا می‌کرد و می‌فرمود: خدایا! آن دیدگان را

ص: ۱۳۱

۱۷۰ (۱). مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵.

۱۷۱ (۲). بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۸؛ الکافی، ج ۴، ص ۵۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۲۱.

که اشک‌هایش در راه ترحم و عاطفه بر ما جاری شده و دل‌هایی را که به خاطر ما نالان گشته و سوخته و آن فریادها و ناله‌هایی را که در راه ما بوده است، مورد رحمت قرار بده».

«قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ دَمَعَتْ عَيْنُهُ فِينَا دَمْعَةً لِدَمِ سَفِكَ لَنَا أَوْ حَقٍّ لَنَا نُقِصَّنَاهُ أَوْ عَرَضٍ ائْتَهَكَ لَنَا أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا بَوَّأَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا فِي الْجَنَّةِ حُقُبًا؛ ۱۷۲

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس که چشمش در راه ما گریان شود، به خاطر خونی که از ما ریخته شده است، یا حقی که از ما گرفته‌اند، یا آبرویی که از ما یا یکی از شیعیان ما برده و هتک حرمت کرده‌اند، خدای متعال به همین سبب، او را در بهشت جاودان، برای ابد جای می‌دهد».

ص: ۱۳۲

بعضی از مردان با درآوردن لباس‌های خود و با سینه زنی شدید و زنجیر زنی، عزاداری می‌کنند با توجه به آنکه زنان در آن مجلس حضور دارند حکم چگونه است؟

بسمه تعالی: بر مردان واجب نیست بیشتر از ستر واجب، ستر کنند، و آن ستر، ما بین ناف و زانو است و اگر به خاطر غرض عقلایی پیراهن خود را درآوردند اشکالی ندارد، به خصوص جهت سینه زدن برای حزن به سید الشهداء علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام و این امر مورد قبول است، هرچند منجر به زخمی شدن سینه شود، ان شاء الله تعالی.

بعضی از مردان برای مراسم سینه‌زنی و زنجیرزنی لخت می‌شوند؛ در حالی که در دید بانوان هستند، آیا این کار برای مردها جایز است؟

بسمه تعالی: پوشاندن بیش از مقدار واجب (از ناف تا زانو) بر مردان لازم نیست، و هرگاه بیرون آوردن پیراهن برای یک هدف عقلایی باشد، ایرادی ندارد و مورد سؤال هم از این دسته است. بله! برای بانوان نگاه کردن به همراه لذت جنسی، به صورت مطلق جایز نیست.

سینه زنی در کوچه و خیابان‌ها بدون پیراهن و یا در دید زن‌ها بودن، اشکال دارد؟

بسمه تعالی: سینه زدن به نحو مزبور مانعی ندارد، و در صورتی که در دید زنان است احتیاط آن است که پیراهن بپوشند،
والله العالم.

ص: ۱۳۳

برهنه شدن مردان در حال سینه زدن و زنجیر زدن در منظر زنان چگونه می باشد؟

بسمه تعالی: نگاه کردن زن به بدن مرد اجنبی به قصد التذاذ جنسی حرام است، و مردان اگر مقصودشان عزاداری باشد
محذوری بر آنان نیست، والله العالم.

آیا لخت شدن و سینه زدن، به گونه ای که سینه عزادار قرمز شود، یا گاهی نیز خونریزی کند، جایز است؟

بسمه تعالی: مانعی ندارد، والله العالم.

آیا برای عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام جایز است با بدن عریان و به صورت شدید سینه زنی شود و
بدن قرمز شود؟

بسمه تعالی: مانعی ندارد، والله العالم.

با خروج دسته های عزاداری، زنان در دو طرف خیابان می ایستند و با عزاداری شروع به سینه زدن می کنند، نظر مبارک
شما چیست؟

بسمه تعالی: خروج زنان برای شرکت در دسته ی عزاداری مانعی ندارد اما نباید مقترن با حرام باشد.

ص: ۱۳۴

آیا مردان می توانند پیراهن خود را جهت سینه زنی در خیابان ها در بیاورند؟

بسمه تعالی: اشکالی ندارد هر چند که در خیابان باشد؛ سینه زنی، خود یکی از موارد تعظیم شعائر است «

ومن يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب

«۱۷۳ سینه زدن لخت مردان در مساجد و تکایا و خیابان‌ها چگونه است؟

بسمه تعالی: سینه زدن از مصادیق جزع می‌باشد و مستحب می‌باشد و سینه زدن در مکان‌های مذکور مانعی ندارد والله العالم.

مشاهده می‌شود بعضی از خانم‌ها به صورت ملایم آرایش کرده و در مجالس عزاداری شرکت می‌کنند، نظر شما چیست؟

بسمه تعالی: آرایش کردن مناسب با مجالس اهل بیت علیهم السلام نیست، هرچند که نامحرمی در بین نباشد، والا اگر اجنبی در مجلس باشد آرایش کرده وارد شدن، جایز نیست و بر بانوان است که هرگونه زینت در این ایام سوگواری را کنار بگذارند و این ایام، ایام حزن آنها باشد که ان شاء الله در آخرت پاداش عظیمی کسب خواهند کرد.

ص: ۱۳۵

استفاده از علامات خاص، آلات موسیقی در عزای اهل بیت علیهم السلام

❖ استعمال پرچم و بعضی علامات

❖ استفاده از طبل، سنج و شیپور

❖ تعزیه خوانی و شبیه خوانی

❖ استعمال آلات موسیقی

❖ کف زدن در مجالس اهل بیت علیهم السلام

❖ صدا، گریه و خواندن زن

ص: ۱۳۷

استعمال پرچم و بعضی علامات در عزاداری حسینی چه حکمی دارد، با توجه به اینکه بعضی از اینها نقاشی هستند و یا اشکال آنها مختلف است؟ (مانند صلیب)

بسمه تعالی: اگر منافاتی با عزاداری سیدالشهدا علیه السلام نداشته باشد، مانعی ندارد و آنچه که تاکنون دیده‌ایم، منافاتی نداشته و سبب می‌شود که قلوب مؤمنین تحت تأثیر قرار گیرد. علمای بزرگی وجود داشته‌اند که این مراسم را دیده و در مورد آن نظر داده‌اند، این مراسم نسل به نسل به ما منتقل شده و ممکن است بعضی افراد با مطرح کردن بعضی اشکالات بخواهند عزاداری را منحصر به روضه خوانی کنند، ولیکن جزع بر سیدالشهدا علیه السلام سند گویا و دلیل قاطع بر حقانیت مذهب تشیع است و باید زنده نگاه داشته شود.

حکم خارج کردن علم و نشانه‌های عزاء در ایام عزاداری چگونه است؟

بسمه تعالی: مانعی ندارد و چه بسا بعضی از موارد مذکور به شور عزاداری می‌افزاید واللّٰه العالم.

آیا طبل و سنج که در دستجات محرم و صفر به عنوان عزاداری به کار می‌آید، درست است؟

بسمه تعالی: مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

ص: ۱۳۸

حکم استفاده از علامت و پرچم در مراسم عزاداری حسینی علیه السلام چیست؟ با توجه به این نکته که بر بعضی از آنها نقش‌های عجیبی وجود دارد؟

بسمه تعالی: ایرادی ندارد و این موارد، شور عزا را در بین مؤمنین بیشتر می‌کند و علم و علامات در دسته‌های عزاداری جلوه‌ی خاصی دارد که چه بسا بر حزن مواكب عزا بیفزاید.

آیا استفاده کردن از طبل و سنج در مراسم عزاداری سیدالشهدا علیه السلام جایز است؟

بسمه تعالی: استفاده از آلات لهو در مراسم عزاداری جایز نیست، اما کوبیدن بر طبل، که از آلات لهو محسوب نمی‌شود، ایرادی ندارد.

آیا استعمال طبل در مراسم سیدالشهدا علیه السلام جایز است؟

بسمه تعالی: در عزای اهل بیت علیهم السلام استفاده از آلات لهو جایز نیست و طبل زدن به نحو متعارفی که در مراسم موسوم است، اشکالی ندارد و از آلات لهو محسوب نمی‌شود.

ص: ۱۳۹

آیا صحیح است که با طبل و شیپور دسته‌جات عزاداری را از حالت معنوی خارج نماییم؟

بسمه تعالی: زدن طبل باید به نحوی باشد که با آن اعلام عزا شود و استعمال شیپور در صورتی جایز است که جهت اعلام عزا و آگاهی مردم باشد به نحوی که مرسوم است بعد از آن لفظ را ندا می‌دهند والا اگر به نحوی استعمال گردد که خدای ناکرده طوری دیگر الهام شود، به طور قطع جایز نیست.

در عزاداری طبل و سنج زدن حرام است؟

بسمه تعالی: استعمال آلات موسیقی جایز نیست، لکن اگر طبل جنگی بزنند مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

بعد از عزاداری‌ها طبل و سنج را در گوشه‌ای از مسجد می‌گذارند، آیا جایز است که در مسجد نگهداری شود؟

بسمه تعالی: گذاشتن اشیاء فوق در مسجد مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

بر عَلم‌های عباس و ذوالجناح و شبه ضریح‌ها با نقره و طلا آرایش کردن، آیا اشکالی دارد؟

بسمه تعالی: اشکال ندارد، واللّٰه العالم.

ص: ۱۴۰

آیا جایز است در عزاداری سیدالشهدا علیه السلام از شبیه درست کردن (تئاتر یا سریالی که ماجرای کربلا را بیان می‌کند) استفاده شود؟

بسمه تعالی: اگر توهین یا سبک شمردن حضرت سیدالشهدا علیه السلام، فرزندان و اهل بیت علیهم السلام او و اصحاب و یارانش نباشد و اینکه شامل گناه دیگر مانند دروغ یا موسیقی نباشد، ایرادی ندارد.

آیا ذوالجناح تعزیه را می‌شود با چادر و زیور آلات پوشاند؟

بسمه تعالی: مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

حکم نشان دادن شمایل ائمه علیهم السلام مثل امام حسین علیه السلام و ابوالفضل علیه السلام چگونه است؟

بسمه تعالی: این عمل جایز نیست و وهن بر مقام اهل بیت علیهم السلام می‌باشد و باید ترک شود و کسانی که نقشی در مانند این کارها دارند فردای قیامت مسئول هستند واللّٰه العالم.

آیا تعزیه و شبیه خوانی در مراسم عزاداری جایز می‌باشد؟

بسمه تعالی: اگر مشتمل بر حرام و باطل نباشد مانعی ندارد، بلکه اگر با قصد قربت این کار را انجام دهد موجب استحقاق ثواب می‌شود، واللّٰه العالم.

ص: ۱۴۱

در بعضی از شبیه‌خوانی‌ها افرادی را جهت ایفای نقش معصوم علیه السلام می‌گمارند که سمعی خوبی ندارد و در نهایت وهن به مقام اهل بیت علیهم السلام است نظر حضرت تعالی چیست؟

بسمه تعالی: در این موارد باید دقت شود، که خدای ناکرده به مقام اهل بیت علیهم السلام وهن نشود. برگزار کنندگان این گونه مراسم باید دقت کافی داشته باشند و این گونه مسائل را مراعات کنند.

آیا تشبیه به اهل بیت علیهم السلام در نمایش و تعزیه و غیر آن جایز می‌باشد؟

بسمه تعالی: اگر کسی باشد که شئون را مراعات کند به نحوی که وهن بر ائمه معصومین علیهم السلام نباشد، مثل اینکه خودش را به عنوان معصوم علیهم السلام نشان ندهد و فقط کلام معصوم علیهم السلام را از پشت پرده بیان کند مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

اینکه فرموده‌اند بهتر است به جای شبیه‌خوانی، روضه خوانی بر پا کنند، روضه خوانی چیست؟ آیا روضه خوانی همان تعزیه خوانی روی منبر می‌باشد؟

بسمه تعالی: اگر شبیه‌خوانی مشتمل بر حرام و باطل نباشد و با قصد قربت باشد فرقی با روضه خوانی ندارد و مثل روضه خوانی مستحب است، واللّٰه العالم.

ص: ۱۴۲

در مساجد شبیه خوانی کردن جایز است یا نه؟ و خود شبیه خوانی در این زمان چه جور است؟ و وقت فریضه را گرفتن جایز است یا نه؟

بسمه تعالی: شبیه خوانی در حیاط مسجد مانعی ندارد و مزاحمت کردن با نمازگزاران در مسجد جایز نیست، واللّٰه العالم.

مراسم شبیه خوانی و تعزیه خوانی اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: چنانچه مشتمل بر امر خلاف واقع - که مخالفت آن با واقع محرز است - نبوده و وهن به اهل بیت علیهم السلام نباشد مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

در مورد ایفای نقش زنان توسط افراد مذکر (با وجود نقاب و مشخص نبودن چهره فرد) در مراسم شبیه خوانی سیدالشهدا علیه السلام نظرتان را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی: چنانچه وهن بر معصومین و اهل بیت علیهم السلام بوده باشد اشکال دارد، واللّٰه العالم.

ص: ۱۴۳

از اول محرم الحرام تا روز عاشورا به نام عزاداری در کنار خیابانها و کوچهها روزی چند ساعت زنان در مقابل مردان بدون پرده می نشینند و مردان لباس زن می پوشند و خودشان را شبیه حضرت زینب و سکینه علیهما السلام قرار می دهند و با طبل و چنگ و نی مشغول می شوند و بعضی فسادهای اخلاقی هم تولید می شود و در بعضی جاها باعث تعطیلی مساجد می شود، چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: تعزیه خوانی که مشتمل بر حرام نباشد اشکالی ندارد، ولی واجب است که مواظبت کنند جوری باشد که منشأ سوء استفاده افراد لا ابالی نگردد، واللّٰه العالم.

بعضی از مردم نسبت به غزلهایی که در ستایش اهل بیت علیهم السلام سروده می شود، اعتراض دارند و می گویند: این مطالب با عرف منافات دارد و بی ادبی نسبت به اهل بیت علیهم السلام است، نظر شما چیست؟

بسمه تعالی: هرگاه آن اشعار و سروده ها (غزلها) دارای مضامین صحیح باشد، ایرادی ندارد.

استفاده از آلات غیر موسیقی در عزاداری ائمه اطهار علیهم السلام خصوصاً حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: اگر در عرف آلات موسیقی حساب نشود، مثل طبل جنگی مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

ص: ۱۴۴

اگر الحان استعمال شده، غنائی باشد اما به خاطر غم‌انگیز بودن، بر جوانان اثر بسیار داشته باشد، به طوری که با تمام وجود ابراز احساسات کنند آیا جایز است؟

بسمه تعالی: اگر مناسب با الحان متعارفه در مجالس لهُو باشد، جایز نیست و شرکت در این مجالس حرام است و شخص باید نصیحت کند؛ این گونه سبک‌ها و خواندن‌ها، وهن بر مقام اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌شود و تحت تأثیر قرار گرفتن، مجوز شرعی نمی‌شود. کاری نکنید که فردای قیامت ثوابی برای شما ذخیره نشود و حسرت روزهای از دست رفته را بخورید.

گاهی اوقات سرودهایی از صدا و سیما پخش می‌شود که مصائب اهل بیت علیهم السلام با آهنگ خوانده شده و به شکل غم‌انگیز اجرا گردیده و آلات موسیقی در آن استعمال شده است، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: این عمل، حرام است و وهن بر مقام اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌شود و هرکس در این کار شریک باشد، فردای قیامت مسئول است.

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم.

ص: ۱۴۵

به نظر بعضی کارشناسان و اهل فن، آهنگ‌هایی که در مراسم عزاداری سالار شهیدان نواخته می‌شود نیز دارای نشاط است، در حالی که نوعاً مردم عادی آن‌ها را غم‌انگیز می‌دانند، لطفاً این آهنگ‌ها چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: استعمال این موسیقی‌ها در عزاداری محل اشکال است، واللّٰه العالم.

کف زدن در موایید اهل بیت علیهم السلام چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: کف زدن در مجالس اهل بیت علیهم السلام جایز نیست و وهن بر مقام آنها حساب می‌شود. مجالس را با صلوات، ذکر مناقب، فضایل و مدح آن بزرگواران، بدون کف زدن و اموری از این قبیل برگزار نمایید تا ثوابی کسب کنید، و بر کف زدن در مجالس اهل بیت علیهم السلام عنوان لهُو منطبق است و جایز نمی‌باشد.

حکم کف زدن را بیان فرمایید؟

بسمه تعالی: هرچند کف زدن فی نفسه مانعی ندارد لکن با مجالس معصومین علیهم السلام و با اماکن مقدسه مثل مسجد و حسینیه مناسبت ندارد و لازم است در این موارد ترک شود، واللّٰه العالم.

ص: ۱۴۶

در ایام جشن‌ها، اعیاد اسلامی و تولد ائمه معصومین علیهم السلام در بعضی از مجالس جشن و سرور بعضی مداحان در مدح اهل بیت علیهم السلام می‌خوانند مردم هم کف می‌زنند، حکم آن چیست؟ و اینکه می‌گویند مجالس اهل بیت کف زدن ثواب کمتر از سینه زنی را ندارد واقعیت دارد؟

بسمه تعالی: دست زدن در محل‌های مقدّس به مناسبت جشن و سرور معصومین علیهم السلام و بودن معتمّم در مجالس مذکور دلیل بر جواز آن نمی‌شود، و قول به اینکه ثواب کف زدن در مجالس مزبور کمتر از ثواب سینه زدن در مجالس عزاداری نیست کلمه بزرگی است که باید گوینده آن در روز قیامت جواب بدهد، دست زدن داخل عنوان لهُو است و با مجالس اهل بیت معصومین علیهم السلام مناسبت ندارد، مناسب اینگونه مجالس ذکر صلوات و مدایحی است که انسان را به یاد خداوند متعال و حالات معصومین علیهم السلام می‌اندازد و در مجلس اعیاد اهل بیت علیهم السلام اگر کف می‌زنند باید مجلس را ترک کرد، واللّٰه العالم.

در وقت مصیبت ویل گفتن چطور است و همچنین در عزاداری ائمه اطهار علیهم السلام، در جشن‌ها کف زدن که در عصر حاضر مرسوم است جایز است یا نه؟

بسمه تعالی: ویل داخل جزع است، و جزع در مصائب مکروه است مگر مصائب اهل بیت معصومین علیهم السلام، و دست زدن داخل عنوان لهُو است و با

ص: ۱۴۷

مجالس ائمه اطهار علیهم السلام مناسبت ندارد و باید ترک شود، مناسب با مجالس معصومین علیهم السلام ذکر صلوات و تکرار مدایح است، واللّٰه العالم.

برخی مداح‌ها مطرح می‌کنند کف زدن دارای ثواب است و هرچه بهتر و محکم‌تر کف بزنی ثواب بیشتر می‌برید و اساساً این گونه حرکات مانند کف زدن و رقص اگر برای اهل بیت باشد اشکال ندارد.

بسمه تعالی: کف زدن و رقص در مجالس معصومین علیهم السلام جایز نیست و لازم در این مجالس ترک شود، مجالس معصومین علیهم السلام باید طوری باشد که مردم را به یاد خداوند متعال ببندازد و فضایل و سفارش‌های معصومین علیهم السلام را برای مردم بیان کنند نه اینکه العیاذ باللّٰه در آن کار حرام انجام شود یا کاری که موجب غافل شدن مردم از خداوند شود که در این صورت ثوابی بر آن مترتب نمی‌شود، و چنانچه مجلس جشن اهل بیت علیهم السلام با کف و رقص برگزار شد باید آن مجلس را ترک کرد و شرکت در اینگونه مجالس که هتک حساب می‌شود، جایز نیست، واللّٰه العالم.

ص: ۱۴۸

در مورد مجالس شادی اهل بیت علیهم السلام که اغلب در غیر مساجد برگزار می‌شود و همیشه با ذکر صلوات و تکبیر همراه می‌باشد ولی همراه با خواندن اشعار موزون در مدح اهل بیت علیهم السلام و توسط مداحان، گاهی مردم برای ابراز احساسات اقدام به دست زدن می‌نمایند، نظرتان را بیان فرمایید.

بسمه تعالی: کف زدن با مجالس اهل بیت علیهم السلام مناسبت ندارد- هرچند مجالس در غیر مسجد برگزار شود- و لازم است کف زدن در این مجالس ترک شود، در مجالس اهل بیت علیهم السلام باید اشعاری خوانده شود که مردم را به فضایل و گفته‌ها و سفارش‌های معصومین علیهم السلام متوجه نموده و آن‌ها را به یاد خداوند متعال ببندازد، واللّٰه العالم.

آیا شما اعتقاد دارید که کف زدن و دست زدن در مراسم میلاد ائمه اطهار علیهم السلام جایز نیست؟

بسمه تعالی: کف زدن داخل عنوان لهو است و لهو مناسبت با مجالس مربوط به ائمه علیهم السلام ندارد و در مجالس ائمه علیهم السلام باید اشخاص ذکر خداوند و ذکر صلوات و آخرت و مصائب ائمه علیهم السلام را متذکر شوند، و چنانچه شخص مداح بگوید مداحی همراه با کف زدن می‌کنم، لازم است آن مداح و مجلس را ترک کنند تا اینگونه مجالس تأیید نشود و ان شاء الله از بین برود، واللّٰه العالم.

ص: ۱۴۹

بعضی مراکز فرهنگی قصد برگزاری دسته‌جات شادی به مناسبت اعیاد بزرگ اسلامی و میلاد ائمه معصومین علیهم السلام را مانند دسته‌جات سینه‌زنی و عزاداری دارند. آیا این کار صحیح است؟

بسمه تعالی: این کار اشکال دارد و باید ترک شود به جهت اینکه اگر در ضمن آن فساد از طریق بعضی از افراد انجام شود حداقل مقارن با لهو می‌شود و لهو با مجالس معصومین علیهم السلام و برنامه‌هایی که به اسم اهل بیت علیهم السلام برگزار می‌شود مناسبت ندارد، واللّٰه العالم.

بعضی مراکز فرهنگی قصد برگزاری دسته‌جات شادی به مناسبت اعیاد بزرگ اسلامی و میلاد ائمه معصومین علیهم السلام راه می‌اندازند، مانند دسته‌جات سینه زنی و عزاداری، آیا این کار صحیح است؟

بسمه تعالی: این کار اشکال دارد و باید ترک شود به جهت اینکه اگر در ضمن آن فساد از طریق بعضی از افراد انجام نشود، حداقل مقارن با لهو می‌شود و لهو با مجالس معصومین علیهم السلام و برنامه‌هایی که به اسم اهل بیت علیهم السلام برگزار می‌شود مناسبت ندارد، باید مجالس سخنرانی و مدیحه‌سرایی در فضائل اهل بیت علیهم السلام باشد به نحوی که مردم در یک جا جمع شوند تا از منبر و مدایح استفاده کنند و بر معنویت خود بیفزاید و حُبّ خود به اهل بیت را برسانند، واللّٰه العالم.

ص: ۱۵۰

استعمال آلات موسیقی در عزاداری چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: استعمال آلات موسیقی جایز نیست و وهن بر مقام ائمه علیهم السلام حساب می‌شود و باید ترک شود.

گاهی در مراسم سینه زنی، لحن غنائی به کار برده می‌شود و احیاناً از بعضی از ترانه‌های معروف سبک اخذ می‌شود، این کار چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: این فعل حرام است و وهن بر مقام اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌شود.

اگر مداح اهل بیت علیهم السلام از سبک خواندن غربی استفاده کند ولی آن سبک را به صورتی بخواند که لهو و رقص‌آور نباشد، آیا اشکال شرعی ندارد؟

بسمه تعالی: جایز نیست و حضور در مجلس این اشخاص اشکال شرعی دارد، این مداحان را باید نصیحت کرد که به جای ثواب برای خود، عقاب ذخیره نکنند، واللّٰه العالم.

مصافحه کردن در روز عاشورا یا شهادت معصوم علیهم السلام چگونه است؟

بسمه تعالی: اگر ترک مصافحه که علامت حزن باشد در ایام مصیبت نبی اکرم و اهل بیت علیهم السلام به عنوان عزاداری باشد، اولی است، واللّٰه العالم.

ص: ۱۵۱

اگر در ذکر مناقب، فضائل یا مصائب اهل بیت علیهم السلام آهنگ استعمال شود وظیفه‌ی ما چیست؟ متأسفانه در جامعه این گونه خواندن‌ها رایج شده و مصائب را به صورت ترانه‌ی غم‌انگیز همراه با آهنگ اجرا می‌کنند!

بسمه تعالی: باید از مجلس خارج شوید و آنان را نهی از منکر کنید. مقام اهل بیت علیهم السلام با آهنگ و موسیقی مناسبت ندارد و وهن بر آنان است و شخص حاضر، شنونده، اجرا کننده و برنامه‌ریز این مجالس باید فردای قیامت پاسخگو باشند.

خواندن قصیده‌های اهلبیت علیهم السلام باید چگونه باشد و اصلاً حکم قصیده خواندن را بیان نمایید؟

بسمه تعالی: اگر عنوان محرّمی بر آن منطبق شود مانند اینکه غنا باشد و یا وهن اهل بیت علیهم السلام محسوب شود، اشکال دارد و جایز نیست، واللّٰه العالم.

عزاداری و تعزیه ذوالجناح، چگونه است؟

بسمه تعالی: عزاداری امام حسین و ائمه اطهار علیهم السلام مستحب است و موجب اجر می‌باشد؛ و اگر آنچه نوشته شده، عزاداری متعارف باشد، استحباب دارد، واللّٰه العالم.

ص: ۱۵۲

گاهی از بعضی جاها رد می‌شویم صدای بلند گریه‌ی زن‌ها، به گوش می‌رسد، آیا گوش دادن به این صدا حرام است؟

بسمه تعالی: صدای گریه زن‌ها در عزای اهل بیت علیهم السلام هر چند که به گوش اجنبی برسد، مانعی ندارد.

گاهی مشاهده می‌شود که زن‌ها در مجالس عزاداری صدای خود را بلند می‌کنند به طوری که نامحرم صدای آنها را می‌شنود، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: زن‌ها باید مراعات کنند که نامحرم صدای آنها را نشنود و اگر مجلس فقط برای زن‌ها باشد، مانعی ندارد.

آیا گوش دادن به صدای زن در مدایح اهل بیت علیهم السلام جایز است؟

بسمه تعالی: اگر به حالت غنا نباشد و نامحرم صدای آن را نشنود و مشتمل بر خواندن باطل نباشد، مانعی ندارد و در خواندن مرد و زن تفاوتی نیست. خواندن به نحو غنا حرام است ولو اینکه مدح اهل بیت علیهم السلام باشد.

ص: ۱۵۳

آیا زن می‌تواند برای زن‌های دیگر مداحی کند و اگر صدای او را اجنبی بشنود چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: اینکه زن بر زن‌های دیگر مصائب اهل بیت علیهم السلام را بخواند، مانعی ندارد ولیکن باید مراعات کند که صدایش را اجنبی نشنود.

آیا صدای بلند عزاداری زن‌ها که مخلوط می‌باشد، مانعی دارد؟

بسمه تعالی: گریه و زاری و نوحه خواندن زن‌ها در مجالس اهل بیت علیهم السلام مانعی ندارد و باید مراعات کنند که صدای تک زن‌ها به گوش اجنبی نرسد.

در صورتی که یقین داشته باشیم صدای مجلس عزاداری بانوان به گوش مردان نامحرم می‌رسد، چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: صدای گریه و خواندن زن‌ها در عزای اهل بیت علیهم السلام مانعی ندارد. بانوان محترمه باید سعی کنند که صدای آنها را نامحرم نشنود.

عکس‌هایی در بازار فروخته می‌شود به عنوان عکس ائمه علیهم السلام، زدن این عکس در منازل و تکایا چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: اگر به تصوّر اینکه این خود امام علیه السلام است اشکال دارد.

ص: ۱۵۴

کشیدن شکل ائمه علیهم السلام چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: اگر به قصد اینکه امام علیه السلام به این صورت است رسم کند جایز نیست، واللّٰه العالم.

اگر عکس‌هایی که به شکل ائمه علیهم السلام فروخته می‌شود جذاب باشد آیا می‌توان نه به عنوان اینکه امام علیه السلام واقعاً این شکل است بلکه چون جذبه دارد در خانه بزنیم؟ چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: با فرض بالا مانعی ندارد.

آیا عکس‌هایی که در بازار به عنوان شمایل ائمه علیهم السلام فروخته می‌شود واقعاً حقیقی است؟

بسمه تعالی: خیر، اگر به قصد اینکه امام علیه السلام به این صورت است بکشند جایز نیست.

ص: ۱۵۵

ردی بر بعضی شبهات در خصوص مراسم عزاداری (استفتائات)

ص: ۱۵۷

نظر شما در مورد مراسم حسینی چیست و در جواب افرادی که می‌گویند، این مراسم مشروع نیست؛ چون در زمان اهل بیت علیهم السلام رایج نبوده است، چه بگوییم؟

بسمه تعالی: شیعیان در دوران امامان علیهم السلام در حال تقیه بودند؛ با این وجود، مراسم عزاداری را در حد امکان انجام می‌دادند و اگر این مراسم در آن زمان مانند امروز انجام نمی‌گرفت، به علت عدم امکان بوده و این دلیل مشروع نبودن در زمان ما نمی‌شود. اگر شیعیان در آن زمان می‌توانستند مراسم را این‌گونه برگزار کنند، هرآینه همچنان که ما انجام می‌دهیم، عمل می‌کردند؛ مانند برافراشتن پرچم‌های سیاه بر درب حسینیه‌ها؛ بلکه بر ورودی خانه‌ها که نشانه‌ی اندوه باشد. کسی که تاریخ زیارت امام حسین علیه السلام توسط شیعیان (در زمان امامان معصوم علیهم السلام) را بخواند، این مسئله را درک می‌کند و جایی برای این تشکیک نمی‌ماند.

ولیکن ائمه علیهم السلام ما را به برگزاری مراسم عزا و گریه بر مظلومیت اهل بیت علیهم السلام ترغیب نموده‌اند.

عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي:

أَنْشِدْنِي، فَأَنْشَدْتُهُ فَقَالَ: لَا، كَمَا تُنْشِدُونَ وَكَمَا تَرْتِيهِ عِنْدَ قَبْرِهِ

...؛ ابو هارون مکفوف می‌گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم. امام به من فرمود: برایم شعر بخوان. پس
برایش اشعاری خواندم. فرمود: این طور نه، همان طور که (برای خودتان) شعر خوانی می‌کنید و همان‌گونه که نزد قبر

ص: ۱۵۸

حضرت سیدالشهدا مرثیه می‌خوانی. ۱۷۴

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ ... اخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ بِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا؛ ۱۷۵

علی علیه السلام فرمود: خداوند برای ما، شیعیان و پیروانی برگزیده است که ما را یاری می‌کنند، با خوشحالی ما
خوشحال می‌شوند و در اندوه و غم ما، محزون می‌گردند.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّجَّادُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمِعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ وَمَنْ مَعَهُ حَتَّى يَسِيلَ عَلَى خَدَّيْهِ بَوَّاهُ اللَّهُ
فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا...؛ ۱۷۶

امام سجاد علیه السلام فرمود: هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین بن علی علیهما السلام و همراهانش
اشکبار شود و اشک بر صورتش جاری گردد، خداوند او را در غرفه‌های بهشتی جای می‌دهد.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْفُضَيْلِ: تَجْلِسُونَ وَتَتَحَدَّثُونَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحْبِبُوا أَمْرَنَا، فَرَحِمَ اللَّهُ
مَنْ أَحْبَبَ أَمْرَنَا؛ ۱۷۷

۱۷۴ (۱). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷.

۱۷۵ (۲). تحف العقول، ص ۱۲۳؛ غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۳۵.

۱۷۶ (۳). ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۲؛ کامل الزیارات، ص ۲۰۷، ح ۲۹۵.

۱۷۷ (۴). وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۲.

امام صادق علیه السلام از فضیل پرسید: آیا (دور هم) می‌نشینید و حدیث و سخن می‌گویید؟ گفت: آری! فرمود: این گونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که راه ما را احیا کند.

قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ

ص: ۱۵۹

۱۷۸

تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ ۱۷۹

امام رضا علیه السلام فرمود: هرکس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (و خط و مرام ما) احیا می‌شود، دلش در روزی که دل‌ها می‌میرند، نمی‌میرد.

قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ شَيْبٍ! إِنَّ بَكَيْتَ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَّيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا؛ ۱۸۰

امام رضا علیه السلام فرمود: ای پسر شیب! اگر بر حسین علیه السلام، آن قدر گریه کنی که اشک‌هایت بر چهره‌ات جاری شود، خداوند همه‌ی گناهانی را که مرتکب شده‌ای می‌آمرزد، کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد.

کوتاه سخن اینکه تمام این مراسم، به نحوی مراسم الهی بوده و اظهار حزن و اندوه به خاطر مصائب وارد بر امام حسین علیه السلام و خاندان و یارانش و یا بر دیگر امامان معصوم علیهم السلام می‌باشد که دلالت بر مشروعیت و استحباب آن دارد و از بهترین راه‌های تقرب به خدای متعال است. خداوند می‌فرماید: «و هرکس شعائر الهی را برپا دارد و تعظیم نماید، از پرهیزکاری و تقوای دل‌ها است» ۱۸۱.

۱۷۸ تبریزی، جعفر، شعائر حسینی، ۱ جلد، دار الصدیقة الشهيدة (سلام الله علیها) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۹ ه. ش.

۱۷۹ (۱). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸، ح ۱.

۱۸۰ (۲). امالی صدوق، ص ۱۱۲.

۱۸۱ (۳). سوره‌ی حج، آیه‌ی ۳۲.

و نهایتاً امام صادق علیه السلام در مورد کسانی که امر سیدالشهدا علیه السلام را احیاء می‌کنند خطاب به خداوند متعال فرمود:

ص: ۱۶۰

«.... اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَتِلْكَ الْأَبْدَانِ حَتَّى نَوَافِيهِمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعِطْشِ

[الأكبر]

[؛ بار خدایا! به فریادهایی که به خاطر ما بلند شده برس. خداوندا! من این بدن‌ها و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می‌شوند، آنها را سیراب نمایی.].

و این بشارتی است عظیم که شامل عزاداران حضرت رقیه علیها السلام می‌شود.

مشاهده می‌شود بعضی از خطبا و سخنرانان، قضایای امام حسین علیه السلام را با بعضی قضایا، مانند قضیه‌ی فلسطین و از این موارد قیاس کرده و سخنرانی می‌نمایند، نظر مبارک شما در این مورد چیست؟

بسمه تعالی: قضایای اهل بیت علیهم السلام و به خصوص قضیه‌ی سیدالشهدا علیه السلام قابل نقل در کنار سایر قضایا، از جمله مسئله‌ی مذکور نیست، واجب است که مقام آنها حفظ شود. هرکس این عمل را انجام دهد مسئول است. مقام اهل بیت علیهم السلام مقام رفیعی است که قداست آن باید حفظ شود و خطیب نباید در ایام مصائب و وفیات اهل بیت علیهم السلام مسائل دیگری که مربوط به این واقعه نیستند را مطرح کند.

والله الهادی الی سواء السبیل.

ص: ۱۶۱

بعضی می‌گویند این شعائری که امروز وجود دارد، در زمان ائمه علیهم السلام نبوده است و یک عادت است، نه عملی که ائمه علیهم السلام آن را انجام می‌دادند؟

بسمه تعالی: شیعیان در زمان ائمه علیهم السلام در حال تقیه بودند و به قدر امکان، مظاهر عزا را برگزار می‌کردند و عدم وجود شعائر به دلیل آن بود که این امکان برای شیعه وجود نداشت که این اعمال را انجام دهد و اگر برای شیعیان ممکن

بود، آن را برگزار می‌کردند. اگر تاریخ را بررسی کنید خواهید یافت که شیعیان چگونه در مشکل بودند، ولیکن به هر شکل ممکن از عقاید خود دفاع می‌کردند و هر آنچه را که می‌توانستند در جهت حفظ شعائر انجام دهند، کوتاهی نمی‌کردند و دلیل آن، رسیدن این مراسم به ماست. هر چیزی که داخل در عنوان جزع باشد مستحب است و عمل به شعائر بهترین عمل جهت تقرب به خداست »

وذلك من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب» ۱۸۲.

قال الرضا عليه السلام: مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ ۱۸۳

امام رضا علیه السلام فرمود: هرکس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (و خط و مرام ما) احیا می‌شود، دلش در روزی که دل‌ها می‌میرند، نمی‌میرد.

قال الرضا عليه السلام:.... فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِي الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ

ص: ۱۶۲

يُحِطُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ...؛ ۱۸۴

امام رضا علیه السلام فرمود: گریه کنندگان باید بر کسی همچون حسین علیه السلام گریه کنند، چرا که گریستن برای او، گناهان بزرگ را فرو می‌ریزد.

آیا برگزاری شعائر حسینی با عنوان حزبی و قبیله‌ای جایز است؟

بسمه تعالی: سزاوار است مؤمنین در جهت هرچه با شکوه‌تر برگزار شدن مجالس اهل بیت علیهم السلام بکوشند و در مصائب اهل بیت علیهم السلام اظهار حزن و جزع بنمایند، و برگزاری این مجالس با عنوان حزبی یا قبیله‌ای جایز نیست و این امر موجب انحراف شعائر و در نهایت تغییر مسیر می‌شود.

۱۸۲ (۱). سوره ی حج، آیه ی ۳۲.

۱۸۳ (۲). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

۱۸۴ (۱). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.

مؤمنین با همان حالت سنتی خود در مجالس مختلف حاضر شوند و با تمام وجود از شعائر الهی دفاع نمایند و مجالس را همیشه گرم نگاه دارند که این عمل ذخیره‌ی آخرت است و عزاداران واقعی اهل بیت علیهم السلام فردای قیامت در جایگاه خاصی محشور خواهند شد. تا می‌توانید در دنیا برای آخرت خود، ذخیره کنید و اهل بیت علیهم السلام را در تمام لحظات زندگی واسطه قرار دهید که مصداق «

وابتغوا الیه الوسیلة»^{۱۸۵}

هستند.

ص: ۱۶۳

اخیراً مقاله‌ای به چاپ رسیده، به این مضمون که: «تا زمانی که اندوه و حزن در وجود ما باشد، دیگر نیازی به سینه زدن نیست»، نظر شما در این زمینه چیست؟

بسمه تعالی: در برگزاری مراسم عزاداری برای معصومین علیهم السلام، حزن و اندوه قلبی تنها کفایت نمی‌کند؛ بلکه لازم است اظهار گریستن و گریانیدن و سینه‌زنی شود تا توجه مردم به ظلم‌هایی که به خاندان اهل بیت علیهم السلام شده، جلب گردد.

آیا نزد حضرت تعالی ثابت نشده که برخی از عزاداری‌ها از چارچوب شرعی، چه به عنوان اولی یا عنوان ثانوی خارج شده است؟ اگر پاسخ مثبت است، آن اعمال خارج از چارچوب شرع مقدس کدام است؟

بسمه تعالی: هر کاری که نشانه‌ی اندوه و عزا در مصیبت اهل بیت علیهم السلام باشد و یا اینکه جهت ابراز مقام و درجات متعالی اهل بیت علیهم السلام برای فداکاری و یاری دین باشد، از کارهای با ارزش است؛ و بلکه گاهی در مواردی هم واجب می‌شود، اما کاری که موجب توهین به مذهب یا سستی ارکان مذهب یا توهین به ساحت مقدس ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام شود، حرام است.

ص: ۱۶۴

بعضی می‌گویند چه فایده‌ای در زیارت فرزندان ائمه‌ی معصومین علیهم السلام وجود دارد، با توجه به اینکه بعضی از آنها مثل رقیه علیها السلام و علی اصغر علیه السلام کوچک بودند؟

بسمه تعالی: فرزندان ائمه علیهم السلام چون حضرت علی اکبر علیه السلام و حضرت رقیه علیها السلام دارای منزلت و مقامی نزد خدا هستند که به واسطه‌ی زیارت آنها انسان کسب اجر می‌کند و به حرف‌های کسانی که هدفشان اغوای عوام از مؤمنین است گوش ندهید. حضرت علی اصغر علیه السلام شاهد روز قیامت و حضرت رقیه علیها السلام سند مظلومیت و اسارت اهل بیت علیهم السلام در کربلا است ۱۸۶.

ص: ۱۶۵

گوش دادن مقتل سیدالشهدا علیه السلام در طول سال چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: خواندن و گوش دادن به مقتل امام حسین علیه السلام، هرچند که در دهم ماه محرم الحرام انجام می‌شود، ولیکن در طول سال مستحب است و این عمل عبادت می‌باشد. این مقتل موجب تأکید بر مظلومیت اهل بیت علیهم السلام می‌باشد و خواندن مقتل در دهم ماه محرم مطلوب است و این ایام ویژگی

ص: ۱۶۶

خاصی دارد؛ زیرا موجب حفظ شعائر مذهب می‌شود و بر هرکس واجب است که از آن مراقبت نماید.

۱۸۶ (۱). به جا است به مطلبی که استاد الفقهاء، میرزا جواد تبریزی قدس سره در زیارت خود، به حرم مطهر دخت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام حضرت رقیه علیها السلام در سوره فرمودند، اشاره شود.

ایشان می‌فرمودند: یادگیری احکام شرعی و فراگیری مسائل فقهی از برترین کارهاست، شما می‌دانید که در رابطه با ثبوت موضوعات خارجی حدودی وجود دارد، و در همه و یا در بیشتر آنها باید بینه اقامه گردد، اما در پاره‌ای از امور مجرد، شهرت در ثبوت (موضوعات خارجی) کافی است، و نیازی به اقامه‌ی بینه و یا چیز دیگری ندارد، مثل آنکه، کسی زمینی را بخرد و پس از آن به وی گفته شود که این زمین وقف بوده است. از امام علیه السلام در مورد حکم این مسئله سؤال شد. حضرت علیه السلام فرمود: اگر بین مردم مشهور باشد که این زمین وقف است، خرید آن جایز نیست و باید آن را پس بدهد، و از این قبیل است حدود منی و مشعر، (که حدود منی و عرفات با شهرت ثابت می‌شود)، و همچنین مقابر، ممکن است کسی دویست سال پیش در جایی دفن شده باشد، والان کسی نباشد که دیده باشد فلان شخص در این مکان دفن شده، اما بین مردم مشهور است که این مکان، محل دفن فلان شخص است، این شهرت کافی است.

و از این روست مقام و مزار حضرت رقیه بنت الحسین علیهما السلام، که از اول مشهور بود، گویا حضرت امام حسین علیه السلام نشانی را از خود در شام به یادگاری سپرده است تا فردا کسانی پیدا نشوند که به انکار -

به نظر می‌آید با توجه به مرور زمان و گذشت قرن‌ها از اجرای مراسم عاشورا، امروز نیازی به برگزاری این گونه مراسم نمی‌باشد، به خصوص بعضی از اعمالی که موجب تخریب چهره‌ی تشیع است، نظر مبارک شما چه می‌باشد؟

بسمه تعالی: هدف و غایت مظاهری که در شهادت سیدالشهدا علیه السلام انجام می‌گیرد، باقی نگه داشتن ذکر آن است، که خود دلیل قاطع بر حقانیت مذهب تشیع و بطلان مذهب مخالفین می‌باشد و این اعمال جهت توجه دادن مردم به اهمیت موضوع است و باید بر استمرار آن بکوشیم تا دلیل حقانیت اهل بیت علیهم السلام زنده بماند و در قلوب شیعه نسل به نسل منتقل شود. ائمه علیهم السلام به تعابیر مختلف، بر برگزاری این مراسم ترغیب کرده‌اند. در روایت صحیح آمده: «

إِنَّ الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ، مَا خَلَا الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنَّهُ فِيهِ مَأْجُورٌ» ۱۸۷

این ترغیب به دلیل آن است که این قضیه فراموش نشده و پایدار باشد، تا سند محکمی بر حقانیت مذهب ما و بطلان مذهب معاندین باشد.

ص: ۱۶۷

حکم عزاداری که برخی مطالب سیاسی در آن مطرح می‌شود، چیست؟

بسمه تعالی: اجر و ثواب در عزاداری به خاطر مصیبت‌های اهل بیت علیهم السلام است، اما عزاداری سیاسی یا دیگر امور دنیوی از مسئله‌ی عزای اهل بیت علیهم السلام خارج است.

گاهی مشاهده می‌شود که عده‌ای از اهل سنت می‌نویسند که شب دهم محرم، شیعه‌ها چراغ‌ها را خاموش می‌کنند و زن و مرد مختلط می‌شوند.

نظر مبارک شما در مورد این گونه مقوله‌ها چیست؟

بسمه تعالی: مظلومیت امام حسین علیه السلام سند حقانیت تشیع است.

مخالفین برای آنکه ظلمی که خلفا در حق خاندان اهل بیت علیهم السلام روا داشته‌اند را مخفی نمایند، به هر افترا و دروغی تمسک می‌جویند ولیکن با تمام این تلاش‌ها نتوانسته‌اند ذره‌ای در قلوب مردم تأثیر نمایند. بعضی شیعیان برای بیان عظمت مصیبت و ایجاد فضای روحانی در شب‌های دهه‌ی محرم، چراغ‌ها را خاموش می‌کنند و برای مظلومیت سرور شهیدان گریه و زاری می‌کنند، افتراءات مخالفین زیاد است، شما اهمیت ندهید. حقایق به مرور زمان روشن می‌شود، موفق باشید.

ص: ۱۶۸

در این اواخر گاهی به گوش ما می‌رسد که در دوران پیشرفت و تمدن، برگزاری مراسم سنتی عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام توجیهی ندارد و تا زمانی که رابطه‌ی قلبی ما با امام حسین علیه السلام هست، نیازی به این مراسم احساس نمی‌شود. نظر شریفان در این موضوع چیست؟

بسمه تعالی: این مراسم که به اعتقاد برخی، غیر متعارف می‌باشد، موجب باقی ماندن حماسه‌ی کربلا شده است. این نوع عزاداری‌ها برای جلب توجه مردم است و باید تلاش کنیم تا برای تمام زمان‌ها و تمام نسل‌ها باقی بماند.

امامان علیهم السلام بر این مسئله (عزاداری) تأکید کرده‌اند. ۱۸۸

ص: ۱۶۹

بعضی می‌نویسند: داعی نیست که مراسم عاشورا این گونه بر پا شود، به مجلس روضه اکتفا کنید که اعمال شما امروزی می‌باشد؟!

۱۸۸ (۱). قَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... مَنْ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَا يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَحِهِ وَسُرُورِهِ... [عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۵۷] امام رضا علیه السلام فرمود: هرکس که عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریه‌اش باشد خداوند روز قیامت را برای او روز شادی و سرور قرار می‌دهد.

قَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرُ الْمُحَرَّمِ لَا يَرَى ضَاحِكًا وَكَانَتْ الْكَأْبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ، فَإِذَا كَانَ الْيَوْمُ الْعَاشِرُ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ... [بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳، ح ۱۷] امام رضا علیه السلام فرمود: هرگاه ماه محرم فرا می‌رسید، پدرم (موسی بن جعفر علیهما السلام) دیگر خندان دیده نمی‌شد و غم و افسردگی بر او غلبه می‌یافت تا آن که ده روز از محرم می‌گذشت، روز دهم محرم که می‌شد، آن روز، روز مصیبت، اندوه و گریه پدرم بود.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يُقَدِّمُ الْبُكَاءَ وَيُخَدِّعُنَا وَيَرْتِي لَنَا... [كامل الزيارات، ص ۵۳۹، ح ۸۲۹] امام صادق علیه السلام فرمود: خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار

بسمه تعالی: گریه‌ی شدید و مؤثر، از مستحبات است که روایات، دلالت بر رجحان آن دارند. به کتاب وسائل باب ۶۶ از ابواب المزار مراجعه نمایید تا بر عظمت این کار و استحباب آن مطلع گردید.

ص: ۱۷۰

آیه‌ی قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ۱۸۹، پس چرا ما شیعیان در محرم و صفر این همه بی‌تابی، گریه و سینه زنی می‌کنیم؟

بسمه تعالی: آنچه که در روز عاشورا بر اهل بیت علیهم السلام گذشته، مصیبت مذهب و دین است و جزع بر مصائب اهل بیت علیهم السلام از جمله گریه، عبادت است و آیه‌ی قرآنی که ذکر کردید، ناظر به مصیبت شخصی است، مانند کسی که عزیزی را از دست دهد نه آنکه مصیبت دینی باشد؛ مصیبت امام حسین علیه السلام ارتباط مستقیم با دین دارد و هر آنچه که مرتبط با دین است باید آن را زنده نگاه داشت؛ زیرا که دین به برکت آن استمرار پیدا کرده است و آنچه انجام می‌گیرد به توصیه‌ی خود ائمه‌ی اطهار علیهم السلام است.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْفَضِيلِ: تَجْلِسُونَ وَتَتَحَدَّثُونَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحْيَاهَا فَاحْيُوا أَمْرَنَا، فَارْحَمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَاهَا أَمْرَنَا؛ ۱۹۰

امام صادق علیه السلام از فضیل پرسید: آیا (دور هم) می‌نشینید و حدیث و سخن می‌گویید؟ گفت: آری! فرمود: این گونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ

ص: ۱۷۱

عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

؛ امام صادق علیه السلام فرمود: هر نالیدن و گریه‌ای مکروه است، مگر ناله و گریه بر حسین علیه السلام. ۱۹۱

۱۸۹ (۱). سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۶.

۱۹۰ (۲). وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۲.

۱۹۱ (۱). بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۱۳.

قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ

؛ امام رضا علیه السلام فرمود: هرکس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (راه و مرام ما) احیا می‌شود، دلش در روزی که دل‌ها می‌میرند، نمی‌میرد. ۱۹۲ آیا اهدای خون به نام حضرت سیدالشهداء علیه السلام داخل در عنوان عزاداری است؟ نظر شما درباره‌ی برخی کارها که بهانه‌ای دست مخالفان می‌دهد، چیست؟

بسمه تعالی: اهدای خون ربطی به عزاداری سیدالشهداء علیه السلام و اندوه بر مصیبت او نداشته و آنچه که مخالفان می‌گویند، اهمیتی ندارد. تهمت‌های آنان بسیار است، مؤمنین می‌باید بر اندوه و زاری بر امام حسین علیه السلام، فرزندان و یارانش مواظبت کنند. اندیشه کردن در این قضایا راه صحیح و مستقیمی برای رسیدن به حقیقت مذهب شیعه خواهد بود، که خداوند آنان را از شر و نقشه‌های دشمنان محافظت نماید؛ همان‌گونه که در طول زمان تا به امروز آنها را حفظ کرده است.

والحمد لله رب العالمین.

ص: ۱۷۲

حکم اهداء خون در دهم ماه محرم الحرام چگونه است؟

بسمه تعالی: این عمل ربطی به عزاداری ندارد و ثوابی بر آن مترتب نمی‌باشد و افراد نیاید در ایام و فیات ائمه علیهم السلام به خصوص دهم محرم اعمالی را انجام دهید که بر مردم مشتبه شود مانند مورد مذکور واللّٰه العالم.

بعضی از اشخاص در روز دهم محرم (روز عاشورا) سعی می‌کنند مردم را به اهدای خون ترغیب کنند، آیا این عمل ثواب دارد؟

بسمه تعالی: این عمل خارج از شعائر است و ربطی به عزاداری امام حسین علیه السلام ندارد و اگر بعضی سعی می‌کنند آن را به شعائر مرتبط سازند، مسئول هستند و فردای قیامت باید جوابگو باشند. نباید شعائر را با بعضی کارهایی که مربوط به شعائر نیست؛ از جمله مورد مذکور منحرف کنند. و واجب است بر مؤمنین که بر شعائر تحفظ نمایند، و تلاش در جهت بیان مصائب سیدالشهدا علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام و اصحاب راستین او، امری است ممدوح و مورد قبول پروردگار که موجب پاداش اخروی است.

ص: ۱۷۳

سؤالاتی در خصوص خطبا، شعرا و مداحان اهل بیت علیهم السلام

ص: ۱۷۵

بعضی از خطبا در ایام شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام موضوعات اجتماعی را مطرح می‌کنند، نظر مبارک شما چیست؟

سزاوار است که خطیب، در ایام مصائب اهل بیت علیهم السلام امور مرتبط با مصائب ایشان را ذکر کند. مصائب اهل بیت علیهم السلام بسیار است و در ایام حزن، ذکر آن وقایع مطلوب می‌باشد و حزن بر آنان؛ از جمله گریه کردن و روضه خواندن از شعائر است و خطیب باید مطالبی را در منبر مطرح کند که شامل مناقب، فضایل و مصائبی باشد که بر آنان گذشته است، والا فردای قیامت مسئول خواهد بود. منبر نباید با مطالبی که مرتبط با سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام، فضایل، مناقب و مصائب آنها نیست، بگذرد.

نصیحتی برای شرای اهل بیت علیهم السلام بفرمایید.

بسمه تعالی: از شعرا و خطبا توقع می‌رود که جهت بیان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و نشر فضائل و مناقب آنان، بر نصوص معتبر اعتماد کنند که در این صورت اجر و ثواب فراوانی کسب خواهند کرد، و سبک آنان باید از حالت طرب دور باشد و همچنین از سبک‌های غنایی تقلید نکنند که حرام است.

ص: ۱۷۶

بعضی از مداحان شعرهایی درست کرده و می‌خوانند که به نظر می‌آید با مقام شامخ سید الشهدا علیه السلام مناسبت ندارد، چه نصیحتی می‌فرمایید؟

بسمه تعالی: گفتن شعر در مصائب اهل بیت علیهم السلام ثواب دارد و مداحان و شاعران برای کسب اجر اخروی و نائل شدن به ثواب باید اشعاری را ذکر کنند که مناسب با مقام و منزلت اهل بیت علیهم السلام باشد و خدای ناکرده و هن بر

مقام آنها نباشد، خداوند به همه‌ی ما توفیق دهد که خادم دستگاه سیدالشهدا علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام باشیم. ۱۹۴۱۹۳

ص: ۱۸۰

امروز سبک‌های مداحی فرق کرده و بعضی واقعاً طریقه‌ی خواندنشان مانند مجالس لهو و لعب است، وظیفه‌ی ما چیست؟

بسمه تعالی: باید از این‌گونه مجالس خارج شود و به آنان نصیحت کند. طریقه‌ی خواندن باید به نحوی باشد که علاوه بر محزون بودن، وهن به مقام اهل بیت علیهم السلام نباشد و تقلید از سبک‌های لهوی در مداحی جایز نیست و کسی که چنین کاری بکند، فردای قیامت مسئول خواهد بود.

وظیفه‌ی ما در مقابل مداحانی که به لحن اهل فسوق می‌خوانند، چیست؟

بسمه تعالی: باید از مجلس خارج شوید و به دیگران بفهمانید که این خواندن‌ها، وهن بر مقام اهل بیت علیهم السلام است و باید ترک شود و هرکس در آن شریک باشد، فردای قیامت مسئول خواهد بود.

۱۹۳ (۱) - عن أبي هارون المكفوف، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا أبا هارون أنشدني في الحسين عليه السلام، قال: فأنشدته فبكي، فقال: أنشدني كما تنشدون - يعني بالرقّة - قال: فأنشدته:

فقل لأعظمه الزكية

امرر على جدت الحسين

قال: فبكي، ثم قال: زدني، قال: فأنشدته القصيدة الأخرى، قال: فبكي، وسمعت البكاء من خلف الستر، قال: فلما فرغت قال لي: يا أبا هارون من أنشد في الحسين عليه السلام شعراً فبكي وأبكي عشراً كتبت له الجنة، ومن أنشد في الحسين شعراً فبكي وأبكي خمسة كتبت له الجنة، ومن أنشد في الحسين شعراً فبكي وأبكي واحداً كتبت لهما الجنة، ومن ذكر الحسين عليه السلام عنده فخرج من عينه من الدموع مقدار جناح ذباب كان ثوابه على الله ولم يرض له بدون الجنة؛ [كامل الزيارات، ص ۲۰۸، ح ۲۹۷]

از ابی هارون مکفوف نقل شده است که گفت، حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

ای ابا هارون! آیا شعری در مصیبت امام حسین علیه السلام برایم می‌خوانی؟ -

۱۹۴ تبریزی، جعفر، شعائر حسینی، ۱ جلد، دار الصدیقه الشهیده (سلام الله علیها) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۹ ه. ش.

اگر مداحان در بین خواندن، بعضی مطالب را داخل در اشعاری می‌کنند که خود سروده‌اند و ربطی به عزاداری ندارد، حکم آن چیست؟

بسمه تعالی: این کار مطلوب نمی‌باشد و اشعار باید در فضائل، مناقب و مصائب اهل بیت علیهم السلام باشد و اگر هم خواست مطالبی غیر از موارد ذکر شده را تذکر دهد، باید خارج از قصیده یا شعری که در حق اهل بیت علیهم السلام سروده شده است، ذکر کند. و اگر شخص زحمت کشیده و شعری گفته باید طوری آن را انشاد کند که شعر در رثای امام حسین علیه السلام یا اهل بیت علیهم السلام باشد ۱۹۵ به طوری که موجب شود برای آخرتش ذخیره‌ای باشد و احادیث استحباب انشاد شعر شامل آن شود.

خطبا در نقل روایات در خبر حسینی به چه احادیث و قضایایی اعتماد نمایند؟

بسمه تعالی: آنچه بر اهل بیت علیهم السلام از واقعه‌ی طف واقع شد از طریق اخبار اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است و امام علی بن حسین علیهما السلام، زینب علیها السلام و بعضی علویات، شاهد و ناظر واقعه بودند و اخبار آنها از طریق اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است و اگر روایات را در کنار یکدیگر قرار دهیم به عمق فاجعه‌ی کربلا پی خواهیم برد. روایت شده است امام حسین علیه السلام برای طفل شیرخوار خود آب خواست در حالی که آب در خیام نبود و مادر رضیع شیر نداشت، می‌گویند وقتی که مادر طفل بعد از واقعه‌ی طف آب خورد، شیر در پستانش جمع شد، و صدا زد: یا ولدی! این عاطفه‌ی مادری نسبت به فرزندش است، نظیر این مصائب زیاد است و انسان منصف نمی‌تواند آن را تحمل کند.

۱۹۵ (۱). «عن زید الشَّحَام - فی حدیث - إنَّ أبا عبد الله عليه السلام قال لجعفر بن عفَّان الطَّائِي: بلغني أنَّكَ تقول الشعر في الحسين عليه السلام وتجيد؟ قال: نعم. فأُنشده فبكي ومن حوله حتَّى سالت الدموع على وجهه ولحيته ثم قال: يا جعفر والله لقد شهدك ملائكة الله المقربون ههنا يسمعون قولك في الحسين عليه السلام ولقد بكوا كما بكينا وأكثر، ولقد أوجب الله لك يا جعفر في ساعتك الجنة بأسرها وغفر لك، فقال: ألا أزيدك؟ قال نعم يا سیدی، قال: ما من أحد قال في الحسين عليه السلام شعراً فبكي وأبكي به إلَّا أوجب الله له الجنة وغفر له؛ [اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۴، ح ۱]

زید شحام در ضمن روایتی گفت، امام صادق علیه السلام به جعفر بن عفان طائی فرمودند: بگو ببینم در حق امام حسین علیه السلام شعر می‌گویی؟ گفتیم: بله! پس برای امام صادق علیه السلام شعر خواندم ایشان گریه کردند و کسانی که در نزدم بودند شروع به گریه کردند و اشک‌های امام بر صورت و محاسنش جاری شد. سپس امام علیه السلام فرمودند: ای جعفر! به خدا قسم ملائکه تو.

بله! ممکن است سند بعضی از روایات معتبر نباشد، ولیکن نقل آنها به صورتی که سایر روایات در کتاب نقل شده است، مانعی ندارد.

ص: ۱۸۵

پوشیدن لباس سیاه در ایام حزن بر اهل بیت علیهم السلام

ص: ۱۸۷

نظر شما در مورد پوشیدن لباس سیاه در ماه محرم و صفر و ایام وفیات ائمه علیهم السلام چیست؟

بسمه تعالی: لباس سیاه به تن کردن در ایام وفیات ائمه علیهم السلام و محرم و صفر دال بر محبت به اهل بیت علیهم السلام می‌باشد و روایت شده از ائمه علیهم السلام که «

رحم الله من احيا امرنا» ۱۹۶

، خدا رحمت کند کسی که نام ما را زنده نگاه دارد.

به درستی که پوشیدن لباس سیاه موجب می‌شود شخص غریب متنبه شده و سؤال کند چه شده است که ایشان سیاه به تن کرده، دیروز خبری از پوشیدن لباس سیاه نبود ولیکن امروز همه لباس سیاه به تن کرده‌اند. هنگامی که بفهمد این امر برای حزن بر اهل بیت علیهم السلام است و گفته شود که این روز، روز حزن و مصیبت فرزند رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت حسین بن علی علیهما السلام است این نقل خودش، فی حد نفسه احیای امر است، از این رو مشهور شده است که محرم و صفر سبب بقای اسلام است؛ زیرا حقیقت اسلام و ایمان، به واسطه‌ی واقعه‌ی کربلا احیا شد و این مراسم باید با جدیت برگزار شود تا این حماسه زنده بماند و نباید به شبهاتی که منشأ آن از کم توفیقی است، گوش داد. توسل به اهل بیت علیهم السلام و گریه بر آنان خود محافظت از دین است و امام حسین علیه السلام دلیل محکمی است بر حقانیت مذهب شیعه، پس توسل کنید به این واقعه‌ی عظیم و گریه کنید بر او، و اقامه کنید شعار حزن در ایام مصیبت را و به درستی که زمین و آسمان گریه کرد بر

ص: ۱۸۸

امام حسین علیه السلام و ملائکه گریه کرده و می‌کنند بر امام حسین علیه السلام تا روز قیامت و خدا اراده کرده است که این نور باقی بماند.

نظر حضرتعالی راجع به پوشیدن لباس سیاه در ایام سوگواری سالروز شهادت هر یک از معصومین علیهم السلام چیست؟ همچنین لباس مشکی در سراسر ماه‌های محرم و صفر چطور؟

بسمه تعالی: به عنوان اظهار حزن و اندوه بر مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام مستحب است، واللّٰه العالم.

پوشیدن لباس سیاه برای سوگواری حضرت علی علیه السلام چگونه است؟

بسمه تعالی: از تعظیم شعائر است، واللّٰه العالم.

پوشیدن لباس سیاه و سینه زدن برای سیدالشهدا علیه السلام چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: بین شیعه‌ی اثنی عشری خلاقی نیست که سینه زدن و پوشیدن لباس سیاه در وفیات ائمه علیهم السلام از شعائر است و از مصادیق آیه‌ی شریفه‌ی: «

ذلک من یعظم شعائر اللّٰه فإنّھا من تقوی القلوب» ۱۹۷

می‌باشد. و

ص: ۱۸۹

نصوص کثیری دال بر استحباب جزع بر سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد ۱۹۸. هر کس در جهت تضعیف شعائر تلاش نماید و یا از اهمیت آن کم کند، از گناهکاران است و فردای قیامت مسئول خواهد بود. خداوند ما را ثابت قدم نگاه دارد تا خادم اهل بیت علیهم السلام باشیم و به وظیفه‌ی خود، آن گونه که سزاوار است عمل نماییم. ۱۹۹

۱۹۷ (۱). سوره‌ی حج، آیه‌ی ۳۲.

۱۹۸ (۱). معاویه بن وهب می‌گوید: اذن خواستم که بر امام صادق علیه السلام داخل شوم، به من گفته شد که داخل شو. پس داخل شده و آن جناب را در نمازخانه‌ی منزلشان یافتیم، پس نشستیم تا حضرت نمازشان را تمام کردند، آن‌گاه شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می‌گفتند: بار خدایا! ای کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و وعده‌ی شفاعت دادی و مختص به وصیت نمودی (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) و علم به گذشته و آینده را به ما اعطا فرمودی، و قلوب مردم را مایل به سوی ما نمودی، من، برادران و زائرین قبر پدرم حسین علیه السلام را پیامرز، آنان که اموالشان را اتفاق کرده و

آیا شما قائل به قول صاحب حدائق هستید که می‌فرمود، پوشیدن لباس سیاه در عزای سیدالشهدا علیه السلام و یا بقیه‌ی ائمه علیهم السلام راجح شرعی است؟

بسمه تعالی: آنچه که صاحب حدائق فرموده، صحیح است؛ به درستی که پوشیدن لباس سیاه از مظاهر حزن بر سیدالشهدا علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام و اصحاب راستین او می‌باشد، و اظهار حزن بر مصائب اهل بیت علیهم السلام شرعاً مستحب بوده و نصوص زیادی دال بر آن است.

ابدانشان را به تعب انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صلّه و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت کردن فرمان ما و به قصد وارد نمودن غیظ بر دشمنان ما.

اینان اراده و نیتشان از این ایثار، تحصیل رضا و خشنودی توست، پس تو هم از طرف ما این ایثار را جبران کن و به واسطه‌ی رضوان احسانشان را جوابگو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و

اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده‌اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جنی محفوظ فرما و اعطا کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بودنشان از اوطان خویش از تو آرزو کرده‌اند و نیز به ایشان ببخش برتر و بالاتر از آنچه را که به واسطه‌اش ما را بر.

۱۹۹ (۲). مراجعه به کتاب مزار، وسائل الشیعه، ج ۱۰. - فرزندان و اهل و نزدیکانشان اختیار کردند، بار خدایا! دشمنان ما به واسطه‌ی خروج بر ایشان، آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند اما این حرکت، اعداء ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو این صورت‌هایی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده، مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت‌هایی را که روی قبر ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام می‌گذارد و برمی‌دارند، مشمول لطف و رحمتت قرار ده و همچنین به چشم‌هایی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته‌اند، نظر عنایت فرما و دل‌هایی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته‌اند را ترحم فرما. بار خدایا! به فریادهایی که به خاطر ما بلند شده پرس، خداوندا! من این ابدان و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می‌شوند، آنها را سیراب نمایی.

و امام علیه السلام در سجده پیوسته این دعا را می‌خواندند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم:

فدایت شوم! این فقرات و مضامین ادعیه‌ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عز و جل را نمی‌شناسد، گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نیاید! به خدا سوگند آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السلام) را زیارت کرده اما به حج نروم.

امام علیه السلام به من فرمودند: چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی! پس چه چیز تو را از زیارتش باز می‌دارد؟

سپس فرمودند: ای معاویه! زیارت آن حضرت را ترک مکن.

عرض کردم: فدایت شوم! نمی‌دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن این مقدار است.

حضرت فرمودند: ای معاویه! کسانی که برای زائرین امام حسین علیه السلام در آسمان دعا می‌کنند به مراتب بیشتر هستند از آنان که در زمین برای ایشان دعا و ثنا می‌نمایند. [کامل الزیارات، ص ۲۲۸، ح ۳۳۶].

در ایام محرم مشاهده می‌شود که کودکان لباس مشکی به تن می‌کنند، که بر آن اسم امامان علیهم السلام نوشته شده است؛ در حالی که کودکان در معرض آلودگی‌ها قرار دارند، لطفاً حکم آن را بیان کنید؟

بسمه تعالی: مانعی ندارد که کودکان از آن لباس‌ها استفاده کنند.

آیا لباس سیاه پوشیدن در محرم و صفر ثواب دارد؟

بسمه تعالی: لباس سیاه به تن کردن در ایام وفیات ائمه علیهم السلام از مصادیق شعائر بوده و دارای اجر و پاداش است، اظهار حزن بر مصائب اهل بیت علیهم السلام از مستحبات می‌باشد.

ص: ۱۹۳

❖ کدام زیارت افضل است؟

❖ زیارت سیدالشهدا علیه السلام، اعظم زیارات

❖ اعظم بقاع ارض

❖ پیاده رفتن برای زیارت مشاهد مشرفه

❖ کمترین مدتی که می‌باید سیدالشهدا علیه السلام را زیارت کرد

❖ من زار قبر الحسين عارفاً بحقه

❖ زیارت کربلا مقدم بر عمره

❖ زیارت سیدالشهدا علیه السلام سبب غفران ذنوب

❖ ناشرات الشعور وعلى الخدود لاطمات

❖ گریه کردن بر سیدالشهدا علیه السلام

❖ عدم توانایی مالی بر زیارت سیدالشهدا علیه السلام

❖ لعن بر ظالمین اهل بیت هنگام نوشیدن آب

❖ گریه امام زین العابدین علیه السلام

❖ نوشیدن آب با ذکر نام سیدالشهدا علیه السلام

ص: ۱۹۵

زیارت سیدالشهدا علیه السلام از اعظم زیارات می‌باشد، خداوند متعال در قبال این زیارت برای زائرین چه چیزی قرار داده است؟

بسمه تعالی: زیارت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام علاوه بر داشتن ثواب فراوان، منشأ برکات و نعمات الهی در دنیا و موجب سعادت اخروی است، خداوند بر زائرین امام حسین علیه السلام تفضل فراوانی نموده است، به کتاب وسائل الشیعه، ج ۱۰، بخش مزار مراجعه شود، واللّٰهُ الموفّق. ۲۰۰

ص: ۲۰۱

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله افضل است یا زیارت امام حسین علیه السلام؟

بسمه تعالی: اگر امر بر ترویج مذهب حق و شعائر اهل بیت علیهم السلام موقوف باشد، زیارت کربلا بر زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مقدم است.

کدام زیارت افضل است؟

۲۰۰ (۱). عن أبي الصامت، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام وهو يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام ماشياً كتب الله له بكل خطوة ألف حسنة ومحى عنه ألف سيئة ورفع له ألف درجة. فإذا أتيت الفرات فاغتسل وعلّق نعليك وامش حافياً، وامش مشى العبد الذليل، فإذا أتيت باب الحائر فكبر أربعاً، ثم امش قليلاً ثم كبر أربعاً، ثم اتّ رأسه فقف عليه فكبر أربعاً وصلّ عنده، واسأل الله حاجتك: [كامل الزيارات، ص ۲۵۵، ح ۳۸۱ و ص ۳۹۲، ح ۶۳۶]

ابی الصامت می‌گوید، از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: کسی که پیاده به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال به هر قدمی که بر می‌دارد، هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو می‌فرماید و هزار درجه مرتبه‌اش را بالا می‌برد، سپس فرمودند: وقتی به فرات وارد شدی، ابتدا غسل کن و کفش‌هایت را آویزان نما و پای برهنه راه برو و مانند بنده‌ی ذلیل راه برو و وقتی به درب حائر رسیدی، چهار مرتبه تکبیر بگو، سپس اندکی حرکت کن، باز چهار بار تکبیر گفته بعد به طرف بالای سر حضرت برو و در آنجا بایست و سپس چهار مرتبه تکبیر بگو و نزد قبر نماز بخوان و از خداوند متعال حاجت خود را بخواه.

عن عبد الله بن هلال، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: قلت له: جعلت فداك ما أدنى ما لزائر قبر الحسين عليه السلام فقال لي: يا عبدالله إن أدنى ما يكون له إن الله يحفظه في نفسه وأهله حتى.

بسمه تعالی: زیارت سیدالشهداء علیه السلام، افضل اعمال است و این افضلیت به دلیل روایات اهل بیت علیهم السلام است و تمام روایات دال بر فضیلت زیارت کربلا است و بر زیارت سایر ائمه علیهم السلام مقدم می‌باشد، هرچند که زیارت سایر ائمه علیهم السلام ثواب فراوان دارد، ولیکن زیارت سیدالشهداء علیه السلام بر سایر زیارات مقدم است.

آیا زیارت امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام افضل است یا زیارت سیدالشهداء علیه السلام؟

بسمه تعالی: برای هر کدام از آن بزرگواران مقام والایی است و بعید نیست که زیارت سیدالشهداء علیه السلام بر طبق بعضی روایات، افضل باشد.

ص: ۲۰۲

بعضی روایات می‌گویند: مکه، محبوب‌ترین سرزمین‌ها در نزد خداست، شما چه می‌فرمایید؟

بسمه تعالی: مجاورت در کوفه‌ی قدیمه، که شامل کربلا، نجف و کاظمین است، از مجاورت در مکه‌ی مکرمه افضل است. این کلام از بعضی از روایات ائمه علیهم السلام استفاده می‌شود.

زمین کربلا افضل است یا کعبه شریفه؟

بسمه تعالی: امام حسین علیه السلام کاری کرد که دین زنده شد و خط بطلان بر یزید و یزیدیان کشید و خداوند متعال کربلا را مکان مقدس و افضل از بیت خود قرار داد.

«قال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام واهالک ایتها التربة لیحشرن منک قوم یدخلن الجنة بغیر حساب

؛ چه خوشبختی ای خاک کربلا در روز قیامت قومی از تو به پا خیزند که بدون حساب و بی‌درنگ به بهشت روند» ۲۰۱.

امام صادق علیه السلام فرمود: «

ان ارض الکعبة قالت: من مثلی وقد بُنی بیتی اللّٰه علی ظهري یأتینی الناس من کل فج عمیق ...

». خدا در جواب فرمود: «

لو لا تُرْبَةُ الحسين عليه السلام ما فَضَّلْتُكَ ... كُونِي دَبِّيًّا مُتَوَاضِعًا ذَلِيلًا مُهَيِّمًا غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَى أَرْضِ
كَرْبَلَاء» ۲۰۲.

ص: ۲۰۳

امام سجاد علیه السلام فرمود: »

أَتَّخِذَ اللَّهُ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ حَرَمًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَ مَكَّةَ بَارِعَةً وَعِشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ وَأَنَّهَا تَزْهَرُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ» ۲۰۳.

شهید اول رحمه الله می گوید: مکه، اشرف بقاع روی زمین است، اما سید بحر العلوم رحمه الله می گوید: «و من حدیث
کربلاء و الکعبه - لکربلاء بَأَنَّ عَلَوًا الرَّتْبَةَ» ۲۰۴ که معنای آن افضل بودن کربلا از مکه است. چگونه این دو کلام قابل جمع
است؟

بسمه تعالی: اگر غرض شما اشرف بودن مکان از جهت زندگی است، نجف و کربلا افضل است و از جهت زیارت نیز،
کربلا افضل می باشد ۲۰۵

ص: ۲۰۴

ولیکن نسبت به اینکه اولین جایی که خلق شد و افضل مکان ها بود، مکه افضل است و امام عصر علیه السلام از آن
ظاهر می شود اما مجاورت مدینه، افضل از مکه است.

ص: ۲۰۵

۲۰۲ (۲). کامل الزیارات، ص ۴۴۹، ح ۶۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱۵.

۲۰۳ (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱۵.

۲۰۴ (۲). بلاغة الامام علی بن الحسین علیه السلام، ص ۷۱.

۲۰۵ (۳). در قسمت های مختلف کتاب روایات ذکر شده است.

عن الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ أَرْضَ الْكُعبَةِ قَالَتْ: من مثلي وقد بنى بيت الله على ظهري، ويأتيني الناس من كل فج عميق، وجعلتُ حرم الله وآمنه،
فأوحى الله تعالى إليها: أن كفى وقرى، فوعزتي وجلالي ما فضل ما فضلت به فيما اعطيت به أرض كربلاء إلّا بمنزلة الإبرة غمست في البحر فحملت من ماء
البحر، ولو لا تربة كربلاء ما فضلتك ولو لا ما تضمنته أرض كربلاء ما خلقتك ولا خلقت البيت الذي به افتخرت به. (كامل الزيارات، ص ۴۵۰، ح ۶۷۵)

حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند، زمین کعبه در مقام مفاخرت گفت: کدام زمین مثل من است، و حال آنکه خداوند خانه اش را بر پشت من بنا کرده و
مردم از هر راه دوری متوجه من می شوند، و حرم خدا و مأمن قرار داده شده ام؟! -

پیاده رفتن برای زیارت مشاهد مشرفه، چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: زیارت ائمه علیهم السلام و زیارت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، مستحب است و روایات فراوانی در این خصوص وارد شده و پای پیاده رفتن برای زیارت مستحب می‌باشد. در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده:

کسی که راه برود، در هر قدمی که بر می‌دارد ثواب یک حج و یک عمره برای او ثبت می‌گردد و اگر در هنگام برگشتن، پیاده برگشت، در هر قدم ثواب دو حج و دو عمره برای او می‌نویسند. و روایات وارد در مشی برای زیارت سیدالشهدا، ابی عبدالله الحسین علیه السلام بسیار است؛ در وسائل الشیعه یک باب مستقل در فضایل مشی برای زیارت سیدالشهدا علیه السلام وارد شده، از جمله:

روایت صحیحی حسن بن وشاء که شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال نقل کرده است.

قال: قلت للرضا علیه السلام: ما لِمَنْ أتى قبر أحد من الأئمة علیهم السلام؟

قال: له مثل ما لِمَنْ أتى قبر أبی عبدالله علیه السلام.

قال فقلت: ما لِمَنْ زار قبر أبی الحسن علیه السلام؟

قال: له مثل ما لِمَنْ زار قبر أبی عبدالله و... ۲۰۶.

ظاهر این روایت که قریب به تصریح است، به ثواب اتیان به زیارت بر می‌گردد؛ پس اتیان زیارت ائمه علیهم السلام چه مشیاً و چه راکباً مانند اتیان زیارت سیدالشهدا علیه السلام است و این خود دال بر ثواب زیارت مشیاً بر مشاهد

ص: ۲۰۶

ائمه علیهم السلام است. ممکن است عده‌ای بخواهند در خصوص زیارت مشاهد مشرفه در حال پیاده، اشکال کنند و این شبهه به دلیل غفلت آنها از مدارک احکام و عبادات مستحبیه و استفاده از روایات است، شما به مستحبات عمل کرده و به مشککین اعتنا نکنید، دیری نخواهد پایید که حسرت برای آنان باقی خواهد ماند.

به زیارت کربلا برویم و یا به عمره سفر کنیم تا موفق شویم در مدینه زائر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و ائمه‌ی بقیع علیهم السلام باشیم؟

بسمه تعالی: زیارت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام از افضل اعمال است و احادیثی در این خصوص از امامان معصوم علیهم السلام وارد شده است. زیارت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام مقدم بر سایر زیارات است،
والله العالم.

ص: ۲۰۷

پیاده رفتن برای زیارت ائمه علیهم السلام چه اجر و ثوابی دارد؟

بسمه تعالی: امام صادق علیه السلام فرمود:

فارحم تلك الوجوه التي غيّرتها الشمس، وارحم تلك الخدود التي تتقلب على حفرة أبي عبدالله الحسين عليه السلام،
وارحم تلك الأعين التي جرت دموعها رحمة لنا، وارحم تلك القلوب التي جزعت واحتترقت لنا، وارحم تلك الصرخة
التي كانت لنا

...؛ ۲۰۷ یعنی این صورت هایی که حرارت آفتاب آنها را در راه مکتب ما تغییر داده، مورد ترحم خودت قرار بده و نیز
صورت هایی را که روی قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام می گذارند و برمی دارند، مشمول لطف و رحمت گردان و
همچنین به چشم هایی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته اند، نظر فرما و دل هایی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما
سوخته اند را ترحم فرما و از این روایت شریفه عظمت تلاش برای زیارت ائمه علیهم السلام (از جمله سیدالشهداء
علیه السلام) روشن می شود، که پیاده رفتن از مصادیق آن است.

ص: ۲۰۸

با توجه به اینکه قبلاً مردم قصد پیاده‌ی مشاهده، به خصوص سیدالشهدا علیه السلام را می کردند و با زحمات فراوان خود
را به مرقد مطهر می رساندند حالا که این زمان این کار ممکن نیست چگونه چنین ثواب فراوانی را کسب کنیم؟

بسمه تعالی: اگر کسی از منزلش خارج شود و قصد زیارت قبر سیدالشهدا علیه السلام را داشته باشد، خداوند متعال در هر قدمی که بر می‌دارد برای او حسنات می‌نویسد، شخص چه سواره و چه پیاده به زیارت سیدالشهدا علیه السلام برود، اجر و ثواب عظیمی کسب خواهد کرد. ۲۰۸

ص: ۲۰۹

۲۰۹

حداکثر مدتی که در آن حضرت امام حسین علیه السلام را می‌باید زیارت کرد، چه مدتی است؟

بسمه تعالی: زیارت سیدالشهدا علیه السلام، افضل اعمال است و هرکس می‌تواند نباید در طول سال کوتاهی کند، هرکس در راه زیارت سیدالشهدا علیه السلام رنج و سختی را تحمل کند خداوند متعال او را مورد لطف و محبت خویش قرار خواهد داد و اجر و پاداش فراوانی برای او خواهد بود، **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. ۲۱۰**

۲۰۸ (۱). عن بشير الدَّهَّان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: **إِنَّ الرَّجُلَ لِيُخْرَجَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِأَوَّلِ خَطْوَةٍ مَغْفِرَةٌ ذَنْبِهِ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَقْدَسْ بِكُلِّ خَطْوَةٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ، فَإِذَا أَتَاهُ نَجَاهُ اللَّهُ تَعَالَى فَقَالَ: عَبْدِي سَلْنِي أُعْطِكَ، ادْعُنِي أُجِيبَكَ، اطْلُبْ مِنِّي أُعْطِكَ، سَلْنِي حَاجَةً أَقْضِيهَا لَكَ، قَالَ: وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْطِيَ مَا بَذَلَ؛ [كامل الزيارات، ص ۲۵۳، ح ۳۷۹]** بشير دهان می‌گوید، حضرت صادق علیه السلام فرمودند: شخصی که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می‌رود، زمانی که از اهلش جدا شد با اولین گامی که بر می‌دارد تمام گناهانش آمرزیده می‌شود، سپس با هر قدمی که بر می‌دارد پیوسته تقدیس و تنزیه شده تا به قبر برسد و هنگامی که به آنجا رسید حق تعالی او را خوانده و می‌گوید: بنده‌ی من! درخواست کن تا اجابت نمایم، از من طلب کن به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا برایت روا سازم. راوی می‌گوید، امام علیه السلام فرمودند: و بر خداوند متعال حق و ثابت است آنچه را که بذل نموده اعطا فرماید.

۲۰۹ تبریزی، جعفر، شعائر حسینی، ۱ جلد، دار الصدیقه الشهیده (سلام الله علیها) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۹ ه. ش.

۲۱۰ (۱). عن أبي أيوب، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: **حَقٌّ عَلَى الْغَنِيِّ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ، وَحَقٌّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَ فِي السَّنَةِ مَرَّةً؛ [كامل الزيارات، ص ۴۹۰، ح ۷۵۱]**

ابو أيوب گفت، حضرت صادق علیه السلام فرمودند: بر عهده‌ی غنی است که در سال دو مرتبه، و بر فقیر است که در سال، یک مرتبه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام بروند.

عن الحلبيّ، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: **سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: فِي السَّنَةِ مَرَّةً، إِنِّي أَخَافُ الشَّهْرَةَ؛ [كامل الزيارات، ص ۴۹۲، ح ۷۵۸]**

حلبی می‌گوید، از حضرت صادق علیه السلام در مورد زیارت حضرت امام حسین علیه السلام پرسیدم، حضرت فرمودند: سالی یک مرتبه به زیارتش بروند؛ زیرا در بیشتر از آن، خوف شهرت دارم.

ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات، روایت کرده است که امام صادق علیه السلام خطاب به بشیر دهان فرمود:

یا بشیر، من زار قبر الحسین علیه السلام عارفاً بحَقِّه کان کمن زار الله فی عرشه؛ ۲۱۱ ای بشیر! هرکس زیارت کند قبر سیدالشهدا علیه السلام را در حالی که عارف به حق آن امام علیه السلام باشد، مانند کسی است که خدا را در عرشش زیارت کند، آیا این روایت صحیح است یا ضعیف، و آیا در این روایت غلو وجود دارد؟

بسمه تعالی: در روایت غلو نیست؛ بلکه ظاهر روایاتی که می‌گویند کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند مثل کسی است که در عرش، خدا را زیارت کرده و او را در اعلیٰ علین قرار می‌دهد، تشبیه به اعتبار اثرش است. چگونه اگر انسان فرضاً عرش خدا را زیارت کرد از تمام گناهان پاک می‌شود و خداوند او را می‌بخشد و مانند روزی می‌شود که متولد شده است، زیارت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام نیز همان‌گونه است؛ اگر شخصی در حالی که عارف به حق امام علیه السلام باشد و او را زیارت کند، گناهانش بخشیده می‌شود به طوری که گویی تازه از مادر متولد شده است. واللّٰهُ الموفق.

چگونه ممکن است اهل بیت علیهم السلام با این خصوصیات موجود در زیارت ناحیه از خیام حرم (در حالی که موهای خود را پریشان کرده بودند و ...)، خارج شده و به طرف مقتل حرکت کرده باشند؟

بسمه تعالی: اول اینکه، «خرجن» که در زیارت ناحیه آمده، مستلزم آن نیست که عیالات اهل بیت علیهم السلام مخالف تکلیف شرعی را عمداً مرتکب شده باشند.

سعید الأعرج، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: اتوا قبر الحسين عليه السلام في كل سنة مرة؛ [کامل الزیارات، ص ۴۹۲، ح ۷۵۹]

سعید الأعرج می‌گوید، حضرت صادق علیه السلام فرمودند: در سال، یک مرتبه به زیارت قبر حسین علیه السلام بروید.

عن عليّ، عن صفوان بن مهران الجمال، عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث طويل، قلت له:.

۲۱۱ (۱). عن زيد الشحام قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما لمن زار قبر الحسين عليه السلام؟ قال: كان كمن زار الله في عرشه، قال: قلت: ما لمن زار

أحداً منكم؟ قال: كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله؛ [کامل الزیارات، ص ۲۷۸، ح ۴۳۷]

زيد شحام گفت، محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت.

دوم اینکه، اهل بیت علیهم السلام به خاطر شدت مصیبت و دیدن سر بریده‌ی امام حسین علیه السلام در زیر حجاب، موهای خود را پریشان کردند و بر سر و صورت زدند و در همان حال به سوی قتلگاه حرکت کردند.

سوم اینکه، اگر خروج اهل بیت علیهم السلام از خیام با آن حالت گیسوان پریشان کرده در حالی که حجاب نداشته بودند واقع می‌شد، دشمنان آن را ماده‌ی تاریخ می‌کردند و این واقعه را نقل کرده و بهانه قرار می‌دادند و می‌گفتند:

بینید خاندان اهل بیت علیهم السلام این گونه عمل کردند، بلکه آنان در حالی که زیر حجاب، موها را پریشان کرده بودند خارج شدند.

چهارم اینکه، این گونه تعبیر در این زیارت مقدسه، حاکی از عظمت ظلمی است که در حق اهل بیت علیهم السلام روا شد و حاصل ما وقع، در زیارت ناحیه‌ی مقدسه نقل شده است.

پنجم اینکه، خروج زنان در اطراف خیام، هنگامی واقع شد که اسبِ بی‌صاحب سیدالشهدا علیه السلام کنار خیام آمد و با دیدن اسب خونی، عیالات

ص: ۲۱۷

حضرت علیه السلام در خیام و اطراف آن شروع به شیون کردند که این پریشانی و زدن به صورت در اطراف خیام صورت گرفت و این عمل از دید دیگران پنهان بود؛ زیرا سیدالشهدا علیه السلام، خیام حرم را طوری قرار داده بود که حرم اهل بیت علیهم السلام در معرض دید نباشد.

ششم اینکه، در مقتل، بدین نحو نقل شده است: هنگامی که خواهران و دختران اهل بیت علیهم السلام اسب بی‌صاحب امام علیه السلام را دیدند، فریاد، شیون و زاری برآوردند و ام کلثوم دست بر سر نهاد، فریاد زد: وامحمداه واجداه و ...

و فریاد زد، این حسین است که بر زمین افتاده، سرش از قفا بریده شده و عمامه و ردایش به یغما رفته است ... و همچنین آمده است: دختران رسول صلی الله علیه و آله از حریم خیمه‌ها بیرون آمدند و گریستند و در فراق حامیان و عزیزان خود شیون کردند، آن گاه است: »

خرجن من الخدور ناشرات الشعور علی الخدود لاطمات و ...» ۲۱۲

که نشر شعر (در حالی که در زیر حجاب انجام دادند) بر سر و صورت می‌زدند و به اطراف قتلگاه حرکت کردند.

ص: ۲۱۸

در خصوص زیارات معروف، از جمله جامعه، عاشورا، توسل، ناحیه و ... بعضی از افراد تشکیکاتی راه می‌اندازند و می‌گویند سند این زیارات معلوم نمی‌باشد یا ضعیف است و کلماتی از این قبیل که موجب بروز توهّمات به خصوص در نسل جوان می‌شود؟

بسمه تعالی: مضامین زیارت‌های معروف، در بعضی از روایات صحیحه وارد شده است و همچنین این زیارات مجرب است و بزرگان ما با توسل به این ادعیه به درجه‌ی عالی رسیدند و در اعتبار آن زیارات همین مقدار کافی است.

چگونه ممکن است با زیارت امام حسین علیه السلام و یا گریه بر مظلومیت آن امام علیه السلام خداوند متعال تمام گناهان ما را ببخشد؟

بسمه تعالی: سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام هرچه داشت در راه خداوند متعال اهدا نمود و پروردگار در مقابل آن همه ایثار، که بقای دین و احیای سنت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مرهون اوست، به زائرین، عزاداران و گریه‌کنندگان بر سیدالشهدا علیه السلام عنایتی فرموده است.

ص: ۲۱۹

آیا روایاتی که درباره‌ی گریستن و عزاداری بر امام حسین علیه السلام آمده، شکل و کیفیت خاصی را سفارش کرده یا اینکه به مردم واگذار شده که به دلخواه خود مراسم عزاداری را برگزار کنند؟

بسمه تعالی: سینه‌زنی و گریستن، گرچه شدید باشد، به خاطر سیدالشهداء علیه السلام از نشانه‌های دینی است و داخل عنوان حزن و اندوه است و روایات معتبر برای پسندیده بودن این کار و مستحب بودن آن و اینکه باعث تقرب به خداست، وارد شده؛ بنابراین حتی اگر این سینه‌زنی منجر به سیاه شدن سینه و ضرر به بدن بشود، ایرادی ندارد.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اَللّٰهُمَّ ... وَاَرْحَمُ تِلْكَ الْاَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَّنَا وَاَرْحَمُ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاَحْتَرَقَتْ لَّنَا وَاَرْحَمُ الصَّرْحَةِ الَّتِي كَانَتْ لَّنَا؛ ۲۱۳

امام صادق علیه السلام بر سجاده‌ی خود نشسته و بر زائران و سوگواران اهل بیت، چنین دعا می‌کرد و می‌فرمود: خدایا! آن دیدگان را که اشک‌هایش در راه ترحم و عاطفه بر ما جاری شده و دل‌هایی را که به خاطر ما نالان گشته و سوخته و آن فریادها و ناله‌هایی را که در راه ما بوده است، مورد رحمت قرار بده.

قال الرضا عليه السلام: يا ابن شبيب! إن كنت باكياً لشيءٍ فأبكِ للحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام فإنه ذبح كما يُذبح الكبش؛ ٢١٤

امام رضا علیه السلام به

ص: ٢٢٠

ریان بن شبيب فرمود: ای پسر شبيب! اگر بر چیزی گریه می‌کنی، بر حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام گریه کن، چرا که او را مانند گوسفند سر بریدند.

قال الرضا عليه السلام: ... فعلى مثل الحسين فليبك الباكون فإن البكاء عليه يحط الذنوب العظام...؛ ٢١٥

امام رضا علیه السلام فرمود: گریه کنندگان باید بر کسی همچون حسین علیه السلام گریه کنند، چرا که گریستن برای او، گناهان بزرگ را فرو می‌ریزد.

قال الرضا عليه السلام: ... يابن شبيب! إن بكيت على الحسين عليه السلام حتى تصير دموعك على خديك غفر الله لك كل ذنب أذنبته صغيراً كان أو كبيراً قليلاً كان أو كثيراً...؛ ٢١٦

امام رضا علیه السلام فرمود: ای پسر شبيب! اگر بر حسین علیه السلام، آن قدر گریه کنی که اشک‌هایت بر چهره‌ات جاری شود، خداوند همه‌ی گناهانی را که مرتکب شده‌ای می‌آمرزد، کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد.

ص: ٢٢١

٢١٤ (٢). بحارالانوار، ج ٤٤، ص ٢٨٦.

٢١٥ (١). بحارالانوار، ج ٤٤، ص ٢٨٤، ح ١٧.

٢١٦ (٢). امالی صدوق، ص ١١٢، بحارالانوار، ج ٤٤، ص ٢٨٦، ح ٢٣.

در شب عاشورا، بلکه در شب‌های محرم برخی امور صورت می‌گیرد، می‌خواستم از جناب‌عالی حکم آنها را بپرسم؛ مانند گریه با صدای بلند. با اینکه برخی آیات قرآن و احادیث وارد شده که فرد مسلمان را دعوت به خویشنداری به هنگام مصیبت کرده و فریاد، شیون و زاری را حرام می‌کند (مانند آیات شریفه‌ی ۱۵۶ و ۱۵۷ سوره‌ی بقره).

بسمه تعالی: آنچه بر اهل بیت علیه السلام در روز عاشورا گذشت، مصیبتی است در دین و مذهب. پس آه و فریاد، گذشته از گریه بر اهل بیت علیهم السلام، عبادت محسوب می‌شود و آیه‌ی شریفه‌ی مذکور ناظر به مصیبت شخصی (مانند مرگ فردی) است، نه مصیبت دینی.

و در روایات فراوانی، استحباب گریه بر مصائب اهل بیت علیهم السلام وارد شده است.

قال الصادق علیه السلام: ... رَحِمَ اللَّهُ دَمْعَتَكَ، اما إِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يُعَدُّونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا وَالَّذِينَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا، ويخافون لخوفنا ويأمنون إذا أَمْنَا أما إِنَّكَ سَتَرَى عِنْدَ مَوْتِكَ حُضُورَ آبَائِي لَكَ

...؛ ۲۱۷ امام صادق علیه السلام به مسمع، که از سوگواران و گریه‌کنندگان در عزای حسینی بود، فرمود: خدا، اشک تو را مورد رحمت قرار دهد. آگاه باش! تو از آنانی که از دلسوختگان ما به شمار می‌آیند، و از آنانی که با شادی ما شاد می‌شوند و با اندوه ما غمگین می‌گردند. آگاه باش! تو هنگام مرگ، شاهد حضور پدرانم بر

ص: ۲۲۲

بالین خویش خواهی بود.

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَا فَاطِمَةُ! كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنٌ بَكَتْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ؛ ۲۱۸

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه جان! روز قیامت هر چشمی گریان است، مگر چشمی که در مصیبت و عزای حسین گریسته باشد، که آن چشم در قیامت خندان است و به نعمت‌های بهشتی مژده داده می‌شود.

۲۱۷ (۱). کامل‌الزیارات، ص ۲۰۳، ح ۲۹۱.

۲۱۸ (۱). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳، ح ۳۷.

قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ شَبِيبٍ! إِنْ كُنْتَ بَاكِياً لِشَيْءٍ فَأَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ؛ ٢١٩

امام رضا علیه السلام به ریان بن شیبب فرمود: ای پسر شیبب! اگر بر چیزی گریه می‌کنی، بر حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام گریه کن، چرا که او را مانند گوسفند سر بریدند.

ص: ۲۲۳

با توجه به دشواری راه و عدم توانایی مالی، ما که توفیق زیارت سیدالشهدا علیه السلام را نداریم، به چه کسی پناه ببریم؟

بسمه تعالی: از خود حضرت علیه السلام بخواهید، بر شما آسان خواهد کرد.

اهل بیت علیهم السلام وسیله‌ی استجابت دعا هستند، به آنان متوسل شوید ان شاء الله امکانات سفر و زیارت فراهم خواهد شد و هرچه در این راه مشکلات را تحمل کنید مأجورید. امامان علیهم السلام ما را امر به این سفر نموده‌اند ان شاء الله از این اجر عظیم محروم نمی‌شوید ۲۲۰.

ص: ۲۲۴

۲۱۹ (۲). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.

۲۲۰ (۱). عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام، قال مروا شيعتنا بزيارة قبر الحسين عليه السلام، فإن إتيانه مفترض على كل مؤمن يقرّ للحسين عليه السلام بالإمامة من الله عزّ وجلّ؛ [كامل الزيارات، ص ۲۳۶، ح ۳۵۱] محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: شیعیان ما را امر کنید که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام بروند؛ زیرا زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامتش از جانب خداوند عز وجل دارد، فرض و واجب می‌باشد.

عن الوشاء، قال سمعت الرضا عليه السلام يقول: إن لكلّ إمام عهداً في عنق أوليائه وشيعته، وإن من تمام الوفاء بالعهد وحسن الأداء زيارة قبورهم، فمن زارهم رغبة في زيارتهم وتصدقاً بما رغبوا فيه كان أتمّتهم شفعا لهم يوم القيامة؛ [الكافي، ج ۴، ص ۵۶۷، ح ۲]

وشاء گفت، شنیدم از امام رضا علیه السلام که می‌فرمودند: هر امامی به گردن دوستان و شیعیانش عهده‌ی دارد و زیارت قبورشان از مصادیق وفای به عهد و حسن ادای وظیفه محسوب می‌شود، از این رو کسی که از روی رغبت و میل به زیارتشان رود ایشان در روز قیامت شفیع او خواهند بود.

عن أم سعيد الأحمسيّة، عن أبي عبد الله عليه السلام قالت: قال لي: يا أم سعيد تزورين قبر الحسين، قالت: قلت: نعم، فقال لي: زوريه فإن زيارة قبر الحسين واجبة على الرجال والنساء؛ [كامل الزيارات، ص ۲۳۷، ح ۳۵۴]

ام سعید احمسیه می‌گوید، امام علیه السلام به من فرمودند: ای ام سعید! آیا قبر حسین علیه السلام را زیارت می‌کنی؟ عرض کردم: بلی! فرمودند: به زیارت آن قبر مظهر برو؛ زیرا زیارت قبر حسین علیه السلام بر مردان و زنان واجب است.

چگونه ممکن است که بگوئیم امام زین العابدین علیه السلام تا چهل سال بعد از واقعه‌ی کربلا، هرگاه آبی را مشاهده می‌کرد گریه می‌کرد و می‌فرمود:

پدرم با لب تشنه شهید شد. حال آنکه اهل بیت علیهم السلام اسوه‌ی صبر و شکیبایی هستند؟

بسمه تعالی: گریه‌ی زین العابدین علیه السلام هدف عظیمی به دنبال داشت و می‌خواستند با این عمل رسالتی را به مردم برسانند. مردم هنگامی که گریه‌ی امام سجاد علیه السلام را مشاهده می‌کردند به یاد ظلم بنی امیه می‌افتادند و واقعه‌ی طف (کربلا) در اذهان زنده می‌شد همان‌گونه که حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام بعد از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای بیان و آگاه نمودن مردم، شب و روز گریه می‌کردند تا مظلومیت شوهر خود، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و ظلمی که در حق آنها از طرف خلفا را شد بیان نمایند.

ص: ۲۲۵

مشاهده می‌شود مؤمنین بعد از نوشیدن آب، سیدالشهدا علیه السلام را یاد می‌کنند، آیا اگر کسی این حرکت را فراموش کند، معصیت کرده است؟

بسمه تعالی: خیر! معصیت نکرده، اما سزاوار است مؤمن و محب سیدالشهدا علیه السلام در هنگام آب خوردن از عطش سیدالشهداء علیه السلام و خاندان اهل بیت علیهم السلام یاد نماید و بر ظالمین آنها لعنت بفرستد، و هرکس یاد کند سیدالشهداء علیه السلام را در هنگام نوشیدن آب، خداوند متعال به او عنایت خواهد کرد،

ان شاء الله تعالی ۲۲۱.

۲۲۱ (۱). عن داود الرقي، قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام إذا استسقى الماء، فلما شربه رأيت أنه قد استعبر واغروقت عيناه بدموعه، ثم قال لي: يا داود لعن الله قاتل الحسين عليه السلام فما من عبد شرب الماء فذكر الحسين عليه السلام ولعن قاتله إلا كتب الله له مائة ألف حسنة، وخط عنه مائة ألف سيئة، ورفع له مائة ألف درجة، وكأنما أعتق مائة ألف نسمة، وحشره الله تعالى يوم القيامة تلج الفؤاد؛ [كامل الزيارات، ص ۲۱۲، ح ۳۰۴] از داود رقی روایت شده که می‌گوید: در محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودم، حضرت آب طلبیدند و زمانی که آب را نوشیدند، دیدم در حضرت حالت گریه پیدا شد و دو چشم آن حضرت غرق اشک شد، سپس به من فرمودند: ای داود! خدا قاتل حسین علیه السلام را لعنت کند، بنده‌ای نیست که آب نوشیده و حسین علیه السلام را یاد نموده و کشته‌اش را لعنت کند، مگر آنکه خداوند منان صد هزار حسنه برای او منظور می‌کند و صد هزار گناه از او محو کرده و صد هزار درجه، مقامش را بالا برده و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت حق تعالی او را با قلبی آرام و مطمئن محشور می‌کند. محمد بن یعقوب از علی بن محمد، از سهل بن زیاد، از جعفر بن ابراهیم حضرمی، از سعد بن سعد مثل همین حدیث را نقل کرده است. [کامل الزيارات، ص ۲۱۲، ح ۳۰۵]

سؤالاتی در خصوص

سیر واقعه‌ی کربلا و حضور اهل بیت علیهم السلام

در سرزمین کربلا

حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه در چه تاریخی بوده است؟

بسمه تعالی: حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه در روز یکشنبه، بیست و هشتم ماه رجب سال شصت هجری بوده و شب جمعه، سوم شعبان وارد مکه شدند و ماه شعبان، رمضان، شوال و ذی القعدة را در مکه به سر برد و آن گاه روز سه شنبه هشتم ذی الحجة (روز ترویج) از مکه به سوی عراق (کربلا) حرکت کردند.

والی مدینه در زمان یزید چه کسی بود و چگونه از امام حسین علیه السلام بیعت خواست؟

بسمه تعالی: بعد از مرگ معاویه، یزید نامه‌ای به والی مدینه، ولید بن عقبه نوشت که از سه نفر بیعت بگیر، امام حسین علیه السلام، عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر (عبدالرحمن بن ابی بکر) و اگر تخلف کردند سر آنها را جدا کن و برای من بفرست.

آیا امام حسین علیه السلام بیعت را پذیرفتند؟

بسمه تعالی: امام حسین علیه السلام ضمن رد بیعت فرمود: «...»

مثلی لا یبایع مثله؛ ۲۲۲

یعنی مثل من (امام حسین علیه السلام) با مثل یزید بیعت نمی‌کند.

ص: ۲۳۰

امام حسین علیه السلام چگونه تصمیم گرفتند به عراق حرکت کنند؟

بسمه تعالی: چند پیشنهاد به امام حسین علیه السلام شد:

۱. برگشت به مدینه ۲. ماندن در مکه ۳. رفتن به یمن ۴. رفتن به عراق (تصمیم خود امام حسین علیه السلام).

به مدینه برگشتند؛ چون مردم تصور می‌کردند که او بیعت را قبول کرده.

در مکه نماندند؛ چون گفتند بیت الله الحرام را هتک می‌کنند و بعد آن فعل را به امام حسین علیه السلام نسبت می‌دادند، و به یمن نرفتند؛ چون بعداً امام حسین علیه السلام را به ترسیدن متهم می‌کردند. ایشان علیه السلام عراق را به دلیل نامه‌های زیادی که از مردم کوفه دریافت کردند قبول کرده بود و می‌فرمودند: من رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که فرمود: «

یا حسین إن شاء الله أن يراك قتيلاً وإن الله قد شاء أن يراهن سبياً؛ ۲۲۳

خدا اراده کرده است تو را کشته ببیند و عیال تو را در حالی که اسیر هستند مشاهده نماید.» و همچنین: «

یا حسین إن لك في الجنة درجات لا تنالها إلا بالشهادة؛ ۲۲۴

ای حسین! درجه‌ای بر تو در بهشت نزد خداست که به آن نمی‌رسی، مگر به واسطه‌ی شهادت».

ص: ۲۳۱

هدف سیدالشهداء امام حسین علیه السلام با برگزاری مجالس احیاء می‌شود.

سیدالشهداء علیه السلام بیعت یزید (لعنة الله) را قبول نکردند با چه هدفی به طرف عراق حرکت کردند؟

۲۲۳ (۱). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۴؛ العوالم، ص ۲۱۴.

۲۲۴ (۲). امالی صدوق، ص ۲۱۷.

امام حسین علیه السلام در مواطن مختلف هدف خود را اصلاح جامعه و امر به معروف و نهی از منکر اعلام نمودند و در خون خود غلطیدند تا آن خون، سند بر حقانیت مذهب تشیع باشد و خط بطلان بر حکومت یزید، یزیدیان (علیهم لعان الله) کشند.

امام علیه السلام فرمودند: «

إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا بَلْ خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى رَسُولُ اللَّهِ وَأَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدَى رَسُولِ اللَّهِ وَأَبَى عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ

؛ یعنی من به جهت خود خواهی، گردنکشی، فتنه‌انگیزی و ستمگری خارج نشدم بلکه به قصد اصلاح امت جدم خروج کردم می‌خواهم به معروف فرمان دهم و از منکر باز دارم و بر سیره‌ی جدم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار کنم (در چنین شرایطی من از همه سزاوارترم).»

و همچنین فرمودند: «

إِلَّا وَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أَمِيتَتْ وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَتْ فَإِنْ تَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سُبُلَ الرَّشَادِ

؛ یعنی سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله نابود شده و بدعت احیاء گردید اگر مرا اطاعت کنید شما را به راه راست هدایت می‌نمایم.»

در زیارت اربعین می‌خوانیم: «

بَذَلَ مُهْجَتَهُ فَبِكَ لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنْ

ص: ۲۳۲

الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ

؛ یعنی جان خود را در راه تو فدا نمود تا بندگان را تا از جهالت نجات دهد.»

امام در حرکت خود فرمود: «

خُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وَلَدِ آدَمَ مَخْطًى الْقَلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفِتَاءِ

؛ پایان این حرکت مرگ است و مرگ همانند گردن‌بند است بر گردن دختران».

و فرمودند: من رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که فرمود: «

يَا حُسَيْنُ إِنَّ اللَّهَ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا وَإِنَّ اللَّهَ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا

؛ یا حسین خدا اراده کرده است که تو را کشته ببیند و اراده کرده است فرزندان را اسیر ببیند».

و در راه عراق فرمودند: «

كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقْطَعُهَا عُسْلَانُ الْفَلَوَاتِ بَيْنَ نَوَافِيسَ وَكَرْبَلَاءَ

؛ دارم می‌بینم که گرگ‌های بیابان بدن مرا بین کربلا و نوافیس ۲۲۵ تکه تکه می‌کنند».

امام حسین علیه السلام از زندگی با ستمکاران خسته شده و خطاب به یارانش در کربلا می‌فرماید: «

أَنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا بِالسَّعَادَةِ وَالْحَيَاةِ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا

؛ مرگ برای من خوشبختی است و زندگی با ستمکاران را جز فرومایگی و خواری نمی‌بینم».

و در جمع ستمکاران کلماتی را می‌فرمودند که معنای آن در قالب شعر اینگونه است: «

أَنْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَسْتَقِمْ إِلَّا بِقَتْلِي يَا سُيُوفُ

ص: ۲۳۳

خُذِينِي

؛ اگر دین رسول خدا جز با شهادت من قوام نمی‌گیرد...».

آیا امام حسین علیه السلام مخیر بودند بین خروج به کربلا یا خیر؟

بسمه تعالی: امام حسین علیه السلام مخیر بود، بین بیعت و تسلیم، و اختیار شهادت؛ جدش، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پدرش، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به او وعده داده بودند که مقامی را با شهادت کسب خواهد کرد و کسی به آن مقام نمی‌رسد؛

یا حسین إنّ لک فی الجنّة درجةٌ عندالله لم تنالها إلّا بالشهادة؛ ۲۲۶

و همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

یا حسین إنّ الله

شاء أن یراک قتیلًا وإنّ الله شاء أن یراهن سبایا؛ ۲۲۷

از این رو ایشان شهادت را انتخاب کرد و به سوی کربلا حرکت کرد. ابا عبدالله الحسین علیه السلام می‌خواست دین را زنده کرده و از زحمات رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع کند و با اهدای خون خود، دین را بیمه نماید و اگر خون امام حسین علیه السلام نبود چیزی از دین باقی نمی‌ماند.

ص: ۲۳۴

آیا امام حسین علیه السلام برای طلب قدرت و مقام به سوی کربلا حرکت کردند؟

بسمه تعالی: امام حسین علیه السلام هیچ گاه به خاطر قدرت و طلب سلطه خارج نشد و این گفته‌ی افراد غافل و منحرف از ولای اهل بیت علیهم السلام است. سید الشهداء علیه السلام در مواطن مختلف، هدف از حرکت خود را بیان نموده است و در وصیت خود به برادرش، محمد حنفیه هدف از حرکت خود را اصلاح جامعه بیان نموده است: «

باسم الله الرحمن الرحیم، هذا ما أوصی به الحسین بن علی بن أبی طالب إلى أخیه محمد المعروف بابن الحنفیة:

إنّ الحسین یشهد أن لا إله إلّا الله وحده لا شریک له، وأنّ محمداً عبده ورسوله، جاء بالحقّ من عند الحقّ، وأنّ الجنّة والنار حقّ، وأنّ الساعة آتیة لا ریب فیها، وأنّ الله یبعث من فی القبور. وإنّی لم أخرج أشراً ولا بطراً، ولا مُفسداً ولا ظالماً، وإنّما خرجت لطلب الإصلاح فی أمة جدّی صلی الله علیه و آله ارید ان آمر بالمعروف وأنهی عن المنکر، وأسیر بسیره

۲۲۶ (۱). امالی صدوق، ص ۲۱۷.

۲۲۷ (۲). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۴.

جدي وأبي عليّ بن أبي طالب، فَمَنْ قبلني بقبول الحقّ فاللّهُ أولى بالحقّ، ومن ردّ عليّ هذا أصبر حتّى يقضى اللّهُ بيني وبين القوم بالحقّ، وهو خير الحاكمين. وهذه وصيّتي - يا أخى - إليك وما توفيقى إلّا باللّهُ عليه توكلتُ، وإليه أنيب؛ ۲۲۸ ... به قصد اصلاح امت جدم خارج شدم و می‌خواهم به معروف فرمان دهم و از منکر باز دارم ...».

ص: ۲۳۵

مراد از «ثار اللّهُ» که بر امام حسین علیه السلام اطلاق می‌شود چیست؟

بسمه تعالی: «ثار» از ریشه‌ی «ثار» و «ثورة»، به معنای انتقام و خونخواهی و نیز به معنای خون آمده است. برای «ثار اللّهُ» بودن امام حسین علیه السلام، معانی و وجوه مختلفی ذکر شده که در مجموع به این معنا است که خداوند، ولی دم آن حضرت است و خود او خون آن بزرگوار را از دشمنانش طلب می‌کند؛ چرا که ریختن خون سیدالشهدا علیه السلام در کربلا، تجاوز به حریم و حرمت الهی و طرف شدن با خداوند است و چون اهل بیت علیهم السلام «آل اللّهُ» هستند، شهادت این امامان، ریخته شدن خونی است که متعلق به خداوند است.

اولین نامه را چه کسی از کوفه برای حضرت سید الشهداء علیه السلام نوشت و مضمون آن چه بود؟

بسمه تعالی: اولین نامه را سلیمان بن صرد، مسیب بن نجبه، رفاعه بن شداد و حبیب بن مظاهر نوشتند و آن نامه از این قرار بود:

«بسم اللّهُ الرحمن الرحيم، للحسين بن عليّ عليهما السلام من سلیمان بن صرد، والمسيّب بن نجبة ورفاعة بن شداد البجلي، وحبیب بن مظاهر، وعبدالله بن وال، وشيعته من المؤمنين والمسلمين من أهل الكوفة:

أما بعد، فالحمد لله الذي قصم عدوك وعدوّ أبيك الجبار العنيد الغشوم الظلوم الذي انتزى على هذه الأمة، فابتزها أمرها، وغصبها

ص: ۲۳۶

فيأها، وتأمّر عليها بغير رضا منها، ثم قتل خيارها، واستبقى شرارها، وجعل مال اللّهُ دولةً بين جبايرتها وعُتاقها، فبعداً له كما بعدت ثمود.

ثم إنه ليس علينا إمامٌ غيرُك، فأقبل لعلَّ الله أن يجمعنا بك على الحقِّ، والنُّعمان بن بشير في (قصر الإمارة) ولسنا نجتمع معه في جُمعة ولا جماعة، ولا نخرج معه في عيد، ولو قد بلغنا أنك أقبلت إلينا أخرجناه حتَّى نلحقه بالشام إن شاء الله، والسلام عليك ورحمة الله وبركاته؛ ٢٢٩

... ما خدای را سپاسگزاریم که معاویه، آن دشمن ستمکار و کینه توز تو را که به ناحق برگردی این امت سوار شد و اموال آن را به چپاول برد و خوبان را کشته و بدان را میدان داد، نابود ساخت. ما اینک امامی نداریم. به سوی ما بیا که شاید خداوند ما را گرد حق آورد. و نعمان بن بشیر در دارالاماره است و ما را با او کاری نیست و اعتنایی به او نداریم، و اگر به ما خبر برسد که به سوی ما حرکت کرده‌ای او را از شهر بیرون خواهیم کرد تا به شام ملحقش سازیم...».

و نامه را به واسطه‌ی عبدالله بن سبیع همدانی و عبدالله بن وال تمیمی ٢٣٠ ارسال نمودند.

ص: ٢٣٧

افراد مشهوری که برای امام حسین علیه السلام نامه نوشته و حضرت را به عراق دعوت کردند، چه کسانی بودند؟

بسمه تعالی: نامه‌های فراوانی از عراق برای حضرت ارسال شد، به طوری که تعداد آنها بالغ بر ١٢ هزار نامه بود، در بعضی از آنها حاوی بیش از ٥٠٠ امضا بودند و می‌توان از جمله‌ی آن افراد به حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه، سلیمان بن صرد، رفاعه بن شداد، مسیب بن نجبه، شبت بن ربیع، حجار بن أبجر، یزید بن حارث بن رویم، عروه بن قیس، عمرو بن حجاج، محمد بن عمیر و ... اشاره کرد.

امام حسین علیه السلام که در مکه بودند، قصد حرکت به عراق و شهادت را داشته یا اینکه مجبور شدند به عراق بروند؟

بسمه تعالی: سید الشهداء علیه السلام در موطن مختلف از بیعت با یزیدیان سرباز زدند و می‌فرمودند: «

مثلی لایباع مثله؛ ٢٣١

مثل من با مثل یزید بیعت نمی‌کند» و همچنین می‌فرمودند: «

٢٢٩ (١). اعیان الشیعه، ج ١، ص ٥٨٩؛ الفتوح، ج ٥، ص ٣٣.

٢٣٠ (٢). تاریخ طبری، ج ٥، ص ٣٥٢؛ الفتوح، ج ٥، ص ٤٤؛ ارشاد مفید، ص ٢٠٩.

٢٣١ (١). بحارالانوار، ج ٤٤، ص ٣٢٥؛ اللهوف، ص ١٧.

علی الاسلام السلام إذا ابتليت الأمة براع مثل یزید؛ ۲۳۲

باید فاتحه‌ی اسلام را خواند، اگر بخواهد کسی مثل یزید رهبر باشد» و همچنین هنگامی که در مکه بودند، قبل از خروج خطبه‌ای خواندند. در آن خطبه حقایق را آشکار کردند و مرگ را تشبیه به گردنبندی

ص: ۲۳۸

کردند که در سینه‌ی دختری جلوه می‌کند.

«الحمد لله، وما شاء الله، ولا حول ولا قوة إلا بالله، وصلى الله على رسوله وسلم خط الموت على ولد آدم مخط القلادة على جيد الفتاة، وما أولهني إلى أسلافى اشتياق يعقوب إلى يوسف، وخير لي مصرع أنا لاقية. كآني بأوصالي تقطعها غسلان الفلوات بين النوايس وكربلاء، فيملأن منى أكراشاً جوفاً، وأجربة سغباً، لا محيص عن يوم خط بالقلم، رضى الله رضانا أهل البيت، نصبر على بلائه، ويوفينا أجور الصابرين، لن تشذ عن رسول الله صلى الله عليه وآله لحمته، بل هي مجموعة له في حضيرة القدس، تقر بهم عينه، ويُنجز لهم وعده.

من كان فينا باذلاً مهجته، وموطناً على لقاء الله نفسه، فليرحل معنا، فإنى راحل مصباحاً إن شاء الله تعالى؛ ۲۳۳

حمد و سپاس خدای را که هرچه بخواهد همان است، و هرچه قدرت و توانایی است از اوست. و سلام و درود خدا بر رسولش باد.

آن گونه که گردنبند بر گردن دختران جوان خط می‌اندازد، مرگ نیز بر گردن فرزندان آدم حلقه بسته است. (کنایه از اینکه زیبایی فرزندان آدم به مرگ است، همچون زیبایی گلووند بر گردن دوشیزگان، و از مرگ فراری نیست) واله و شیدای دیدار پدران و نیاکانم هستیم، همانند اشتیاق یعقوب به

ص: ۲۳۹

یوسف. برای من شهادتگاهی فراهم شده که باید به سوی آن بروم. و گویا می‌بینم گرگ‌های بیابان بین نوایس و کربلا بندبند بدن مرا از هم جدا کرده و شکم خالی و گرسنه‌ی خود را از پیکر من سیر می‌سازند. روش ما خاندان رسالت،

۲۳۲ (۲). مثير الاحزان، ص ۱۴؛ لواعج الاشجان، ص ۲۶.

۲۳۳ (۱). العوالم، الامام الحسين عليه السلام، ص ۲۱۶؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۶؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۴۶.

رضای خدا را جستن و رضای ما اهل بیت، رضای خداست؛ در بلاها استقامت می‌ورزیم و شکیبایی داریم و پاداش صابرين به ما خواهد رسید، که به یقین پاره‌ی تن رسول خدا هرگز از او جدا نخواهد شد.

بلکه برای روشنی چشم پیامبر و تحقق وعده‌ی الهی همگی در بهشت گردهم می‌آیند؛ پس هرکس بخواهد جان خود را در راه ما فدا کند و جویای دیدار خدا باشد با ما بیاید، که همانا من، ان شاء الله صبحگاه عازم هستم».

و در نامه‌ی خود به بعضی از اشراف بصره نوشتند:

«... أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ، وَأَكْرَمَهُ بِنَبَوْتِهِ، وَاخْتَارَهُ لِرِسَالَتِهِ، ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَقَدْ نَصَحَ لِعِبَادَةٍ وَبَلَّغَ مَا أُرْسِلَ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكُنَّا أَهْلَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ وَأَوْصِيَاءَهُ وَوَرِثَتَهُ، وَأَحَقُّ النَّاسِ بِمَقَامِهِ فِي النَّاسِ، فَاسْتَأْثَرَ عَلَيْنَا قَوْمُنَا بِذَلِكَ فَضِيلِنَا وَكَرِهْنَا الْفُرْقَةَ، وَأَحْبَبْنَا الْعَافِيَةَ، وَنَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَيْنَا مِمَّنْ تَوَلَّاهُ.

وقد أحسنوا وأصلحوا وتحروا الحق فرحمهم الله وغفر لنا ولهم وقد بعثتُ رسولي إليكم بهذا الكتاب، وأنا أدعوكم إلى كتاب الله وسنة نبيه صلى الله عليه وآله، فإن السنة قد امتيت، وإن البدعة قد احييت، وإن تسمعوا

ص: ۲۴۰

قولي، وتطيعوا أمرى أهدكم إلى سبيل الرشاد، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

«... ۲۳۴ من شما را به کتاب خدا و سنت رسول خدا صلى الله عليه وآله دعوت می‌کنم، سنت، از بین رفته و بدعت، جایگزین آن شده. اگر به قول من توجه کنید و از آن تبعیت نمایید شما را به راه نجات هدایت می‌کنم.

و این خود گواهی است آشکار بر این واقعیت که حرکت امام حسین علیه السلام فقط جهت اصلاح و هدایت مردم بوده است.

آیا امام حسین علیه السلام برای طلب سلطه خارج شدند؟

بسمه تعالی: سیدالشهداء علیه السلام در مواطن مختلف هدف خود از حرکت به عراق را بیان کردند: »

إنما خرجت لطلب إصلاح في أمة جدّي رسول الله صلى الله عليه وآله أن آمر بالمعروف وأنهي عن المنكر» ۲۳۵

وامام حسین علیه السلام برای اصلاح جامعه و دفاع از زحماتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و امام حسن علیه السلام برای دین کشیده بودند، حرکت کردند. و کسانی که مقوله‌ای غیر از این را قائل‌اند باید استغفار کرده و هرچه سریع‌تر توبه کنند.

والله الهادی الی سواء السبیل.

ص: ۲۴۱

آیا امام حسین علیه السلام در طول حرکت خود از مدینه به مکه و از مکه به عراق، قصد سازش نداشتند؟

بسمه تعالی: امام حسین علیه السلام در طول حرکت خود هیچ‌گاه کلام یا حرکتی را انجام ندادند که دال بر آن باشد؛ بلکه آنچه که فرمودند، دال بر آن بود که ایشان برای احیای دین و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و نجات بشر از ظلمت به پا خاسته‌اند. امام حسین علیه السلام در پاسخ ولید بن عقبه، والی مدینه فرمودند:

«إِنَّا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِوَّةِ، وَمَعْدَنُ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، بِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَبِنَا يَخْتَمُ، وَيَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ وَقَاتِلُ النَّفْسِ الْمَحْرَمَةِ، مَعْلَنٌ بِالْفُسْقِ، وَمِثْلِي لَا يَبَايِعُ مِثْلَهُ وَلَكِنْ نَصَبُحَ وَتَصْبَحُونَ وَنَنْظُرُ وَتَنْظُرُونَ أَيْنَا أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ؟» ۲۳۶

ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و ارکان رسالت هستیم، منزل ما فرودگاه فرشتگان است. خداوند از ما آغاز کرده و به ما ختم می‌کند. و یزید مردی است میخوار، قاتل نفس محترمه (بی‌گناهای که خدا قتلشان را حرام دانسته)، و تبهکار آشکار، و شخصی مانند من هرگز با شخصی مانند او بیعت نمی‌کند».

و در پاسخ مروان حکم فرمود:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بَلَّيْتُ الْأُمَّةَ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدٍ وَلَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: الْخِلَافَةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى

ص: ۲۴۲=PAGE ص:

آل ابی سفیان؛ ۲۳۷

۲۳۵ (۲). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۲۳۶ (۱). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۱؛ الفتوح، ج ۵، ص ۱۴؛ اللهوف، ص ۱۷.

بر اسلام، سلام باد، باید فاتحه اسلام را خواند و با اسلام خداحافظی کرد، آن‌گاه که والی مسلمانان کسی همچون یزید باشد. از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: خلافت بر آل ابو سفیان حرام است».

یک روز قبل حرکت از مکه فرمودند:

«خطّ الموت علی ولد آدم مخطّ القلاده علی جید الفتاه، وما أولهنی إلى أسلافی اشتیاق یعقوب إلى یوسف، وخیر لی مصرع أنا لاقیه، کأنی بأوصالی تقطعها عسلان فلوأه بین النواویس وکربلا فیملان منی أکراشا جوفاً وأجربه سغباً، لا محیص عن یوم خطّ بالقلم، رضا الله رضانا أهل البیت، نصبر علی بلائه ویوفینا أجور الصابرین ... إلّا من کان فینا باذلاً مهجته موطناً علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا، فإنّی راحل مصباحاً إن شاء الله تعالی؛ ۲۳۸

مرگ بر فرزندان آدم، لازم و حتمی گردیده، همانند گردنبند که لازمه‌ی گردن دختران جوان است و اشتیاق من به دیدار نیاکانم مانند اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف است و برای من قتلگاهی معین شده که به آنجا خواهم رسید و گویا می‌بینم که درندگان بیابان‌ها (لشکر کوفه) در سرزمین میان نواویس و کربلا، اعضای بدن مرا قطعه قطعه کرده و شکم‌های گرسنه‌ی خود را با آنها سیر و انبان‌های خالی خود را پر می‌کنند، از پیشامدی که با قلم قضا و قدر

ص: ۲۴۳

نوشته شده است، گریزی نیست، خشنودی خداوند خشنودی ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است، در بلاها استقامت می‌ورزیم و شکیبایی داریم تا پاداش صابرین به ما رسد ... پس هر که می‌خواهد در راه لقای خداوند نثار کند، آماده حرکت با ما باشد که من فردا صبح حرکت خواهم نمود، ان شاء الله تعالی».

حضرتش در علت حرکتش به سوی کوفه فرمود:

«إنّی لم أخرج أشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً وإنّما خرجت لطلب الإصلاح فی امّة جدّی صلی الله علیه و آله، ارید أن آمر بالمعروف وأنهی عن المنکر، وأسیر بسیره جدّی وأبی علی بن أبی طالب (إلّا وأنی أحقّ من غیری)؛ ۲۳۹

۲۳۷ (۱). مقتل الخواریزمی، ج ۱، ص ۱۸۵؛ لهوف، ص ۲۰؛ منیر الاحزان، ص ۱۵.

۲۳۸ (۲). بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶؛ العوالم الامام حسین علیه السلام، ص ۲۱۶.

۲۳۹ (۱). بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

من به جهت خودخواهی، گردنکشی، فتنه انگیزی و ستمگری خارج نشدم؛ بلکه به قصد اصلاح امت جدم خروج کردم. می‌خواهم به معروف فرمان دهم و از منکر باز دارم و بر سیره‌ی جدم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار کنم (در چنین شرایطی من از همه سزاوارترم).»

در منزلگاه بیضه، در مسیر کوفه، خطاب به سپاه حر می‌فرماید: «

من رأی سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله، ناکثاً لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله يعمل في عباد الله بالإثم والعدوان فلم يغيّر عليه بفعل ولا قول كان حقاً على الله أن يدخله مدخله

«: ۲۴۰

ص: ۲۴۴

او از زندگی با ستمکاران خسته شده و خطاب به یارانش در کربلا می‌فرماید: «

إني لا أرى الموت إلسعادة والحياء مع الظالمين إلّا برماً؛ ۲۴۱

مرگ برای من خوشبختی است و زندگی با ستمکاران را جز ملال و خستگی نمی‌بینم.»

و در جمع ستمکاران کلماتی را می‌فرمودند که معنای آن این بود: «

إن كان دين محمد صلى الله عليه وآله لم يستقم إلّا بقتلى يا سيوف خذيني؛ ۲۴۲

اگر دین رسول خدا جز با شهادت من قوام نمی‌گیرد، پس ای شمشیرها مرا در بگیرید.»

والله المسدد

آیا جمله‌ی «إن كان دين محمد صلى الله عليه وآله لم يستقم إلّا بقتلى يا سيوف خذيني» حدیث است؟

۲۴۰ (۲). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲؛ تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۰۳.

۲۴۱ (۱). مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۲۴؛ العوالم، ص ۶۷.

۲۴۲ (۲). الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلى الله عليه وآله، ج ۳، ص ۱۱۲؛ اعيان الشيعة، ج ۱، ص ۳۰۳.

بسمه تعالی: خیر! حدیث نیست؛ بلکه زبان حال امام علیه السلام است و جملاتی را که حضرت می فرمودند این معنا را می رساند.

ص: ۲۴۵

آیا امام حسین علیه السلام مخیر بین قیام و سکوت بود و یا اینکه بر حضرت علیه السلام واجب بود که قیام کند؟

بسمه تعالی: امام حسین علیه السلام در قیام و انتخاب شهادت؛ حتی پس از رسیدن به کربلا مخیر بود؛ اما عهد و پیمانی از جد بزرگوار و پدرش وجود داشت مبنی بر اینکه سیدالشهدا علیه السلام را مقامی است که جز با شهادت به آن دست نمی یابد:

یا حسین لک فی الجنة درجة لم تنالها إلا بالشهادة. ۲۴۳

حضرت ابوالفضل عباس علیه السلام چه مرتبه ای دارد؟

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام معصوم است و عصمت مراتبی دارد که حضرت ابوالفضل العباس و زینب کبری علیهما السلام از آن برخوردار هستند. مقام و منزلت ابوالفضل العباس علیه السلام از کلام سیدالشهداء در روز ۹ عاشورا معلوم می شود هنگامی که لشکر عمر بن سعد (علیه لعان الله) به خیمه های سیدالشهداء علیه السلام نزدیک شد حضرت امام حسین علیه السلام خطاب به ابوالفضل العباس علیه السلام فرمودند: «

بنفسی انت

« یعنی جانم به فدایت ۲۴۴ و یا در زیارت نامه ابوالفضل العباس علیه السلام می خوانیم: «

السلامُ علیکَ أیُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ

« که

ص: ۲۴۶

۲۴۳ (۱). امالی صدوق، ص ۱۳۰.

۲۴۴ (۲). امام حسین علیه السلام فرمود: «یا عَبَّاسُ، ارْکِبْ بِنَفْسِی اَنْتَ یا اخی تَلْقَاهُمْ فَتَقُولُ لَهُمْ: مَا لَکُمْ وَمَا بَدَّالَکُمْ وَتَسْأَلُهُمْ عَمَّا جَادَ لَهُمْ؟ لَعَلَّی لِرُبَّنَا».

خداوند متعال در قرآن در حق انبیاء عبد صالح را استعمال کردند و در جواب امان نامه شمر، فرمود: «

لَعْنَكَ اللَّهُ وَلَعْنُ أَمَانِكَ اتُّوْمِنْنَا وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَا أَمَانَ لَهُ» ۲۴۵.

لعنت خدا بر تو (ای شمر) و بر امان تو، به ما امان می‌دهی و فرزند رسول خدا (امام حسین علیه السلام) امان ندارد.

و امام صادق علیه السلام فرمود: «

كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَابْلَاءَ حَسَنًا وَمَضَى شَهِيداً» ۲۴۶

حضرت عباس علیه السلام آگاه بود ایمان قوی داشت؛ رکاب سیدالشهداء امام حسین علیه السلام جهاد کرد و شهید شد.

و همچنین امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: «

رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ ... فَدَى إِخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قَطَعَتْ يَدَاهُ فَابَدَ لَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ تَطِيرُ بِهِمَا» ۲۴۷

خدا رحمت کند حضرت مجالس خود را فدای برادرش کرد و دو دوشش قطع شد و خدا در مقابل دو جناح به او داد تا

پرواز کند. ۲۴۸ و موارد دیگر که دال بر عظمت و منزلت والای ابوالفضل العباس علیه السلام می‌باشد.

ص: ۲۴۷

روایتی که می‌گوید: امام حسین علیه السلام به یاران خود اجازه‌ی بازگشت دادند و از آنان خواستند تا از تاریکی شب استفاده کنند و بروند، تا چه اندازه‌ای صحیح است و اگر روایت صحیح است، آیا با این فرمایش، تکلیف به یاری حضرت، برداشته شد؟

بسمه تعالی: بر فرض صادر شدن این فرمایش از امام حسین علیه السلام، منظور این بود که وجوب یاری آن حضرت که در نتیجه‌ی بیعت، واجب شده بود، رفع گردد، و گرنه یاری پیامبر یا امام علیه السلام حکم شرعی الهی است، که قابل

۲۴۵ (۱). الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۸۹؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۱.

۲۴۶ (۲). عمدة المطالب، ص ۳۵۶.

۲۴۷ (۳). الامالی، شیخ صدوق، ص ۵۴۸.

۲۴۸ (۴). مانند جعفر طیار که بتواند به هر جای بهشت پرواز کند.

رفع نمی‌باشد. نکته‌ی دیگر اینکه بعدها گفته نشود که امام علیه السلام اصحابش را مجبور به جنگ و مرگ کرد و خلاصه اینکه امام علیه السلام دانای تر به گفته‌ی خویش است و آنچه فرمودند، مصلحت بوده و فرمایش امام این بود:

فَإِنِّي لَا أَغْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَأَبْرَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ أَوْفَى وَأَبْرَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرَ الْجَزَاءِ عَلَيَّ وَأَنِّي لَأَظُنُّ يَوْمًا مِنْ هَوَلَاءِ إِنَّ هَذَا اللَّيْلَ قَدْ غَشِيَكُمْ فَاتَّخِذُوهُ جَمَلًا، وَلِيَاخُذْ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِيَدِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَتَفَرَّقُوا فِي سَوَادِ هَذَا اللَّيْلِ إِنَّ هَوَلَاءِ الْقَوْمَ لَا يُرِيدُونَ غَيْرِي؛ ۲۴۹

من اصحابی وفادارتر و اهل بیته وفادارتر از شما نیافتم ... از تاریکی شب استفاده کنید و هرکدام یکی از اهل بیت مرا با خود ببرد و از منطقه دور شود، کسی با شما کاری ندارد، دشمن مرا می‌خواهد.

ص: ۲۴۸

وفای اصحاب سیدالشهداء علیه السلام چگونه بوده است؟

و با تقدیم جان خود وفاداری خود را ثابت نموده‌اند و در هنگام ورود به میدان جنگ این‌گونه بودند:

يَتَسَابِقُونَ وَالْقَوَا جِبَالَ الْحَدِيدِ وَاسْتَقْبَلُوا الرِّمَاحَ بِصُدُورِهِمْ وَالسُّيُوفَ بِوُجُوهِهِمْ فَلَمْ يَجِدُوا أَلَمَ مَسِّ الْحَدِيدِ

؛ یاران سیدالشهدا علیه السلام در میدان جنگ از همدیگر سبقت می‌گرفتند و در مقابل آنها کوفته‌ی از نیزه و شمشیر و ... بود، نیزه‌ها را با سینه‌ها و شمشیرها را با صورت‌های خود استقبال می‌کردند و دردی احساس نمی‌کردند».

قَوْمٌ إِذَا نُودُوا بِدَفْعِ مُلِمَةٍ وَالْخَلِيلُ بَيْنَ مُدْعَسٍ وَمُكَرَّدَسٍ

لَبَسُوا الْقُلُوبَ عَلَى الدُّرُوعِ وَأَقْبَلُوا يَتَهَاوَتُونَ عَلَى ذِهَابِ الْأَنْفُسِ

آنان کسانی بودند که وقتی برای دفع گرفتاری خوانده می‌شدند، در حالی که در مقابل دشمن بی‌شمار، که عده‌ای نیزه‌دار و عده‌ای مجهز به سلاح پشت سر هم اجتماع کرده بودند، قلب‌های خود را روی زره‌ها می‌پوشیدند و بی‌مهابا برای جانبازی بر هم پیشی می‌گرفتند و خود را در کام مرگ می‌افکندند».

ص: ۲۴۹

هنگامی که امام حسین علیه السلام شب عاشورا اصحاب خود را جمع کرد و اذن داد از تاریکی شب استفاده کرده و کربلا را ترک کنند اصحاب در جواب امام علیه السلام چگونه عمل کردند؟

بسمه تعالی: بنی هاشم بلند شدند و گفتند: «

لَمْ نَفْعَلْ لِنَبِيِّ بَعْدِكَ لَا أَرَانَا اللَّهَ أَبَدًا؛ ۲۵۰

هیچ کاری نمی‌کنیم تا اینکه بعد از تو زنده بمانیم، و خدا این روز را برایمان نیاورد».

ابوالفضل العباس علیه السلام بلند شد و گفت: «

فَمَاذَا نَقُولُ لِلنَّاسِ إِذَا رَجَعْنَا إِلَيْهِمْ، أَنَّا تَرَكْنَا سَيِّدَنَا، وَأَيْنَ سَيِّدِنَا وَعِمَادَنَا ... وَفَرَرْنَا عَنْهُ رَغْبَةً فِي الْحَيَاةِ مَعَآذَ اللَّهِ بَلْ نَحْيَا بِحَيَاتِكَ وَنَمُوتُ مَعَكَ؛ ۲۵۱

پس به مردم چه بگویم زمانی که برگشتم، بگویم: سرور و سالار پسر سید و آقای که به او اعتماد داشتیم را رها کرده و برای حفظ جان خودمان فرار کردیم، پناه می‌برم به خدا از این کار بلکه با شما زنده‌ایم و با شما خواهیم مرد».

فرزندان عقیل بلند شدند و گفتند: «

.... لَا وَاللَّهِ مَا نَفْعَلُ وَلَكِنْ نَفْدِيكَ أَنْفُسَنَا وَأَمْوَالَنَا وَأَهْلُنَا، نُقَاتِلُ مَعَكَ حَتَّى نَرِدَ مَوْرِدَكَ، فَقَبِّحَ اللَّهُ الْغَيْشَ بَعْدَكَ؛ ۲۵۲

به خدا قسم ما این کار را انجام نخواهیم داد، بلکه خودمان و اموالمان و اهل و عیالمان را فدای تو می‌کنیم، در رکاب شما به جنگ و نبرد

ص: ۲۵۰

می‌پردازیم تا آنکه شما راضی شوید، پس خداوند قبیح گرداند، زندگانی بعد از شما را».

۲۵۰ (۱). روضة الواعظین، ص ۱۸۳؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۸؛ مقتل الحسین، الازدی، ص ۱۰۹.

۲۵۱ (۲). مقاتل الطالبین، ص ۷۴؛ ابناء الرسول فی کربلاء، ص ۱۱۸.

۲۵۲ (۳). روضة الواعظین، ص ۱۸۳؛ الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۹۲؛ مقتل الحسین، الازدی، ص ۱۰۹.

مسلم بن عوسجه اسدی بلند شد و گفت: »

وَلَا افَارِقُكَ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ مَعِيَ سِلَاحٌ اَقَاتِلُهُمْ بِهِ، لَقَذَفْتُهُمْ بِالْحِجَارَةِ دُونَكَ حَتَّى امُوتَ مَعَكَ؛ ۲۵۳

هرگز از شما جدا نخواهم شد، و حتی اگر سلاحی برای مبارزه نداشته باشم، با سنگ به سوی دشمنان می‌زنم تا آنکه جان شما حفظ شود».

سعد بن عبدالله حنفی بلند شد و گفت: »

وَاللّٰهُ لَوْ عَلِمْتُ اَنِّيْ اُقْتَلُ ثُمَّ اَحْيَا ثُمَّ اُحْرَقُ حَيًّا ثُمَّ اُذْرَى يُفْعَلُ ذَلِكَ لِيْ سَبْعِينَ مَرَّةً مَا فَارَقْتُكَ؛ ۲۵۴

به خدا قسم اگر می‌دانستم که من کشته می‌شوم، سپس زنده شده و مرا آتش می‌زنند دوباره زنده شوم، تا اینکه هفتاد مرتبه این ماجرا را تکرار کنند من از شما جدا نخواهم شد».

زهیر بن قین بلند شد و گفت: »

وَاللّٰهُ لَوَدِدْتُ اَنِّيْ قُتِلْتُ ثُمَّ نُشِرْتُ ثُمَّ قُتِلْتُ حَتَّى اُقْتَلَ هَكَذَا اَلْفَ مَرَّةٍ؛ ۲۵۵

به خدا قسم دوست داشتم در راه شما کشته شوم، سپس زنده شده و دوباره کشته شوم، و این ماجرا هزار بار تکرار شود».

ص: ۲۵۱

۲۵۶

بقیه اصحاب گفتند: »

۲۵۳ (۱). ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۹۲؛ المزار، ابن مشهدی، ص ۴۹۲؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۷۶.

۲۵۴ (۲). روضة الواعظین، ص ۱۸۴؛ ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۹۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۴۹.

۲۵۵ (۳). روضة الواعظین، ص ۱۸۴؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۳؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۴، ص ۳۸۳.

۲۵۶ تبریزی، جعفر، شعائر حسینی، ۱ جلد، دار الصدیقه الشهیده (سلام الله علیها) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۹ ه.ش.

وَاللّٰهُ لَا يُفَارِقُكَ وَلَكِنَّ أَنْفُسَنَا لَكَ الْفِدَاءُ؛ ۲۵۷

به خدا قسم از شما جدا نخواهم شد، بلکه جان خود را فدای شما خواهم کرد».

محمد بن بشیر حضری: در جواب امام علیه السلام گفت: فرزندش در ری دستگیر شده بود امام اجازه داد میدان را ترک کند. »

رَحِمَكَ اللَّهُ أَنْتَ فِي حِلٍّ مِنْ بَيْعَتِي فَأَعْمَلْ فِي فَكَاحِ اثْنِكَ فَقَالَ: أَكَلْتَنِي السَّبَاعُ حَيًّا أَنْ فَارَقْتُكَ؛ ۲۵۸

خدا تو را مورد رحمت خویش قرار دهد، بیعتم را از تو برداشتم، و تو برای آزادی فرزندت اقدام کن. پس محمد بن بشیر گفت: گرگ‌های بیابان مرا زنده، زنده بخورند، اگر از شما جدا شوم».

آیا صحیح است که امام حسین علیه السلام در شب عاشورا بیعت خود را از اصحاب و اهل بیتش برداشت و از آنان خواست با استفاده از تاریکی شب از منطقه‌ی کربلا دور شوند؟

بسمه تعالی: به نقل از امام سجاد علیه السلام، امام حسین علیه السلام شب عاشورا، تمام اصحاب خود را جمع کرد و خطبه‌ای برای آنها خواند:

«أَتْنِي عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَحْسَنَ الثَّنَاءِ، وَأَحْمَدَهُ عَلَى السَّرَاءِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنَّبُوَّةِ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ، وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ،

ص: ۲۵۲

وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً، فَاجْعَلْنَا لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ.

أَمَّا بَعْدُ: فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي، وَلَا أَهْلَ بَيْتٍ أَبْرَّ وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً عَنِّي خَيْرًا.

أَلَا، وَإِنِّي لِأَطْنُّ يَوْمَنَا مِنْ هَؤُلَاءِ الْأَعْدَاءِ غَدًا، أَلَا وَإِنِّي قَدْ أَذْنْتُ لَكُمْ جَمِيعاً، فَانْطَلِقُوا فِي حِلٍّ، لَيْسَ عَلَيْكُمْ مِنِّي حَرْجٌ وَلَا ذِمَامٌ.

۲۵۷ (۱). تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۸؛ مقتل الحسین علیه السلام، الازدی، ص ۱۱۰.

۲۵۸ (۲). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۴؛ العوالم، ص ۲۴۴؛ لواعج الاشجان، ص ۱۲۰.

وهذا الليل قد غشيكم فاتخذوه جملاً، ثم ليأخذ كل رجلٍ منكم بيد رجلٍ من أهل بيتي، وتفرّقوا في سواد هذا الليل، وذروني وهؤلاء القوم، فإنّهم لا يُريدون غيري، ولو أصابوني لذُهلوا عن طلب غيري

«... ۲۵۹ بعد از حمد و ثنای خداوند و تمجید از اصحاب و اهل بیت خود، از اصحاب خود خواست که از تاریکی شب استفاده کنند و هر کدام یکی از اهل بیت را با خود برده و از منطقه دور شوند و فرمود: کسی با شما کاری ندارد دشمن مرا می‌خواهد، ولیکن اصحاب باقی ماندند و وفای خود را به حضرت علیه السلام نشان دادند.

آیا امام حسین علیه السلام از شهادت خود خبر داشت؟

بسمه تعالی: امام حسین علیه السلام هنگامی که اراده کرد از مدینه خارج شود، ام سلمه نزد او آمد و گفت: فرزندم! مرا با رفتن به عراق اندوهگین مساز؛ چرا که من از جدّت شنیدم که فرمود: فرزندم حسین علیه السلام در سرزمین عراق، در جایی که به آن کربلا گویند، کشته می‌شود. امام حسین علیه السلام فرمود: ای مادر! به

ص: ۲۵۳

خدا سوگند روزی را که در آن کشته می‌شوم، می‌دانم و آن مکانی را که در آن دفن می‌شوم را می‌شناسم و کسانی که از اهل بیت علیهم السلام من و شیعه‌ام کشته می‌شوند را می‌شناسم. ای مادر! اگر بخواهی، جایی که در آن کشته و به خاک سپرده خواهم شد را به تو نشان می‌دهم. ۲۶۰ و فرمود: »

كأنّي بأوصالي تقطعها عسلان الفلوات بين نوایس و کربلا

؛ می‌بینم که گرگ‌های بیابان بدنم را تکه تکه می‌کنند، بین نوایس ۲۶۱ و کربلا» ۲۶۲ و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: »

يا حسين إنّ لك في الجنة

۲۵۹ (۱). ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۹۱.

۲۶۰ (۱). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۱.

۲۶۱ (۲). منطقه‌ای در کربلا که به احتمال زیاد همان منطقه‌ای می‌باشد که حر بن یزید ریاحی دفن شده‌است.

۲۶۲ (۳). مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۶؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۴۶.

درجۃ عندالله لم لا تنالها إلا بشهادة؛ ۲۶۳

ای حسین! برای تو مرتبه‌ای است در بهشت نزد خداوند متعال که به آن نمی‌رسی مگر با شهادت» و فرمود: «

یا حسین إن الله شاء أن يراك قتيلاً وإن الله شاء أن يراهنّ سبايا؛ ۲۶۴

ای حسین! خداوند متعال اراده کرده است که تو را ببیند در حالی که کشته شده‌ای و اهل بیتت را اسیر ببیند».

ص: ۲۵۴

چگونه امام حسین علیه السلام که در معرض خطر بود، اقدام به نهضت، قیام و جنگ کرد؛ در حالی که اسلام به ما دستور می‌دهد که اگر ضرری در کار بود، اقدام به تبلیغ دین نکنیم؟

بسمه تعالی: هرگاه حفظ دین و بقای آن متوقف بر فداکاری و از خود گذشتگی باشد، از خود گذشتگی وظیفه‌ی شرعی می‌گردد و ماجرای سیدالشهدا علیه السلام از این باب است.

چه کسی جسد مطهر امام حسین علیه السلام را دفن کرد؟ اگر حضرت امام زین‌العابدین علیه السلام باشد، چگونه امکان دارد؛ در حالی که او و اهل بیتش اسیر بودند و دفن سه روز پس از تاریخ شهادت انجام گرفته است؟

بسمه تعالی: امامان معصوم علیهم السلام قدرت بر کارهای خارق‌العاده دارند (هرگاه در این کار رضای خدا باشد) و تاریخ، گویای قضایای متعددی از این قبیل است؛ مانند حاضر شدن امیرالمؤمنین علیه السلام بر بالین سلمان علیها السلام در مدائن، با اینکه مسافت میان این دو شهر بسیار طولانی است که این «طی الارض» است و امامان معصوم علیهم السلام قادر بر این کارها هستند.

ص: ۲۵۵

چگونه ممکن است سیدالشهدا علیه السلام بدانند که در کربلا شهید می‌شوند اما باز به سوی عراق حرکت کنند؟

بسمه تعالی: سیدالشهدا علیه السلام در طول حرکت خود و در مواضع مختلف، هدف خود را از حرکت به سوی عراق بیان کردند و اگر حفظ دین موقوف بر شهادت شخصی باشد، حفظ دین مقدم بر همه‌ی امور دیگر است.

۲۶۳ (۴). امالی صدوق، ص ۹۳.

۲۶۴ (۵). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۴.

دشمن به امام حسین علیه السلام بعد از آنکه آنها را نصیحت کردند چه جواب دادند؟

بسمه تعالی: دشمن به ساحت مقدس امام حسین علیه السلام جسارت کردند و این گونه جواب دادند: «

قالوا: قد علمنا ذلک کله، ونحن غیر تارکیک حتی تذوق الموت عطشا؛ ۲۶۵

می دانیم تمام آنچه را که می گویی، ولیکن تو را ترک نمی کنیم تا لب تشنه جان دهی».

ص: ۲۵۶

منشأ ناهمخوانی برخی روایات در مورد واقعه ی کربلا چیست؟

چرا بعضی از افراد معروف، مانند عبدالله بن عباس، عبدالله بن جعفر و محمد بن حنفیه همراه کاروان سیدالشهدا علیه السلام حرکت نکردند؟

بسمه تعالی: حادثه ی کربلا مانند دیگر حوادث تاریخی است که کتاب های سیره و تاریخ شیعی آن را نقل کردند؛ همان گونه که کتاب های اهل سنت نیز آن را نقل کرده اند.

روایات در این زمینه دو دسته اند: آنچه که با سند ارزشمند (معتبر) از خاندان اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، ما به آنها اخذ می کنیم؛ و دوم آنچه که دیگران (غیر شیعه) نقل کرده و یا با سند غیر معتبر از راویان شیعه به ما رسیده است، می توان آنها را به قصد رجاء نقل کرد (بدون نسبت دادن آنها به خاندان مطهر عصمت و طهارت)، و آن هم در صورتی که با مسلمات تاریخی شیعه مغایرت نداشته باشد، والا از نقل آنها باید اجتناب کرد.

و اما موضوع همراه نشدن برخی افراد با امام حسین علیه السلام، به طور مثال در مورد عبدالله بن عباس، گفته شده که او در آن زمان نابینا بود و یا محمد بن حنفیه بیمار بوده است.

ص: ۲۵۷

امام حسین علیه السلام در پاسخ دشمنان نسبت به عاقبت کار آنها چه فرمودند؟

۲۶۵ (۱). الامالی شیخ صدوق، ص ۲۲۳؛ روضه الواعظین، ص ۱۸۶؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۸.

لما منعوا الحسین من الماء قال له رجل: انظر إلیه کأنه کبد السماء لا تذوق منه قطره حتی تموت عطشا!! فقال الحسین: اللهم اقتله عطشا، فلم یرو مع کثره شربه للماء حتی مات عطشا. (الصواعق المحرقة، ص ۱۹۵؛ احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۲۰)

بسمه تعالی: امام علیه السلام فرمود: »

يلقى بأسكم بينكم ويسفك دمائكم ثمَّ يصب عليكم العذاب الأليم؛ ۲۶۶

بین شما فتنه می‌شود و خون‌هایتان می‌ریزد و عذاب الهی شما را فرا می‌گیرد».

و بعد فرمودند: مدت زیادی نخواهید ماند »

... واللّٰهُ لَا تَلْبِثُونَ بَعْدَهَا إِلَّا كَرِيثٍ مَا يَرْكَبُ الْفَرَسُ حَتَّى تَدُورَ بِكُمْ دُورَ الرَّحَى وَتَعْلَقَ بِكُمْ قَلَقُ الْمَحُورِ عَهْدَ عَهْدِهِ إِلَى أَبِي

عن جدّى ...؛ ۲۶۷

... خیلی درنگ نمی‌کنید؛ بلکه به اندازه‌ی آنکه پای خود را بر رکاب اسب بگذارید خواهید ماند. آن زمان است که چرخ

گردون زمانه، شما را لِه خواهد کرد و این عهده‌ی است که جدم به پدرم داده است ...».

لشکر عمر بن سعد در جواب نصایح سیدالشهدا علیه السلام چه کردند؟

لشکر کفر در جواب سیدالشهداء علیه السلام گفت: »

يَا حُسَيْنَ نَقْتُلُكَ بُغْضًا لِّإِبِيكَ وَنَحْنُ غَيْرُ تَارِكِيكَ حَتَّى تَذُوقَ الْمَوْتَ عَطْشًا

«... و امام حسین علیه السلام فرمود: »

أَمَّا وَاللّٰهُ لَا تَلْبِثُونَ بَعْدَهَا إِلَّا كَرِيثٍ مَا يَرْكَبُ الْفَرَسُ حَتَّى يَدُورَ بِكُمْ دُورَ الرَّحَى وَيُقْلَقَ بِكُمْ قَلَقُ الْمَحُورِ

؛ به خدا

ص: ۲۵۸

سوگند بعد از کشتن من دوام نخواهید آورد مگر مدت زمان کمی همچون مدت زمان ایستادن اسب برای سوار شدن

آنگاه روزگار شما را همچون سنگ آسیاب بر دور خودتان می‌چرخاند و حیران می‌سازد و همچون میله وسط آسیاب به

اضطراب و ناراحتی گرفتار خواهید شد» و در موقف دیگر فرمودند »

۲۶۶ (۱). بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۲؛ العوالم، ص ۲۹۵.

۲۶۷ (۲). لهوف فی مقتل الطفوف، ص ۵۹.

يُلْقَى بِأَسْكُمْ يُبَيِّنُكُمْ

« یعنی بینتان فتنه خواهد شد.

چه کسی جنگ را شروع کرد عمر بن سعد یا لشکر سیدالشهداء علیه السلام؟

صبح روز عاشورا عمر بن سعد شروع کننده جنگ بود اولین تیز را زد و در همان گفت:

إِشْهَدُوا لِي عِنْدَ الْأَمِيرِ أَنِّي أَوَّلَ مَنْ رَمَى أَقْبَلْتُ السَّهْمَ مِنَ الْقَوْمِ كَأَنَّهَا الْمَطَرُ

یعنی: «شهادت دهید من اولین شخصی هستم که تیر انداختم؛ ناگهان تیرها مانند باران سرازیر شد».

امام حسین علیه السلام خطاب به اصحاب فرمودند: »

قَوْمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَى الْمَوْتِ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ فَإِنَّ هَذِهِ السَّهْمُ، رُسُلُ الْقَوْمِ إِلَيْكُمْ

؛ خدای شما را رحمت کند، برخیزید، و از مرگ که چاره‌ای جز تسلیم در مقابل آن نیست استقبال کنید، همانا این تیرها سفیران این جماعت است که شما را به جنگ فرا می‌خواند».

امام فرمودند: »

أَمَّا مَنْ مُعِثَ يُغِيثُنَا لَوَجْهِ اللَّهِ، أَمَّا مَنْ ذَابَ يَذُبُّ عَنْ

ص: ۲۵۹

حرم رسول الله

؛ آیا فریادرس نیست که به خاطر خدا به ما کمک کند؟ آیا حمایت کننده‌ای نیست که از حرم رسول خدا حمایت کند؟».

بر بدن مبارک امام حسین علیه السلام چند تیر، نیزه و شمشیر اصابت کرد؟

بسمه تعالی: بنابر نقل مقاتل، بیش از یکصد و ده زخم بر بدن امام علیه السلام وارد آمد و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: تعداد سی و سه زخم از نیزه و سی و چهار زخم از شمشیر بر پیکر امام علیه السلام بوده است.

معلوم است که جسد امام حسین علیه السلام در دشت کربلا سه روز بر زمین باقی ماند، آیا جسد مطهر امام حسین علیه السلام در این زمان که بر زمین بود تغییر کرد؟

بسمه تعالی: زمین و هوا بیشتر از آتشی نیستند که ابراهیم علیه السلام را در درون خود نسوزاند و بیشتر از چاقویی نبود که حلقوم اسماعیل علیه السلام را نیرید و مواردی از این قبیل، و زمین، اجساد اولیای خدا را از بین نمی برد؛ بلکه به دلیل مقام والای آنها جسدشان باقی می ماند. امام حسین علیه السلام مقام و منزلتی دارند که کسی به آن مکان نمی رسد و جسد مطهر ایشان در مدتی که در سرزمین کربلا بر روی زمین بود، هیچ گونه تغییری نکرد.

ص: ۲۶۰

اهل بیت علیهم السلام و لشکر کفر تا چه زمان در کربلا باقی ماندند؟

بسمه تعالی: عمر بن سعد لعنة الله عليه و بقیه تا روز یازدهم هنگام ظهر در کربلا بودند و سایر شهدا را سر بردند و هفتاد و دو سر همراه با شمر بن ذی الجوشن لعنة الله عليه روانه ی کوفه کرد تا سرها را به عبیدالله لعنة الله عليه بدهد و سپس حمد بن بکیر را دستور داد که سایرین، از جمله خاندان گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله را روانه ی کوفه نمایند.

نظر حضرت تعالی در خصوص اینکه اهل بیت علیهم السلام در اربعین اول به کربلا بازگشتند، چیست؟

بسمه تعالی: اهل بیت امام حسین علیه السلام در سال ۶۱ هجری از شام برگشته و در بیستم صفر همان سال در کربلا با جابر بن عبدالله انصاری ملاقات کردند و همگان برای امام عزاداری نمودند. مرحوم ابن طاووس رحمه الله می نویسد:

«راوی گفت: چون زنان و عیالات حسین علیه السلام از شام بازگشتند و به کشور عراق رسیدند، به راهنمای قافله گفتند، ما را از راه کربلا ببر! چون به قتلگاه رسیدند، دیدند که جابر بن عبدالله انصاری و جمعی از بنی هاشم و مردانی از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله برای زیارت قبر حسین علیه السلام آمده اند، پس همگی به یک هنگام در آن سرزمین گرد آمدند و با گریه، اندوه و سینه زنی با هم ملاقات کردند و مجلس عزایی که دلها را جریحه دار می کرد، بر پا نمودند و زنانی

ص: ۲۶۱

که در آن نواحی بودند، جمع شدند و چند روزی به همین منوال گذشت.» ۲۶۸ و به نظر ما و بنابر شواهد تاریخی هیچ گونه شبهه‌ای وجود ندارد که بازگشت اهل بیت علیهم السلام در اربعین اول به کربلا بوده است.

آیا امام باقر علیه السلام در واقعه‌ی کربلا حضور داشت؟

بسمه تعالی: بله! امام باقر علیه السلام در واقعه‌ی کربلا حضور داشت و عمر شریف ایشان چهار سال بود.

مگر حضرت زینب علیها السلام در مقابل یزید چه گفت که غضب آن ملعون را برانگیخت و دستور داد حضرت را شهید کنند؟

بسمه تعالی: حضرت زینب علیها السلام بعد از شهادت سیدالشهداء، امام حسین علیه السلام در مواطن مختلف با بیان حقایق، مردم را آگاه کرده و بطلان دستگاه یزید را اعلام می‌کرد، به خصوص در مجلس یزید با آن خطبه‌ی آتشین که فرمود:

«... یزید! این چنین شتاب مکن و آرام باش و آهسته‌تر! آیا فراموش کرده‌ای فرمایش خدای عزوجل را که می‌فرماید:

آنان که کفر ورزیدند، گمان نکنند که مهلت دادن ما به آنها، به سود و نفع

ص: ۲۶۲

آنهاست، ما به آنان فرصت می‌دهیم تا بر گناهانشان بیفزایند، که عذابی دردناک و ذلت‌آخروی در انتظار آنهاست.

... و چگونه در عداوت و دشمنی ما شتاب نکند، کسی که به ما خاندان رسالت به چشم بغض و کینه و خشم و دشمنی می‌نگرد؟ این جنایت بزرگ را انجام دادی و بی هیچ حیا و پروایی از این گناه بزرگ، می‌گویی، ای کاش پدرانم می‌بودند و می‌دیدند و شادمانی می‌کردند و می‌گفتند، ای یزید! از خود ضعف و سستی نشان مده.

این جملات را می‌گویی در حالی که بی شرمانه، چوب بر لب و دندان ابی‌عبدالله علیه السلام، سید جوانان اهل بهشت می‌کوبی!

قسم به خدا، ای یزید! جز پوست پیکر خود را ندریدی، و جز گوشت بدنت را پاره نکردی! به زودی با بار سنگینی که از ریختن خون فرزندان رسول خدا و با هتک حرمت خاندان، و پاره‌های تن او که به گردن گرفته‌ای بر رسول خدا صلی

الله علیه و آله وارد می‌شوی، و در آنجا خدای تعالی آشفته‌گی آنان را سامان می‌بخشد، و خاطر پریشانیشان را جمع می‌کند، و حق آنان را از دشمنانشان باز می‌ستاند. (وگمان مبری آنان که در راه خدا کشته شدند، [مرده‌اند] آنان زنده‌اند و در نزد خداوندشان متنعم می‌باشند و روزی می‌خورند).

یزید! اکنون که کشتن و اسارت ما را غنیمت خود می‌شماری، و به آن می‌بالی، به زودی غرامت تو خواهیم شد، آن هنگام که هیچ چیز جز اعمال

ص: ۲۶۳

خویش را که از قبل فرستاده‌ای با خود نخواهی یافت، و خدایت به بندگانش ستم نمی‌کند. ملجأ و پناه من، خداست و شکوه‌گاه من اوست.

پس هر مکاری که می‌توانی به کار بگیر و هر تلاشی که می‌توانی بکن، اما به خدا سوگند هرگز نمی‌توانی نام نیک ما را از بین ببری و نمی‌توانی وحی ما را بمیرانی، دوره‌ی ما را به سر برسانی، و ننگ و عار این حادثه را از دامن خود پاک کنی.

یزید! عقلت منحرف و ضعیف است، و ایام حکومتت کوتاه و معدود، و جمعیت پراکنده و مطرود است، روزی خواهد رسید که منادی ندا دهد:

لعنت خدا بر ظالمان و ستمگران باد!« ۲۶۹.

آن‌گونه این خطبه مؤثر واقع شد که یزید با بزرگان شام مشورت کرد که با اسرا چه کند. مضمون جواب آنها این بود که همه‌ی اسرا را به قتل برسان، اما نعمان بن بشیر گفت: بنگر و ببین رسول خدا با اسرا چگونه رفتار می‌کرد، تو هم با اینها این‌گونه رفتار کن! ۲۷۰ از این رو زینب کبری علیها السلام را رها نمودند.

قاسم بن حسن علیه السلام در واقعه‌ی کربلا چند سال داشت؟

بسمه تعالی: بنابر نقل بعضی مقاتل، چهارده سال داشت که شهید شد. ۲۷۱

۲۶۹ (۱). لهوف سید بن طاووس، ص ۱۴۵.

۲۷۰ (۲). لهوف سید بن طاووس، ص ۱۴۵.

۲۷۱ (۳). مقتل ابی مخنف.

ص: ۲۶۴

آیا واقعاً در کربلا عروسی حضرت قاسم علیه السلام انجام شد؟ آیا امام حسن علیه السلام هم به امام حسین علیه السلام در این باره وصیت کرده بودند؟ آیا امام حسین علیه السلام دختر خود را در کربلا به عقد حضرت قاسم علیه السلام درآوردند؟

بسمه تعالی: مصائب زیادی بر سیدالشهداء و اهل بیت و فرزندان علیهم السلام در واقعه کربلا وارد شده است و مصائبی هم بعد از واقعه کربلا بر اهل بیت علیهم السلام وارد شده که نقل آن‌ها مشهور و معتبر است و نسبت به عروسی قاسم نقلی وجود دارد، لکن به محکمی وقایع دیگر نیست، واللّٰه العالم.

چه زمانی آب را بر روی امام حسین علیه السلام، اهل بیت و یاران باوفایش بستند؟

بسمه تعالی: روز سه شنبه، هفتم ماه محرم نامه‌ای از عبیدالله بن زیاد لعنه الله علیه به عمر بن سعد لعنه الله علیه رسید که نوشته شده بود: میان امام حسین علیه السلام و یارانش و آب فرات حائل شو و نگذار قطره‌ای از آب فرات بنوشند. عمر بن سعد لعنه الله علیه پانصد سوار در کنار نهر فرات قرار داد که آل رسول صلی الله علیه و آله و یارانش نتوانند از آب استفاده کنند، و این واقعه سه روز قبل از شهادت امام علیه السلام اتفاق افتاد.

محل دفن سر مبارک سیدالشهدا علیه السلام کجاست؟

بسمه تعالی: معروف است که سر مبارک سیدالشهدا علیه السلام به کربلا برگردانده شده و کنار جسد مطهرش به خاک سپرده شد.

ص: ۲۶۵

آیا سر مقدس و شریف امام حسین علیه السلام در مصر به خاک سپرده شده است؟

بسمه تعالی: آنچه معروف و مشهور است چنین است که آن سر مقدس به کربلا بازگردانده شد.

آخرین کسی که از اهل بیت امام حسین علیه السلام شهید شد چه کسی بود؟

بسمه تعالی: آخرین شخصی که شهید شد، علی اصغر رضیع، طفل شش ماهه‌ی امام حسین علیه السلام است. ۲۷۲

ص: ۲۶۶

شهدای کربلا چند نفر هستند، آیا ۷۲ تن می‌باشند؟

بسمه تعالی: آنچه که معروف است تعداد شهدای کربلا ۷۲ تن ۲۷۳ می‌باشد

ص: ۲۶۷

۲۷۲ (۱) «... آن حضرت با دل پر از حسرت، به سوی خیمه رجعت نمود و زینب خاتون علیها السلام را فرمود که فرزند دلبند صغیر مرا (علی اصغر علیه السلام) بیاور تا با او وداع نمایم و چون او را آورد، امام مظلوم علیه السلام طفل معصوم را گرفت و همین که خواست از راه رافت و کمال مرحمت خم شده او را ببوسد) و حجت را بر دشمنان تمام کند و بر تشنگی کودک معصوم طلب آب نماید، حرمه بن کاهل اسدی پلید لعنه الله از خدا حیا ننمود و تیری به جانب آن نوگل بوستان احمدی انداخت که تیر به گلوی نازک آن طفل معصوم اصابت نمود به طوری که گویا گلو را ذبح نمایند، گوش تا گوش پاره نمود. پس آن حضرت با کمال غم و حسرت، به زینب خاتون، فرمود: این طفل را بگیر؛ پس امام علیه السلام هر دو دست را در زیر گلوی طفل گرفت چون پر از خون شد به سوی آسمان پاشید، آن‌گاه فرمود: آنچه که بر من این مصائب را آسان می‌نماید آن است که این مصیبت بزرگ در حضور پروردگار عادل نازل می‌گردد. امام باقر علیه السلام فرمود: از آن خون طفل معصوم که امام علیه السلام به آسمان پاشید، حتی یک قطره هم روی زمین نیفتاد! (لهوف سید بن طاووس)

۲۷۳ (۱) معروف از شهدا عبارت‌اند از:

«اسلم التركي، انس بن الحارث الکاهلی، انیس بن معقل الاصبیحی، ام وهب، بریر بن خضیر، بشیر بن عمر الحضرمی، جابر بن الحارث السلمانی، جبلة بن علی الشیبانی، جنادة بن الحارث الانصاری، جندب بن حجر الخولانی، جون مولى أبی ذر الغفاری، جوی بن مالک الضبیعی، حبیب بن مظاهر، الحجاج ابن مسروق، الحر بن یزید الریاحی، حلال بن عمرو الراسبی، حنظلة بن اسعد الشبامی، خالد بن عمرو بن خالد، زاهد مولى عمرو بن الحمق الخزاعی، زهیر بن بشر الخثعمی، زهیر بن القین البجلی، زید بن معقل الجعفی، سالم مولى بنی المدینة الکلبی، سالم مولى عامر بن مسلم العبدی، سعد بن حنظلة التمیمی، سعد بن عبدالله، سعید بن عبدالله، سوار بن منعم بن حابس، سوید بن عمرو الخثعمی، سیف بن حارث بن سریع الجابری، سیف بن مالک العبدی، حبیب بن عبدالله النهشلی، شوزب مولى شاکر، عامر بن مسلم، عبدالرحمن بن عبدالرحمن بن عبدالله الارحبی، عبدالرحمن بن عبد ربه الانصاری، عبدالرحمن بن عبدالله بن یزید العبدی، عبدالله بن یزید العبدی، عمران بن کعب، عمار بن أبی سلامة، عمار بن الصیداوی، عمرو بن عبدالله الجندعی، عمرو بن ضبیعة، عمرو بن قرظة، عمر بن قرظة، عمر بن عبدالله أبو ثمامة الصائدی، عمرو بن مطاع، عمیر بن عبدالله المذحجی، قارب مولى الحسین، قاسط بن زهیر، قاسم بن حبیب، قرّة بن أبی قرّة الغفاری، قعنّب بن عمر، کردوس بن زهیر، کنانة بن عتیق، مالک بن عبد بن سریع، مجمع بن عبدالله العائذی، مسعود بن الحجاج وابنه، مسلم بن عوسجة، مسلم بن کنیر، منجح مولى الحسین، نافع بن هلال، نعمان بن عمرو، نعیم بن عجلان، وهب ابن عبدالله، یحیی بن سلیم، یزید بن حصین الهمدانی، یزید بن زیاد الکندی، یزید ابن نبیط.

بعضی از شهداء که بعضی کتب متأخر از قبیل الزیارة الرجیة، ومناقب ابن شهر آشوب، ومثیر الاحزان، واللهوف ذکر کرده است عبارتند از:

ابراهیم بن الحصین، ابو عمرو النهشلی، حماد بن حماد، حنظلة بن عمر الشیبانی، رمیت بن عمرو، زائد بن مهاجر، زهیر بن السائب، زهیر بن سلیمان، زهیر بن سلیم الازدی، سلمان بن مضارب، سلیمان بن سلیمان الازدی، سلیمان ابن عون، سلیمان بن کنیر، عامر بن جلیدة (خلیدة)، عامر بن مالک، عبدالرحمن ابن یزید، عثمان بن فروة، عمر بن کناد، عبدالله بن أبی بکر، عبدالله بن عروة، غیلان بن عبدالرحمن، قاسم بن الحارث، قیس بن عبدالله، مالک بن دودان، مسلم بن کناد، مسلم مولى عامر بن مسلم، منیع بن زیاد، نعمان بن عمرو، یزید ابن مهاجر الجعفی. (قصه کربلاء، عربی، ص ۴۲۷).

و شاید مراد آن است که تا سیدالشهدا علیه السلام زنده بود اینان به شهادت نایل شدند؛ چون بعضی از یاران به خاطر جراحت، مثل سوید بن ابی مطاع و یا تنبه و پشیمانی مثل ابوالحتوف بن حرث و سعد بن حرث بعد از شهادت امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند، آنها ابتدا در لشکر عمر بن سعد بودند و بعد از شهادت امام حسین علیه السلام به لشکر سیدالشهدا علیه السلام ملحق شدند.

در مقتل است که صبح عاشورا بعد از آنکه عمر بن سعد به طرف خیمه گاه امام حسین علیه السلام تیر زد بقیه‌ی لشکر به طرف خیمه گاه سیدالشهدا علیه السلام تیر زدند و در همان حمله چند نفر از یاران سیدالشهدا علیه السلام به شهادت رسیدند؟

بسمه تعالی: طبق نقل بعضی مقاتل و کتب تاریخی حدود ۴۰ تا ۴۳ نفر در همان حمله‌ی اول به شهادت رسیدند. ۲۷۴

ص: ۲۶۸

می‌گویند که حضرت زینب علیها السلام از خیم خارج نشد مگر هنگامی که حضرت علی اکبر علیه السلام به میدان رفت. نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: آنچه که در واقعه‌ی کربلا رخ داده، بعضی از آن موارد از مسلمات می‌باشد، اینکه حضرت زینب علیها السلام در بعضی از مواطن خارج شد و خطبه خواند، از مسلمات می‌باشد. و می‌توان به خطبه‌ی حضرت زینب علیها السلام در مجلس ابن زیاد لعنة الله علیه و مجلس یزید لعنة الله علیه اشاره کرد و حضرت زینب علیها السلام هر جا صلاح می‌دید خارج می‌شد و بطلان راه دشمنان را نمایان می‌کرد و آنان را به افتضاح می‌کشید. نقل وقایع موجود در کتب با نسبت دادن آن مقوله به کتاب مانعی ندارد.

آیا قرائت مجلس قاسم بن حسن علیهما السلام جایز است؟

۲۷۴ (۱). ادهم بن امیه، امیه بن سعد، بشیر (بشر) بن عمرو، جابر بن الحجاج، جبلة بن علی الشیبانی، جنادة بن کعب، جندب بن حجیر، جوین بن مالک، الحارث بن امریء القیس، الحارث بن النبهان، حباب بن الحارث، الحجاج بن زید، الحلاس بن عمر، زاهر بن عمرو، زهیر بن سلیم الازدی، زهیر بن بشر، سالم (مولی عامر بن مسلم)، سالم بن عمرو، سوار بن ابی حمیر، شیبب بن عبداللہ، عائد بن مجمع، عامر بن مسلم، عبداللہ بن بشیر، عبداللہ بن یزید تُبیط العبدی، عبیداللہ بن یزید تبیط العبدی، عبدالرحمن بن عبد ربه الانصاری، عبدالرحمن بن مسعود، عمار بن حسان، عمار بن ابی سلام، عمر بن ضبیعة (عمرو بن ضبعه)، عمران بن کعب، عمرو بن خالد، قاسم بن حبیب، قاسط ابن زهیر، قعیف بن عمرو، کروس بن زهیر، کنانة بن عتیق، مجمع بن عبداللہ مسلم بن کثیر، مسعود بن الحجاج، نصر بن ابی تیزر، النعمان بن عمرو، نعیم بن عجلان. (قصه کربلاء، عربی، ص ۲۸۰)

بسمه تعالی: خواندن این مجلس اشکالی ندارد و باید در اذهان اشخاص حاضر این گونه رسوخ کند که این یک واقعه‌ی تاریخی است که نقل شده و به نحو حتم نیست، و این مجلس برای جوانان تأثیرگذار خواهد بود، در هر

ص: ۲۶۹

حال برگزاری مجلس قاسم بن حسن علیهما السلام مانعی ندارد.

تعداد شهدای اهل بیت علیهم السلام در کربلا چند نفر بودند؟

بسمه تعالی: عدد اهل بیت امام حسین علیه السلام که به شهادت رسیدند، بنابر نقل مشهور بین مورخین و روایات مقاتل، ۱۷ نفر بوده‌اند و نام آنها در زیارت ناحیه ذکر شده است و حسب تتبع در بعضی کتب تاریخی شهدای اهل بیت علیهم السلام در واقعه‌ی طف به جز امام حسین علیه السلام عبارت‌اند از:

العباس بن علی بن ابی طالب، علی بن الحسین الأكبر، عبدالله بن علی بن ابی طالب، محمد بن علی بن ابی طالب، ابوبکر بن الحسن بن علی، عبدالله بن الحسین بن علی، جعفر بن علی بن ابی طالب، عثمان بن علی بن ابی طالب، عون بن عبدالله بن جعفر، محمد بن ابی سعید بن عقیل، عبدالرحمن بن عقیل، القاسم بن الحسن بن علی، محمد بن عبدالله بن جعفر، عبدالله بن الحسن بن علی، عبدالله بن مسلم بن عقیل، جعفر بن عقیل، عبدالله بن عقیل ۲۷۵.

ص: ۲۷۰

اولین کسی که بعد از واقعه‌ی طف، کربلای معلی را زیارت کرد چه کسی بوده است؟

بسمه تعالی: بنابر نقل مقاتل اولین کسی که موفق به زیارت کربلا شد، جابر بن عبدالله انصاری ۲۷۶ و عطیه ۲۷۷ و جماعتی از بنی هاشم بودند که همزمان با ورود خاندان نبوت، در اربعین وارد کربلا شدند.

۲۷۵ (۱). و بعضی دیگر از شهدای خاندان اهل بیت علیهم السلام در بعضی مقاتل وجود دارد که یقینی نیست: ابوبکر بن علی بن ابی طالب، عبدالله بن عبدالله بن جعفر، محمد بن مسلم بن عقیل، عبدالله بن علی بن ابی طالب، عمر بن علی بن ابی طالب، ابراهیم بن علی بن ابی طالب، عمر بن الحسن بن علی، محمد بن عقیل، و جعفر بن محمد بن عقیل. (قصه کربلاء، عربی، ص ۴۲۵)

۲۷۶ (۱). جابر بن عبدالله انصاری، یکی از اصحاب بزرگ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود و از ایشان روایات زیادی نقل فرمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله به جابر بن عبدالله انصاری بشارت داده بود که تا زمانی که پسر محمد باقر علیه السلام را ببینی زنده خواهی ماند. جابر بن عبدالله نزد اهل بیت علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله جایگاه خاصی داشت.

اسرایی که از آل بنی هاشم و غیر آن، از کربلا به سوی شام حرکت کردند چه کسانی بودند؟

بسمه تعالی: در این خصوص نمی‌توان با یقین جواب داد ولیکن حسب تتبع تاریخی می‌توان به بعضی از عیالات آل بنی هاشم و غیر آنها اشاره کرد:

۱. عقیله‌ی بنی هاشم، زینب کبری، دختر امیرالمؤمنین علیه السلام.

۲. ام کلثوم یا زینب صغری، دختر امیرالمؤمنین علیه السلام.

۳. رباب بنت امرؤ القیس، زن امام حسین علیه السلام.

ص: ۲۷۱

۴. سکینه، دختر امام حسین علیه السلام.

۵. فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام.

۶. رقیه، دختر امام حسین علیه السلام.

۷. رقیه، همسر مسلم بن عقیل. ۲۷۸

ص: ۲۷۲

۲۷۷ (۲). عطیه عوفی، چهره‌ی درخشانی است که نامش را امیرالمؤمنین علیه السلام برگزید، خطبه‌ی فدک و زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام را روایت کرد و در شمار مبارزان شجاع جای گرفت و از تابعین حساب می‌شود و از اصحاب امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۲۷۸ (۱). و نام بعضی از اسرای کربلا در کتب مختلف ذکر شده است از جمله:

بنت مسلم بن عقیل. الخوصاء، معروف به «ام الثغر»، زن عقیل و مادر جعفر بن عقیل، همراه با فرزندش در کربلا بود. ام کلثوم صغری، دختر عبدالله بن جعفر وزینب کبری، با همسرش قاسم بن محمد بن جعفر در کربلا بود و شوهرش در روز عاشورا شهید شد. رمله، مادر قاسم فرزند امام حسین علیه السلام.

شهربانو، مادر بچه‌ی شیرخواری که هانی بن ثبیت با تیر او را شهید کرد و او غیر از شهربانو مادر امام سجاد علیه السلام است (مادر امام سجاد علیه السلام شهربانو در بدو ولادت امام سجاد علیه السلام فوت کرده بود). لیلی دختر مسعود بن خالد تمیمی، مادر عبدالله الاصغر، از زنان امیرالمؤمنین، و آن غیر لیلی مادر علی اکبر است. فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام و مادر محمد باقر علیه السلام همراه با زین العابدین علیه السلام بود. حسنیه، خادمه‌ی زین العابدین علیه السلام همراه با فرزندش در کربلا بود. زن عبدالله بن عمیر کلبی همراه با شوهرش در کربلا بود. فکیه، مادر قارب بن عبدالله بن اریقط، که قارب در مرحله اول شهید شد. بحریه، دختر مسعود خزرچی همراه با شوهرش جناده بن کعب و فرزندش عمرو بن جناده به کربلا آمد و فرزند و شوهرش هر دو در کربلا شهید شدند. جاریه مسلم بن عوسجه اسدی. (بعضی می‌گویند مراد ام خلف، زن مسلم بن عوسجه است). بعضی ذکر کرده‌اند که تعداد اسرای مرد در کربلا ۸ نفر بودند و بعضی نقل کرده‌اند ۱۲ نفر بودند. (قصه کربلاء، عربی، ص ۴۳۰)

گفته می‌شود که حضرت زینب علیها السلام هنگامی که حضرت سیدالشهدا علیه السلام زنده بودند، هیچ‌گاه از خیمه خارج نشد؛ مگر زمانی که حضرت علی اکبر علیه السلام به شهادت رسید و آنچه گفته می‌شود که «وقتی اسب حضرت سیدالشهدا علیه السلام را بی‌صاحب دید، به قتلگاه رفت و شمر را دید که بر سینه‌ی آن حضرت نشسته و شمر با تازیانه بر حضرت زینب علیها السلام زد که حضرت زینب علیها السلام غش کرد» صحیح نیست که آنها به روایتی استدلال کرده‌اند که نام آن را «روایت گمراه کردن» نامیده‌اند، نظر شما چیست؟

برخی از قضایا و ماجراهای کربلا جطهء مسلمات است که در مورد آنها روایات معتبری از اهل بیت علیهم السلام وارد شده. از جمله‌ی این قضایای قطعی و صحیح، خطبه خواندن حضرت زینب علیها السلام در مجلس ابن زیاد لعنة الله علیه و مجلس یزید لعنة الله علیه در شام است که با این سخنرانی، دروغ آنها را آشکار ساخت و آنان را رسوا نمود و توده‌ی مردم را علیه آنان تحریک کرد، و نقل وقایع و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام با ذکر منبع مانعی ندارد.

ص: ۲۷۳

چگونه شد که امام زین العابدین علیه السلام در کربلا زنده ماندند؟

مصلحت الهی این بود که امام زین العابدین علیه السلام در واقعه‌ی کربلا مریض باشد تا آنکه زمین از حجت آل محمد علیهم السلام خالی نباشد و زین العابدین علیه السلام وارث رسالت بزرگ امامت و ولایت گردد. همان‌گونه که امام حسین علیه السلام به خواهر خود، ام کلثوم فرمود: «

یا ام کلثوم خذیه لثلاثی تبقی الأرض خالیة من نسل آل محمد صلی الله علیه و آله؛ ۲۷۹

بگیر او را، مگذار که به میدان آید تا روی زمین از نسل آل محمد خالی نماند» ۲۸۰ و دشمن حتی قصد به شهادت رساندن امام زین العابدین علیه السلام را داشت، اما حضرت زینب علیها السلام مانع شد و فرمود:

نمی‌گذارم او را به شهادت برسانید، مگر آنکه اول مرا بکشید.

۲۷۹ (۱). بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۶؛ العوالم، ص ۲۸۹.

۲۸۰ (۲). هنگامی که حضرت امام حسین علیه السلام به چپ و راست نگاه کرد و کسی از اصحابش را ندید، علی بن حسین، زین العابدین علیه السلام خارج شد و از شدت بیماری قدرت نداشت شمشیر خود را حمل کند و ام کلثوم از پشت سر او را صدا زد: فرزندم! برگرد. حضرت هم می‌فرمودند: «عمه جان، مرا بگذار تا در جلوی فرزند رسول خدا جنگ کنم.» در آن حال امام حسین علیه السلام فرمودند: ای ام کلثوم! او را بگیر تا زمین از نسل آل محمد صلی الله علیه و آله خالی نماند. (معالی السبطين، ج ۲، ص ۲۲؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۶)

آیا حضرت قاسم بن الحسن المجتبی علیه السلام در روز عاشورا با دختر امام حسین علیه السلام عقد کرد به طوری که در بعضی کتاب‌ها به این امر اشاره شده است؟ نظر حضرت تعالی را خواستاریم.

بسمه تعالی: این مطلب نقل شده، ولی به سند معتبر ثابت نیست، واللّٰه العالم.

آیا قاتلین امام حسین علیه السلام همیشه در آتش جهنم خواهند بود؟

بسمه تعالی: عمل آنان فی نفسه موجب خلود در آتش جهنم است، واللّٰه العالم.

سر امام علیه السلام و اهل بیت ایشان را چهل روز گردانند، آیا به معجزه بود که عفونی نشدند یا چیز دیگر؟

بسمه تعالی: سرهای مطهر برای باقی ماندن، احتیاج به علاج ندارد؛ لکن افراد عادی که در جنگ‌ها کشته می‌شدند و سرهایشان را به شهرها نقل می‌دادند کاری می‌کردند که سرها فاسد نشوند، واللّٰه العالم.

آیا جسد پاک حضرت قاسم علیه السلام زیر سم اسب‌ها قطعه قطعه شد یا قاتل، حضرت قاسم علیه السلام را قطعه قطعه کرد؟

بسمه تعالی: از ظلم ظالمین بعید نیست که جسد حضرت قاسم علیه السلام را قطعه قطعه کرده باشند، و لکن فعلاً چیزی به سند معتبر در دست نداریم، واللّٰه العالم.

منقول است که حضرت زینب علیها السلام وقتی سر مبارک برادر را بر روی زمین دید سر خود را به چوبه‌ی محمل کوبید و خون جاری شد، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: اینکه حضرت زینب علیها السلام سر مبارک خود را به هنگام مشاهده‌ی شهدا و سر مبارک سیدالشهدا علیه السلام به چوبه‌ی محمل کوبید، منقول است مانند سایر مطالب وارده در حق مصائب اهل بیت علیهم السلام و نقل آن با ذکر منبع مانعی ندارد؛ تا کذب واقعهای که دال بر مظلومیت اهل بیت علیهم السلام است محرز نشود، نقل آن واقعه و نسبت دادن به آن کتاب ناقل، مانعی ندارد.

موثق‌ترین مدارک نقل وقایع کربلا کدام است؟

بسمه تعالی: ثبوت واقعه‌ی کربلا به نحو اجمال به واسطه‌ی تواتر و اخباری که از سوی اهل بیت علیهم السلام وارد شده، حاصل است و تفصیل واقعه را می‌توانید به کتب متعدده؛ از جمله بحارالانوار، قسمت سیدالشهدا علیه السلام و کتاب کافی و کتب مزار (علمای ابرار ۰) مراجعه کنید و کتبی مانند لهوف بن طاووس و کتاب ابی مخنف، کتاب مقتل الحسین علیه السلام مرحوم مرقم و قسمت مقتل الحسین علیه السلام، کتاب إکسیر العبادات فی أسرار الشهادات فاضل دربندی رحمه الله، و ریاض المصائب مرحوم تنکابنی رحمه الله و ... وقایع را با استفاده از متون معتبر موجود نقل کرده‌اند ۲۸۱.

در مورد تحریفات واقعه کربلا، چگونه می‌شود جلوگیری کرد؟ و اگر کتاب مفیدی در این زمینه است بفرمایید.

بسمه تعالی: شرح وقایع کربلا در مقاتل معتبر مثل «منتهی الآمال» و «نفس المهموم» و «لهوف ابن طاووس» و «مقتل ابی مخنف» و «مقتل خوارزمی» و ... مراجعه شود، واللّٰه العالم.

ص: ۲۷۷

کدام کتاب از نظر مقتل سیدالشهدا معتبر می‌باشد؟

بسمه تعالی: از کتب معتبره، کتاب اللهوف فی قتلی الصفوف سید بن طاووس، مقتل ابی مخنف رحمه الله و مقتل الحسین علیه السلام مرحوم مرقم، إکسیر العبادات فی أسرار الشهادات فاضل دربندی رحمه الله و ریاض المصائب مرحوم تنکابنی رحمه الله و کتاب بحارالانوار، قسمت سیدالشهدا و کتاب کافی و کتب مزار علمای ابرار و ... به دست آورید.

گاهی گفته می‌شود که معتبرترین مصدر در حادثه‌ی کربلا، کتاب اللهوف فی قتلی الطفوف، سید ابن طاووس است، نظر شما چیست؟

حادثه‌ی کربلا اجمالاً به تواتر و روایات معتبره‌ای که از اهل بیت علیهم السلام آمده ثابت است؛ ولیکن جهت اطلاع از آن حادثه به صورت مفصل، می‌توان به کتاب‌های متعدد مراجعه کرد؛ از جمله، کتاب کافی، کتب ابواب مزار (علماء) و بحارالانوار. اما کتاب اللهوف و کتاب ابو مخنف همانند دیگر کتاب‌های تاریخی است که با معیارهای علمی سنجیده می‌شود.

۲۸۱ (۱). حجت الاسلام والمسلمین، شیخ علی نظری منفرد، سلسله کتبی را با عنوان قصه‌ی هجرت، قصه‌ی مدینه، کوفه، کربلا و ... تألیف نموده‌اند که کتب مفید و جامعی می‌باشد.

والله العالم.

ناقلین واقعه‌ی کربلا چه کسانی هستند؟

بسمه تعالی: بر طبق منقولات موجود در کتب متعدد به خصوص مقاتل، ناقلین واقعه‌ی طف عبارت‌اند از: ۱- امام سجاد علیه السلام، ۲- امام باقر علیه السلام، ۳- زینب کبری علیه السلام، ۴- فاطمه بنت الحسین علیها السلام، ۵- حمید بن مسلم، ۶-

ص: ۲۷۸

عقبه بن سمان (غلام رباب همسر امام حسین علیه السلام)، ۷- ضحاک بن عبدالله، ۸- قره بن قیس حنظلی، و ... می‌باشند.

ص: ۲۷۹

زیارت عاشورا

* تشکیک در زیارت عاشورا

* تشکیک در زیارات

* اعتبار زیارت عاشورا

* زیارت عاشورا در مجامع حدیثی

* زیارت عاشورا در کتب

* بررسی سندی زیارت عاشورا

* لعن بر بنی امیه

اعتبار زیارت عاشورا

۱- اگر خبری شهرت پیدا کرد؛ یعنی از منابع حدیثی مختلف و به سندهای گوناگون، همراه با راویان متعدد، نقل شد، و به حد شهرت رسید، موجب وثوق و اطمینان به صدور آن خبر از معصوم علیهم السلام خواهد شد.

۲- گاهی منشأ عقلانی، موجب ثبوت و اطمینان به صدور روایت از معصوم می‌گردد، و آن به دلیل تنوع و تعدد منابع و مصادر خبر می‌باشد، که در نهایت موجب حصول اطمینان به صدور روایت از معصوم می‌شود، کما اینکه علمای بزرگ به بعضی از نصوص - با اینکه از جهت سند تمام نمی‌باشد - اعتماد کرده‌اند، به خصوص در مستحبات و مکروهات.

۳- عالی بودن الفاظ و مضامین زیارت عاشورا، صدور آن را از اهل بیت علیهم السلام تأیید می‌نماید. [و این امر را به وضوح در کتاب «نهج البلاغه» مولانا امیر المؤمنین علی، بن ابی طالب علیه السلام مشاهده می‌کنیم، که مضامین عالی و انسجام الفاظ موجب اطمینان به صدور آن از مولانا امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام است].

۴- توافق مضامین زیارت با ملاکات و ادله عامه مذکوره در کتاب و سنت قطعی، خود دلیل دیگری بر اعتبار زیارت عاشورا است.

۵- هماهنگی بخشی از مضامین و جملات وارده در زیارت عاشورا، از قبیل اظهار درد، اندوه، سلام و لعن، در برخی از روایات صحیح آمده است.

۶- بعضی از فرازهای زیارت عاشورا، مدح، ستایش و سلام بر خاندان

عصمت و طهارت علیهم السلام می‌باشد، و فرازهای دیگر آن، لعن، نفرین و بیزاری از غاصبان و ظالمین اهل بیت علیهم السلام است، که این زیارت شریفه، جامع این دو امر (لعن و سلام) می‌باشد، و هر یک از این دو؛ یعنی سلام بر خاندان اهل بیت علیهم السلام و لعن بر دشمنانشان - بر طبق روایات وارده از معصوم علیهم السلام - مورد تأکید امامان بوده، و برای آن اجر و پاداش فراوانی قرار داده شده است.

۷- این زیارت، احیاء نام اهل بیت علیهم السلام است، چرا که یادآور ظلم‌هایی است که دشمنان اهل بیت علیهم السلام در حق آنان علیهم السلام روا داشتند، و برپایی هرگونه مجالس اهل بیت علیهم السلام که یادآوری مصائب و مظلومیت آنان علیهم السلام، به خصوص سیدالشهدا علیه السلام باشد، احیای امر آنها علیهم السلام است که ثواب فراوان دارد.

و در این زمینه روایات متعددی وارد شده است، که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

» - ۱

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَقْدُرُ عَلَيْنَا وَيَمْدَحُنَا وَيَرْتِي لَنَا؛ ۲۸۳

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به سوی ما می‌آیند، و ما را مدح و مرثیه می‌گویند.

» - ۲

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَزَاوَرُوا وَتَلَاوَرُوا وَتَذَاكَرُوا وَأَحْيُوا أَمْرَنَا؛ ۲۸۴

ص: ۲۸۳

امام صادق علیه السلام فرمود: به زیارت و دیدار یکدیگر بروید، با هم به سخن و مذاکره بنشینید، و امر ما را (کنایه از امامت) زنده کنید.

» - ۳

۲۸۳ (۱) - کامل الزیارات، ص ۵۳۹، ح ۸۲۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۹.

۲۸۴ (۲) - بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۲.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْفَضِيلِ: تَجْلِسُونَ وَتُحَدِّثُونَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحْيَاهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَى أَمْرَنَا؛ ٢٨٥

امام صادق علیه السلام از فضیل پرسید: آیا (دور هم) می‌نشینید و حدیث و سخن می‌گویید؟ گفت: آری؟ فرمود: این گونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند.

» ۴-

قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ ٢٨٦

امام رضا علیه السلام فرمود: هرکس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (ولایت و امامت) ما احیا می‌شود، دلش در روزی که دل‌ها می‌میرند، نمی‌میرد.

خواندن زیارت شریفه عاشورا، خود به تنهایی یکی از راه‌های حفظ شعائر است؛ زیرا دارای الفاظ و مضامینی است، که موجب زنده نگاه داشتن واقعه کربلا می‌شود، و حماسه کربلا ارتباط مستقیم با دین دارد، و از جهت دیگر، حفظ دین بر همگان واجب است، و باید در برگزاری هر آنچه که دین

ص: ٢٨٤

را زنده نگاه می‌دارد- از جمله احیاء امر اهل بیت علیهم السلام- تلاش کرد.

۸- زیارت عاشورا، صرف نظر از سند آن، تحت ادله عمومی استحباب زیارت سیدالشهدا علیه السلام قرار گرفته است، و مشمول «اخبار من بلغ» نیز می‌شود. بر فرض خدشه در سند زیارت عاشورا، می‌توان ثواب قرائت این زیارت شریفه را، به واسطه فضل خداوند نسبت به بندگان، که اخبار من بلغ بیانگر آن است، ثابت کرد.

اخبار من بلغ، مجموعه‌ای از روایاتی است که با عنوان اخبار من بلغ، از ائمه علیهم السلام نقل شده است، از جمله آنها: امام صادق علیه السلام فرمود: »

٢٨٥ (١) - وسائل الشیعه، ج ١٠، ص ٣٩٢.

٢٨٦ (٢) - بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٢٧٨.

مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَقُلْهُ؛ ٢٨٧

کسی که از پیامبر خبری به او برسد که مشتمل بر ثواب باشد و آن شخص این کار را انجام دهد، آن ثواب برای او خواهد بود، اگرچه رسول خدا آن را نفرموده باشد».

ظاهر این روایات، از فضل خداوند نسبت به بندگان خبر می‌دهد، که بدون در نظر گرفتن حکم واقعی عمل، هر عملی را که مؤمن به اعتماد فضل او انجام دهد، بی ثواب نخواهد گذارد برای نمونه می‌توان به مسجد کوفه اشاره کرد که فضیلت مسجد کوفه بر طبق روایات صحیحیه از مسلمات است، و در فضیلت ٢٨٨ این مسجد همین کافی است، که محل عبادت بسیاری

ص: ٢٨٥

از انبیاء و امامان معصوم علیهم السلام بوده است، لکن در خصوص اینکه هر رکعت نماز در آن مسجد شریف چقدر ثواب دارد، روایات مختلفی وارد شده است، اینگونه موارد را اخبار من بلغ شامل می‌شود، و ثوابی که در روایات بابت

٢٨٧ (١) - وسائل الشیعه، ج ١، ص ٨٠، باب ١٨.

٢٨٨ (٢) - فضیلت مسجد کوفه و نماز در آن: ١- امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «هزارپیامبر و هزار وصی پیامبر در این مسجد نماز خوانده‌اند». (کامل الزیارات، ص ٢٨، ح ٥)

٢- در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اگر من در نزدیکی مسجد کوفه بودم امید آن داشتم که حتی یک نماز در آن هم از من فوت نشود»، سپس خطاب به راوی می‌فرماید: «آیا از فضل آن آگاهی؟» عرض کرد: نه، فرمود: «هیچ عبد صالحی و هیچ پیامبری نبود مگر اینکه در مسجد کوفه نماز خواند، حتی زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به معراج رفت، جبرئیل به آن حضرت گفت: آیا می‌دانی در این لحظه در کجا هستی یا محمد؟ فرمود: نه؛ عرض کرد: تو در مقابل مسجد کوفه هستی. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنابراین، از پروردگارت اجازه بگیر که فرود آیم و در آن نماز بخوانم. جبرئیل اجازه گرفت، خداوند نیز اجازه داد و پیامبر صلی الله علیه و آله هبوط کرد و دو رکعت نماز خواند. آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمود: «نماز واجب در آن معادل هزار نماز، و نماز نافله در آن معادل پانصد نماز است. در هر جهت از چهار جهت او، باغی از باغ‌های بهشت قرار دارد. نشستن در آن بدون نماز و ذکر نیز، عبادت است». (کامل الزیارات، ب ٨، ص ٢٧، ح ٦)

٣- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «امیرمؤمنان علی علیه السلام به کسی که برای درک فضیلت مسجدالاقصی بار خود را بسته بود و برای خداحافظی خدمت آن حضرت در مسجد کوفه رسید، فرمود: زاد و راحله‌ات را بفروش و بیا در این مسجد نماز بگذار که نماز واجب در آن، معادل یک حج مقبول و نماز نافله در آن، معادل یک عمره مقبوله است ... هیچ غمزه و دردمندی حاجتی از حوائجش را در این مسجد طلب نمی‌کند مگر اینکه خداوند به او پاسخ می‌دهد و مشککش را برطرف می‌سازد». (کامل الزیارات، ب ٨، ص ٢٧، ح ١٨) و ...

هر رکعت نماز در مسجد کوفه وارد شده است، خداوند متعال به فضل خود نسبت به بندگان، آن ثواب را می‌دهد، و همین گونه است زیارت سیدالشهدا علیه السلام، چرا که بر طبق روایات صحیح، زیارت سیدالشهدا علیه السلام از

ص: ۲۸۶

افضل اعمال است، اما با توجه به احتمال ناصحیح بودن سند زیارت عاشورا (بر فرض قبول اشکال در سند زیارت)، اخبار من بلغ شامل این زیارت شریفه می‌شود، و ثواب موعود در زیارت شریفه عاشورا، به فضل خداوند به بندگان داده می‌شود.

نهایتاً این نتیجه حاصل می‌شود، که قرائت زیارت عاشورا رجاءاً ثواب موعود را به دنبال دارد.

۹- مکاشفاتی ۲۸۹ که برای برخی بزرگان شیعه رخ داده حکایت از اعتبار و عظمت این زیارت دارد.

محدث نوری در کتاب نجم الثاقب از سید احمد فرزند سید هاشم رشتی رحمه الله، تاجر ساکن رشت، نقل می‌کند که گفت: «در سال هزار و دویست و هشتاد، برای ادای حج و زیارت خانه خدا از رشت به تبریز آمدم، آنجا در خانه یکی از تجار معروف، به نام حاج صفر علی منزل نمودم. چون کاروانی نبود متحیر بودم که چگونه سفر را ادامه دهم، تا آنکه حاج جبار نامی که جلودار کاروان و از شهر سده اصفهان بود، مال التجاره‌ای برداشت، و من به همراه کاروان او حرکت کردم.

در یکی از منازل ما بین راه (در ترکیه) حاجی جبار جلودار، نزد ما آمد،

ص: ۲۸۷

که این منزلی که در پیش داریم مخوف است، قدری زودتر بار کنید که به همراه قافله باشید، چون در سایر منازل ما اغلب از قافله عقب بودیم، ما هم تقریباً دو ساعت و نیم یا سه ساعت به صبح مانده حرکت کردیم. به اندازه نیم یا سه ربع فرسخ از منزل دور شده بودیم، که هوا تاریک شد و برف باریدن گرفت، به طوری که هر یک از رفقا سر خود را پوشانده و تند راندند. هرچه کردم به آنها برسم ممکن نشد، تا آنکه آنها رفتند و من تنها ماندم، پس از اسب خود پیاده

۲۸۹ (۱) - مکاشفه به معنی آشکار شدن اسرار و امور غیبی است. آنچه در کشف و شهود به عنوان رکن اصلی نمود داشتن چشم حقیقت بین است تا از مهم ترین حقیقت غیبی یعنی حقایق الهیه و اسماء پنهان در این گنجینه پرده بردارد.

شده و در کنار راه نشستیم. از آنجا که مبلغ ششصد تومان با خود داشتم مضطرب گشته، و تصمیم گرفتم که در همین مکان بمانم تا آفتاب طلوع کند، و سپس به منزل قبلی مراجعت کرده تا دلیلی بیابم و به کاروان ملحق شوم.

ناگاه در مقابل خود باغی دیدم، که در آن، باغبانی بیل به دست گرفته بر درختان می‌زد تا برف آنها بریزد. مرد پیش من آمد و در فاصله کمی ایستاد، فرمود: تو کیستی؟ عرض کردم: رفقای من رفته‌اند و تنها در این بیابان مانده‌ام و راه را هم نمی‌دانم. به زبان فارسی فرمود: نماز شب بخوان تا راه را پیدا کنی.

من مشغول خواندن نماز شب شدم. بعد از فراغ از تهجد، باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: به خدا قسم راه را نمی‌دانم. فرمود: زیارت جامعه بخوان! من زیارت جامعه را از حفظ نمی‌دانستم - و الان هم از حفظ ندارم - اما ایستادم و زیارت جامعه را از حفظ خواندم. باز فرمود: نرفتی؟ بی اختیار

ص: ۲۸۸

گریه‌ام گرفت، و گفتم: راه را نمی‌دانم! فرمود: زیارت عاشورا بخوان! من عاشورا را از حفظ نمی‌دانستم - و تا کنون هم حفظ نیستم - اما در آنجا با لعن و سلام و دعای علقمه از حفظ خواندم.

باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: نرفتم. تا صبح شد، فرمود: من حالا تو را به کاروان می‌رسانم، رفت و بر الاغی سوار شد، بیل خود را به دوش گرفت، و فرمود: پشت سر من بر الاغ سوار شو! سوار شدم، عنان اسب خود را کشیدم، تمکین نکرد و حرکت ننمود. فرمود: جلوی اسب را به من بده! دادم، بیل را به دوش چپ و عنان اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد و اسب در نهایت تمکین، متابعت کرد. پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نماز شب نمی‌خوانید؟ و سه مرتبه فرمود: نافله، نافله، نافله.

باز فرمود: چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا.

بعد فرمود: چرا جامعه نمی‌خوانید؟ سه مرتبه فرمود: جامعه، جامعه، جامعه.

در همان حال به من فرمود: اینها رفقای تو هستند که لب نهر آب فرود آمده و برای نماز صبح مشغول وضو گرفتن هستند!!

من از الاغ پیاده شدم که سوار اسب خود شوم نتوانستم، او پیاده شد و بیل را در برف فرو برد، مرا سوار کرد و به سوی رفقا برگردانید.

در آن هنگام به فکر فرو رفته و از خود سؤال کردم که این شخص چه

ص: ۲۸۹

کسی بود که به زبان فارسی حرف می‌زد، در صورتی که زبانی جز ترکی، و مذهبی غالباً جز عیسوی در آن حدود یافت نمی‌شد، چگونه مرا با این سرعت به رفقایم رسانید؟ پس پشت سر خود نگاه کردم، احدی را ندیده، و اثری از او نیافتم و آن‌گاه به رفقای خود ملحق شدم. ۲۹۰-۱۰- این زیارت شریفه در طول تاریخ مورد توجه علمای بزرگ بوده است. به طوری که بر آثار و برکت خواندن آن اتفاق نظر داشته، و حتی بر خواندن روزانه آن اصرار نموده‌اند. ۲۹۱ بی شک چنین زیارتی بی‌نیاز از بررسی

ص: ۲۹۰

سندی است.

۱۱- نقل زیارت عاشورا در منابع و کتاب‌های بزرگان و حامیان دین، از ده قرن قبل تاکنون، خود دلیل دیگری بر معتبر بودن این زیارت شریف می‌باشد.

از جمله می‌توان به کتاب‌ها و منابع معتبر زیر اشاره کرد:

۱. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی رحمه الله، قرن چهارم

۲. مصباح المتعبد، شیخ طوسی رحمه الله، قرن پنجم

۲۹۰ (۱)- نجم الناقب، ص ۶۰۱-۶۰۲، مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی رحمه الله، بعد از زیارت جامعه کبیره حکایت سید رشتی.

۲۹۱ (۲)- توجه و مداومت بزرگانی چون علامه مجلسی رحمه الله، آیت الله شیخ مرتضی انصاری رحمه الله، آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی (معروف به کمپانی)، آیت الله شیخ صدرای بادکوبه‌ای رحمه الله، آیت الله شیخ عبدالکریم حائری رحمه الله مؤسس حوزه علمیه قم و (خود فقیه مقدس آیت الله میرزا جواد تبریزی قدس سره که مدافع سر سخت زیارت عاشورا بودند و همواره بر خواندن آن برای قضای حوائج تأکید می‌کردند).

فرزند علامه امینی نقل می‌کند که: پدرم رحمه الله با کثرت مطالعات و تحقیقاتی که داشت، بر خواندن زیارت عاشورا مداومت می‌کرد، و من حدود چهار سال بعد از فوتشان، ایشان را که خواب دیدم و از محضرشان پرسیدم که چه عملی باعث نجات است، به من گفتند: زیارت عاشورا را به هیچ عنوان و عذری ترک مکن.

مرحوم شیخ مشکور رحمه الله که از علمای بسیار مذهب نجف و از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی رحمه الله است خواب می‌بیند که آیت الله محلاتی - که ساکن شیراز بود - از دنیا رفته، و به او مقام شایسته‌ای داده شده است. شیخ رحمه الله از مرحوم محلاتی رحمه الله می‌پرسد: این مقام را از کجا به دست آورده‌ای؟ مرحوم محلاتی رحمه الله می‌گویند: از زیارت عاشورا. شیخ مشکور، خواب خود را برای میرزای شیرازی -

۳. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی رحمه الله، قرن ششم

۴. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس رحمه الله، قرن هفتم

۵. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس رحمه الله، قرن هفتم

۶. منهاج الصلاح، علامه حلی رحمه الله، قرن هشتم

۷. کتاب مزار، شهید اول، محمد بن مکی رحمه الله، قرن هشتم

۸. البلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعمی رحمه الله، قرن دهم

۹. بحار الانوار و تحفة الزائر، علامه مجلسی رحمه الله، قرن یازدهم

۱۲- مجرب بودن زیارت عاشورا، در رفع مشکلات و قضای حاجات، و آثار شگفت آور آن، موجب شده است که این زیارت در میان علما و بزرگان دین و مردم مؤمن عظمت خاصی داشته باشد، و این خود دلیل محکمی بر حقانیت و صحت آن است.

برای بیان آثار پر عظمت این زیارت شریفه، می توان به حکایتی که آقای حاج سید احمد زنجانی رحمه الله در کتاب الکلام یجر الکلام از مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمه الله نقل نموده است اشاره کرد که فرمود: من و آقای آقا میرزا علی آقا رحمه الله - آقا زاده میرزای شیرازی رحمه الله - و آقا سید محمود سنگلجی رحمه الله در سامرا شبی روی بام در خدمت مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی رحمه الله درس می خواندیم. در اثنای درس، استاد بزرگ

ما، مرحوم آقای سید محمد فشارکی رحمه الله ۲۹۲ تشریف آوردند، در حالی که آثار گرفتگی و انقباض در بشره اش پیدا بود، معلوم شد شنیدن خبر بروز وبا در عراق (سامرا) ایشان را این گونه منقلب کرده است. فرمود: شما مرا مجتهد

۲۹۲ (۱) - آیت الله سید محمد بن قاسم فشارکی رحمه الله اصفهانی؛ در سال ۱۲۵۳ قمری (۱۲۱۴ شمسی) در منطقه فشارک (اصفهان) به دنیا آمد، در سن ۱۱ سالگی به عراق رفت، و کفالت او را برادر بزرگش ابراهیم ملقب به « کبیر » بر عهده گرفت. و برخی دروس را نزد برادر و ما بقی را نزد علمای دیگر

می‌دانید؟ عرض کردیم: بلی، فرمود: عادل می‌دانید؟ عرض کردیم: بلی! فرمود: من به تمام زن و مرد شیعه سامرا حکم می‌کنم که هر یک از ایشان یک مرتبه زیارت عاشورا را به نیابت از طرف نرجس خاتون، والده ماجده امام زمان علیه السلام بخوانند، و آن مخدره را نزد فرزند بزرگوارش، شفیع قرار دهند تا آن حضرت از خداوند عالم بخواهد که خدا شیعیان مقیم سامرا را از این بلا نجات دهد. به محض اینکه حکم صادر گردید، تمام شیعیان مقیم سامرا، حکم را اطاعت کرده و زیارت عاشورا، را طبق همان دستور خواندند، در نتیجه بعد از خواندن زیارت عاشورا، یک نفر شیعه سامرا تلف نشد، در صورتی که هر روز حدود پانزده نفر از غیر شیعه تلف می‌شدند. ۲۹۳ لازم به تذکر است که از آن به بعد تمامی تلفات متوجه عامه بود که باعث شد عده‌ای از آنان متنبه شده و به مذهب حق روی آورند. ۲۹۴

مانند آیت الله فاضل اردکانی رحمه الله و حاجی آقا حسن بن سید مجاهد رحمه الله گذراند. در سال ۱۲۸۶ قمری، به نجف رفت و در محضر آیت الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی رحمه الله تلمذ کرد و در سال ۱۲۹۱ به همراه آیت الله شیرازی رحمه الله به سامرا رفت. پس از وفات آیت الله شیرازی رحمه الله مجدداً در سال ۱۳۱۲ هجری قمری به نجف بازگشت. آن طور که آقا بزرگ تهرانی در کتاب خود می‌فرماید: در مسجد هندی در نجف، کرسی تدریس داشت، که حدود ۳۰۰ شاگرد در درس او حاضر می‌شدند. شیخ عباس قمی رحمه الله در «فوائد الرضویه» می‌فرماید: زمانی که آیت الله شیرازی رحمه الله در شعبان ۱۳۱۲ وفات کرد بزرگان به او رجوع کردند؛ زیرا اعتقاد داشتند که او اعلم پس از میرزاست، و از او خواستند که تصدی امور شرع و مرجعیت را بر عهده بگیرد، اما ایشان فرمود: من خود می‌دانم که شایسته این کار نیستم؛ زیرا ریاست امور شرعی نیاز به امور دیگری غیر از علم دارد، و من در این امور وسواس خاصی دارم، و من به غیر از تدریس به کاری نباید مشغول شوم. ایشان اشاره کرد که به سراغ مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی رحمه الله بروند که این یکی از دلایل بلندی همت، پاکی نفس و اخلاص قلب این بزرگوار بوده است. حاج میرزا محمد حسین نائینی رحمه الله، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمه الله، آقا شیخ محمد رضا نجفی رحمه الله، حاج شیخ محمد حسین طوسی رحمه الله و آقا میرزا سید علی مدرس یزدی رحمه الله از شاگردان وی بودند. او در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی، اصالة البرائة، الاغسال، الفروع المحمدیه، مجموعه رسالاتی در فقه و غیره، شرح اوائل رساله البرائة شیخ انصاری، رساله‌ای در خلل نماز می‌باشد. وفات وی را در ۱۳۱۶ قمری (۱۲۷۷ شمسی) دانسته‌اند. محل دفن وی یکی از حجرات صحن مقدس علوی است.

۲۹۳ (۱) - الکلام یجر الکلام، ج ۱، ص ۵۴-۵۵.

۲۹۴ (۲) - فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره می‌فرمودند: هر هفته عده‌ای از طلاب حوزه نجف اشرف شب‌های جمعه برای زیارت سالار شهیدان علیه السلام از نجف به کربلا می‌رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم، و هر هفته به ساحت مقدس آن بزرگوار عرض ادب می‌کردم، و موفق می‌شدم که در کنار قبر مطهر و روبه‌روی ضریح آن امام مظلوم علیه السلام زیارت عاشورا بخوانم، و به واسطه این توسل، از سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام مدد می‌جستم. در این جهت مولی علیه السلام عنایت فراوانی به من کرد، و بسیاری از مشکلاتم به واسطه این توسل حل می‌شد. زیارت عاشورا مجرب است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه توسلات بوده که از جمله آنها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت عاشورا سهل‌انگاری نکنید، خداوند به واسطه این توسلات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما را تضمین خواهد کرد، ان شاء الله تعالی.

بعضی در خصوص زیارت عاشورا تشکیک راه می‌اندازد و می‌گویند در زیارت لعن نبوده است؟

بسمه تعالی: زیارت عاشورا از زیارات معتبره و مجرب می‌باشد، زیارت عاشورا را شیخ طوسی رحمه الله در مصباح المتعجل صغیر و کبیر نقل کرده است (به همین شکل موجود در مفاتیح الجنان نیز نقل شده است).

نسخ خطی فراوانی وجود دارد که از سه حال خارج نیست؛ یا تمام زیارت به شکل موجود در مفاتیح الجنان نقل شده است و یا اینکه قسمت لعن، به دلیل تقیه حذف شده است که محل حذف در نسخ خطی مشهود می‌باشد و به دلیل فشار بر تشیع، حفظ تقیه و تسهیل در رد و بدل نمودن آن، فرازهای لعن را حذف کرده‌اند و یا آنکه در بعضی از نسخ کپی شده، قسمت لعن در حاشیه ذکر شده که به دلیل تقیه ابتدا در نسخه ذکر نشده بود، ولیکن بعد از آنکه نسخه به شخصی خاص تعلق گرفته یا تشدید بر تشیع کمی برطرف شده است، آن را در حاشیه ذکر کرده‌اند تا مطابق با نسخه‌ی اصلی شود. در خصوص زیارت عاشورای موجود، با تمام فرازهایی که در مفاتیح الجنان ذکر شده است، شبهه‌ای وجود ندارد و معتبر می‌باشد.

ص: ۲۹۵

در خصوص زیارات معروف از جمله جامعه، عاشورا، توسل، ناحیه و ... بعضی از افراد تشکیکاتی راه می‌اندازند و می‌گویند: سند این زیارات معلوم نمی‌باشد یا ضعیف است و کلماتی از این قبیل که موجب بروز توهّمات به خصوص در نسل جوان می‌شود.

مضمون زیارات معروف، در بعضی از روایات وارد شده است و با مراجعه به روایات، مضامین فقراتی از ادعیه‌ی شریفه موجود می‌باشد و همچنین این زیارات مجرب است و بزرگان ما با توسل به این ادعیه به درجه‌ی عالی رسیدند و این‌گونه ادعیه که مضامین آن در روایات وارد شده، مجرب است، نیاز به سند ندارد و هر کس آنها را بخواند، خداوند متعال ضمن قبول این عمل، به آنها پاداشی خواهد داد (

ان شاء الله تعالی

(و مسئله‌ی تشکیک از ابتدا از بعضی افراد بی اطلاع و منحرف سر می‌زده و می‌زند و نباید به گفتار آنان گوش داد. بعضی از لذت عبادت دور هستند و فکر می‌کنند با مطرح کردن این مسائل می‌توانند دنیای خود را آباد کنند. حال آنکه این حرف‌ها ضمن قطع توفیق الهی، عاقبت خوشی برای این‌گونه افراد نخواهد داشت. خداوند به همه‌ی ما توفیق دهد که با وسیله بردن)

وابتغوا إليه الوسيلة ...

(به درگاه خداوند متعال، به خواندن این ادعیه موفق شویم.

ص: ۲۹۶

شما در خصوص سؤالات زیر، چه می‌فرمایید؟

۱. کسی که می‌گوید زیارت عاشورای اصلی این نیست؛ بلکه این زیارت تحریف شده است!

۲. ما بر علما اشکال کردیم، به ما جواب درست ندادند!

۳. و در ملاء عام، حتی در نماز جمعه این اشکالات را مطرح می‌کند!

۴. می‌توان به آنها خمس داد؟!

۵. آیا خواندن نماز پشت سر آنها جایز است؟

بسمه تعالی:

۱. هیچ گونه تزویری در زیارت عاشورا نیست و فقط بین نسخ اختلاف وجود دارد که به آن تزویر نمی‌گویند؛ بلکه اختلاف نسخ به دلیل تقیه اتفاق افتاده است و نسخی که در نزد ما است شامل تمام فقرات زیارت عاشورا، به شکلی که در مفاتیح الجنان است، می‌باشد و طبق اجازات موجود در بعضی نسخ، نسخه‌ی موجود به زمان شیخ طوسی رحمه الله می‌رسد و تمام فقرات دعا در آن وجود دارد.

۲. علما و بزرگان جواب مسئله را مناسب با مقام می‌گویند.

۳. حاضر شدن و گوش دادن به خطبه‌ی این شخص جایز نیست.

۴. دادن وجوه به این شخص جایز نیست.

۵. نماز پشت سر این شخص جایز نمی‌باشد.

والله الهادی الى سواء السبيل.

از شما کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق الشبهات صادر شد و بسیار مفید بود، نظر نهایی شما در خصوص زیارت عاشورا چیست؟

بسمه تعالی: همان گونه که در کتاب به آن تأکید کردیم، زیارت عاشورا از حیث سند صحیح است. بعضی از نسخ مصباح المتعجل که به شکل نسخه‌ی خطی می‌باشد در دسترس است و بعضی از این نسخه‌ها با توجه به اجازات موجود بر آن، تاریخش به زمان شیخ طوسی رحمه الله می‌رسد و علمای بزرگ طایفه، این زیارت را با تمام فرازهای آن ذکر کرده‌اند، از جمله محمد بن مشهدی رحمه الله در مزار، ابن طاووس رحمه الله در مصباح و شهید اول رحمه الله در مزارش و

زیارت عاشورا مجرب است و علمای بسیاری به برکت این زیارت شریف، توفیقاتی کسب کرده‌اند و همین شهرت زیارت، در اثبات آن کافی است و مؤمنین در آن زمان تقیه، با آن مشکلات موجود به روش‌های مختلف از ادعیه حفاظت کرده‌اند تا به دست ما برسد و زیارت عاشورا به شکل موجود در مفاتیح الجنان، از حیث سند معتبر می‌باشد و جای هیچ شبهه‌ای در آن نیست و خواندن آن اجر و ثوابی دارد که اهلش آن را درک می‌کنند.

آیا زیارت عاشورا معتبر است؟

بسمه تعالی: زیارت عاشورا از زیارات معتبره می‌باشد و این زیارت مبارکه در کتب متعدد علمای ابرار ذکر شده است و مضمونش صحیح می‌باشد، زیارت عاشورا مجرب است و خداوند به همه توفیق خواندن آن را عنایت فرماید. به وسوسه‌ی افرادی که از علم حظی نبرده‌اند گوش ندهید و هر آنچه را که در راه زنده نگاه داشتن مصائب اهل بیت علیهم السلام انجام می‌دهید، مأجور هستید و زیارت عاشورا بیان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و عمق فاجعه‌ی کربلا و موارد ظلم به اهل بیت علیهم السلام است، بخوانید که ان شاء الله فردای قیامت ذخیره‌ی خوبی خواهید داشت، موفق باشید.

در زیارت عاشورا آمده:

«إِنَّ هَذَا يَوْمَ تَبْرُكُتُ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةٍ ...

»، در حالی که زیارت عاشورا در طول سال خوانده می‌شود، آیا می‌توان عبارت را تغییر داد؟

بسمه تعالی: کلمه‌ی «هذا» به روز عاشورا اشاره دارد؛ یعنی به درستی که روز عاشورا؛ روزی است که بنی امیه آن را متبرک دانسته و عید خود قرار دادند و از این رو در طول سال، چه شب و چه روز خوانده می‌شود.

ص: ۲۹۹

آیا روایت وارده در خصوص زیارت عاشورا از امام باقر علیه السلام صحیح است و آیا می‌توان بر آن اعتماد کرد؟

بسمه تعالی: زیارت عاشورا از زیاراتی است که علمای بزرگ آن را می‌خواندند و این زیارت نزد شیعه مشهور است و قرائت آن موجب ثواب می‌باشد و همان گونه که در روایت وارده آمده، قابل اعتماد است، از جهت سند صحیح می‌باشد، شبهه‌ای در آن نیست و در کتب معتبر علما نیز ذکر شده است.

ماهیت زیارت عاشورا چیست؟

ضمن بیان ظلم‌هایی که بر اهل بیت علیها السلام گذشته، ابراز لعن و نفرین بر ظالمین آنها است و از طرفی ارسال سلام و تجدید پیمان با خاندان اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، بر خواندن این زیارت مداومت کنید که آثار عجیبی دارد.

زیارت عاشورا را چگونه باید خواند؟

به همان صورتی که در مفاتیح الجنان، مرحوم شیخ عباس قمی رحمه الله ذکر شده است.

ص: ۳۰۰

چرا زیارت عاشورا در مجامع حدیثی شیعی ذکر نشده است؟

مجامع حدیثی شیعه به عنوان منابع مورد مراجعه‌ی کلیه‌ی افراد، حتی عامه بوده است و مبنای محدثان، بزرگ اجتناب از ذکر احادیثی بوده که با تقیه سازگاری ندارد (با توجه به اینکه شیعه همواره در فشار حکام جور بوده) از این رو مشاهده می‌شود که این زیارت شریفه در منابع حدیثی ذکر نشده است و به ذکر زیارت عاشورا در کتب ادعیه که فقط مورد مراجعه شیعه بوده اکتفا نموده‌اند، پس عدم ذکر زیارت عاشورا در منابع اولیه‌ی شیعه، حاکی از آن نیست که این زیارت قبلاً نبوده و بعداً پدیدار گشته است؛ بلکه دستگاه ظلم بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله با تکیه بر اریکه‌ی قدرت، قرن‌ها نگذاشت شیعه به راحتی رأی و معتقدات خود را منتشر کنند و کتابخانه‌های شیعی بارها به واسطه‌ی مخالفین مورد هجوم قرار گرفته و به آتش کشیده شد. به همین جهت علمای بزرگ با تلاش بی وقفه و تحمل مشقات آن زمان (که همواره در دوران متعدد، تقیه را پیشه‌ی کار خود قرار داده بودند) توانستند اثری را جهت حفظ مبانی حدیثی

شیعه تدوین نمایند، که اولین آنها ۴۰۰ اثری بود که به اصول اربعه معروف گردید. این مجموعه توسط اصحاب ائمه علیهم السلام تدوین شد و حاوی کلمات ائمه علیهم السلام در موضوعات مختلف بوده است که به مرور زمان، و هجوم به منابع غنی شیعی، اکثر آنها از بین رفته‌اند، و آنچه که امروزه از اصول اربعه باقی مانده است بیش از ۱۶ اصل نمی‌باشد، که مرحوم محدث نوری رحمه الله در خاتمه‌ی کتاب مستدرک الوسائل ذکر نموده‌اند. سپس با تلاش بزرگان،

ص: ۳۰۱

کتاب اربعه تدوین شد که هم اکنون این کتب؛ یعنی الکافی، تهذیب، استبصار، من لا یحضره الفقیه منبع مراجعه‌ی علمای بزرگ می‌باشد.

از زمان غصب خلافت و تخلف از فرامین رسول خدا صلی الله علیه و آله، هجوم به خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، خانه نشین کردن امام شیعیان، علی بن ابی طالب علیه السلام و تبعید یاران راستین اسلام، فشار بر شیعیان و مخلصین درگاه اهل بیت علیهم السلام به واسطه‌ی مخالفین روز به روز بیشتر شد و عرصه را بر شیعیان تنگ‌تر کردند. در شام که دورترین نقطه‌ی خلافت اسلامی بود بنی‌امیه لعنه الله علیهم ریشه دواند و قدرت گرفت و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر روی منابر مورد لعن قرار داده و با به شهادت رساندن دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و علی بن ابی طالب علیه السلام، وصی برحق رسول اکرم صلی الله علیه و آله هرآنچه که توانستند بر سر اسلام آوردند. به طوری که دو ریحانه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام حسن و امام حسین علیهما السلام را با بدترین آزارها به شهادت رساندند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

ذلت و خواری شیعه، بلای مهم و کشتار، پس از شهادت امام حسن علیه السلام و در زمان معاویه اتفاق افتاد. در هر شهری شیعیان ما را می‌کشتند و دست و پای افراد را، حتی به گمان شیعه بودن آنان، قطع می‌کردند. هرکسی به ما اظهار محبت می‌نمود، به زندان می‌رفت. اموالش را غارت، و خانه‌اش را خراب می‌کردند و این بلا و مصیبت ادامه داشت، تا آنکه زمان ابن زیاد و

ص: ۳۰۲

قاتل امام حسین علیه السلام فرا رسید» ۲۹۵.

پس از بنی امیه، بنی عباس لعنة الله علیهم با شعار دروغین و با افکار پلید و منحرف خود، هر آنچه توانستند بر سر شیعیان آوردند؛ زیرا از حقانیت و قدرت گرفتن شیعیان هراس داشتند و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام را با بهانه‌های پوچ و بی اساس مسموم و یا شهید نمودند و اصحاب راستین آنان را زندانی، تبعید و یا به شهادت رساندند. این روش خصمانه در قرون متمادی ادامه داشت و حکام جور هرچه از آثار شیعی به دستشان می‌رسید، از بین می‌بردند. ولیکن این مذهب با فداکاری علمای بزرگ و حامیان دین، توانست پا برجا بماند، ولو با اندک مبانی که علی رغم تقیه و فشار تدوین شده است و همواره علمای طائفه سعی کرده‌اند طوری حرکت کنند که بهانه‌ای به دست مخالفین ندهند و عدم ذکر زیارتی مانند زیارت عاشورا، که با تقیه سازگاری ندارد از همین رو است، به همین دلیل زیارت عاشورا را فقط در کتبی که مورد مراجعه شیعه بوده، ثبت و ضبط نموده‌اند. این زیارت شریفه عمدتاً در کتب ادعیه‌ای که به کتب مزار علما معروف است، ذکر شده است.

ص: ۳۰۳

زیارت عاشورا در کدام کتب آمده است؟

زیارت عاشورا یکی از زیارات مشهوره می‌باشد، که در کتب بزرگان شیعه در طول قرون و اعصار ذکر شده است، که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی رحمه الله، قرن چهارم.

۲. مصباح المتعبد، شیخ طوسی رحمه الله، قرن پنجم.

۳. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی رحمه الله، قرن ششم.

۴. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس رحمه الله، قرن هفتم.

۵. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس رحمه الله، قرن هفتم.

۶. منهاج الصلاح، علامه‌ی حلی رحمه الله، قرن هشتم.

۷. کتاب مزار، شهید اول، سید محمد بن مکی رحمه الله، قرن نهم.

۸. البلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعمی رحمه الله، قرن دهم.

۹. بحارالانوار و تحفه الزائر و زاد المعاد، علامه مجلسی رحمه الله، قرن یازدهم و

ص: ۳۰۴

چرا زیارتی مانند زیارت عاشورا نیاز به بررسی سندی ندارند؟

زیارتی مانند زیارت عاشورا (جامعه کبیره، توسل، کساء، ناحیه مقدسه و ...) احتیاج به بررسی سند ندارد، و این گونه زیارات مشهور و شعار شیعه شده است و مضامین آن در روایات صحیح وجود دارد و علمای بزرگ بدان عمل کرده و جزء معتقدات شیعه شده است، چه شعاری بالاتر از بیان ظلم‌هایی که بر خاندان اهل بیت علیهم السلام وارد شده است. زیارت عاشورا بیان ظلم، لعن بر ظالمین اهل بیت علیهم السلام و سیدالشهداء علیه السلام و احیای واقعه‌ی طف است و باید بر آن محافظت کرد؛ زیرا زنده نگاه داشتن واقعه‌ی کربلا، زنده نگاه داشتن مذهب برحق تشیع است. اگر کسی به مظلومیت اهل بیت علیهم السلام به خصوص هجوم به خانه‌ی وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و دخت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام و حضرت صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و سیدالشهداء، امام حسین علیه السلام (که از مسلمات نزد شیعه است) آگاهی پیدا کند، حقیقت را خواهد یافت. همان‌گونه که بسیاری از افراد به واسطه‌ی آگاهی بر این ظلم‌ها، حقانیت مذهب تشیع و اهل بیت علیهم السلام بر آنها روشن گردیده و بدان روی آورده‌اند. همان‌گونه که شهادت بر مولای ما امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام (شهادت ثالثه) در اذان، شعار شیعه شده و ترک آن جایز نمی‌باشد و کوتاهی در مثل این موارد،

ص: ۳۰۵

گناهی نابخشودنی به دنبال دارد ۲۹۶؛ زیرا که شعار مذهب و بانگ حقانیت اهل بیت علیهم السلام است.

در فرازی از زیارت عاشورا می‌خوانیم: »

و لعن الله بنی امیه قاطبه

؛ و خدا همه‌ی افراد بنی‌امیه را لعنت کند»، سؤال این است که بعضی از بنی‌امیه شیعه بودند و بعضی مانند معاویه بن یزید (معروف به معاویه صغیر) خود را از خلافت خلع کرده و اظهار پشیمانی می‌نمود و بعضی مانند عمر بن عبدالعزیز (هشتمین خلیفه‌ی اموی) نسبت به آل محمد صلی الله علیه و آله محبت فراوانی کرد و بخشی از حق آنها را ادا نمود و ... پس چرا همه‌ی بنی‌امیه مورد لعن قرار گرفته‌اند؟

بسمه تعالی: مراد از بنی‌امیه در زیارت شریفه‌ی عاشورا کسانی هستند که در غصب خلافت و ظلم به اهل بیت علیهم السلام به هر شکلی نقش داشتند.

والله العالم.

زیارت عاشورا دارای صد لعن و سلام است ولیکن گاهی انسان

ص: ۳۰۶

نمی‌تواند صد بار ذکر کند، تکلیف چیست؟

بسمه تعالی: می‌توان به یک بار اکتفا کند و افضل آن است که صد مرتبه ذکر نماید و در هر حال اختصار لعن در زیارت عاشورا به یک بار جایز است،

والله الموفق.

چرا در ذکر سجده‌ی زیارت عاشورا گفته می‌شود: «اللهم لك الحمد حمد الشاکرین لك علی مصابهم، الحمد لله علی عظیم ردّیتی؛ پروردگار بر تو سپاس باد، همچون سپاس کسانی که برای مصائب شهیدان کربلا به سپاس و شکر تو پرداخته‌اند؟

بسمه تعالی: قضیه‌ی سیدالشهدا علیه السلام موجب نجات بشر و حفظ مذهب برحق تشیع است و از جهتی موجب تنبه و بیداری بسیاری از افراد، به خصوص جوانان است که بتوانند به واسطه‌ی این واقعه‌ی عظیم راه حق را تشخیص دهند و این واقعه موجب سازندگی و نجات است و چه بسیار افرادی که به واسطه‌ی تأمل در قضایای سیدالشهدا علیه السلام طریق صحیح را تشخیص داده و نجات یافتند.

آیا در زیارت عاشورا هنگام سجده‌ی آخر دعا «اللهم لك الحمد حمد الشاکرین ...» باید رو به کعبه سجده کند؟

بسمه تعالی: سجده برای خداست و به هر طرف باشد مانعی ندارد، ولیکن به طرف قبله باشد اولی است.

ص: ۳۰۷

اهمیت دادن مرحوم میرزا قدس سره به زیارت عاشورا

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره گاهی در روزهای زیارتی امام حسین علیه السلام به پشت بام می‌رفتند و زیارت عاشورا را در زیر آسمان می‌خواندند و به ساحت مقدس ابا عبدالله الحسین علیه السلام عرض ادب می‌کردند. ایشان همواره مدافع زیارت عاشورا بودند و جوانان و مؤمنین را به خواندن آن ترغیب می‌کردند و حتی برای رد شبهات، کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق شبهات تدوین کردند و می‌فرمودند: بسیاری از علما به واسطه‌ی مداومت بر زیارت عاشورا به درجه و مقام عالی نائل شدند، و مضمون زیارت عاشورا دفاع از حریم ولایت، معرفی غاصبان و به افتضاح کشیدن دستگاه بنی‌امیه و بنی‌العباس است و روشنگر ظلم‌هایی است که بر خاندان نبوت علیهم السلام گذشته، آن را در هر حال فراموش نکنید.

مرحوم میرزا قدس سره ضمن دفاع از این زیارت، در استفتائات مختلف می‌فرمودند: «به اینان که در خصوص زیارت عاشورا تشکیک می‌کنند، توجه نکنید. اینان از لذت عبادت به دورند و طعم شیرین عبادت را نچشیده‌اند؛ دستگاه سید الشهداء - امام حسین علیه السلام - سفینه‌ی نجات است.

متوسلین و عزاداران واقعی سیدالشهداء در آخرت در بهترین مکان‌ها منزل خواهند کرد. ان شاء الله تعالی، خدا توفیق دهد که ما هم عزادار واقعی آن امام شهید علیه السلام محسوب شویم.» و جمله‌ی معروف مرحوم میرزا قدس سره که در درس خود فرمودند: «ای کاش من روضه خوان ابا عبدالله الحسین علیه السلام

ص: ۳۰۸

بودم»، همیشه در ذهن‌ها زنده است که این پیرمرد ولا چگونه به این خاندان عشق می‌ورزید و میدان دار دفع شبهات و دفاع از حریم ولایت بود.

ص: ۳۰۹

زیارت عاشورا دارای سند صحیح بوده و شبهه‌ای در آن نیست

میرزای تبریزی قدس سره و زیارت عاشورا

روزی در محضر فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره چنین مطرح شد که یک شیخ منحرف در احساء، تشکیکاتی در خصوص زیارت عاشورای موجود مطرح کرده و به طور کلی این شیخ کذایی حرف های امروزی دارد و به نظرش آمده که به مسائلی رسیده که کسی تا کنون به آن نرسیده است. فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره فرمودند: «زیارت عاشورا از نظر سند، صحیح می باشد و هیچ گونه تحریفی در آن صورت نگرفته و اگر کسی می گوید که تحریف شده، باید دلیل اقامه کند، که از اقامه ی دلیل عاجز است و فقط انکار می کند تا مشهور شود. (خالف تعرف) نباید به حرف چنین اشخاصی گوش داد، نسخه ی مصباح المتهجد موجود است و در آن زیارت عاشورا به شکل معروف موجود می باشد. نسخه ای که من مشاهده کردم به زمان شیخ طوسی قدس سره بر می گردد، اصلاً این گونه زیارات به سند احتیاج ندارند؛ بلکه زیارت عاشورا مجرب است، هرچند که بعضی به همین شکل معروف نقل کرده اند، مانند محمد بن المشهدی قدس سره در المزار، این طاووس قدس سره در مصباح و شهید اول قدس سره در کتاب مزار و... و چه بسیار افرادی که از برکت زیارت عاشورا به حوائج خود رسیدند و چه بسیار علمایی که آن را تجربه کردند و به درجه ی معنوی نائل شدند. اصلاً این گونه

ص: ۳۱۰

زیاراتی که مجرب هستند و آثار آن بر همه ظاهر شده است، احتیاج به سند ندارند و با همه ی این احوال، زیارت عاشورا به همین شکل موجود، محکم است و جای تردیدی در آن نیست. بخوانید و مرا دعا کنید که به دعای خیر شما احتیاج دارم. خداوند آنان را که در جهت دفاع از مظلومیت اهل بیت علیهم السلام تلاش می کنند، موفق گرداند،

ان شاء الله تعالی.

ص: ۳۱۱

زیارت عاشورا همراه با لعن، ثابت است و شبهه‌ای در آن نیست

میرزا جواد تبریزی قدس سره و لعن در زیارت عاشورا

در سال‌های پایانی عمر شریف فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره بعضی از افراد مدعی، ولیکن بی‌سواد و منحرف، در خصوص زیارت عاشورا شبهاتی در جامعه به راه انداختند که مرحوم میرزا قدس سره با قاطعیت مقابل آنان ایستاد و با نوشتن استفتائات متفاوت، ضمن رد شبهات، جواب محکمی به مشککین دادند.

ایشان می‌فرمودند: «اینان که شبهه به راه می‌اندازند، چون لذت عبادت و مناجات را نچشیده‌اند و توانایی درک فواید توسل، از جمله زیارت عاشورا را ندارند، دست به القا می‌زنند. علمای بزرگ به واسطه‌ی توسل به این زیارت شریف، به درجات عالی نائل شدند». مرحوم میرزا قدس سره می‌فرماید: «زیارت عاشورا همراه با لعن، به شکلی که در کتاب مفاتیح الجنان آمده، ثابت است. آنان که به خواندن زیارت عاشورا استمرار دارند، اثر خواندن این دعا را دیده و می‌بینند. برخواندن آن مداومت کنید و به حرف منحرفین جاهل گوش ندهید که آنان از رحمت خداوندی به دور هستند.

زیارت عاشورا، یادآور مصائبی است که بر اهل بیت علیهم السلام گذشته و هرکس به واسطه‌ی این زیارت به اهل بیت علیهم السلام توسل کند، مأجور است و ان شاء الله گره کارهایش باز خواهد شد و در این دنیا اثر خواندن این دعا را خواهد

ص: ۳۱۲

دید، این دعای شریف مجرب است و مؤمنین و مخلصین درگاه ولایت بر آن مداومت کنند. ممکن است بعضی افراد در دعا‌های دیگر شبهه به راه انداخته و با برداشت ناقص خود، که ناشی از بی‌سوادی آنهاست حرف‌هایی بزنند، اما بدانید که ادعیه‌ی مشهور از جمله زیارت جامعه، و دعای توسل، و حدیث کساء و ... مجرب هستند و وسیله‌ای برای ارتباط با پروردگار به شمار می‌روند. بر آنها مداومت کنید که اثر آن را در همین دنیا خواهید دید.

ان شاء الله تعالی

«.

خواندن زیارت عاشورا در جوار بارگاه ملکوتی سیدالشهداء، امام حسین علیه السلام،

میرزا جواد تبریزی قدس سره و خواندن زیارت عاشورا

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره می‌فرمودند: هر هفته عده‌ای از طلاب حوزه‌ی نجف اشرف شب‌های جمعه برای زیارت سالار شهیدان از نجف به کربلا می‌رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم و هر هفته به ساحه مقدس آن بزرگوار عرض ادب می‌کردم و موفق می‌شدم که در کنار قبر مطهر و روبه روی ضریح آن امام مظلوم علیه السلام زیارت عاشورا بخوانم و به واسطه‌ی این توسل، از سیدالشهداء، امام حسین علیه السلام مدد می‌جستیم. در این جهت مولا علیه السلام عنایت فراوانی به من کرد و بسیاری از مشکلاتم به واسطه‌ی این توسل حل می‌شد. زیارت عاشورا مجرب است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه‌ی توسلات بوده، که از جمله‌ی آنها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت عاشورا سهل انگاری نکنید و به حرف افراد منحرف که لذت عبادت، توسل و دعا را نچشیده‌اند و فقط کارشان شبهه‌افکنی است، توجه نکنید. خداوند به واسطه‌ی این توسلات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما را تضمین خواهد کرد،

ان شاء الله تعالی.

عاشورا، عاشورا

میرزا جواد تبریزی قدس سره و زیارت عاشورا

حجت الاسلام، شیخ غلامرضا توکلی می‌گوید: روزی خانمی از تهران تماس گرفته و اصرار می‌کرد که با مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره صحبت نماید، به ایشان گفتم: میرزا قدس سره فعلاً مکالمه‌ی تلفنی ندارند، اگر مطلبی دارید بفرمایید که به آقا برسانم. آن خانم گفت: جهت گرفتاری که داشتم زیاد به مسجد جمکران می‌رفتم چهل شب تمام شد اما مشکلم حل نشد، تا اینکه شبی در عالم خواب دیدم که حضرت ولی عصر علیه السلام در مکانی حضور دارند.

(بدون آنکه مشاهده شود) در عالم خواب برای دیدن حضرت علیه السلام به آن مکان رفتم اما کثرت جمعیت اجازه نداد به حضرت علیه السلام برسم با این حال دیدم که مردم دور یک پیرمرد روحانی را گرفته‌اند و مسائلی را با او مطرح می‌کنند، به من گفتند که مشکل خود را با این آقا در میان بگذار. من به محضر آن روحانی رفتم اما قبل از آنکه مسئله‌ام را مطرح کنم و از ایشان راهنمایی بطلبم، اسم او را سؤال نمودم، گفتند: میرزا جواد تبریزی است. من مشکل خود را به ایشان گفتم، ایشان جوابی داده و دستوری فرمودند، اما بعد از بلند شدن از خواب جواب را فراموش نمودم و بسیار ناراحت شدم. از بعضی از روحانیون تهران سؤال کردم، شما شخصی به نام جواد تبریزی می‌شناسید، گفتند: ایشان از مراجع تقلید در قم می‌باشند. شماره‌ی دفتر ایشان را پیدا نمودم و الان می‌خواهم قضیه را به ایشان برسانید و بگویید

ص: ۳۱۵

شما چه می‌فرمایید. شیخ توکلی می‌گوید: خدمت آقا آدم و مطلب را به ایشان رساندم، مرحوم میرزا قدس سره بدون آنکه عکس العملی نشان دهد در حالی که اشک در چشمان مبارکشان حلقه زد، فرمودند: به آن خانم بگویید زیارت عاشورا بخواند مشکلمش ان شاء الله حل خواهد شد.

ص: ۳۱۶

زیارت عاشورا پلی به سوی استجابت دعا

نماز پشت سر کسانی که زیارت عاشورا را منکر می‌شوند، جایز نیست

یک روز در شورای استفتاء، بحث شد که هر از چند گاه عده‌ای متأسفانه بعضی معمم، شروع به سم‌پاشی در بین متدینین می‌کنند و می‌گویند، فلان خبر ثابت نیست و درست بودن آن معلوم نمی‌باشد؛ از جمله عده‌ای در خصوص زیارات و

ادعیه می‌گویند، ما برای آن سند نیافتیم و زیارت عاشورا به شکل موجود در مفاتیح الجنان، تحریف شده است. از مرحوم میرزا قدس سره سؤال شد: آیا می‌شود پشت سر این گونه اشخاص نماز خواند؟

اتفاقاً آن روز بحث در مورد کسی بود که در زیارت عاشورا تشکیک کرده است.

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره ابتدا فرمودند: اینان مگر نمی‌دانند که برخی از ادعیه و زیارات با چه زحمت و جهادی به ما رسیده است! ما همیشه در زمان تقیه زندگی کرده‌ایم و شیعیان در طول تاریخ در فشار بوده‌اند و ادعیه و زیارات سینه به سینه به ما نقل شده است و مضامین اکثر آنها در روایات موجود می‌باشد. اگر به بعضی نسخ خطی مراجعه کنید پی می‌برید که آنها مجبور بودند بعضی از فقرات ادعیه را حذف یا محو کنند تا بتوانند به دیگران برسانند. زیارت عاشورای مشهور، ثابت است و تزویری در آن نیست و آنچه از نظر اختلاف بین نسخ وجود دارد، به آن

ص: ۳۱۷

تزویر گفته نمی‌شود. نسخه‌ای که از نظر سند و متن ثابت است و زمان آن به شیخ طوسی قدس سره برمی‌گردد و شامل تمام فقرات زیارت می‌باشد را مشاهده کردم و جای شکی در آن نیست و همچنین عمل علمای بزرگ و مجرب بودن زیارت در اثبات آن کافی می‌باشد، به تشکیکات افراد توجه نکنید؛ زیرا منشأ آن، دوری آن سیه‌دلان از معنویت و لذت نبردن از عبادت است.

زیارت عاشورا، پلی است به سوی استجاب دعا و ارتباط معنوی با پروردگار متعال و برائت جستن از اعدای اهل بیت علیهم السلام، خداوند به همه توفیق دهد که این زیارت مبارک را قرائت نمایند و به واسطه‌ی توسل و خواندن این زیارت، حاجت همه برآورده شده و گره کار آنان برطرف شود؛ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى**.

ص: ۳۱۸

طعم شیرین عبادت

اهمیت دادن مرحوم میرزا قدس سره به زیارت عاشورا

فقیه مقدس، میرزای تبریزی قدس سره گاهی در روزهای زیارتی امام حسین علیه السلام به پشت بام می‌رفتند و زیارت عاشورا را در زیر آسمان می‌خواندند و به ساحت مقدس ابا عبدالله الحسین علیه السلام عرض ادب می‌کردند. ایشان همواره مدافع زیارت عاشورا بودند و جوانان و مؤمنین را به خواندن آن ترغیب می‌کردند و حتی برای رد شبهات، کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق شبهات تدوین کردند و می‌فرمودند: بسیاری از علما به واسطه‌ی مداومت بر زیارت عاشورا به درجه و مقام عالی نائل شدند و مضمون زیارت عاشورا دفاع از حریم ولایت، معرفی غاصبان و به افتضاح کشیدن دستگاه بنی‌امیه و بنی‌عباس است و بیانگر ظلم‌هایی است که بر خاندان نبوت علیهم السلام گذشته، آن را در هر حال فراموش نکنید.

مرحوم میرزا قدس سره ضمن دفاع از این زیارت، در استفتائات مختلف می‌فرمودند: «به اینان که در خصوص زیارت عاشورا تشکیک می‌کنند، توجه نکنید. اینان از لذت عبادت به‌دوراند و طعم شیرین عبادت را نچشیده‌اند؛ دستگاه سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام، سفینه‌ی نجات است.

متوسلین و عزاداران واقعی سیدالشهداء در آخرت، در بهترین مکان‌ها منزل خواهند کرد. ان شاء الله تعالی، خدا توفیق دهد که ما هم عزادار واقعی آن امام شهید علیه السلام محسوب شویم.» و جمله‌ی معروف مرحوم میرزا قدس سره که در

ص: ۳۱۹

درس خود فرمودند: «ای کاش من روضه خوان ابا عبدالله الحسین علیه السلام بودم»، همیشه در ذهن‌ها زنده است، که این پیرمرد ولایی چگونه به این خاندان عشق می‌ورزید و میدان دار دفع شبهات و دفاع از حریم ولایت بود.

ص: ۳۲۱

✽ حسین منی و انا من حسین و ...

✽ لا یوم کیومک یا ابا عبدالله

✽ خورشید گرفتن در روز عاشورا

✽ یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزاً عظیماً

✽ تعطیلی مدارس در تاسوعا و عاشورا

✽ تکلیف مردم در محرم و صفر

✽ اگر امام حسین علیه السلام با یزید بیعت می‌کرد

✽ عزا یا نماز

✽ مسائل متفرقه‌ی دیگر

ص: ۳۲۳

با توجه به مقوله‌ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حق سیدالشهدا [حسین منّی و أنا من حسین] و قول امام حسن علیه السلام [لا یوم کیومک یا ابا عبدالله] و قول زینب کبری علیها السلام [الیوم مات جدّی محمد المصطفی الیوم مات أبی علی المرتضی، الیوم ماتت امّی فاطمة الزهراء الیوم مات أخی حسن المجتبی ...] آیا می‌توان گفت کاری که امام حسین علیه السلام کرد هیچ نبی و امامی انجام نداده است؟

بسمه تعالی: اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

حسین منّی و أنا من حسین

، ناظر به آن است که حرکت امام حسین علیه السلام دین خدا را کامل کرد؛ زیرا حرکت امام حسین علیه السلام ضامن استمرار و حفظ دین شد و از اینکه امام حسن علیه السلام فرمود:

لا یوم کیومک یا ابا عبدالله

، مراد آن است که مصائبی را که سیدالشهداء علیه السلام تحمل کرد، هیچ امامی آن را تحمل نکرد، هرچند که همه‌ی ائمه علیهم السلام مظلوم هستند ولیکن مصائبی که بر سیدالشهدا علیه السلام جاری شد بسیار عظیم است و اینکه حضرت زینب علیها السلام فرمودند:

الیوم مات جدّی ...

اشاره به این است که آخرین انوار خمسه، امام حسین علیه السلام است و بعد از شهادت حضرت، کسی از آن انوار خمسه باقی نماند، فقدان امام حسین علیه السلام فقدان جمیع پنج تن آل عبا بود و در هر حال آنچه را که ائمه علیهم السلام فرمودند، اعلم به آن هستند.

ص: ۳۲۴

چگونه باور کنیم که هنگام شهادت سیدالشهدا علیه السلام، خورشید کسوف پیدا کرد؟ با توجه به اینکه روایت شده کسوف، نشانه است و بر مرگ احدی واقع نمی‌شود؟

بسمه تعالی: آنچه در روایت وارد شده است که: «

إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ لَا تَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ» ۲۹۷

خورشید و ماه دو نشانه هستند و به خاطر مرگ شخصی کسوف واقع نمی‌شود؛ ناظر به موت متعارف می‌باشد، چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ فرزندش ابراهیم فرمود: «

لَا تَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَحَيَاءُ أَحَدٍ لَا بِالْقَتْلِ وَالشَّهَادَةِ

«؛ خورشید و ماه نمی‌گیرند برای مرگ و یا به دنیا آمدن شخصی، چه آن مرگ به قتل باشد یا شهادت. پیامبر صلی الله علیه و آله این سخن را فرمود چون می‌خواست باب ادعا را ببندد. ولیکن قضیه‌ی سیدالشهدا علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام، قضیه‌ی عامه و مصیبت تمام اسلام است و تمام مؤمنین را عزادار کرد و از این رو احیای ذکر ائمه علیهم السلام از شعائر مذهب محسوب می‌شود و مظلومیت آنان بر تمام عالم اثر می‌گذارد و از این طریق خداوند متعال اراده کرده که مظلومیت آنان را آشکار کند و مانند همین مورد برای یحیی نبی علیه السلام رخ داد که در روایت دارد، آسمان گریه کرد بر کشته شدن یحیی نبی علیه السلام. در شهادت امام حسین علیه السلام فقط کسوف واقع نشد؛ بلکه نشانه‌های دیگری نیز واقع گردید که بعد از شهادت حضرت علیه السلام نمایان شد، از جمله هر سنگی از روی زمین برداشته شد زیر آن خون مشاهده گردید و

ص: ۳۲۵

بعضی از سنگ‌ها در روز عاشورا رنگشان تغییر پیدا کرد که تا زمان ما ادامه دارد و موارد دیگری که دال بر عظمت مصیبت سیدالشهدا علیه السلام است.

آیا روایتی از اهل بیت علیهم السلام داریم که دلالت کند بر اینکه ائمه‌ی ما علیهم السلام مسموم شده و یا به شهادت رسیده‌اند؟

بسمه تعالی: در کتاب فقیه از ابی صلت هروی از امام رضا علیه السلام منقول است: «

ما مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ شَهِيدٌ

«۲۹۸ با توجه به انتشار فساد در کشورهای غربی آیا بر امر تزکیه‌ی نفس بر فرزندان خود پیردازیم یا در حسینیة به برگزاری مجالس عزا و غیره مشغول شویم؟

بسمه تعالی: اقامه‌ی مجالس حسینی و حفظ شعائر مهم تر است؛ زیرا همین مجالس موجب می‌شوند فرزندانمان به حقایق برسند و خود این مجالس، آنان را متنبه می‌کند و غرض شما که تربیت آنهاست محقق می‌شود.

وقتی فرزندان شما ببینند چه افرادی در راه خدا فداکاری کردند تا دین زنده بماند، آنها خود متنبه می‌شوند و خود همین مجالس، عامل نشر عقاید حقه و ترغیب فرزندان شما به یادگیری احکام شرعی خواهند بود. شما به این

ص: ۳۲۶

مجالس اهمیت دهید و از آن دفاع کنید، نتیجه‌ی خوبی در فرزندان خود خواهید دید،

ان شاء الله تعالی.

به علت تعهد و ارادت به خاندان اهل بیت علیهم السلام عادت کرده‌ایم که مراسم مذهبی به پا داریم؛ چه مراسم جشن و شادی و چه مراسم عزاداری بر ارواح پاک آن بزرگواران. دیده می‌شود که سخنرانان مذهبی سخن خود را این‌گونه شروع می‌کنند: «يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكُمْ فَفَوْزَ وَاللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا؛

ای کاش ما با شما بودیم پس رستگار می‌شدیم - قسم به خدا - رستگاری بزرگی»، و چنان که معلوم است از کلمه‌ی «لیت» برای آرزو کردن استفاده می‌شود، بنابراین سؤال ما این است که آیا فاصله‌ی زمانی طولانی ما و زمان حضرت سیدالشهدا علیه السلام، دلیل کافی برای کمک نکردن به آن حضرت است یا اینکه ما هنوز تکلیف به کمک کردن داریم، و در این برهه از زمان چگونه می‌توانیم این تکلیف را ادا کنیم؟

بسمه تعالی: همگی و در هر زمانی تکلیف به یاری کردن داریم، ولیکن یاری در زمان امام حسین علیه السلام با یاری در این زمان متفاوت است. یاری آن بزرگوار اکنون عبارت است از یادآوری جهاد و مظلومیت او با هر وسیله‌ی ممکن؛ زیرا دین از همه چیز عزیزتر است و انبیا و امامان علیهم السلام وجود پاک و مطهر خود را در راه بقای دین تقدیم نمودند. بلی! ما هیچ‌گاه به مقام افرادی که در رکاب حضرت علیه السلام به شهادت رسیدند، نمی‌رسیم، از این رو آرزو

ص: ۳۲۷

می‌کنیم و امیدواریم که با آنان باشیم تا به مقداری از ثواب اعمال آنان دست پیدا کنیم. خداوند شما را به درک این یاری موفق بفرماید، که او شنوا و اجابت کننده است.

در منطقه‌ی ما، در ایام محرم و شهادت بعضی از ائمه علیهم السلام مدارس تعطیل می‌شوند، با توجه به آنکه ما در اقلیت هستیم [در کشور عربستان - قطیف] این عمل چگونه است؟

بسمه تعالی: اگر عدم رفتن به مدرسه ضرری متوجه شما نمی‌کند، مدرسه نروید، و اجر شما در نزد خداوند متعال محفوظ است و مؤمنین اگر ممکن باشد، باید در جهت تعطیل کردن این ایام تلاش کنند، به خصوص در ایام مصائب سیدالشهداء علیه السلام، تا مردم بدانند که بر اهل بیت علیهم السلام چه گذشته است و این واقعه زنده بماند و فرزندان شما نیز آگاهی کامل پیدا کنند.

ص: ۳۲۸

تکلیف ما مردم در ایام محرم و صفر که در نقاط مختلف جهان زندگی می‌کنیم چیست؟

بسمه تعالی: اظهار حزن و جزع بر مصائب اهل بیت علیهم السلام شرعاً امر راجحی است و اگر حفظ مذهب، موقوف بر اقامه‌ی شعائر باشد، در این صورت اقامه‌ی آن واجب می‌شود. بله! انجام بعضی اعمال که موجب جنایت بر نفس و یا تشویه‌ی سمعه‌ی تشیع شود، اشکال دارد ولیکن هر چیزی که در عنوان جزع وارد شود، اگر چه به اضرار بر نفس منجر شود، مستحب است و همچنین بعضی از اعمال اگر در بعضی مناطق داخل در عنوان جزع باشد، مستحب شرعی می‌شود.

در یکی از مجالس عزاداری مسابقه‌ای داستانی با این موضوع برگزار شد که بر فرض محال، اگر امام حسین علیه السلام با یزید بیعت می‌کرد، عواقب هولناک این مطلب (بیعت فرضی) در جامعه‌ی اسلامی چه می‌شد و آثار آن بر جامعه‌ی امروزی و آینده چه می‌بود؟

ما از علمای بزرگوار تقاضا می‌کنیم به سؤال‌های ذیل پاسخ دهند:

الف) آیا مطرح کردن این گونه فرضیه‌ها صحیح است، با اینکه هدف این مسابقه این است که هم صحیح بودن تصمیم امام علیه السلام را بیان کند و هم دوراندیشی حضرت را معرفی نماید؟

ب) آیا این کار جسارتی به عصمت امام علیه السلام نیست (برخی برادران

ص: ۳۲۹

می‌گویند: عصمت امام اقتضا می‌کرد که هیچ‌گاه با یزید بیعت نکند؛ از این رو طرح این گونه مسائل با اینکه فقط فرض و تصور است، نمی‌بایست جایز باشد.

بسمه تعالی: اگر هدف از طرح این فرضیه و درخواست پاسخ از افراد، بیان این باشد که چرا سیدالشهداء علیه السلام به همراه یاران و اهل بیت علیهم السلام خود به سمت عراق حرکت کرد و در آن واقعه‌ی بزرگ به شهادت رسیدند و چه حوادث دردناکی برای اهل بیت علیهم السلام پیش آمد تا عظمت این واقعه برای افراد روشن گردد و برای آنها آشکار شود که کار حضرت علیه السلام برای نجات دین، حفظ آئین و بقای احکام دینی بود، همچنان که در این مورد خود حضرت سیدالشهداء و دیگر معصومین علیهم السلام فرموده‌اند، ایرادی ندارد.

اما این فرضیه‌ها و احتمالات را نباید به گونه‌ای نقل کرد که این گونه برداشت شود که امام علیه السلام مانند دیگر مردم عمل می‌کند و امام حسین علیه السلام نهضت و حرکت را فقط به خاطر حدس و گمان آغاز نمود؛ چنان که مردم در این گونه حوادث تصمیم می‌گیرند، که این نه صحیح است و نه متناسب با مقام امام علیه السلام می‌باشد؛ بلکه آنچه سیدالشهداء علیه السلام انجام داد، چیزی جز تکلیف الهی نبود و او می‌دانست چه بر سر خود و اهل بیتش علیهم السلام خواهد آمد و با این همه چون مأمور بر این کار بود اقدام کرد و غرض نهایی از این تکلیف، حفظ دین، اصلاح امت و امر به معروف و نهی از منکر بود، همچنان که در فرمایشات آن حضرت در مکان‌های مختلف بیان شده است، »

إِنَّمَا

ص: ۳۳۰

خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ٢٩٩

همانا من برای اصلاح در امت جدم خارج شدم، می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم و پدرم، علی بن ابی‌طالب رفتار کنم»، همچنین فرمایش آن حضرت که: «

وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِّيتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ؛ ٣٠٠

اکنون که امت اسلامی به رهبری مثل یزید گرفتار شد، باید فاتحه‌ی اسلام را خواند».

نظر شما درباره‌ی داخل شدن در هیئت‌های عزاداری با کفش یا دمپایی چیست؟

آنچه با هیئت عزاداری سیدالشهدا علیه السلام مناسبت دارد، این است که انسان پابرهنه داخل شود.

در محرم و صفر وقوع ازدواج چه اشکالی دارد؟

بسمه تعالی: مصائب اهل بیت علیهم السلام، به خصوص سیدالشهدا علیه السلام به قدری است که اظهار حزن، اهم از ازدواج است؛ زیرا امام حسین علیه السلام با اهدای خون خود، مذهب را بیمه نمود و خط بطلان بر سایرین کشید. محرم

ص: ۳۳۱

و صفر باید با اظهار حزن و اخلاص به سیدالشهدا علیه السلام به پایان برسد و ازدواج در این دو ماه برکتی ندارد و کسی که محب اهل بیت علیهم السلام است، کاری نمی‌کند که خوشی او در ایام مصائب اهل بیت علیهم السلام باشد.

ازدواج در ایام وفیات ائمه علیهم السلام چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: ازدواج اگر صورت گیرد برکتی نخواهد داشت و این معنا و تفسیر از کلام معصومین علیهم السلام برداشت شده است، چه بسا اختلافاتی که واقع می‌شود بر اثر عدم دقت در مواردی از همین قبیل است.

ص: ۳۳۲

۲۹۹ (۱). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۳۰۰ (۲). بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۶؛ العوالم، ص ۱۷۵.

نذری که برای مجلس امام حسین علیه السلام می‌شود چگونه باید مصرف شود؟

بسمه تعالی: در اقامه‌ی مجلس عزاداری برای سیدالشهدا علیه السلام صرف شود، ولو با مشارکت در مجلسی که برای همین غرض اقامه شده است.

اگر شخصی بر امامی نذر کرده باشد در این صورت در چه موردی باید صرف شود؟

بسمه تعالی: در مجلس عزای آنان صرف شود و اگر در مجلس عزاداری صرف نشد، بر زوار آن امام علیه السلام مصرف شود.

ص: ۳۳۳

سیره‌ی استاد الفقهاء والمجتهدین میرزا جواد تبریزی قدس سره در حفظ شعائر حسینی

ص: ۳۳۵

فانی بودن در ولای اهل بیت علیهم السلام

مرحوم میرزا قدس سره فانی در ولای اهل بیت علیهم السلام

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره فانی در ولای اهل بیت علیهم السلام بودند؛ به نحوی که حتی اگر فقط کلمه‌ی «اهل بیت علیهم السلام» را هم می‌شنیدند، خود به خود چهره‌شان دگرگون می‌شد، آهی می‌کشیدند و اشک در چشم مبارکشان حلقه می‌زد. شاگردان مرحوم میرزا قدس سره بارها مشاهده می‌کردند هنگامی که مرحوم میرزا قدس سره در درس به روایتی می‌رسیدند که شمه‌ای از مظلومیت اهل بیت علیهم السلام در آن بود، بغض گلوی ایشان را می‌گرفت و اشک در چشمشان حلقه می‌زد. گریه‌ی مرحوم میرزا قدس سره در مجالس روضه، زبان زد بود، به طوری که هر

بیننده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌داد. دفاع مرحوم میرزا قدس سره از شعائر و رد شبهات تا آنجا پیش رفت که در قرن خود تحولی عظیم ایجاد نمود. ایشان مکرراً می‌فرمودند: «وظیفه‌ی ماست که در مقابل شبهات ایستادگی نماییم.» مرحوم میرزا قدس سره در مجلس درس یا مجالس استفتاء و یا در زمانی که با مردم یا شخصیت‌ها دیدار داشتند به صورت کتبی یا شفاهی، شبهه را شجاعانه مطرح و رد می‌کردند و با تمام قدرت در مقابل تشکیکات ایستادگی می‌نمودند. بارها مشاهده شد که ایشان می‌فرمودند: «قلم و کاغذ بیاورید تا به وظیفه‌ی خود عمل کنم!» و فقط به دلیل حب و اخلاص به اهل بیت علیهم السلام بدون هیچ ملاحظه‌ای می‌نوشتند، دفاع می‌کردند و آتش فتنه را خاموش می‌کردند و دائماً می‌فرمودند: «ما موظفیم که در عصر غیبت به هر

ص: ۳۳۶

شکل ممکن از مبانی حقه دفاع کنیم و اجازه ندهیم عده‌ای با القای شبهات، عوام از مؤمنین را فریب دهند و من تا زنده هستم اجازه نمی‌دهم عده‌ای بی سواد و سرسپرده، عوام از مؤمنین را فریب دهند. اگر کسی کوتاهی کند فردای قیامت مسئول است و در آخرت حسرت خواهد خورد».

ص: ۳۳۷

اخلاص و محبت به مقام شامخ اهل بیت علیهم السلام

میرزای تبریزی قدس سره و ادب در مقابل مقام شامخ اهل بیت علیهم السلام

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره در ابراز محبت و اخلاص به مقام شامخ اهل بیت زبانزد بوده و این اظهار ارادت در هنگام تدریس بسیار محسوس‌تر بود. در هر مجلسی که ذکر اهل بیت علیهم السلام به میان می‌آمد، چشمانشان پر از اشک می‌شد و با اخلاص عرض ادب می‌کردند. اگر کسی در محضر ایشان می‌گفت، «امام علی علیه السلام»، ناراحت می‌شدند و می‌گفتند:

«مثل سنی‌ها صحبت نکنید! بگویید، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام.»

مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره، این پاسبان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام، غرق در مهر و محبت ایشان بود و این عشق درونی خویش را به انحای مختلف بروز می‌دادند، تا درسی باشد برای دیگران که راه و رسم مهرورزی به مقام و منزلت ائمه علیهم السلام را فرا گیرند.

نمونه‌ی بارز این ارادت خالصانه در اثنا درس بسیار مشهود بود، اگر به روایتی می‌رسیدند که بیان‌کننده‌ی شمه‌ای از مظلومیت اهل بیت علیهم السلام بود بغض سنگینی در تمام وجود خود احساس کرده و ناخودآگاه اشک از دیدگانشان می‌تراوید. دیدن چنین صحنه‌های غم‌انگیز، اما در عین حال سرشار از معنویت و اظهار مودت به خاندان عصمت و طهارت، تأثیر بسیار عجیبی بر روح و روان شاگردانش می‌گذاشت.

گاهی طلاب را نصیحت می‌کردند و طریقه‌ی عرض ادب را عملاً به آنها

ص: ۳۳۸

یاد می‌دادند و این برخورد آن قدر جذاب بود که تأثیر عملی بر شاگردان می‌گذاشت. ایشان دوست داشتند طلاب در مقابل نام اهل بیت علیهم السلام با تواضع و فروتنی کامل، بهترین الفاظ و القاب را به کار ببرند و با عرض ادب و اخلاص، ارادت خود را به آن خاندان ابراز دارند و در مقابل آن بزرگواران خود را هیچ حساب نکنند و درصدد آن باشند که همواره از مقام شامخ اهل بیت علیهم السلام دفاع کنند و به مردم یاد دهند که شأن و منزلت اهل بیت علیهم السلام به حدی است که رضای خدا تحقق نمی‌یابد مگر به رضایت آنان و همواره دعا می‌کردند که اهل بیت علیهم السلام تفضل کرده و عنایتی نمایند.

ص: ۳۳۹

مقام اهل بیت علیهم السلام با کسی قابل قیاس نیست

میرزا قدس سره و عظمت مجلس اهل بیت علیهم السلام

یکی از مواردی که فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره به آن بسیار حساس بود و اجازه نمی‌داد کسی عمداً در مجالس اهل بیت علیهم السلام یا مجالس عام آن را ذکر کند، نام خود مرحوم میرزا قدس سره بود. ایشان می‌فرمود:

«مقام اهل بیت علیهم السلام با کسی قابل قیاس نیستند از این رو نباید در مجالس اهل بیت علیهم السلام نام اشخاص با نام مقدس ائمه علیهم السلام ذکر شود.» ایشان اگر می‌دید شخصی منبری از اشخاصی تمجید کرده و از آنها نام می‌برد به شدت ناراحت می‌شدند و می‌گفتند: «به این منبری تذکر دهید که فضایل اهل بیت علیهم السلام را بگوید. علما هم اگر کاری کرده‌اند به عشق و علاقه‌ی اهل بیت علیهم السلام است و اجری نمی‌خواهند مگر رضای آنها.» بارها و بارها پیش آمد که وقتی در مجلسی نام ایشان را می‌بردند، ایشان با حالتی غضبناک با دست خود ناراحتی خویش را ابراز کرده و می‌فرمودند: «به این خطیب تذکر دهید!»

خطیب شهیر، حجت الاسلام، شیخ مصطفی منصوری می‌گوید:

خدمت مرحوم میرزا قدس سره رسیدم و گفتم می‌خواهم بر بالای منبر برای شما دعا کنم. ایشان فرمودند: «خیر! نیاز نیست، در منبر از امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و سید شهاب اهل الجنة علیهما السلام، امام حسین علیه السلام که هرچه داشت در راه خدا داد و دین را زنده کرد و ... از فضایل آنان بگو.» از این رو در زمان حیات مرحوم میرزا قدس سره هنگامی که مجلس عزا در محضر ایشان بر پا

ص: ۳۴۰

می‌شد، خطبا می‌دانستند ایشان قدس سره راضی نیست نامشان در منبر برده شود.

می‌فرمودند: «سیدالشهداء علیه السلام هر آنچه داشت با خدا معامله کرد و با شهادت خود و خاندانش بقای اسلام راستین را بیمه کرد و توانست از زحمات رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدر بزرگوارش، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و برادر مظلومش امام حسن علیه السلام دفاع کند و خون سیدالشهدا علیه السلام ضامن بقای اسلام واقعی شد ۳۰۱».

۳۰۱ (۱). عن حنان قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: زوروا الحسين عليه السلام ولا تجفوه، فإنه سيد شباب أهل الجنة من الخلق وسيد الشهداء؛ [كامل الزيارات، ص ۲۱۶؛ ح ۳۱۶؛ ثواب الاعمال، ص ۹۷] حنان گفت، حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و به آن جناب جفا نکنید؛ زیرا آن وجود مبارک سرور جوانان بهشت و آقا و سید شهدا می‌باشند.

عن ربیع ابن عبد الله، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام بالمدينة: أين قبور الشهداء؟ قال:

أليس أفضل الشهداء عندك الحسين عليه السلام، والذي نفسي بيده أن حول قبره أربعة آلاف ملك شعناً غبراً يبيكونه إلى يوم القيامة؛ [ثواب الاعمال، ص ۹۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۲، ح ۱۹۵۰۵]

ارادت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام

مرحوم میرزا قدس سره و اخلاص به درگاه اهل بیت علیهم السلام

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره در مقابل تشکیکات و انحراف عقایدی به شدت ایستادگی می‌کردند و در طول اقامت در قم و تصدی مرجعیت، هیچ گاه اجازه ندادند عده‌ای، عوام از مؤمنین را فریب دهند و هرگاه می‌گفتند: فلان حرف انحرافی در حوزه مطرح شده است، می‌فرمودند: «اینها چه لقمه‌ای خورده‌اند که این قدر بی‌تقوا شده‌اند!» ایشان با تمام وجود در عشق دفاع از اهل بیت علیهم السلام می‌سوخت و در مقابل تشکیکات مذهب شجاعانه می‌ایستاد و بدون ملاحظه‌ی هر مصلحتی، در مقابل این انحراف ایستادگی می‌کرد تا به حدی که حاضر بود تمام هستی خود را در این راه فدا نماید.

بعضی از شاگردان مرحوم میرزا قدس سره می‌گویند: ما سال‌ها از محضر ایشان استفاده کردیم، مجلس ایشان مملو از ارادت و اخلاص به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بود و هرگاه در مجلس ایشان حاضر می‌شدیم، روح ولا را حس می‌کردیم؛ در مجلسشان یا مسائل علمی مطرح می‌شد و یا سخن از فضایل، مناقب و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و دفاع از کیان تشیع بود.

ربعی بن عبدالله گفت، محضر امام صادق علیه السلام در مدینه عرض کردم: قبور شهدا کجاست؟ حضرت فرمودند: آیا افضل و برترین شهدا نزد شما حسین علیه السلام نیست؟ قسم به کسی که جانم در دست اوست اطراف آن حضرت چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده، اندوهگین و گرفته می‌باشند، حضور داشته و پیوسته تا روز قیامت برای آن حضرت گریه می‌کنند.

عن عبدالله بن سنان، عن أمّ سعيد الأحمسیّة، قالت: دخلت المدينة فأكثریت البُغْل أو البَغْلَة

به حبل المتین اهل بیت علیهم السلام چنگ بزنید

علاقه‌ی مرحوم میرزا قدس سره به مجلس روضه

معروف بود که وقتی فقیه اهل بیت، میرزا جواد تبریزی قدس سره در مجلس روضه حاضر می‌شدند به شدت گریه می‌کردند؛ به طوری که تأثیر عجیبی بر حاضرین در آن مجلس می‌گذاشت و طلاب، به خصوص طلاب جوان غرق در چهره‌ی نورانی این فقیه می‌شدند که چگونه در مصائب اهل بیت علیهم السلام همچون ابر بهاری اشک می‌ریزند. مرحوم میرزا قدس سره همیشه به فرزند خود می‌فرمودند: «به منبری‌ها بگویید بیشتر روضه بخوانند.» ایشان عاشق روضه‌ی اهل بیت علیهم السلام بودند و با کمال تواضع با آن دستمال سیاهی که وصیت کرده بود در قبر همراهشان دفن شود، اشک‌های خود را پاک می‌کردند و با آن حالت ملکوتی، فانی در حب اهل بیت علیهم السلام می‌شدند و در مظلومیت آنان به شدت اشک می‌ریختند و علاوه بر آنکه خود گریه‌ی شدید می‌کردند، توجه داشتند که حاضرین هم حالت بکاء به خود بگیرند و اگر مشاهده می‌کردند کسی بی تفاوت نشسته است یا خود تذکر می‌دادند یا به دیگران اشاره می‌کردند که تذکر دهید. ایشان دوست داشتند مجلس روضه به طول انجامد و هر پنج شنبه، صبح‌ها در دفترشان مجلس عزاداری اقامه می‌کردند و خود عاشقانه در آن شرکت می‌کردند و به مقام والای اهل بیت علیهم السلام عرض ادب داشتند. ایشان نسبت به عزاداری و حفظ شعائر دائماً توصیه می‌کردند و به جوانان می‌گفتند: «به حبل المتین اهل بیت علیهم السلام چنگ

ص: ۳۴۵

بزنید که «سفینه‌النجاة» هستند». هرکس در خصوص شعائر و معتقدات مسلم، شبهه‌ای القا می‌کرد پاسخگوی او می‌شدند و اجازه نمی‌دادند کسی به خود جرئت دهد که حرف‌های شبهه‌ناک بزند و معتقدات را زیر سؤال ببرد.

ص: ۳۴۶

تمام وقت خود را صرف ترویج مذهب اهل بیت علیهم السلام نمایید

مرحوم میرزا قدس سره و اهتمام به نشر معارف اهل بیت علیهم السلام

حجت الاسلام والمسلمین، شیخ سعید سواری می‌گوید: علاقه‌ی خاصی بین من و مرحوم فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی قدس سره ایجاد شده بود و سال‌ها با ذوق و شوق در درس مرحوم میرزا قدس سره حاضر شده و استفاده‌ی فراوان می‌کردم، و گاهی بعد از درس خدمت ایشان رسیده و اشکالات خود را مطرح می‌نمودم و ایشان با بزرگواری پاسخگوی مشکلاتم بودند.

شیفتگی بنده به این مرد الهی روز به روز در حال فزونی بود تا آنکه تصمیم گرفتم یک روز بعد از درس از ایشان طلب دعا کنم و بگویم آقا! من به شما خیلی علاقه دارم. یک روز بعد از درس خدمتشان رسیدم و ضمن طلب دعا گفتم: «آقا! من به شما خیلی علاقه دارم.» ایشان لبخندی زد و گفت: «شیخنا! من هم تو را دوست دارم، خدا تو را موفق کند.» قبل از رفتن به تبلیغ تصمیم گرفتم خدمت مرحوم میرزا قدس سره برسم تا مرا نصیحت کند، خدمت ایشان رسیدم و گفتم: «آقا! من در حال سفر به تبلیغ هستم چه می‌فرمایید؟» استاد بزرگوار قدس سره دست مرا گرفت و با حالتی بسیار معنوی که حاکی از ولای سرشار مرحوم میرزا قدس سره بود گفت: «شیخنا! تمام توان خود را در جهت نشر معارف، فضایل و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام به کار ببر و فقط در این موارد مردم را ارشاد نما و ضمن تذکر نکات اخلاقی، از طرح مطالب دیگر خودداری کن و با طرح اخلاق، کردار و معارف اهل بیت علیهم السلام ضمن

ص: ۳۴۷

راهنمایی مردم، از مظلومیت اهل بیت علیهم السلام به آنان بگو.» شیخ سواری می‌گوید: آن قدر مرحوم میرزا قدس سره این کلمات را با اخلاص و محبت به اهل بیت علیهم السلام تذکر می‌داد که من مبهوت در کلماتی بودم که از اعماق وجودشان ادا می‌شد، واقعاً مرحوم میرزا قدس سره استادی بود به تمام معنا، فقدان ایشان ضایعه‌ی بزرگی برای جهان تشیع بود که علی‌رغم گذشت دو سال از رحلت آن بزرگوار هنوز شاگردان ایشان قدس سره در حسرت غم فراقش می‌سوزند.

ص: ۳۴۸

اقامه‌ی مجلس عزاداری برای خاندان اهل بیت علیهم السلام

علاقه‌ی مرحوم میرزا قدس سره به مجلس روضه

معروف بود که وقتی فقیه اهل بیت، میرزا جواد تبریزی قدس سره در مجلس روضه حاضر می‌شدند، به شدت گریه می‌کردند؛ به طوری که گریه ایشان تأثیر عجیبی بر حاضرین در آن مجلس می‌گذاشت و طلاب، به خصوص طلاب جوان، غرق در چهره‌ی نورانی این فقیه می‌شدند که چگونه در مصائب اهل بیت علیهم السلام همچون ابر بهاری اشک می‌ریزند. ایشان عاشق روضه‌ی اهل بیت علیهم السلام بودند. علاوه بر آنکه خود گریه‌ی شدید می‌کردند، توجه داشتند که حاضرین هم حالت بکاء به خود بگیرند و اگر مشاهده می‌کردند کسی بی تفاوت نشسته است، یا خود تذکر می‌دادند یا به دیگران اشاره می‌کردند که تذکر دهید. ایشان دوست داشتند مجلس روضه به طول انجامد و هر پنج شنبه، صبح‌ها در دفترشان مجلس عزاداری اقامه می‌کردند و خود عاشقانه در آن شرکت می‌کردند و به مقام والای اهل بیت علیهم السلام عرض ادب داشتند.

ص: ۳۴۹

حزن در مصائب اهل بیت علیهم السلام

میرزای تبریزی علیهم السلام و عنایت خاص به روضه

یکی از ویژگی‌های بارز مرحوم فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره بی تابی و فزع در مجلس روضه بود، به طوری که طلاب جوان با مشاهده‌ی چنین حالاتی از شخصیتی چون فقیه مقدس، مرحوم میرزا قدس سره سخت تحت تأثیر قرار گرفته و درصدد تأسی به رفتار و حالات آن مرد الهی بر می‌آمدند.

ایشان همیشه به افراد می‌فرمودند: به منبری‌ها بگویید زیاد روضه بخوانند و گاهی خود تذکر می‌دادند که ذکر اهل بیت علیهم السلام در مجالس زیاد شود. ایشان عاشق روضه خواندن بر اهل بیت علیهم السلام بودند و با کمال تواضع با آن دستمال سیاهی که وصیت کرده بودند در قبر همراهشان دفن شود، اشک‌های خود را پاک می‌کرد. ایشان با آن حالت

ملکوتی، در مجلس روضه حاضر می‌شدند و فانی در حب اهل بیت علیهم السلام می‌گردیدند و هر کسی ایشان را مشاهده می‌کرد، تحت تأثیر سیمای ملکوتی وی قرار می‌گرفت و نورانیت خاصی در چهره‌ی مبارکشان نمایان می‌شد. ایشان نسبت به عزاداری و حفظ شعائر دائماً توصیه می‌کردند و به جوانان می‌گفتند: به حب اهل بیت علیهم السلام چنگ بزنید که «سفینه النجاة» هستند.

ص: ۳۵۰

اقامه‌ی مجلس اهل بیت علیهم السلام حفظ شعائر است

میرزای تبریزی قدس سره و حضور در مجلس عزای اهل بیت علیهم السلام

لحظات حضور فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره در مجالس عزاداری اهل بیت علیهم السلام برای دیگران بسیار آموزنده بود. مرحوم میرزا قدس سره قبل از بیماری ۳۰۳ اگر در مجلس روضه حاضر می‌شدند، اجازه نمی‌دادند کسی پشتی یا متکا برای ایشان بیاورد و دوست داشتند متناسب مجلس عزاداری بنشینند و می‌گفتند: «در مجلس اهل بیت علیهم السلام باید طوری حاضر شد که احساس نشود جلسه‌ی استراحت است. مجلس اهل بیت علیهم السلام ضمن اینکه موجب حفظ شعائر است و برهرکس لازم است به هر نحو ممکن در آن شرکت کند، مجلس احترام به آن خاندان و ذکر فضائل و مناقب آنها علیهم السلام نیز هست؛ از این رو شخص باید با هیئتی حاضر شود که خود را ناچیز حساب کند؛ هر چند که مرجع تقلید باشد، بنابراین جای مرا طوری قرار ندهید که احساس شود خود را چیزی حساب کرده‌ام. من به دلیل ابراز ارادت، عمل به تکلیف و عشق، علاقه و محبت به خاندان اهل بیت علیهم السلام حاضر می‌شوم و امیدوارم این حضور ذخیره‌ای باشد برای روزی که: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا

ص: ۳۵۱

۳۰۳ (۱). بعد از بیماری به دلیل اینکه سرماخوردگی برای ایشان خطرناک بود، بنابر توصیه‌ی دکترها، برای ایشان پشتی قرار می‌دادند تا به واسطه‌ی برخورد بدن ایشان با سنگ‌های سرد سرما نخورند.

بُنُون» ۳۰۴. ایشان به تمام معنا عزادار اهل بیت علیهم السلام بود و در هر مناسبت مجلس عزاداری به پا می‌کردند، خود در آن مجلس شرکت کرده و مثل باران گریه می‌کردند و واقعاً مجالس عزاداری مرحوم میرزا قدس سره منحصر به خودشان بود و نگاه به ایشان، در انسان انقلاب ایجاد می‌کرد. ایشان هرگاه کسی را می‌دیدند که عازم عتبات مقدسه است و یا از سفر عتبات مقدسه برگشته است، سخت تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و می‌فرمودند: خوشا به حال شما که مؤمن سید الشهداء هستید! امام حسین علیه السلام را زیارت کنید، زیارتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله، صدیقه‌ی شهیده علیها السلام و ائمه بر زائر آن دعا کردند و همچنین ملائک حافین حول مرقد مطهر سیدالشهدا علیه السلام دعاگوی زوار هستند. ۳۰۵

ص: ۳۵۷

محبت و مودت اهل بیت علیهم السلام

سوزش پای مرحوم میرزا قدس سره

مؤسس فاطمیه و بزرگ پرچمدار انقلاب ایام فاطمیه به عاشورای دیگر، فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره در گرمای سوزان و با پای برهنه همه ساله، سوم جمادی الثانی، روز شهادت حضرت زهرا علیها السلام جهت عرض ادب به ساحت مقدس فاطمه‌ی معصومه علیها السلام همراه با فضلا، طلاب و متدینین به سوی حرم مطهر حضرت فاطمه‌ی

۳۰۴ (۱). سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۸۸.

۳۰۵ (۲). عن معاوية بن وهب، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال لي: يا معاوية لا تدع زيارة الحسين عليه السلام لخوف، فإن من تركه رأى من الحسرة ما يتمنى إن قبره كان عنده، أما تحب أن يرى الله شخصك وسوادك فيمن يدعو له رسول الله صلى الله عليه وآله وعلى و فاطمة والائمة عليهم السلام؟

أما تحب أن تكون ممن ينقلب بالمغفرة لما مضى ويغفر لك ذنوب سبعين سنة؟! أما تحب أن تكون ممن يخرج من الدنيا وليس عليه ذنب تتبع به؟! أما تحب أن تكون غداً ممن يصفحه رسول الله صلى الله عليه وآله؟! [كامل الزيارات، ص ۲۳۰، باب ۴۰، ح ۳۳۸؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۵۳] معاوية بن وهب گفت، امام صادق علیه السلام به من فرمودند:

ای معاویه! به خاطر ترس و خوف، زیارت امام حسین علیه السلام را ترک مکن؛ زیرا کسی که آن را ترک کند چنان حسرتی بخورد که آرزو کند قبر آن حضرت نزدش باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود. آیا دوست داری که خدا تو را در زمره‌ی کسانی ببیند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرات علی، فاطمه و.

معصومه علیها السلام روانه می‌شدند. مرحوم میرزا قدس سره در سال ۱۳۸۳ با پای برهنه در میان موجی از عاشقان اهل بیت علیهم السلام به سوی حرم حضرت معصومه علیها السلام حرکت کردند و گرمای سوزان موجب سوزش پای آن بزرگوار شد. بعد از مراجعه به دفتر، مرحوم میرزا قدس سره با توجه به زخمی که کف پایشان ایجاد شده بود به درمان و تمیز نمودن آن مشغول شدند. در آن هنگام حجت الاسلام والمسلمین، شیخ علی دهنین احسائی و آقا زاده‌ی مرحوم میرزا قدس سره در اتاق نزد ایشان بودند. ناگاه مرحوم میرزا قدس سره رو به شیخ علی دهنین کرده و فرمودند: «ای شیخ ما! این هندی‌ها و پاکستانی‌ها که در ایام محرم، تأسیاً به درد و رنج‌های سیدالشهدا امام حسین علیه السلام روی آتش (ذغال گداخته) حرکت می‌کنند و می‌گویند پاهایشان نمی‌سوزد و احساس (درد و سوزش) نمی‌کنند، راست می‌گویند؛ زیرا شما بین کف پایم از سوزش زخم شده اما من در طول مسیر حرکت، سوزشی احساس نکردم».

ص: ۳۵۸

بگذار پاهایم برای مظلومیت اهل بیت علیهم السلام بسوزد

مرحوم میرزا قدس سره و پاهای برهنه‌ی او در عزای فاطمیه

فرزند فقیه مقدس، میرزای تبریزی قدس سره می‌گوید: حرکت مرحوم میرزا قدس سره با پای برهنه با جمعی از فضلا، طلاب و مؤمنین در روز سوم جمادی الثانی؛ یعنی روز شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام در فصل گرما واقع می‌شد؛ گرما بسیار سوزاننده بود، حتی یک گام برداشتن بر روی زمین با پای برهنه مشکل بود، به طوری که من طاقت نداشتم قدمی بردارم. از این رو به مرحوم والد قدس سره گفتم: «آقا! گرما شدید است، شما اگر اذیت می‌شوید، کفش بپوشید.» ایشان همان طور که به سینه می‌زد و گریه می‌کرد، فرمودند:

«فرزندم! بگذار پاهایم بسوزد. برای مصیبت حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام هرکاری بکنم، کم است. مگر این دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله چه گناهی داشت که این همه ظلم در حق او مرتکب شدند؟ پسر! مگر مصیبت حضرت کم بود؟»

ما در مصیبت بی‌بی دو عالم علیها السلام هر کاری کنیم، کم کرده‌ایم. می‌خواهم تا آنجا که در توان دارم در راه حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام تلاش نمایم تا قیامت حسرت آن را نخورم. اهل بیت علیهم السلام مصائب زیادی متحمل شدند، سیدالشهدا علیه السلام هرآنچه داشت در راه خدا داد و مظلومانه شهید شد و اهل بیتش به اسارت رفتند. بگذار این پاها بسوزد به یاد مظلومیت اهل بیت علیهم السلام.» فرزند مرحوم میرزا قدس سره می‌گوید: وقتی به خانه برگشتیم، کف پای

ص: ۳۵۹

ایشان بر اثر شدت گرمای سوزان، آسیب دیده بود؛ ولیکن ایشان اشک می‌ریخت و می‌فرمود: این برای مصیبت حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام کم است؛ عاشِ سَعِيداً و ماتِ سَعِيداً.

ص: ۳۶۰

هر آنچه در عزاداری سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام انجام دهیم کم است

میرزای تبریزی قدس سره و عزاداری سالار شهیدان علیه السلام

نحوه‌ی عزاداری و عرض ادب خالصانه به ساحت مقدس حضرت اباعبدالله علیه السلام، از جمله سؤالاتی بود که مکرراً از فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره سؤال می‌شد. ایشان در حالی که اشک از دیدگانشان می‌تراوید، می‌فرمودند: امام حسین علیه السلام هر آنچه را که داشت در راه خدا فدا کرد و با فداکاری خود، دین را زنده نگاه داشت، او با اهدای خون خود از زحمات رسول اکرم صلی الله علیه و آله، صدیقه‌ی شهیده علیها السلام، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام دفاع کرد و از هیچ چیز در راه خدا دریغ ننمود و حتی از اهل و عیال خود گذشت؛ حال وظیفه‌ی ماست که هر آنچه در توان داریم برای عزاداری سیدالشهدا علیه السلام به کار گیریم تا این واقعه تا ابد (

ان شاء الله

(زنده نگاه داشته شود. هر کس بخواهد در آخرت خشنود باشد و حسرت نخورد، باید به معنای واقعی حسینی باشد و در ایام وفیات اهل بیت علیهم السلام در مجالس حزن شرکت کند، به خصوص عزاداری صدیقه‌ی شهیده علیها السلام و سالار شهیدان، حسین بن علی علیهما السلام، انسان باید هر آنچه در توان دارد به هر نحو ممکن، ولو با شرکت در مجالس کمک کند، که ان شاء الله تمامی اعمال در میزان ثبت خواهد شد.

ص: ۳۶۱

لحظات شیرین و معنوی

میرزای تبریزی قدس سره و بهترین لحظات زندگی

از فرزند فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره سؤال شد که بهترین لحظه‌ی زندگی آقا قدس سره در چه زمانی و در کدام مکان بوده است؟

فرزند مرحوم میرزا قدس سره می‌گوید: لحظه‌ای که آقا قدس سره در مجلس عزاداری اهل بیت علیهم السلام نشسته و در حال گوش دادن به روضه باشند و حلاوت معنویت آن، لحظه‌ای است که منبری با لحنی حزین مشغول به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام می‌شود، و مورد دیگر که برای مرحوم میرزا قدس سره حلاوت معنوی داشت، آن لحظه‌ای بود که ایشان در حال مطالعه یا درس دادن بودند.

ایشان به درس و بحث عشق می‌ورزیدند و با تمام وجود تلاش می‌کردند که شاگردانی فاضل و آتیه‌دار تربیت کنند و آثاری مفید بر جای بگذارند.

مرحوم میرزا قدس سره در مجلس عزاداری واقعاً بی‌تاب می‌شد و بارها و بارها به اطرافیان می‌فرمودند: «به منبری بگویید زیاد مصیبت بخواند». و خود مرحوم میرزا قدس سره مانند ابر بهاری اشک می‌ریخت و با دستمال سیاهی که مختص پاک کردن اشک‌هایشان بود، صورت نورانی خود را پاک می‌کردند؛ به خصوص در مجلس بی‌بی، حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، حضرت سیدالشهداء علیه السلام و حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام بی‌تاب می‌شدند و

آن گونه ابراز ارادت می‌کرد که هر بیننده‌ای را شیفته می‌نمود، از این رو آن مرحوم قدس سره می‌فرمودند: «بهترین لحظات من آن وقتی است که منبری مشغول به ذکر

ص: ۳۶۲

مصیبت می‌شود». ایشان در زمان حیاتشان هر پنجشنبه مجلس روضه منعقد می‌کردند و خود نیز مانند سایر مردم می‌نشستند و اشک می‌ریختند و بعد از روضه مشاهده می‌شد آن قدر اشک ریخته‌اند که چشم‌هایشان از شدت گریه سرخ شده است. ۳۰۶

ص: ۳۷۱

گریه بر مظلومیت سیدالشهدا علیه السلام

میرزای تبریزی قدس سره و گریه‌ی شدید بر مظلومیت امام حسین علیه السلام

با فرا رسیدن ماه حزن و اندوه، ماه محرم، فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره ضمن برگزاری مراسم عزاداری، جامه‌ی سیاه به تن می‌کردند و هیئت عزا به خود می‌گرفتند، به نحوی که با نگاه به مرحوم میرزا قدس سره می‌توانستیم

۳۰۶ (۱). عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: كان علي بن الحسين عليهما السلام يقول: أيما مؤمن دمت عينا لقتل الحسين بن علي عليهما السلام دمت عني حتى تسيل على خده بؤاه الله بها في الجنة عرفا يسكنها أحقابا، وأيما مؤمن دمت عينا حتى تسيل على خده فينا لأذى مسنا من عدونا في الدنيا بؤاه الله بها في الجنة موبأ صدق، وأيما مؤمن مسه أذى فينا فدمعت عينا حتى تسيل على خده من مضاضة ما أودى فينا صرف الله عن وجهه الأذى وآمنه يوم القيامة من سخطه والنار؛ [كامل الزيارات، ص ۲۰۱، باب ۳۲، ح ۲۸۵؛ وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۵۰۱، ح ۱۹۶۹۲] محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

حضرت سجاد علیهما السلام می‌فرمودند: هر مؤمنی که به خاطر شهادت حسین بن علی علیهما السلام گریه کند، تا اشک بر گونه‌هایش جاری گردد خداوند منان غرفه‌ای در بهشت به او دهد که مدت‌ها در آن ساکن گردد و هر مؤمنی به خاطر ایذاء و آزاری که از دشمنان ما در دنیا به ما رسیده گریه کند، تا اشک بر گونه‌هایش جاری شود خداوند متعال در بهشت به او جایگاه شایسته‌ای دهد و هر مؤمنی در راه ما اذیت و آزاری به او رسد و بگرید، تا اشک بر گونه‌هایش جاری گردد خداوند متعال آزار و ناراحتی را از او بگرداند و در روز قیامت از غضب و آتش دوزخ در امانش قرار دهد.

عن سعد بن عبدالله، عن أبي عبدالله الجاموراني، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن أبيه، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: سمعته يقول: إن البكاء والجزع مكروه للعبد في كل ما جزع ما خلا البكاء والجزع على الحسين بن علي عليهما السلام فإنه فيه مأجور؛ [كامل الزيارات، ص ۲۰۱، باب ۳۲، ح ۲۸۶؛ وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۵۰۷، ح ۱۹۷۰۲].

متوجه ایام حزن شویم. ایشان ماه محرم را با غم و اندوه شروع می‌کردند و وقت روضه خوانی مانند باران اشک می‌ریختند و به منبری‌ها می‌گفتند: «زیاد روضه بخوانید!» مرحوم میرزا قدس سره در مجلس عزاداری و در هنگام روضه از خود بیخود می‌شدند و با شدت شروع به گریه می‌کردند؛ به طوری که اطرافیان خود را تحت تأثیر قرار می‌دادند و هر کسی ایشان را با این هیئت می‌دید، عاشقانه می‌سوخت و هرگاه به ایشان می‌گفتند: آقا! کمی مواظب خود باشید، این قدر بی‌تابی نکنید، برای حالتان مناسب نیست! می‌فرمود: «این اشک‌ها برای قبر و قیامت است، می‌خواهم اسمم جزء عزاداران اهل بیت علیهم السلام و سیدالشهداء (امام حسین علیه السلام) ثبت شود.» و او علاوه بر اینکه تلاش می‌کرد که آخرت خودش مملو از حسنات باشد، دیگران را نیز آموزش می‌داد که چگونه به درگاه اهل بیت علیهم السلام ابراز ارادت کنند. هرکس به آن صورت نورانی نظر می‌کرد، نیافته‌های خود را می‌یافت و می‌فهمید که چگونه باید محبت و علاقه‌ی خود را به اهل بیت علیهم السلام ابراز

ص: ۳۷۲

کند. ۳۰۷

۳۰۷ (۱). عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: نظر أمير المؤمنين عليه السلام إلى الحسين فقال: يا عبْرَة كلِّ مؤمن، فقال: أنا يا أبتاه، قال: نعم يا بني؛ [جامع احاديث الشيعة، ج ۱۲، ص ۵۵۷]

از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت حسین علیه السلام نظر نموده پس فرمودند: ای اشک هر مؤمنی!

حضرت حسین علیه السلام عرض نمود: ای پدر! من اشک هر مؤمنی هستم؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بلی، پسرم!

عن أبي عُمارة المُشَدِّد، قال: ما ذكر الحسين عليه السلام عند أبي عبد الله عليه السلام في يوم قطَّ فرُّيَ أبو عبد الله عليه السلام متبسِّماً في ذلك اليوم إلى الليل، وكان عليه السلام يقول: الحسين عليه السلام عبْرَة كلِّ مؤمن؛ [كامل الزيارات، ص ۲۱۴، باب ۳۶، ح ۳۰۹؛ مستدرک الوسائل الشيعة، ج ۱۰، ص ۳۱۲، ح ۱۲۰۷۳] از ابی عماره منشد نقل کرده‌اند که گفت:

نام امام حسین علیه السلام هرگز نزد امام صادق علیه السلام برده نشد که در آن روز تا شب ایشان متبسم و خندان باشند و می‌فرمودند:

حسین علیه السلام، اشک هر مؤمنی می‌باشد؛ یعنی یاد امام حسین علیه السلام سبب اشک هر مؤمنی می‌باشد.

عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: قال الحسين بن عليّ عليهما السلام:

أنا قتيل العبْرَة لا يذكرني مؤمنٌ إلّا استعبر؛ [كامل الزيارات، ص ۲۱۵، باب ۳۶، ح ۳۱۰] علی بن ابی حمزه از ابی بصیر نقل کرده که وی گفت:

بکاء بودن در مصائب اهل بیت علیهم السلام

میرزای تبریزی بزرگ قدس سره و صدای گریه

فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره افرادی که با صدا و با احساسات بر اهل بیت علیهم السلام گریه می‌کردند را بسیار دوست داشتند. اگر فردی می‌آمد که معروف بود که این آقا در مصائب اهل بیت علیهم السلام «بکاء» است، بسیار خشنود می‌شد و از او طلب می‌کرد که به او نزدیک شود و ضمن لبخند می‌فرمود: «التماس دعا داریم.» خود مرحوم میرزا قدس سره در مجالس اهل بیت علیهم السلام مانند باران اشک می‌ریخت و به خطبا سفارش می‌کرد که زیاد روضه بخوانند. گاهی به خاطر شدت گریه چندین بار خود را در مجلس جابه‌جا می‌کردند، تحمل ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام برایشان سخت بود و نمی‌توانستند آرام بنشینند. مرحوم میرزا قدس سره بارها و بارها در مواطن مختلف به ثواب گریه بر سید الشهداء علیه السلام اشاره کرده و می‌فرمودند: «انسان در طول زندگی همواره لغزش دارد و شیطان در کمین است و ممکن است اشتباه هم بکند، پس باید از شر شیطان به درگاه اهل بیت علیهم السلام پناه برد و یکی از راه‌های نجات از شر شیطان، گریه در مصائب اهل بیت علیهم السلام و کمک خواستن از آنهاست. علاوه بر آن گریه بر مصائب سید الشهداء علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام ثواب فراوانی دارد که بهترین ذخیره برای قبر و قیامت است.» اگر ایشان مشاهده می‌کردند که کسی در مجلس روضه بی تفاوت نشسته است یا خود تذکر

امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت حسین بن علی علیهما السلام فرمود: من گشته‌ای اشک هستم، هیچ مؤمنی من را یاد نمی‌کند مگر آنکه با یاد من اشک می‌ریزد.

عن إسماعیل بن جابر، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: قال الحسين عليه السلام: أنا قتيل العبرة؛ [بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹؛ العوالم، ص ۵۳۶] إسماعیل بن جابر، از امام صادق علیه السلام نقل.

می‌دادند یا با نگاه طرف را متوجه می‌کردند که باید حالت گریه داشته باشد. ۳۰۸

ص: ۳۸۳

گریه بر سیدالشهدا علیه السلام فریضه‌ی الهی

میرزای تبریزی قدس سره معتقد به گریه بر امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام، سید محمد موسوی می‌گوید: در حرم مطهر ثامن الحجج، امام رضا علیه السلام خدمت خطیب شهیر، حجت الاسلام والمسلمین، شیخ عبدالحسین خراسانی رحمه الله رسیدم. به مناسبت، ذکری از مرحوم فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی قدس سره به میان آمد. ایشان ضمن آه کشیدن و ذکر بعضی از مناقب میرزا جواد تبریزی قدس سره گفتند: خدایش بیامزد و به ایشان علو درجه دهد! ایشان فانی در ولای اهل بیت علیهم السلام بود و در مجالس اهل بیت علیهم السلام به شدت اشک می‌ریخت و ابراز ارادت می‌کرد و گریه بر امام حسین علیه السلام را واجب می‌دانست، که این خود دال بر ولای سرشار و علاقه‌ی فراوان آن مرجع راحل به خاندان اهل بیت علیهم السلام است. ایشان در

۳۰۸ (۱). عبدالله بن جعفر فی (قرب الإسناد) عن أحمد بن إسحاق، عن بكر بن محمد، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال للفضيل: تجلسون وتحدثون؟ فقال نعم، فقال: إن تلك المجالس أحبها، فأحيوا أمرنا يا فضيل، فرحم الله من أحبب أمرنا، يا فضيل من ذكرنا أو ذكرنا عنده فخرج من عينه مثل جناح الذباب غفر الله له ذنوبه ولو كانت أكثر من زبد البحر؛ [قرب الاسناد، ص ۳۶، ح ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲، ح ۱۴؛ العوالم الامام الحسين عليه السلام، ص ۵۲۷؛ لواعج الاشجان، ص ۴]

بکر بن محمد می‌گوید، امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: ای فضیل! آیا در مجالستان از ما سخن می‌گویید؟ فضیل گفت: بله! امام علیه السلام فرمود: من این‌گونه مجالس را دوست دارم، پس خداوند مورد رحمت خویش قرار دهد کسی را که زنده کننده‌ی امر ما باشد. ای فضیل! کسی که متذکر مظلومیت ما شود، و اشک از چشمانش خارج گردد، حتی به اندازه‌ی بال مگسی، خداوند متعال می‌بخشد گناهانش را، اگرچه به اندازه‌ی کف دریا باشد.

عن علي بن الحسن بن علي ابن فضال، عن أبيه، قال: قال الرضا عليه السلام: من تذكر مصابنا فيكي وأبكي لم تبك عينه يوم تبكي العيون، ومن جلس مجلساً يحیی فیہ أمرنا لم یمت قلبه يوم یموت القلوب ... الحديث؛ [الامالی الصدوق، ص ۱۳۱؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۴]

امام رضا علیه السلام فرمود: هرکس که مصیبت ما را یادآوری کند پس بگرید و بگریاند، چشم او در روزی که همه‌ی چشم‌ها گریان است، گریان نخواهد شد و هرکس که بنشیند در مجلسی که امر ما را در آن مجلس زنده نگه می‌دارند، روزی که قلب‌ها می‌میرد قلب او نمی‌میرد.

عن الريان بن شبيب، عن الرضا عليه السلام (في حديث) أنه قال له: يا بن شبيب إن كنت باكياً لشيء فابك للحسين بن علي عليهما السلام فإنه ذبح كما يذبح الكبش وقتل معه من أهل بيته ثمانية عشر رجلاً ما لهم في الأرض شبيهون، ولقد بكت السماوات السبع والأرضون لقتله - إلى

مجالس اهل بیت، به خصوص سالار شهیدان و صدیقه‌ی شهیده علیها السلام مانند باران اشک می‌ریخت و به منبری‌ها سفارش می‌کردند که زیاد روزه بخوانید. ایشان قدس سره می‌فرمود: «بهترین لحظه‌ی حیات من همان زیارت عتبات مقدسه و حضور در مجلس روزه می‌باشد.» و وقتی این واقعه برای فرزند مرحوم میرزا قدس سره نقل شد، ایشان اضافه کرد: «اگر کسی در روزه‌ی اهل بیت علیهم السلام، به خصوص سالار شهیدان علیه السلام حالت گریه به خود نمی‌گرفت، مرحوم میرزا قدس سره سخت ناراحت می‌شدند و تذکر می‌دادند و یا به من اشاره می‌کردند، به فلانی بگو این طور در مجلس روزه ننشیند، لا اقل

ص: ۳۸۴

جلوی صورت خود را به حالت گریه بگیرد. ایشان در روزه واقعاً از خود بیخود می‌شدند و مانند باران اشک می‌ریختند و می‌گفتند: به منبری‌ها بگویید روزه زیاد بخوانند».

ص: ۳۸۵

اگر کسی با معرفت اشک بریزد از بهشتیان است

میرزای تبریزی قدس سره و گریه بر مظلومیت سیدالشهدا علیه السلام

هنگامی که فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره در مجلس روزه حاضر می‌شدند، سخت بی‌تابی می‌کردند و مانند باران اشک می‌ریختند و حاضرین را عجیب تحت تأثیر قرار می‌دادند.

روزی فرزند مرحوم میرزا قدس سره خطاب به والد قدس سره خود گفتند: «آقا! چرا در روزه این قدر بی‌تابی می‌کنید، با وضعیتی که دارید، (چهار سال آخر عمر مرحوم میرزا قدس سره که به بیماری گذشت) به شما فشار می‌آید!» مرحوم میرزا قدس سره فرمودند: «فرزندم! گریه‌ی من، ان شاء الله اگر مورد قبول واقع شود، عرض ادب به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام است. من از این گریه دو چیز را دنبال می‌کنم: یکی به خاطر قبر و قیامتم، که ثواب این اشک‌ها برای روزی که»

لا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ

« است، گریه در مصائب اهل بیت علیهم السلام حلال مشکلات است و علاوه بر تأثیر دنیوی، ذخیره‌ای برای آخرت می‌باشد. اگر کسی با معرفت به عظمت مصائب اهل بیت علیهم السلام اشک بریزد از بهشتیان است.

مورد دوم اینکه: می‌خواهم به مؤمنین، به خصوص طلاب جوانی که در آینده، هدایت مردم در دست آنهاست، طریقه‌ی ابراز ارادت و محبت به اهل بیت علیهم السلام و برگزاری مجالس عزاداری برای آنان را آموزش دهم تا بفهمند که در مقابل مظلومیت اهل بیت علیهم السلام باید ابراز احساسات کرده و نباید خود

ص: ۳۸۶

۳۰۹

را در مقابل مقام والای آنان چیزی حساب کنند؛ بلکه باید بر سر و سینه زده و گریه کنند. گریه، علاوه بر اینکه در مقابل مظلومیت اهل بیت علیهم السلام ادای وظیفه است، ذخیره‌ای نیز بسیار گرانبها برای قبر و قیامت می‌باشد؛ زیرا چشمی که بر مظلومیت اهل بیت علیهم السلام گریه کند، در آخرت گریان محشور نخواهد شد. ما تا در دنیا فرصت داریم باید برای آخرت توشه‌ای ذخیره کنیم و از جمله‌ی بهترین ذخیره‌ها، اشک ریختن در مظلومیت اهل بیت علیهم السلام می‌باشد و امید است که به برکت این اشک‌ها خداوند رحیمی نموده و از سر تقصیراتمان بگذرد و توفیق دهد آن باشیم که او دوست دارد.»

ص: ۳۸۷

دستمالی که با آن اشک بر مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را پاک کردم، در کفتم قرار دهید

مرحوم میرزا قدس سره و دستمال اشک‌هایشان

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره، به شرکت در مراسم روضه خوانی اهل بیت علیهم السلام عشق می‌ورزید، و حضور چشمگیری در مجالس روضه داشتند و دو دستمال مخصوص روضه خوانی همیشه همراه خود داشتند که هنگام ذکر مصیبت، اشک‌هایشان را با آن دستمال‌ها از رخساره‌ی نورانی خویش می‌زدودند و بعد از تمام شدن مراسم، آن دستمال‌ها را در جای مخصوصی قرار می‌دادند و به شدت از آنها مراقبت می‌نمودند. این فقیه محب اهل بیت علیهم السلام، بارها به فرزندان خود سفارش می‌کرد که وقتی من از دنیا رفتم، این دستمال‌ها را در کفنم قرار دهید. بعد از ارتحال ملکوتی ایشان، فرزندان آن عالم فرزانه هرچه آن دستمال‌ها را جستجو کردند، آنها را نیافتند، با غم و اندوه از عدم یافتن دستمال‌ها و عمل به آخرین وصیت پدر، لاجرم شروع به تکفین نمودند، همین که کفن را باز کردند، با کمال تعجب آن دو دستمال را میان کفن مشاهده کردند، از اینجا معلوم شد که مرحوم میرزا قدس سره قبل از رفتن به بیمارستان (که آخرین بستری ایشان بود و در همان بیمارستان از دنیا رفتند) دستمال‌ها را در کفن خود قرار داده‌اند که مبدا در آن لحظات سخت، گم یا فراموش شود. یکی از دستمال‌ها را در دست راست مرحوم میرزا قدس سره و دیگری را بر سینه‌ی مبارکشان قرار دادند و دستمالی که

ص: ۳۸۸

مرحوم میرزا قدس سره سال‌ها اشک‌هایشان را با آن پاک می‌کردند، و مکرراً می‌گفتند: اگر چیزی داشته باشم که در آخرت به درد من بخورد، همین دو دستمال است که سال‌ها به عشق اهل بیت علیهم السلام اشک ریخته‌ام، همراه ایشان به خاک سپرده شد تا به گفته‌ی مرحوم میرزا قدس سره، این دستمال‌ها شاهد و فریادری در قبر و قیامت باشد؛ زیرا که ایشان سال‌های متمادی با این دستمال چشمان پر اشک خود در مصائب اهل بیت علیهم السلام را پاک می‌کردند و معتقد بودند که این دستمال‌ها دادرس ایشان خواهند بود و بدین وسیله این پیام را به همگان دادند که باید در دنیا تا می‌توان بر مظلومیت اهل بیت علیهم السلام ابراز احساسات کرد، تا این عرض ارادت‌ها فریادری باشد در قبر و قیامت.

ص: ۳۸۹

مصائب اهل بیت علیهم السلام از آنچه ثبت شده عظیم‌تر است

عرض ارادت میرزای تبریزی قدس سره به سید الشهداء علیه السلام

یکی از سؤال‌هایی که همواره از فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره پرسیده می‌شد و به صورت شبهه درآمده بود در خصوص وقایعی است که اهل منبر ضمن مصائب اهل بیت علیهم السلام نقل می‌کنند و به اصطلاح با طرح آن مقاطع، گریه از مردم می‌گیرند. مرحوم میرزا قدس سره در حالی که اشک می‌ریختند در جواب می‌فرمودند: مصائب اهل بیت علیهم السلام از آنچه که ثبت شده عظیم‌تر است، به خصوص مصیبت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام. اگر خطیب مطلبی را نقل کرد که موجب گریه شد و مردم را به واقعه‌ی کربلا نزدیک کرد مانعی ندارد و در همان جا اشاره به مصدر کند و بگوید: در فلان کتاب دیدم، همین مقدار کافی است. خطبا گاهی در مصائب نقل حال می‌کنند و این امر مردم را منقلب می‌کند، طبیعی است وقتی علی اکبر علیه السلام به میدان می‌رود، وصف حالی با سیدالشهدا علیه السلام وجود دارد و همچنین وقتی علی اصغر علیه السلام بر دستان سیدالشهدا ذبح می‌شود عرض حال دارد و خروج سیدالشهدا علیه السلام به میدان و وداع آخر و ملاقات با زینب علیها السلام در آخرین لحظات خود مناظر بسیار دردناکی است که خطیب آن را به شکل گفتگو به عنوان مصیبت می‌خواند.

ص: ۳۹۰

بهترین ذخیره‌ی قبر و قیامت

مرحوم میرزا قدس سره و دستمال در مجالس روضه اهل بیت علیهم السلام

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره مقید بودند که دستمال سیاهی را که مخصوص گریه بر اهل بیت علیهم السلام بود، در روضه‌ها با خود حمل کنند و به ندرت این کار را فراموش می‌کردند. گاهی اتفاق می‌افتاد که مرحوم میرزا قدس سره بدون برنامه‌ریزی قبلی در مجلس روضه شرکت می‌کردند و به همین سبب دستمال همراهشان نبود، ولیکن ایشان در مجالسی که خبر داشتند روضه برگزار خواهد شد، دو دستمال حمل می‌کردند: یکی سیاه که مخصوص گریه بر مصائب اهل بیت علیهم السلام بود و اشک‌های خود را با آن پارچه‌ی مخصوص سیاه پاک می‌کردند و دیگری دستمال سفیدی بود که مخصوص پاک کردن بینی و دهان مبارکشان بود. ایشان مقید بودند که اشک خود را با آن دستمال سیاه پاک کنند و همیشه می‌فرمودند: «من این دستمال‌ها را برای قبرم می‌خواهم و وصیت کرده‌ام که دستمال‌ها را در قبر من جای دهند تا امانی باشد برای قبر و قیامت». خدا را شکر، فرزندان مرحوم میرزا قدس سره موفق شدند که دو دستمال سیاه را یکی

در دست مبارک و دیگری را بر روی سینه‌ی ایشان جای دهند و مرحوم میرزا قدس سره با این کار خود، به دیگران درس دادند که با تمسک بر این روش، خود را از عذاب قبر در امان دارند و گریه‌های خود را با دستمالی خاص خشک کنند که فریاد

ص: ۳۹۱

رسی باشد در قبر و قیامت و راه گشایی باشد در محشر، هنیئاً له عاش سعیداً و مات سعیداً.

ص: ۳۹۲

مظلومیت اهل بیت علیهم السلام

انحراف چشم مرحوم میرزا قدس سره به دلیل گریه‌ی فراوان

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره در ایام سوگواری اهل بیت علیهم السلام به شدت اشک می‌ریختند، به طوری که چشم مبارک ایشان ساعت‌ها قرمز بود و آثار گریه بر آن نمایان بود. ایشان قدس سره در ایام شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام (ایام فاطمیّه سال ۱۴۲۷ ه. ق) سخت بی‌تاب می‌شدند و به شدت گریه می‌کردند و چون ایشان کسالت داشتند، اطرافیان برای حال ایشان بسیار نگران بودند و می‌گفتند: «آقا! کمتر بی‌تابی کنید؛ برای حالتان خوب نیست!» ولیکن ایشان می‌فرمود: «نمی‌توانم! مصائب حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام به قدری جانسوز است که انسان نمی‌تواند خود را کنترل کند.» مرحوم میرزا قدس سره آن قدر بی‌تابی می‌کرد که سرانجام چشم چپ ایشان از شدت فشار منحرف شد و اطرافیان، به خصوص اعضای شورای استفتاء به وضوح مشاهده می‌کردند که مرحوم میرزا قدس سره اختیار یکی از چشمان خود را از دست داده است. برای علاج چشم مرحوم میرزا قدس سره به پزشکان مختلف مراجعه شد و بعد از بررسی و معاینه، نظر اطباء این بود که چشم هیچ عیبی ندارد، ولیکن به آن فشار آمده و زیاد خسته شده است؛ از جمله دکتر تلاشان که ایشان بعد از معاینه و بررسی کامل چشم مرحوم میرزا قدس سره گفتند: چشم سالم است؛ اما بسیار خسته شده و به آن فشار آمده است. ولیکن نگران نباشید، بگویید، آقا کمی استراحت کنند و از چشم خود کار نکنند.

بعضی از پزشک‌ها سؤال می‌کردند: مگر آقا چه کار می‌کند که آن قدر به

ص: ۳۹۳

چشم هایشان فشار آمده است! وقتی قضیه‌ی بی‌تابی در ایام شهادت ائمه علیهم السلام به خصوص سیدالشهدا علیه السلام، خاندان اهل بیت علیهم السلام و حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را دلیل خستگی چشم آقا بیان می‌کردیم، تحت تأثیر قرار می‌گرفتند که از چهره‌ی آنها می‌شد فهمید و می‌گفتند: این پیر ولاء چقدر نسبت به این خاندان مخلص است. مرحوم میرزا قدس سره هنگامی که شروع به گریه می‌کردند، بسیار اشک می‌ریختند. بارها مرحوم میرزا قدس سره می‌فرمودند:

نمی‌دانید بر خاندان اهل بیت علیهم السلام، حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و سیدالشهدا علیه السلام چه گذشت. مگر خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله مرتکب چه گناهی شده بودند که باید این همه مصائب را تحمل کنند، سپس شروع به گریه می‌کردند و می‌فرمودند: بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام چه مصائبی را تحمل کرد، ولیکن ضمن دفاع از حریم ولایت، مانند همسر خود صبر کرد تا زحمات رسول خدا صلی الله علیه و آله از بین نرود و در کنار مولا علی بن ابی طالب علیه السلام چه مصائبی را تحمل نمود؛ سرانجام غاصبان حرمت او را نگاه نداشتند و به درب خانه‌ی وی هجوم برده و آن را سوزاندند. حضرت بین در و دیوار قرار گرفت و آن چنان ضربه‌ای به جسم مقدسشان وارد شد که بر اثر آن به شهادت رسیدند.

ص: ۳۹۴

کربلای معلی برترین سرزمین

مرحوم میرزا قدس سره و علاقه به زیارت کربلا

بعد از سقوط طاغوت عراق و باز شدن راه کربلا، فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره آرزو داشتند که به جهت زیارت مرقد مطهر اهل بیت علیهم السلام به عراق سفر کنند. و حتی گذرنامه‌ی خود را جهت سفر به عتبات آماده کردند و لحظه شماری می‌کردند که اوضاع کمی آرام‌تر شود تا عازم گردند.

هر روز از وضعیت موجود سؤال می‌کردند و همواره در حسرت زیارت کربلا می‌سوختند و به یاد زیارت عتبات اشک می‌ریختند و می‌پرسیدند:

اوضاع چطور است، آیا توفیق برای ما حاصل می‌شود؟ بعضی از مقلدین وقتی از موضوع خبردار شدند پیشنهاد سفر عمره دادند و مبالغی را جهت سفر مرحوم میرزا قدس سره به عمره فرستادند؛ ولیکن مرحوم میرزا قدس سره قبول نکرده و فرمود: «من تا کربلا را زیارت نکنم جای دیگر نمی‌روم. زیارت کربلا افضل اعمال است. وقتی مردم ببینند من سفر عمره رفته‌ام، فکر می‌کنند که عمره افضل از سفر به کربلا است. من وظیفه دارم اگر موفق شدم اول به کربلا بروم تا اگر دیگران از سفر من مطلع شدند، بدانند که سفر کربلا افضل است.» از این رو علی‌رغم اصرار شدید مقلدین برای سفر به عمره، ایشان تا آخر عمر قبول نکردند و می‌فرمودند: تا کربلا نروم سفر عمره را قبول نمی‌کنم و تا اسم کربلا بر زبان کسی جاری می‌شد اشک می‌ریختند و اگر شخصی می‌گفت: می‌خواهم به کربلا سفر نمایم، اشک می‌ریختند و

ص: ۳۹۵

می‌گفتند: «خوشا به حالت که موفق می‌شوی افضل اعمال را انجام دهی!» سرانجام به دلیل عدم امنیت، سفر مرحوم میرزا قدس سره به کربلا صورت نگرفت.

هرچند که ایشان در دنیا در حسرت زیارت کربلا سوخت اما عاقبت آن‌چنان مقرب درگاه ایزد منان گردید که یقیناً روح پاکش آزادانه به زیارت مشغول است. ۳۱۰

ص: ۳۹۶

۳۱۰ (۱). عن أبي خديجه، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن زيارة قبر الحسين عليه السلام، قال: إنه أفضل ما يكون من الأعمال؛ [كامل الزيارات، ص ۲۷۶، ح ۴۳۱ و ۴۳۲؛ جامع احاديث الشيعة، ج ۱۲، ص ۳۵۴] ابي خديجه از امام صادق عليه السلام، روايت کرده و گفته: از آن حضرت راجع به زیارت قبر حضرت حسين بن علي عليهما السلام پرسیدم، حضرت فرمودند: زیارت آن جناب، افضل اعمال می‌باشد.

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من أحب الأعمال إلى الله تعالى زيارة قبر الحسين عليه السلام، وأفضل الأعمال عند الله إدخال السرور على المؤمن، وأقرب ما يكون العبد إلى الله تعالى هو ساجد باك؛ [كامل الزيارات، ص ۲۷۷، ح ۴۳۴؛ موسوعة احاديث اهل بيت، ج ۴، ص ۴۱۰]

حضرت ابي عبد الله عليه السلام فرمودند: محبوب‌ترین اعمال نزد حق تعالی زیارت قبر حضرت حسين عليه السلام بوده و برترین اعمال نزد او، ادخال سرور و شادی بر مؤمن است و نزدیک‌ترین بنده به خدای تعالی، بنده‌ای است که در حال سجود به درگاه الهی گریان باشد.

زیارت کربلا یا حج و عمره

میرزای تبریزی قدس سره و زیارت کربلا

یکی از مواردی که بعد از سقوط دیکتاتور عراق در ایام حج از فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی قدس سره سؤال می‌شد، مسئله‌ی سفر به حج یا عمره یا به کربلای معلی بود. ایشان می‌فرمودند: قبلاً که راه باز بود، اصلاً سفر به عمره رسم نبود، مردم به سوی کربلا حرکت می‌کردند و سفر حج بر هر شخص با تمکن، یک بار واجب می‌شود اما سفر به کربلا افضل اعمال است و ثواب چندین حج و عمره را برای زائر کربلا در نظر می‌گیرند و خداوند متعال به زائر امام حسین علیه السلام نظر خاصی دارد و اجر و پاداشی متفاوت در میزان اعمال او ثبت می‌کند. سفر به کربلا و زیارت سالار شهیدان علیه السلام علاوه بر اینکه به انسان آرامش خاص و صفای باطن می‌دهد، نوعی حفظ شعائر الهی نیز هست که موجب زنده ماندن دین می‌شود و انسان تا حسرت نخورده، هر وقت برایش تمکن حاصل شد به کربلا برود که ان شاء الله در آخرت جزء زائرین آن حضرت باشد، در هر صورت سفر به کربلا و زیارت سیدالشهدا علیه السلام بر رفتن به حج و عمره مقدم است. لازم به تذکر است عده‌ای از مقلدین مرحوم میرزا قدس سره در خارج کشور پیشنهاد کردند که ایشان جهت مناسک عمره مفرده به مکه سفر کند اما ایشان قبول نکردند و گفتند: «تا کربلا نروم جای دیگر نمی‌روم. اگر عمره بروم مردم خیال می‌کنند عمره

ص: ۳۹۷

مقدم بر کربلا است از این رو من به عمره سفر نمی‌کنم ۳۱۱

۳۱۱ (۱). عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السلام (في حديث) قال: ومن زار قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه كتب الله له ثواب ألف حجة مقبولة، وغفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر؛ [وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۴۴۵؛ امالي طوسي، ص ۲۱۵] امام صادق عليه السلام فرمود: و هر کس که زیارت کند قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد، خداوند متعال می‌نویسد برای او ثواب هزار حج مقبوله، و گناهان گذشته و آینده‌ی او را می‌بخشد.

عن قدامة بن مالك، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من أراد زيارة قبر الحسين عليه السلام لا أشراً ولا بطراً ولا رياءً ولا سمعةً محصت ذنوبه كما يمحص الثوب في الماء، فلا يبقى عليه دنس، ويكتب الله له بكل خطوة حجة، وكل ما رفع قدماً عمرة؛ [تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۴۴؛ وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۴۴۶]

زیارت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام

خود در عشق زیارت می‌سوزم، چگونه مانع دیگران شوم

مسئله‌ی بسیار مهمی که در طول حیات فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره واقع شد، اصرار مکرر به معظم له در خصوص عدم دخالت در مراسم عزاداری و اظهار نظر صریح در خصوص بعضی قضایای اباعبدالله الحسین علیه السلام بود. ایشان تا آخر عمرشان حاضر نشدند در بعضی از قضایا که احتمال داشت از آنها، جهت تضعیف شعائر استفاده شود دخالت کنند و بارها و بارها می‌فرمودند: «من در دستگاه امام حسین علیه السلام دخالت نمی‌کنم.

خوشا به حال آنان که مورد عنایت حضرت امام حسین علیه السلام قرار می‌گیرند، که آخرتشان تضمین است.» و حتی در پاسخ به کسانی که اصرار می‌کردند که هم اکنون که در عراق کشتار است، چرا فتوا نمی‌دهید مردم به زیارت نروند، و از جان خود مواظبت کنند، مرحوم میرزا قدس سره می‌فرمود: «من کسی نیستم که نظر دهم. با توجه به اینکه من خود را خادم سالار شهیدان علیه السلام می‌دانم و در عشق زیارت حضرت علیه السلام می‌سوزم، چگونه مانع مردم شوم از نائل شدن به فیض اعظم، ولو جان انسان در این راه از دست برود. هرکس در راه زیارت سیدالشهدا علیه السلام از دنیا برود شهید است و در آخرت از اجر بالایی برخوردار خواهد بود؛ زیرا که او در راه زیارت سیدالشهدا علیه السلام از دنیا رفته، همان راهی که طی کردن آن افضل اعمال می‌باشد».

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس که اراده کند زیارت قبر امام حسین علیه السلام را، نه از روی تکبر و نخوت و نه ریا و نه سمعه، گناهانش پاک می‌گردد همان گونه که لباس و جامه در آب پاک می‌گردد؛ پس باقی نمی‌ماند بر او آلودگی و ناپاکی و خداوند متعال می‌نویسد برای او به تعداد تمام قدم‌های برداشته شده، ثواب یک حج و هر قدمی که برداشته ثواب عمره برای او می‌نویسد.

عن علی بن معمر، عن بعض أصحابنا قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إن فلاناً أخبرني أنه قال لك: إنني حججت تسع عشرة حجة وتسع عشرة عمرة، فقلت له: حج حجة أخرى، واعتمر عمرة أخرى يكتب لك زيارة قبر الحسين عليه السلام، فقال: أيما أحب إليك أن تحجَّ عشرين حجةً أو تعتمر عشرين عمرةً أو تحشر مع الحسين عليه السلام؟ فقلت: لا، بل أحشر مع الحسين عليه السلام قال: فزر أبا عبد الله عليه السلام؛ [تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۴۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۷؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۷] علی بن معمر از بعضی از اصحاب ما روایت می‌کند که گفت، به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فلانی به من گفت که به شما بگویم من نوزده حج به جا آوردم و نوزده عمره! حضرت به من فرمود که به آن شخص بگویم: حج کن دیگری، به جا بیاورد عمره‌ی دیگری.

سفر به سرزمین کرب و بلا

من در قضایای سیدالشهداء، امام حسین علیه السلام دخالت نمی‌کنم

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره در حفظ شعائر سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام سخت تلاش می‌کردند و همواره مقابل شبهات ایستادگی کرده و با افراد شبهه افکن با صراحت و شجاعت مقابله می‌نمودند. بعد از سقوط حکومت عراق و کشتار شیعیان مظلوم آن دیار توسط «وهاپیون»، همواره از مرحوم میرزا قدس سره در خصوص سفر به کربلا و بعضی عزاداری‌ها سؤال می‌شد (آنان که این سؤال‌ها را می‌کردند، انتظار داشتند مرحوم میرزا قدس سره سفر به کربلا با آن وضعیت موجود و انجام بعضی مراسم را تحریم کنند). مرحوم میرزا قدس سره با کمال اخلاص و فروتنی در جواب سؤال کنندگان می‌فرمود: «من در دستگاه سیدالشهداء، امام حسین علیه السلام، مداخله نمی‌کنم، دخالت در این امور جرئت می‌خواهد که من آن جرئت را ندارم. هر گفتاری، فردا در نزد پروردگار جواب می‌خواهد و من توان جوابگویی را ندارم. من خود عاشق حسینم و حاضرم همه‌ی هستی خود را در راه او فدا کنم و معتقدم، دشمنان هر کاری بکنند، باز هم مردم در جهت زیارت و ارادت به سالار شهیدان علیه السلام کوتاهی نخواهند کرد؛ بلکه شوق و علاقه‌ی آنان بیش از پیش خواهد شد. هرکس می‌تواند در این مسائل تکلیف خودش را تشخیص دهد، چه اشکال دارد انسان در راه زیارت سیدالشهداء، امام

حسین علیه السلام، جان خود را فدا کند! چه اشکال دارد انسان با ترس، هراس و خوف به زیارت سیدالشهداء علیه السلام برود مگر ما از خاندان اهل بیت علیهم السلام برتریم؟! آنان در راه خدا از همه‌ی هستی خود گذشتند. خداوند این

جوانان مخلص را حفظ کند که این گونه با اخلاص، ارادت خود به اهل بیت علیهم السلام را نشان می‌دهند. من برای همه‌ی آن عزیزانی که در راه احیای شعائر حسینی تلاش می‌کنند، دعا می‌کنم.» ۳۱۲

ص: ۴۰۶

برترین عمل، سفر به زیارت سیدالشهدا علیه السلام

کسی در قضایای مرتبط با امام حسین علیه السلام مؤاخذه نمی‌شود

یکی از تجار اخیار می‌گوید: خدا این توفیق را نصیب من کرد که بتوانم بانی شوم و تعداد چهل نفر از زائرین عتبات مقدسه را راهی کشور عراق کنم؛ همزمان با مهیا شدن، درگیری در عراق شدید شد به طوری که ترسیدم برای زائرین اتفاقی رخ دهد. خدمت فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره رسیدم و از ایشان سؤال کردم: «با تعدادی زائر عاشق می‌خواهیم به عراق مشرف شویم ولیکن خوف داریم؟» مرحوم میرزا قدس سره گفتند: «اگر واقعاً خوف دارید سفر را به تأخیر بیندازید.» با توجه به اینکه همه‌ی زائرین مهیا بودند، سخت بود آن سفر را به تأخیر بیندازم، از این رو به مرحوم میرزا قدس سره گفتم: «آقا! اگر آنها را به زیارت بردم و خدای ناکرده برای آنان اتفاقی افتاد فردای قیامت مؤاخذه خواهیم شد؟» ناگهان دیدم مرحوم میرزا قدس سره آهی کشیدند، که نشان از عشق سرشار ایشان به زیارت کربلا

۳۱۲ (۱). عن زرارۃ قال: قلت لأبی جعفر علیه السلام: ما تقول فیمن زار أباک علی خوف؟ قال: یؤمنه الله یوم الفزع الأكبر، وتلقاه الملائکة بالبشارة، ويقال له: لا تخف ولا تحزن هذا یومک الذی فیه فوزک؛ [کامل الزیارات، ص ۲۴۲، ح ۳۵۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۶]

زراره گفت، محضر مبارک حضرت باقر علیه السلام عرضه داشتم: چه می‌فرمایید درباره‌ی کسی که با خوف و هراس، پدر شما را زیارت کند؟

حضرت فرمودند: در روزی که فزع اکبر است، حق تعالی او را امان دهد و فرشتگان به وی بشارت داده و به او می‌گویند: مترس و محزون مباش! امروز روزی است که تو در آن رستگار می‌شوی.

عن أبی بکیر، عن أبی عبد الله علیه السلام قال: قلت له: إني أنزل الأرجان وقلبی ینازعنی إلی قبر أبیک، فإذا خرجت فقلبی وجلّ مشفق حتی أرجع خوفاً من السلطان والسعاة وأصحاب المسالک، فقال: یا ابن بکیر أما تحب أن یراک الله فینا خائفاً؟ أما تعلم أنه من خاف لخوفنا أظله الله فی ظلّ عرشه، وکان محدثه الحسین علیه السلام تحت العرش، وآمنه الله من أفزاع یوم القیامة، یفزع الناس ولا یفزع، فإن فزع وقّرت الملائکة وسکنت قلبه بالبشارة؛ [بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۱؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳۴]

پسر بکیر گفت، محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتم: من به شهر ارجان وارد شده و در آنجا نازل.

بود و گفتند: «کسی به خاطر امام حسین علیه السلام مؤاخذه نمی‌شود! (یعنی اگرچه شخصی خوف داشته باشد و زیارت سیدالشهدا برود، ثواب زیارت را کسب خواهد کرد)». این کلام در دل من جای گرفت و قوت قلبی برای سفر به سوی عتبات مقدسه شد. میرزا قدس سره آن قدر با اخلاص و قاطعیت این کلام را بیان کرد که هرگاه یاد آن می‌افتم، بی‌اختیار اشک، چشمانم را فرا می‌گیرد. این کلام چنان قوتی در وجودم ایجاد کرد که علی‌رغم آن درگیری‌ها به زیارت عتبات

ص: ۴۰۷

مقدسه مشرف شدیم و دائم در ذهنم مرور می‌کردم که کسی به خاطر امام حسین علیه السلام فردای قیامت مؤاخذه نمی‌شود. روحش شاد باد که در هر کلامش دنیایی از معنا نهفته بود. ۳۱۳

ص: ۴۱۲

زیارت سیدالشهدا علیه السلام

تا جوان هستید به زیارت سیدالشهدا علیه السلام بشتابید

۳۱۳ (۱). عن أبان قال: سمعته يقول: قال أبو عبد الله عليه السلام: من أتى قبر أبي عبد الله عليه السلام فقد وصل رسول الله صلى الله عليه وآله وصلنا و حرمت غيبته، و حرم لحمه على النار و أعطاه بكل درهم أنفق عشرة آلاف مدینه له في كتاب محفوظ، و كان الله له من وراء حوائجه، و حفظ في كل ما خلف، و لم يسأل الله شيئاً إلا أعطاه وأجابه فيه، إما أن يعجله و إما أن يؤخره له؛ [كامل الزيارات، ص ۱۲۷]

ابان گفت، شنیدم امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام رود محققاً به رسول خدا صلی الله علیه و آله و به ما اهل بیت احسان نموده و غیبتش جایز نبوده و گوشتش بر آتش حرام است و در مقابل هر یک درهمی که انفاق کرده، خداوند متعال انفاق اهالی و سکنه‌ی ده هزار شهری که در کتابش مضبوط و معلوم است را به او اعطا می‌فرماید و به دنبال آن حوائج و نیازمندی‌هایش را روا می‌فرماید و آنچه را که از خود باقی گذارد حق تعالی حافظ آنها است و درخواست چیزی از خدا نمی‌کند، مگر آنکه باری تعالی اجابتش می‌فرماید اعم از آنکه سریع و بدون مهلت حاجتش را روا کرده یا با تأخیر و مهلت آن را برآورده نماید.

عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام - في حديث طويل - قال: قلت: جعلت فداك ما تقول فيمن ترك زيارته وهو يقدر على ذلك؟ قال: أقول: إنه قد عقر رسول الله صلى الله عليه وآله وعقنا واستخف بأمر هو له، و من زاره كان الله له من وراء حوائجه، وكفى ما أهمه من أمر دنياه، و أنه ليجلب الرزق على العبد، ويخلف عليه ما أنفق ويغفر له ذنوب خمسين سنة، ويرجع إلى أهله وما عليه وزر ولا خطيئة إلا وقد محيت من صحيفته، فإن هلك في سفره نزلت الملائكة ففسلته، وفتحت له أبواب الجنة، ويدخل عليه روحها حتى ينشر، وإن سلم فتح.

از کسانی که فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره با دیدن آنها خیلی خوشحال می‌شدند و اشک در چشمانشان حلقه می‌زد، جوانانی بودند که عازم سفر به عتبات مقدسه بودند، با مشاهده‌ی آنان، ضمن طلب دعا یادآور ایامی می‌شدند که در نجف اشرف مشغول تحصیل بودند و می‌فرمودند: آن موقع ما در سنی بودیم که هر شب جمعه موفق می‌شدیم به زیارت سیدالشهدا علیه السلام برویم و توفیقی بود که از دست ما رفت، خوشا به حال آنان که موفق‌اند! فرزندانم! تا جوان هستید کوله بار خود را پر کرده و کاری کنید که رو سفید به ملاقات خدا بروید. یکی از چیزهایی که عاقبت به خیری به دنبال دارد، زیارت با اخلاص سیدالشهدا علیه السلام است که زیارت آن بزرگوار آثار عجیبی دارد. چه بسیار بزرگانی که توفیقشان را از سیدالشهدا علیه السلام گرفتند و توانستند به جامعه خدمت کنند. خداوند متعال به سبب گذشت سیدالشهدا علیه السلام ویژگی خاصی را به زائرین او داد که یکی از آن موارد غفران گناهانشان می‌باشد. شیطان در کمین است و از هر لحظه استفاده می‌کند تا خدای ناکرده شخص را گول بزند. باید مواظب بود، دنیا دار امتحان است و یکی از راه‌هایی که می‌توان بر شیطان غلبه کرد، باب الحسین علیه السلام است، به او متوسل شوید و زائر واقعی او باشید. خداوند برای زائر سیدالشهدا علیه السلام

ص: ۴۱۳

امتیازات خاصی قرار داده است، تا جوان هستید قدر بدانید ۳۱۴.

۳۱۴ (۱). عن غسان البصری، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من أتى قبر أبي عبد الله عليه السلام عارفاً بحقه غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر؛ [الكافي، ج ۴، ص ۵۹۲؛ کامل الزیارات، ص ۲۶۲]

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که قبر ابي عبد الله الحسين علیه السلام را در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده‌ی او را می‌بخشد.

عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: مروا شيعتنا بزيارة قبر الحسين عليه السلام فإن إتيانه يزيد في الرزق ويمد في العمر مدافع السوء، وإتيانه مفترض على كل مؤمن يقرّ للحسين بالإمامة من الله؛ [کامل الزیارات، ص ۲۸۴، ح ۴۵۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱۳]

امام باقر علیه السلام فرمود: امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حسین علیه السلام که به تحقیق زیارت ایشان رزق را زیاد و عمر را طولانی می‌کند و بدی و شر را دفع می‌نماید و (زیارت آن حضرت) بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حضرتش از سوی حق تعالی دارد، واجب و لازم است.

عن إسحاق بن عمار قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ليس شيء في السماوات إلا وهم يسألون الله أن يؤذن لهم في زيارة الحسين عليه السلام، ففوج ينزل وفوج يعرج؛ [تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۴۶]

امام صادق علیه السلام فرمود: نیست چیزی در آسمان‌ها الا اینکه آنها از خداوند اذن مسئلت می‌کنند برای زیارت امام حسین علیه السلام، و پیوسته گروهی فرود می‌آیند و گروهی دیگر به آسمان باز می‌گردند.

زیارت سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام

زیارت سیدالشهداء علیه السلام مقدم بر مرجعیت

بعد از سقوط رژیم ظالم عراق، فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره بسیار تلاش کردند که جهت زیارت عتبات عازم کشور عراق شوند اما بعضی از مسئولین به دلیل وضعیت امنیتی صلاح نمی‌دیدند. ایشان بارها و بارها تصمیم گرفتند برای زیارت عتبات مقدسه حرکت کنند اما موفق به این امر نشدند. یک روز یکی از آقایان به ایشان گفت: «آقا! شما مرجع هستید و جامعه به شما نیاز دارد، زیارت مستحب است ولیکن حل مشکل شرعی مردم بر دوش شما می‌باشد. شما به تقویت حوزه، تربیت طلاب و دفاع از مبانی برحق تشیع می‌پردازید و این کار کمی نیست، بنابراین فعلاً فکر زیارت نباشید.» ناگهان مشاهده شد مرحوم میرزا قدس سره در حالی که اشک در چشمانشان حلقه زده، فرمود: من این طور فکر نمی‌کنم! فضل کربلا و زیارت سیدالشهداء، امام حسین علیه السلام بسیار عظیم است و اگر کسی هم به درجه‌ای نائل می‌شود، به برکت توسل به خاندان اهل بیت علیهم السلام است.

آرزوی من زیارت سیدالشهداء علیه السلام است و به مرجعیت فکر نکرده و نمی‌کنم و این مذهب صاحب دارد و او خود، پاسدار و نگهبان آن است. اگر وضعیت عراق خوب شود، ان شاء الله به زیارت خواهیم رفت و مرجعیت مانع این کار نمی‌شود.» و بارها می‌فرمود: چه توفیقی در ایام تحصیل در نجف اشرف داشتیم! شب‌های جمعه به کربلا مشرف می‌شدیم و به

عن عبدالله بن الفضل الهاشمی قال: كنت عند أبي عبدالله الصادق جعفر بن محمد عليه السلام فدخل رجل من أهل طوس فقال: يا ابن رسول الله ما لمن زار قبر أبي عبد الله الحسين بن علي عليهما السلام؟ فقال: من زار قبر الحسين وهو يعلم أنه إمام من قبل الله مفترض الطاعة على العباد غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر، وقبل شفاعته في خمسين مذنباً، ولم يسأل الله عز وجل حاجة عند قبره إلا قضاها له ... الحديث؛ [وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۴۱۵].

ساحت حضرت سیدالشهدا علیه السلام عرض ادب می‌کردیم و بهترین ایام عمرمان همان روزها بود و فکر نمی‌کردیم روزی از این فیض الهی محروم شویم، ولیکن هر آنچه واقع شود قضای الهی است و ما راضی به رضای او هستیم. ۳۱۶۳۱۵

ص: ۴۴۰

اطعام در مجالس اهل بیت علیهم السلام

۳۱۵ (۱). حدَّثنی عبدالله بن أبی یعفر قال: سمعتُ أبا عبدالله عليه السلام يقول لرجل من موالیه: یا فلان أتزور قبر أبی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام؟ قال: نَعَمْ إِنِّي أزوره بين ثلاث سنين أو سَنتين مرَّةً، فقال له - وهو مصفرُّ الوجه -: أما واللَّهِ الَّذی لا إلهَ إلَّا هو لَوْ زُرْتَهُ لكانَ أفضلَ لک ممَّا أنتَ فیهِ! فقال له: جُعِلْتُ فِداک أکلُ هذا الفضل؟ فقال: نَعَمْ واللَّهِ، لو إِنِّي حدَّثتکم بفضلِ زیارتِهِ وبفضلِ قبرِهِ لتركتمُ الحَجَّ رأساً وما حَجَّ منکم أحدٌ، ويحكُ أما تعلمُ أَنَّ اللَّهَ اتَّخَذَ [بفضلِ قبرِهِ] كربلاءَ حَرَمًا آمِنًا مبارکاً قبلَ أن یتَّخذَ مَكَّةَ حَرَمًا؟ قال: ابنُ أبی یعفر:

فقلتُ له: قد فرضَ اللَّهُ على الناسِ حَجَّ البیتِ ولم یذكرِ زیارتَهُ قبرِ الحسینِ عليه السلام فقال: وإن کانَ کذلکَ فَإِنَّ هذا شَیءٌ جعله اللَّهُ هکذا، أما سمعتَ قولَ أبی أمیر المؤمنینِ عليه السلام حیثَ یقول:

إِنَّ باطنَ القَدمِ أحقُّ بالمسحِ من ظاهرِ القَدمِ ولكنَّ اللَّهَ فرضَ هذا على العبادِ؟! أو ما علمتَ أَنَّ الموقِفَ لو کانَ فی الحَرَمِ كانَ أفضلَ لأجلِ الحَرَمِ ولكنَّ اللَّهَ صنعَ ذلکَ فی غیرِ الحَرَمِ؛ [کامل الزیارات، ص ۴۴۹، ح ۶۷۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۰۲]

عبدالله بن ابی یعفر گفت، از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که به شخصی از دوستانش فرمودند:

فلانی! به زیارت قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام می‌روی؟

آن شخص گفت: بلی! من هر سه سال یا دو سال، یک مرتبه به زیارتش می‌روم.

حضرت - در حالی که صورتشان زرد شده بود - فرمودند: به خدایی که معبودی غیر از او نیست، اگر او را زیارت کنی، برتر است برای تو از آنچه در آن هستی!

آن شخص عرض کرد: فدایت شوم! آیا تمام این فضل برای من هست؟

حضرت فرمودند: بلی! به خدا سوگند! اگر من فضیلت زیارت آن حضرت و فضیلت قبرش را برای شما.

۳۱۶ تبریزی، جعفر، شعائر حسینی، ۱جلد، دار الصدیقه الشهیده (سلام الله علیها) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۹ ه.ش.

اسراف در مجالس اهل بیت علیهم السلام وجود ندارد

یکی از مؤمنین اخبار به نام حاج صادق رفیعی می‌گوید: یکی از آقایان طلبه به مجلس ما آمد و از من اجازه خواست که میکروفون مجلس را به دست او دهم تا چند جمله‌ای با مردم صحبت کند. از حرف‌های آن آقا معلوم شد که از طعمی که شب‌های محرم توزیع می‌شود گله‌مند است و حتی به آشپزها تذکر داد که این قدر غذا پخت نکنید. آن شب گذشت تا آنکه خدا توفیق داد خدمت فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره در قم رسیدم و از ایشان مسئله را سؤال کردم که ما شب‌های وفیات و به خصوص شهادت سیدالشهدا علیه السلام اطعام می‌کنیم و غذاها زیاد می‌آید که مردم با خود می‌برند یا تقسیم می‌کنیم و در هر حال غذایی که پخته می‌شود بیشتر از تعداد حضار است. آقای رفیعی می‌گوید: مرحوم میرزا قدس سره در حالی که اشک در چشمانشان حلقه زد فرمود: «پخت اضافه در مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام» به خصوص ایام محرم و صفر هیچ گونه اشکالی ندارد. ما برای مجالس اهل بیت علیهم السلام اسراف نداریم به خصوص برای سیدالشهداء علیه السلام بپزید و زیاد بپزید، اگر چه غذا اضافه آید. اطعام، سنت حسنه‌ای است که مؤمنین در طول محرم، صفر و وفیات ائمه علیهم السلام بدان عمل می‌کنند و ان شاء الله مزد آن را در آخرت خواهند گرفت.

ص: ۴۴۱

فردای قیامت در صفوف خدام امام حسین علیه السلام

میرزای تبریزی قدس سره و خدمت به مجالس اهل بیت علیهم السلام

یکی از مسائلی که در محضر مرحوم فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره بسیار مطرح می‌شد، مسئله‌ی کمک تجار به مجالس سیدالشهداء علیه السلام از وجوه شرعیه است، سؤال می‌کردند آیا جایز است از وجوه شرعیه در مجالس سیدالشهدا علیه السلام مصرف شود یا خیر؟

مرحوم میرزا قدس سره با این مسئله طوری برخورد می‌کردند که تجاری که برای سؤال خدمتشان می‌رسیدند با چشمان گریان از مجلس خارج می‌شدند، و عظمت کمک به مجالس سیدالشهدا علیه السلام بر آنان روشن می‌شد.

مرحوم میرزا قدس سره می‌فرمودند: «چرا شما که متمکن هستید و خدا به شما این قدرت را داده، نمی‌خواهید به واسطه‌ی صرف وجوه، فردای قیامت در صف خدام امام حسین علیه السلام قرار گیرید. باب امام حسین علیه السلام، باب مخصوصی است که هرکس را توفیق عبور از آن نیست. ما سال‌ها درس خواندیم و شب و روز زحمت کشیدیم، سرانجام امید ما، به عنایت اهل بیت علیهم السلام است، به سیدالشهدا علیه السلام است، به حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام که دست ما را بگیرند تا حداقل جزء عزاداران آن بزرگواران به حساب بیاییم. سیدالشهداء علیه السلام هرچه داشت در راه خدا فدا نمود، شما نمی‌خواهید از دارایی خود تبرع داشته باشید تا مجلس عزاداری سالار شهیدان با شکوه برگزار شود؟ زنده نگاه داشتن وقایع کربلا و برگزاری

ص: ۴۴۲

مجالس، موجب زنده نگاه داشتن دین می‌شود. فرزندان خود را حسینی بار بیاورید، شما اگر می‌خواهید (

ان شاء الله

(مورد شفاعت آن بزرگوار قرار بگیرید، از مال خود انفاق کنید و کمک کنید که عزاداری‌ها با شکوه برگزار شود و مقداری از سرمایه‌ی خود را، که خدا به شما عنایت کرده برای این کار اختصاص دهید تا فردا رو سفید باشید. اعمال صالح ذخیره کنید که از جمله‌ی آن اعمال همین کمک به هیئات مذهبی و مجالس اهل بیت علیهم السلام است. »

ص: ۴۴۳

میرزای تبریزی قدس سره عاشق زیارت سیدالشهدا علیه السلام

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره عشق عجیبی نسبت به زیارت سیدالشهداء علیه السلام داشتند و هر وقت می‌دیدند شخصی عازم زیارت عتبات مقدسه‌ی عراق است، اشک در چشمانش جمع شده و می‌گفت: «ای کاش خدا این توفیق را نصیب ما کند که زائر امام حسین علیه السلام باشیم.» آن‌گاه از ایامی که در نجف اشرف تشریف داشتند سخن به میان می‌آوردند و می‌فرمودند:

هر شب جمعه توفیق داشتیم زائر امام حسین علیه السلام باشیم که زیارت از افضل اعمال است و زیارت سیدالشهدا علیه السلام علاوه بر آنکه خود اجر و ثواب فراوان دارد، هرکس هم در جهت فرستادن زائر به هر شکل ممکن تلاش کند، مأجور است و موجب تقرب به خداوند متعال می‌باشد.

تا جوان هستید و توانایی دارید از زیارت سیدالشهدا علیه السلام غافل نباشید که بعدها حسرت نخورید، زائرین سیدالشهدا علیه السلام جایگاه خیلی خوبی را دارند. با معرفت آن بزرگوار را زیارت کنید و از او کمک بخواهید که مقام والایی در نزد خداوند متعال دارد و هر آنچه داشت در راه خدا داد و حافظ زحمات رسول خدا صلی الله علیه و آله شد. او مشاهده کرد که عده‌ای اهل دنیا، سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله را از بین برده و تلاش دارند آن را محو کنند. از این رو فرمودند: «

فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أَمِيتَتْ وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيَيْتْ فَإِنْ تَجَبَّيُوا دَعْوَتِي وَتَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرِّشَادِ

« [تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۶۶؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۰؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۴۰] او جان خود و عده‌ای از اهل بیت علیهم السلام خود را

ص: ۴۴۴

فدا کرد تا حقایق بر دیگران روشن شود و دین احیا گردد و از این رو بقای دین به برکت ایثار سیدالشهداء علیه السلام است و خداوند به خاطر این ایثار آن مرتبه‌ی والا را به سیدالشهداء علیه السلام اعطا نمود، و برای زائرینش جایگاه خاصی معین کرد ۳۱۷.

۳۱۷ (۱). عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنَّ زائرَ الحسين جعل ذنوبه جسراً على باب داره ثمَّ عبَّرها، كما يخلف أحدكم الجسر ورائه إذا عبَّر؛ [كامل الزيارات، ص ۲۸۶، باب ۶۲، ح ۴۶۲؛ موسوعه احادیث اهل البیت، ج ۴، ص ۴۰۸]

از حضرت صادق علیه السلام، روایت شده که فرمودند:

زائر حسین علیه السلام گناهانش را پلی بر درب خانه‌اش قرار داده که از آن عبور می‌کند همان طوری که یکی از شما وقتی از پل عبور نمودید آن را عقب سر می‌گذارید؛ یعنی زیارت سیدالشهدا علیه السلام سبب می‌شود که گناهان محو و زائل گردند.

عن بشير الدَّهَّان، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: إنَّ الرَّجُلَ لِيُخْرَجَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِكُلِّ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةٌ ذَنْبِهِ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَقْدُسْ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ، فَإِذَا أَتَاهُ نَجَاةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: عَبْدِي سَلْنِي أُعْطِكَ، ادْعْنِي أُجِيبَكَ، اطْلُبْ مِنِّي أُعْطِكَ، سَلْنِي حَاجَتَكَ أَقْضِيهَا لَكَ، قَالَ: وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَحَقَّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْطِيَ مَا بَذَلَ؛ [كامل الزيارات، ص ۲۵۳، باب ۴۹، ح ۳۷۹ و ص ۲۸۷، باب ۶۲، ح ۴۶۳] بشير دهان، گفت، حضرت صادق علیه السلام درباره‌ی کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌رود فرمودند:

درب‌های رحمت الهی

میرزای تبریزی قدس سره و علاقه‌ی فراوان به خطبا

ویژگی خاص دیگری که فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره داشتند و در افراد دیگر کمتر مشاهده می‌شد، علاقه‌ی فراوان به خطبا بود. اگر اهل منبر به دیدارشان می‌آمد و ایشان متوجه می‌شدند وی خطیب حسینی است، از جای خود بلند شده و سعی می‌کردند او را نزدیک خود بنشانند، سپس ضمن لبخند از حال آنها سؤال کرده و می‌فرمودند: «خوشا به حالتان که خادم امام حسین علیه السلام هستید. این توفیق بزرگی است که خدا به شما اعطا کرده، من چقدر دوست داشتم یک منبری باشم تا بتوانم در منبر به قضایای اهل بیت علیهم السلام خدمت کنم.» مرحوم میرزا قدس سره نصیحت می‌کرد که اهل منبر باید مردم را با قضایای مظلومیت اهل بیت علیهم السلام بیشتر آشنا سازند. من هم زمانی که نجف بودم، در ایام تبلیغ موفق می‌شدم به مناطق ترک زبان عراق؛ از جمله بشیر سفر کنم و از آن سفرها عنایات بسیاری دیدم و خداوند متعال ابواب رحمت خود را بر من باز کرد. یک خطیب اگر با اخلاص خدمت کند و به مردم آگاهی دهد، علاوه بر مقام رفیعی که در آخرت نصیب او خواهد گردید، در دنیا به کسی محتاج نخواهد شد.

منزلت منبر و خطابه بر مظلومیت سید الشهداء علیه السلام

وی هنگامی که از اهلش جدا می‌شود به هر قدمی که بر می‌دارد گناهانش آمرزیده می‌شود، و به هر قدمی تقدیس و تنزیه شده تا به قبر مطهر می‌رسد، وقتی به آنجا رسید خداوند متعال او را خوانده و می‌فرماید:

بنده‌ی من از من سؤال کن تا به تو اعطا کنم، من را بخوان تا اجابتت نمایم، از من طلب نما تا به تو.

ای کاش من خطیب و منبری سیدالشهداء، امام حسین علیه السلام، بودم

جلسه‌ی درس فقه فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره در مسجد اعظم، از امتیاز خاصی برخوردار بود؛ درس پربار و مجتهد پروری که محل اجتماع عده‌ی بسیاری از فضلاء محترم حوزه بود و به اعتراف اکثر آنها، درس مرحوم میرزا قدس سره، مجتهد پرور بود. امروزه شاگردان آن معظم له افتخار حوزه هستند و هنگامی که ایشان بر کرسی درس قرار می‌گرفت، با مطرح نمودن فروع مختلف و استدلال‌های محکم و دقیق، شاگردان را به سوی آموختن و فقیه شدن هدایت می‌کرد و وجود شاگردان آن مرحوم قدس سره دلیل محکمی بر این ادعا است.

روزی یکی از شاگردان اشکالی را از استاد سؤال کردند. مرحوم میرزا قدس سره جواب دادند. شاگرد اشکال را بار دیگر تکرار کرد، مرحوم میرزا قدس سره دوباره جواب دادند، برای بار سوم (با توجه به ضیق وقت)، مرحوم میرزا قدس سره فرمودند: «جواب باشد بعد از درس، اشکال مگیر و دیگر گوش بده!» شاگرد اصرار می‌کند، و مرحوم میرزا قدس سره می‌فرماید: «بعد از درس. بس است، صحبت نکن!» ناگهان شاگرد می‌گوید: «درس محل اشکال است، جلسه‌ی روزه خوانی نمی‌باشد!» مرحوم میرزا قدس سره سخت ناراحت می‌شود و در حالی که بغض گلوی ایشان را می‌گیرد اشک در چشم مبارکشان حلقه زده و می‌فرماید: «این حرف را زن؛ مقام و منزلت منبر، و خطابه بر مظلومیت

ص: ۴۵۹

سیدالشهداء (امام حسین علیه السلام) بسیار عظیم است، ای کاش منبری امام حسین علیه السلام بودم! مقام آنان که در راه نشر مظلومیت اهل بیت علیهم السلام بر منبر حسینی تلاش می‌کنند، بسیار والا است و فردا مایه‌ی حسرت دیگران خواهد شد. من دوست داشتم یک خطیب و منبری امام حسین علیه السلام باشم تا یک مرجع و مدرس؛ ولیکن صدایم یاری نکرد و امروز در راه نشر معارف علوم آل محمد صلی الله علیه و آله تلاش می‌کنم، که امید است مورد قبول درگاه ایزد منان بوده و رضایت اهل بیت علیهم السلام را به دنبال داشته باشد.» ایشان همان گونه که بغض گلویشان را فرا گرفته بود فرمودند: «اگر تمام این تلاش‌هایی که ما می‌کنیم، ثوابش به قدر روضه‌ای حساب شود، کافی است؛ روضه بر ابا عبدالله الحسین علیه السلام جایگاه خاص خود را دارد، که هرکس توفیق آن را نمی‌یابد.»

ص: ۴۶۰

مقام و منزلت اهل بیت علیهم السلام

اهل بیت علیهم السلام را ذکر کن

حجت الاسلام، شیخ منصوری می گوید: چندین بار توفیق یافتم در دفتر فقیه مقدس راحل میرزای تبریزی قدس سره ذکر مصیبتی داشته باشم و به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام عرض ادب کنم. یک روز قبل از اینکه روضه‌ی خود را شروع کنم، خدمت فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره رسیدم و چند دقیقه‌ای جلوس داشتم و از مطالب مختلف که اهل منبر مبتلا به آن هستند سؤال کردم، بعد پرسیدم: «آقا! می‌خواهم منبر بروم و اسم شما را هم ذکر کنم.» شیخ منصوری می‌گوید: «یک دفعه دیدم چهره‌ی میرزا قدس سره عوض شد و در حالی که دست خود را بالا و پایین می‌آوردند، فرمودند: «لا شیخنا! لا شیخنا! اسم مرا نیاور. اهل بیت علیهم السلام را ذکر کن، منبر جای ذکر نام این بزرگواران است. نام امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام، و صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و ... منبر جای نقل فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام است. ما که هستیم که ناممان ذکر شود.» شیخ منصوری می‌گوید: این کلام آن قدر دلنشین بود که از آن درس بزرگی گرفتم و کاشف از عظمت این شخص بزرگوار است که چگونه با تمام وجود سعی داشت نام اهل بیت علیهم السلام مقدم بر همه‌ی امور باشد و اجازه نمی‌داد کسی شبهه‌ای ایجاد کند، و خود با تمام وجود آماده بود تا با بیان و قلم از مظلومیت اهل بیت علیهم السلام دفاع نماید.

ص: ۴۶۱

اجر و پاداش خطبا

اجر منبر سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام، شیخ نصیراوی می‌گوید: من خدمت فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره رسیدم و ایشان چون می‌دانست بنده خادم حضرت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام هستم مرا بسیار احترام کرده و استقبال گرم نمودند.

سؤالی بود که همواره ذهن مرا مشغول کرده بود و دوست داشتم آن را از این مرجع ولایی بپرسم، بنابراین فرصت را مغتنم شمرده و سؤال کردم:

«ما خطبا عادتاً وقتی می‌خواهیم جهت تبلیغ جایی برویم، به خصوص در ایام محرم و صفر یا رمضان، ابتدا متولی مسجد، حسینیّه یا کسی که ما را دعوت کرده است، مبلغ را تعیین می‌کند و می‌گوید، مدتی که شما منبر می‌روید فلان مبلغ را می‌دهیم، و به اصطلاح نرخ منبر ما قبل از شروع مجالس تعیین می‌شود، بفرمایید ما که قبل از سفر مبلغ منبرمان مشخص است و در مقابل آن پول دریافت می‌کنیم، آیا این مسئله موجب نمی‌شود که اجر و ثواب برای ما ثبت نشود؛ زیرا اجر دنیوی ما تعیین می‌گردد؟» مرحوم میرزا قدس سره در حالی که لبخند معناداری زدند، فرمودند: «شما مأجورید و مزد شما محفوظ است، فردای قیامت رو سفید خواهید بود و خود حضرت سید الشهداء علیه السلام شفیع شما خواهد بود. شما قرار می‌گذارید به طور مثال هر روز یک ساعت منبر بروید، آیا تا به حال شده یک ساعت و چند دقیقه منبر بروید؛ یعنی از وقتی که تعیین کرده‌اید کمی بیشتر شود؟» شیخ نصیراوی

ص: ۴۶۲

می‌گوید: گفتم: «بله! اکثر اوقات این طور می‌شود.» مرحوم میرزا قدس سره فرمودند: «همین قدر برای شما کافی است که چند دقیقه‌ای را بدون در نظر گرفتن چیزی، به عشق ائمه علیهم السلام منبر را طول می‌دهید و این مزدش کم نیست،

هنيئاً لكم

».

ص: ۴۶۳

منبری سید الشهداء علیه السلام مرضی امام زمان علیه السلام

مرجع تقلید یا خادم سید الشهداء علیه السلام

حجت الاسلام، شیخ علی دیانی می‌گوید: به شدت به مرحوم میرزا قدس سره علاقه داشتم و ایشان قدس سره هم به اینجانب محبت فراوان داشتند و هنگامی که فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره را می‌دیدم، تمام وجودم مملو از شوق می‌شد. صورتی نورانی داشتند و تواضع، فروتنی و کمال اخلاقی در ایشان متجلی بود. با توجه به علاقه‌ی شدیدی که به این بزرگوار داشتم گاهی بعد از رحلت ایشان قدس سره موفق می‌شدم خواب ایشان را ببینم. یک شب خواب دیدم که مرحوم میرزا قدس سره با لباس سفید و صورتی بسیار نورانی در حال حرکت هستند و مردم منتظر نشسته بودند تا نماز جمعه را اقامه کنند. در عالم خواب گفتم، جلو بروم و از ایشان سؤالاتی بپرسم. نزد ایشان رفتم و گفتم: «آقا! بفرمایید که امام زمان علیه السلام بیشتر دوست دارند یک طلبه، مرجع تقلید شود یا خادم امام حسین علیه السلام (مراد منبری و روضه خوان)؟» یک دفعه دیدم مرحوم میرزا قدس سره شروع به گریه نمودند و اشک‌هایشان جاری شد به طوری که در عالم خواب اشک‌هایشان را مشاهده می‌کردم. فرمودند: «امام زمان علیه السلام بیشتر دوست دارد یک طلبه، خادم امام حسین علیه السلام شود.»

ص: ۴۶۴

روح ولا، پاسخ به شبهات و دفاع از کیان تشیع

مواقف مرحوم میرزا قدس سره قلم‌ها را به حرکت درآورد

سید محمود غریفی بحرانی می‌گوید: با بررسی قرون مختلف پی می‌بریم که در قرن اخیر، مواقف شجاعانه‌ی فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره در دفاع از عقاید برحق تشیع، رد شبهات و بر ملا کردن غرض مشککین، تمام شیعیان غیور صاحب قلم و گفتار را در دفاع از کیان تشیع به حرکت درآورد، به طوری که در این قرن، خطبا و قلم به دستان، مقاله‌ها، جزوه‌ها و کتاب‌های بسیاری تدوین کرده و سعی کردند هر شبهه‌ای را پاسخ دهند، و این همه برکات، مرهون مواقف شجاعانه و منحصر به فرد مرحوم میرزا قدس سره در سده اخیر است که قوت قلبی به ولایتیان داد و آنان را آگاه نمود و موجب تحریک احساسات مخلصین درگاه ولایت شد و با این حرکت الهی، صدها کتاب با عناوین مختلف به چاپ رسید که اکثر آنها حاوی روح ولا، پاسخ به شبهات و دفاع از کیان تشیع هستند.

برای نمونه می‌توان به کتب تدوین شده در خصوص صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام اشاره کرد. قبل از موافق مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره، در این خصوص کتب موجود بسیار محدود بود و شاید به ۴۰ عنوان کتاب بیشتر نمی‌رسید، ولیکن امروزه بعد از موافق الهی مرحوم میرزا قدس سره کتبی که تحت عنوان حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام به چاپ رسیده، به صدها جلد می‌رسد و این به برکت آن مدافع راستین فاطمی است که همه

ص: ۴۶۵

چیز خود را با اخلاص تمام در دفاع از کیان تشیع صرف نمود، لحظه‌ای درنگ نکرد و تا آخرین لحظه بر موافق شجاعانه‌ی خود اصرار داشت و با کتابت استفتائات مختلف در خصوص دفاع از مظلومیت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام، ضمن تأکید بر شعائر حسینی آنها را تقویت نموده و نسل ولایی و عاشق اهل بیت علیهم السلام را تربیت نمود. روحش شاد باد که هر آنچه توان داشت در راه دفاع از کیان تشیع به کار گرفت.

ص: ۴۶۶

بگو خادم سیدالشهدا علیه السلام هستم

خادم بودن بر سیدالشهدا علیه السلام شرف است

حجت الاسلام اسماعیلی می‌گوید: خدمت فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره رسیدم. از آنجا که چندین سال خدمت ایشان افتخار شاگردی را داشتم، تا مرا دیدند بسیار خوشحال شدند و مرا در کنار خود نشانند و سؤال کردند: «شیخ! کجا هستی، پیدایت نیست؟» گفتم: «آقا جان! من به تبریز رفته‌ام و آنجا مستقر شده‌ام.» سؤال کردند: «چکار می‌کنی؟» گفتم: «آقا! عمده‌ی وقتم صرف منبر می‌شود.» مرحوم میرزا قدس سره از من سؤال کرد: «اگر از تو سؤال کنند در تبریز چه می‌کنی، چه جواب می‌دهی؟» کمی به فکر فرو رفتم گفتم: «خطابه می‌خوانم و آخوندی می‌کنم.» ایشان قدس سره به من گفت: «شیخ! هر که از تو سؤال کرد در تبریز چه می‌کنی، بگو من خادم امام حسین علیه السلام هستم و خادم بودن برای سیدالشهدا علیه السلام، شرف است و منزلت والایی دارد. خوشا به حالت که به سیدالشهدا علیه السلام خدمت می‌کنی، آینده‌ی تو تضمین شده است. مرا از دعای خیر فراموش نفرما، خداوند به عزت تو بیفزاید.» شیخ

اسماعیلی می‌گوید: مدتی گذشت، یک روز اواخر شب در تبریز مجلسی داشتم، بعد از پایان مجلس به طرف منزل حرکت کردم، دیدم عده‌ای جوان جلوی راهم را گرفتند و چون دیدند معمم هستم، به خاطر حس جوانی شروع به استعمال الفاظی کردند که حاکی از تمسخر آنها بود.

بعد از آنکه به آنان نزدیک شدم یکی از آنها با حالت تمسخر گفت: «شیخ! چه

ص: ۴۶۷

کاره‌ای؟» یاد کلام مرحوم میرزا قدس سره افتادم که گفت هر که سؤال کرد، بگو خادم حسینم. فوراً گفتم: «من خادم سیدالشهدا علیه السلام هستم.» یک دفعه یکی از آنها میان من و دیگر جوانان حائل شد و صدا زد برگردید کاری به شیخ نداشته باشید، این خادم سیدالشهدا علیه السلام است. از اینجا بود که به عظمت کلام مرحوم میرزا قدس سره پی بردم.

ص: ۴۶۸

عشق به زیارت

ترسیدم که آقا از حال بروند

حجت الاسلام، شیخ حیدر مولی می‌گوید: بعد از زیارت عتبات مقدّسه، به قم مشرف شدم و با توجه به موضع‌گیری شجاعانه‌ی فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره در قضیه‌ی دفاع از حضرت زهرا علیها السلام تصمیم گرفتم خدمت ایشان برسم، از این رو در دفتر معظم له حاضر شده و با استقبال گرم مواجه شدم. مرحوم میرزا قدس سره همین که فهمید من از روحانیون لبنانی و از خادمان منبر امام حسین علیه السلام می‌باشم، مرا در آغوش گرفت و از وضعیت عراق و به خصوص عتبات سؤال کردند، که زیارت شما چگونه بود و چه مشاهده کردی؟ سفر خود را برای ایشان تشریح کردم و گفتم: «توفیق یافتم که به سرداب حرم «ابوالفضل العباس علیه السلام» داخل شوم و منظره‌ی عجیبی مشاهده کردم.» همین که این حرف را زدم، دیدم مرحوم میرزا قدس سره چهره‌اش عوض شد و اشک در چشمانشان جمع گردید و خیره شدند که بینند چه چیزی را مشاهده کردم. برای مرحوم میرزا قدس سره نقل کردم که وارد سرداب

شدم و آب، دور قبر مطهر را فرا گرفته بود، قبر مطهر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام درون آب پنهان شده بود. به سقف نگاه کردم، دیدم سقف هیچ گونه استحکامی ندارد، ولیکن به برکت وجود آن امام فداکار، حرم مطهر حضرت ابوالفضل علیه السلام استوار، ثابت و پایرجا است.

ناگهان دیدم مرحوم میرزا قدس سره اختیار خود را از دست داد و شروع به گریه

ص: ۴۶۹

کرد؛ به طوری که ترسیدم حالشان دگرگون شود. در فکر فرو رفتند و آن قدر منقلب شدند که به نظر می‌رسید صحنه مقابل چشم ایشان مجسم شده است.

در سیمای این مرجع راحل، حب اهل بیت علیهم السلام موج می‌زد، در عشق زیارت می‌سوخت و اشک‌ها را پاک می‌کرد و می‌فرمود: «حضرت ابوالفضل علیه السلام چه فداکاری‌ها کرد؛ به آن حضرت توسّل کنید که حلال مشکلات است. او دین را به تمام معنا یاری کرد و با فداکاری او در کربلا، امام حسین علیه السلام هیچ گاه احساس تنهایی نمی‌کرد تا اینکه فرمود: »

یا حُسین اذْركْ اَخاک

«. آن گاه میرزا قدس سره شروع به اشک ریختن کرد و آرزوی خود را برای زیارت ابراز نمود و فرمود: «ایامی که ما نجف بودیم، هر شب جمعه موفق می‌شدیم به زیارت امام حسین علیه السلام و ابوالفضل العباس علیه السلام نائل شویم؛ ولیکن الان این توفیق از ما سلب شده است. آرزو دارم به نجف برگردم و در کنار قبر ائمه علیهم السلام درد دل کنم.» اما مرحوم میرزا قدس سره به دلیل وضعیت امنیتی عراق تا هنگام وفات موفق به سفر به عتبات نشدند. ایشان مصداق بارز عشق به اهل بیت علیهم السلام بوده و سربازی مخلص، فداکار و آماده برای آن خاندان بودند و تا آخرین لحظات از مبانی حقه‌ی تشیع و مسلمات مذهب دفاع کردند و در مقابل مشککین ایستادند.

ص: ۴۷۰

عرض ارادت به ساحت مقدس سیدالشهدا علیه السلام

عرض ارادت میرزای تبریزی قدس سره به سیدالشهدا علیه السلام

یکی از سؤال‌هایی که همواره از فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره پرسیده می‌شد و به صورت شبهه درآمده بود، در خصوص وقایعی است که اهل منبر ضمن مصائب اهل بیت علیهم السلام نقل می‌کنند و به اصطلاح با طرح آن مقاطع، گریه از مردم می‌گیرند. مرحوم میرزا قدس سره در حالی که اشک می‌ریختند، در جواب فرمودند: «مصائب اهل بیت علیهم السلام از آنچه که ثبت شده عظیم‌تر است به خصوص مصیبت سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام. اگر خطیب مطلبی را نقل کرد که موجب گریه شد و مردم را به واقعه‌ی کربلا نزدیک کرد مانعی ندارد، و در همان جا اشاره به مصدر کند و بگوید در فلان کتاب دیدم، همین مقدار کافی است. خطبا گاهی در مصائب خود، نقل حال می‌کنند و این امر مردم را منقلب می‌کند. طبیعی است وقتی علی اکبر علیه السلام به میدان می‌رود، وصف حالی بر سیدالشهدا علیه السلام وجود دارد و همچنین وقتی گلوی علی اصغر علیه السلام بر دستان سیدالشهدا علیه السلام به واسطه‌ی حمله‌ی ملعون مورد هدف قرار می‌گیرد عرض حال دارد و خروج سیدالشهدا علیه السلام به میدان و وداع آخر و ملاقات با زینب علیها السلام در آخرین لحظات، خود مناظری بسیار دردناکی است که خطیب آن را به شکل گفتگو، به نقل حال در می‌آورد و مصیبت می‌خواند.»

ص: ۴۷۱

مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ

هر گامی در راه امام حسین علیه السلام اجر و ثواب دارد

یکی از شاگردان مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره می‌گوید:

من شبها فراوانی در خصوص شعائر حسینی برایم به وجود آمده بود و هر روز بعد از درس نزد فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره می‌رفتم و شبها در خصوص عزای حسینی را مطرح می‌کردم. به وضوح در چهره‌ی ایشان مشاهده کردم که چگونه با شنیدن اینکه بعضی شبه‌افکنی می‌کنند، می‌سوخت و اشک در چشمان مبارکشان حلقه می‌زد و با آرامش و با قاطعیت جواب می‌دادند. جواب‌های قوی و محکم موجب شده بود که هر روز شبها جدید را جمع

آوری کرده و از آن بزرگوار سؤال می‌کردم و ایشان با تمام وجود و با حوصله حرف‌های مرا گوش داده و جواب می‌دادند.

طی این چند روزی که خدمت ایشان می‌رسیدم، ندیدم حتی یک مورد از موارد مشهوری که عوام در عزاداری انجام می‌دهند را رد نماید و برایم بسیار عجیب بود. بعد از آنکه مرحوم میرزا قدس سره دیدند من مرتب سؤال می‌کنم، دست مرا گرفت و گفت: «شیخنا! بس است، هر گامی برای امام حسین علیه السلام بردارید، اجر و ثواب دارد و کسی به خاطر امام حسین علیه السلام مؤاخذه نمی‌شود. حفظ شعائر سیدالشهدا علیه السلام مصداق بارز

«مَنْ يُعْظَمُ

ص: ۴۷۲

شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» ۳۱۸

است و یکی از موارد دال بر حقانیت تشیع، واقعه‌ی کربلا است. امام حسین علیه السلام هرچه داشت در راه خدا فدا نمود، شما هم تا آنجا که می‌توانید مجالس و دسته‌های عزاداری را با شکوه برگزار کنید که ان شاء الله عزادار امام حسین علیه السلام محشور شوید.»

ص: ۴۷۳

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة

میرزای تبریزی قدس سره و بوسیدن درب مرقد مطهر اهل بیت علیهم السلام

یکی از مناظر بسیار قابل توجه، که از فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره صادر شد و همگان را تأثیر عجیب قرار داد، زیارتی بود که مرحوم میرزا قدس سره به حرم مطهر حضرت زینب کبری علیها السلام و حضرت رقیه علیها

السلام داشتند. در حال خروج و دخول حرم، ضمن بوسیدن ضریح، درب های ورودی حرم را نیز با شوق کامل می‌بوسیدند و این منظره‌ی معنوی، بسیار مؤثر بود.

ایشان می‌فرمودند: «حضرت زینب کبری علیها السلام در واقعه‌ی کربلا و بعد از آن، انقلابی عظیم ایجاد کرد و با حمایت از برادر مظلوم و شهیدش، سیدالشهدا علیه السلام و رساندن خبر ظلم‌هایی که در حق خاندان اهل بیت علیهم السلام در کربلا به دست عمال جور به وقوع پیوست، موجب تثبیت واقعه‌ی کربلا شد و کسی نتوانست آن جنایت‌ها را انکار کند و حضرت رقیه علیها السلام جگر گوشه سیدالشهدا علیه السلام در شام از دنیا رفت تا سند گویای مظلومیت سیدالشهدا علیه السلام و خاندانش باشد. به اسارت گرفتن اهل بیت علیهم السلام و واقعه‌ی خرابه‌ی شام از وقایع غیر قابل انکار است.»

فرزند میرزا قدس سره می‌گوید: میرزا قدس سره سعی داشتند بر حرف‌هایی که گاه گوشه و کنار زده می‌شد، خط بطلان بکشند و بفهمانند که چگونه در مقابل خاندان اهل بیت علیهم السلام باید تواضع کرد. مرحوم میرزا قدس سره یک زیارت تاریخی

ص: ۴۷۴

انجام داد و به همه یاد داد که چگونه در مقابل اهل بیت علیهم السلام عرض ادب کنند.

از مرحوم میرزا قدس سره سؤال شد: «شما چرا مثل عوام زیارت می‌کنید؟» فرمودند: «ضمن آنکه این عمل تسکین قلبی برای خودم است، می‌خواهم به مردم نشان دهم که چگونه در مقابل این بزرگواران ارادت خود را نشان دهند و به حرف‌هایی که ممکن است بعضی‌ها بزنند، توجه نکنند. ما باید تا می‌توانیم ارادت خود به اهل بیت علیهم السلام را نشان دهیم و از آنان کمک بگیریم که آنها کشتی نجات هستند و ما برای قضای حاجات خود باید به آنان متوسل شویم.» (لازم به تذکر است که مرحوم میرزا قدس سره به شام سفر کردند و حرم حضرت رقیه علیها السلام را با آن شکوه و جلال زیارت کردند تا خط بطلانی بشکند بر افرادی که می‌گویند: حضرت رقیه علیها السلام در حالی که کودک بوده از دنیا رفته و زیارت کردن کودک نیازی نیست و ...).

ص: ۴۷۵

تا این افراد هستند، ماجرای امام حسین علیه السلام زنده و ابدی خواهد بود

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره می‌گوید: زمانی که ما در اربعین حسینی از نجف با پای پیاده به سمت کربلا حرکت می‌کردیم، در بین راه مردم با تمام وجود به پیشوا زمان آمده و ما را مهمان می‌کردند. از بسیاری از آنها عذر می‌خواستیم، ولیکن آنان به اصرار ما را مهمان می‌کردند. هرکس با امکاناتی که داشت از ما استقبال می‌کرد. در بین راه، شخصی به محض اینکه ما را دید، از دور شروع به دویدن کرد و از ما خواست که در منزل آنان مهمان شویم. از او عذر خواستیم، جلوی ما را گرفت و با تمام وجود گفت: «به حق ابوالفضل العباس علیه السلام نمی‌گذارم بروید! باید امشب مهمان ما باشید.» و هرچه خواستم وی را قانع کنم، قبول نکرد، شروع به گریه کرد و گفت: «مرا از ضیافت زوار امام حسین علیه السلام محروم نکنید.» به هر حال، با جمعی که بودیم، دیدیم نمی‌شود به خواهش و التماس وی جواب منفی داد. به ناچار به سمت منزل این عاشق حسین بن علی علیهما السلام حرکت کردیم. تمام اهل خانه با دیدن ما بلند شدند، یک گوسفند ذبح کرده و شام مفصلی آماده کردند. بعد از صرف شام، رختخواب‌هایی که تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته بود، در اختیار ما قرار دادند. مرحوم میرزا قدس سره می‌فرمود: «ببینید مردم چگونه عاشق اباعبدالله الحسین علیه السلام هستند. تا اینها هستند، نام و حرکت امام حسین علیه السلام

ص: ۴۷۶

زنده خواهد ماند،

إِنَّ لِلْحُسَيْنِ مَحَبَّةً مَكْنُونَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ۳۱۹، إِنَّ

لَقَتْلُ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَنْ تَبْرُدَ أَبَدًا ۳۲۰.

ص: ۴۷۷

۳۱۹ (۱). مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۳۲۰ (۲). مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

لباس عزا به تن کردن

میرزای تبریزی قدس سره و ایام حزن اهل بیت علیهم السلام

یکی از ویژگی‌های فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره اهتمام خاص دادن به ایام وفیات، به خصوص حزن صدیقه‌ی شهیده علیها السلام و سیدالشهدا علیه السلام بود به طوری که از چهره و لباس ایشان می‌شد تشخیص داد که ایام عزاداری است. قبای سیاه به تن می‌کردند و اجازه نمی‌دادند در مجلس برایش متکا بگذارند (غیر از آخرین سال عمر که سرما برای ایشان مضر بود، از این رو با اصرار پستی برای ایشان گذاشته می‌شد تا سرما نخورند) و در مظلومیت اهل بیت علیهم السلام همچون باران اشک می‌ریخت. در شهادت ائمه‌ی اطهار علیهم السلام بسیار ابراز احساسات کرده و به شدت اشک می‌ریختند و با هیبتی ماتم زده و عزادار در مجلس حاضر شده و خطاب به منبری می‌فرمودند: «زیاد روضه بخوان!» به گونه‌ای اشک می‌ریختند که اطرافیان تحت تأثیر قرار می‌گرفتند.

ایشان می‌فرمود: «بهترین لحظات زندگی من حضور در مجالس عزاداری و روضه‌ی اهل بیت علیهم السلام است.» از این رو ایشان به هر مناسبتی مجلس عزاداری بر پا نموده و خود نیز از اول تا آخر مجلس شرکت می‌کردند و اگر خطیبی خدمت ایشان می‌رسید، کم اتفاق می‌افتاد که چند بیتی در نزد مرحوم میرزا قدس سره نخواند و مجالس خصوصی میرزای تبریزی قدس سره از سه حالت خارج نبود یا بحث علمی بود یا نوشتن استفتاء یا ذکر مناقب، فضایل و روضه‌ی اهل بیت علیهم السلام.

ص: ۴۷۸

عزاداری و عرض ارادت به مقام والای اهل بیت علیهم السلام

صورت این جوان عین جزع است

یکی از جوانان کاشان به دفتر فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره مراجعه کرد، در حالی که دو طرف صورتش زخم هایی ایجاد شده و خون بر روی آن زخم ها بسته شده بود. به فرزند مرحوم میرزا قدس سره گفت: «آیا آقا این گونه عزاداری، که موجب زخمی شدن صورت می شود را جایز می داند؟» فرزند مرحوم میرزا قدس سره می گوید: به جوان گفتم، بهتر است خود آقا صورت شما را ببینند و نظر دهند (بعضی از جوانان هنگام عزاداری به صورت خود چنگ زده و آن را زخم می نمایند). جوان را نزد مرحوم میرزا قدس سره بردم و آن جوان سؤال خود را مطرح کرد. ناگهان اشک در چشمان مرحوم میرزا قدس سره حلقه زد و در حالی که دست خود را بر صورت و محل زخم آن جوان قرار دادند، فرمودند: «فرزندم! این عین جزع است. خداوند شما جوانان را در پناه امام زمان علیه السلام حفظ کند که شعائر را حفظ می کنید و مصداق بارز عزاداران حسینی هستید. بروید و با اخلاص به اباعبدالله الحسین علیه السلام عرض ادب کنید که فردای قیامت روسفید خواهید بود. (ان شاء الله) حضرت امام حسین علیه السلام تمام هستی خود را در راه خدا فدا نمود و با اهدای خون خود، فرزندان و ... شیعه را بیمه کرد. به دوستانتان سلام برسانید و بگویید، در این حرکتی که می کنید، مأجورید و این عزاداری و ابراز اخلاص به درگاه اهل بیت علیهم السلام بهترین ذخیره الهی در قیامت است. مرا هم دعا کنید، من هم

ص: ۴۷۹

برای شما دعا می کنم.» آن گاه مرحوم میرزا قدس سره در حالی که صورتشان قرمز شده بود و اشک در چشم مبارکشان حلقه زده بود فرمودند: «خوشا به حال این جوانان! خوشا به حال این جوانان!»

ص: ۴۸۰

مهما شربتم عذب ماء فاذكرونی

السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین

یکی از خصوصیات بسیار معنوی و مؤثر فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره توسلی است که بعد از آب نوشیدن پیدا می‌کردند. بارها مشاهده می‌شد که وقتی آب می‌نوشیدند، سر مبارک را به سوی آسمان و دست مبارک را بالا برده و در حالی که اشک در چشم ایشان حلقه می‌زد، می‌گفتند:

«السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین علیه السلام!» مرحوم میرزا قدس سره طوری زندگی می‌کرد که حس می‌شد تمام وقایع کربلا جلوی ایشان همواره مجسم است؛ زیرا در هر موردی که شمه‌ای از مصائب یا وصایای سیدالشهدا علیه السلام به میان می‌آمد، مرحوم میرزا قدس سره عکس العمل نشان می‌داد. از جمله، هنگام نوشیدن آب، که ضمن سلام فرستادن بر سیدالشهدا و یاد تشنگی آن حضرت علیه السلام، همگان را متوجه می‌کردند که «

شیعتی مهما شربتم عذب ماء فاذکرونی» ۳۲۱.۳۲۲

ص: ۴۸۱

عاشق زیارت سیدالشهدا علیه السلام

مکاشفه‌ی حضور فقیه مقدس قدس سره در کربلای معلی

حجت الاسلام، شیخ حسین مطلبی فشارکی می‌گوید: من در ماه جمادی‌الثانی سال ۱۴۲۸، یک شب قبل از شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام موفق شدم در کربلای معلی و در منزل مسکونی مرحوم میرزا قدس سره (در کربلا) که نزدیک حرم مطهر می‌باشد، بیتوته کنم. در حال دعا و ذکر بودم که دخترم، که اهل توسل است و در این جهت موفق می‌باشد فریاد زد: «بابا! بابا! مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره در اتاق عقبی نشسته است.» دخترم می‌گفت:

۳۲۱ (۱). معالی السبطين، ج ۱، ص ۳۲۵.

۳۲۲ (۲). عن داود الرقي قال: كنت عند أبي عبدالله عليه السلام: إذ استسقى الماء، فلما شربه رأيت قد استعبر اغرورقت عيناه بدموعه، ثم قال لي: يا داود لعن الله قاتل الحسين عليه السلام، فما من عبدٍ شرب الماء فذكر الحسين عليه السلام ولعن قاتله إلّا كتب الله له مائة ألف حسنة، وخط عنه مائة ألف سيئة، ورفع له مائة ألف درجة، وكأنما أعتق مائة ألف نسمة وحشره الله تعالى يوم القيامة تلج الفؤاد: [الكافي، ج ۶، ص ۳۹۱؛ كامل الزيارات، ص ۲۱۲]

داود رقی می‌گوید: در محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودم، حضرت آب طلبیدند و زمانی که آب را نوشیدند-

«هنگامی که درب اتاق را باز کردم، یک لحظه ایشان را مشاهده کردم که در حال توسل بر روی زمین نشسته بود.» شیخ حسین فشارکی می‌گوید: من از این مکاشفه متعجب نشدم؛ زیرا که می‌دانستم مرحوم میرزا قدس سره چقدر عاشق سیدالشهدا علیه السلام بود و با این مکاشفه برایم روشن شد که روح بلند ایشان در کربلای معلی حضور دارد. اشخاصی مثل ایشان که خود را به تمام معنا فدای مذهب کرده بودند و در مجالس ابا عبدالله

ص: ۴۸۲

الحسین علیه السلام از خود بیخود می‌شدند و آن گونه اشک می‌ریختند، حضور روح معنوی ایشان در کربلای معلی بعید نمی‌باشد و خداوند این عنایت را به مرحوم میرزا قدس سره کرده است که در آن سرزمین حضور یابند. یادش گرامی باد که عاشقانه در مصائب اهل بیت علیهم السلام بی‌تابی می‌نمود و گریه‌های فراوان می‌کرد و می‌فرمود: امام حسین علیه السلام، همه چیز خود را در راه خدا فدا کرد.

ص: ۴۸۳

عشق به خاندان عصمت و طهارت

میرزای تبریزی قدس سره، دل سوخته‌ی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام

حجت الاسلام محمد امین پورامینی می‌گوید: استاد بزرگوارمان، فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره دارای دلی سوخته و مملو از عشق به خاندان عصمت و طهارت بود، به هنگام بیماری به زیارت مرقد شریف حضرت رقیه علیها السلام در شام شتافت، و آنجا سخنانی ایراد فرمودند، که ضمن تثبیت فضیلت حضرت رقیه بنت الحسین علیه السلام و تأکید بر بودن قبر آن حضرت علیها السلام در مکان فعلی، به منحرفینی که درصدد تضعیف زیارت آن حضرت علیها السلام تلاش می‌کردند نیز جواب محکمی دادند، قلب دل سوختگان ولایت را شاد کرده و رونق خاصی به زیارت آن مکان مقدس دادند.

استاد الفقهاء والمجاهدين، میرزا جواد تبریزی قدس سره هنگام زیارت و ورود به مرقد مطهر حضرت رقیه علیها السلام؛ (کشور سوریه، شام) دختر امام حسین علیه السلام فرمودند:

یادگیری احکام شرعی و فراگیری مسائل فقهی از برترین کارهاست.

شما می‌دانید که در رابطه با ثبوت موضوعات خارجی، حدودی وجود دارد و در همه و یا در بیشتر آنها باید بینه (دلیل) اقامه گردد، اما در پاره‌ای از امور مجرد، شهرت در ثبوت آنها کافی است و نیازی به اقامه‌ی بینه و یا چیز دیگری وجود ندارد؛ مثل آنکه کسی زمینی را بخرد و پس از آن به وی گفته شود که این زمین وقف بوده است، از امام علیه السلام در مورد حکم این زمین

ص: ۴۸۴

(وقف) سؤال می‌شود، امام علیه السلام فرمودند: اگر بین مردم مشهور باشد که این زمین وقف است، خرید آن جایز نیست، و آن را پس بدهد، و از این قبیل است حدود منی و مشعر، (که با شهرت ثابت می‌شود)، و همچنین مقابر، ممکن است کسی دویست سال پیش در جایی دفن شده باشد، والان کسی نباشد که خود، محل دفن وی را در این مکان دیده باشد، اما بین مردم مشهور باشد که در این مکان دفن شده است، این شهرت کافی است. و از این روست مقام و مزار حضرت رقیه بنت الحسین علیها السلام، که از اول مشهور بود، گویا سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام نشانی را از خود در شام به یادگاری سپرده است تا فردا کسانی پیدا نشوند که به انکار اسارت خاندان طهارت علیهم السلام و حوادث آن پردازند. این دختر خردسال گواه بزرگی است بر اینکه در میان اسیران حتی دختران خردسال نیز بوده‌اند، ما ملتزم به این هستیم که بر دفن حضرت رقیه در این مکان، شهرت قائم است، حضرت، در این مکان جان سپرده و دفن شده است. ما به زیارتش شتافتیم، و احترام او را باید پاس داشت؛ یعنی نگوئید که رقیه دختر خردسال بوده، پس زیارتش چه فضیلتی دارد! علی اصغر علیه السلام که کودک شیرخواری بود، دارای آن مقامی است که روبه‌روی حضرت سیدالشهدا علیه السلام در کربلا دفن گردید، گفته‌اند که دفن وی در این مکان نشان از آن دارد که در روز حشر، سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام این کودک خردسال را به دست گرفته و نشان خواهد داد. دفن رقیه، طفل خردسال در شام، گواه بزرگ و نشان قوی از اسارت خاندان طهارت، و ستم

ص: ۴۸۵

روا داشته بر ایشان دارد؛ آن ستمی که تمام پیامبران، از آدم تا خاتم علیهم السلام بر آن گریستند، تا آنجا که خدا عزای امام حسین علیه السلام را بر آدم خواند، از این رو احترام این مکان لازم است. به سخنان فاسد گوش فرا ندهید، و به سخنان باطلی که می‌گویند، حضرت رقیه طفلی خردسال بیش نبود پس زیارتش فضیلت ندارد، گوش فرا ندهید. مگر

علی اصغر علیه السلام کودک خردسال نیست که در روز قیامت شاهدهی خواهد بود، و موجب آمرزش گنهکاران شیعه خواهد شد، ان شاء الله.

بنابراین بر همه واجب است که احترام مقام و مکان حضرت رقیه را داشته باشند، و به سخنان فاسد و بیهوده‌ای که از گمراهی شیاطین است گوش فرا نداده و اعتنایی نکنند.

ما با زیارت دختر امام حسین علیه السلام (حضرت رقیه) به خداوند متعال تقرب می‌جوییم، آن دختری که خود مظلوم بود، و خاندان وی نیز همه مظلوم بودند.

ص: ۴۸۶

ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام علاقه را در قلب مردم بیشتر می‌کند

میرزای تبریزی قدس سره و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام

همه ساله در نیمه‌ی شعبان، عده‌ای از طلاب ضمن برگزاری مجلس جشن به مناسبت ولادت باسعادت امام زمان علیه السلام در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام قم، یک روز معتکف شده و برنامه‌های متنوع و بامعنویتری برگزار می‌کردند و چند سالی بود که جهت اقامه‌ی نماز صبح روز میلاد حجت بن الحسن العسکری علیه السلام از فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره دعوت می‌نمودند. چند روز قبل از نیمه‌ی شعبان سال ۱۳۸۴ (سال آخر حیات مرحوم میرزا) یکی از عزیزانی که مسئول برنامه‌ی احیای شب نیمه‌ی شعبان بود به دفتر این مرجع فقید تشریف آوردند و گفتند: می‌خواهیم ضمن اینکه مرحوم میرزا قدس سره توجهی به این مجلس داشته باشند، نماز صبح را هم اقامه کنند. ایشان بعد از حاضر شدن در محضر ایشان قدس سره درخواست خود را بیان کردند.

مرحوم میرزا قدس سره ضمن تشویق این گروه به این کار عظیم و مسئله‌ی جشن و اعتکاف در مسجد، فرمودند: «من برای نماز حاضر می‌شوم و کمک هم می‌کنم که ان شاء الله مجالس باعظمت برگزار شود؛ البته به شرطی که در مراسم، روضه‌ی مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام نیز خوانده شود.» آن گاه اشک در چشم مبارکشان حلقه زد و در حالی که صدا در گلو

ایشان به لرزه درآمد، فرمودند: «بر مظلومیت اهل بیت علیهم السلام اشک بریزند و روضه حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را بخوانید.» آن گاه فرمودند: «شاید سؤال کنید که چرا در روز جشن، روضه بخوانیم؟ زیرا آن قدر به اهل بیت علیهم السلام ظلم شد که معاندین، روز خوشی را بر ما نگذاشتند، تصور آن صحنه‌ها و آن ظلم‌ها انسان را بی‌تاب می‌کند. حضرت سیدالشهدا را آن‌گونه به شهادت رساندند و حتی به طفل شش ماهه هم رحم نکردند و در روی دستان پدرش، او را مورد هدف تیر قرار دادند و گلوی نازکش را شکافتند.

امید است با توسل در آن مجلس، امام عصر علیه السلام عنایتی بفرماید و خداوند تفضلی کند که شیعه دلشاد شود.»

اهمیت دادن به ایام وفیات ائمه علیهم السلام

با اقدام فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره فاطمیّه به عاشورای دیگری تبدیل شد

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره همیشه سفارش می‌کردند که ایام وفیات ائمه علیهم السلام با شکوه برگزار شود و تذکر می‌دادند که مجالس با معنویت و پر محتوا برگزار شود و در شأن خاندان رسالت علیهم السلام باشد. ایشان بر عزاداری سنتی تأکید داشتند و در ایام وفیات، به خصوص در ایام شهادت سالار شهیدان، حسین بن علی علیهما السلام با اندوه و حزن فراوان وارد مجلس می‌شدند و همواره آن روزها غمگین بودند و اگر کسی را مشاهده می‌کردند که می‌خندد یا مشغول کاری است که مناسب آن روز نیست، تذکر می‌دادند.

از جمله یادگاری‌های فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره تبدیل فاطمیّه حضرت فاطمه‌ی زهرا قدس سره به عاشورای دیگر است. ابتدا مردم در شهرهای ایران به ایام فاطمیّه، آن بهای خاص را نمی‌دادند و بیرون آمدن گروه‌های عزاداری و حرکت هیئات مرسوم نبود؛ بلکه فقط مجالس عزاداری برگزار می‌شد (آن هم محدود)؛ بعد از موضع‌گیری مرحوم میرزا قدس سره و رد شبهاتی که در خصوص قضیه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا قدس سره وارد شده

بود، و بعد از سخنرانی آتشی که در درس خارج فقه ایراد فرمودند. فاطمیه رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. ایشان برای تثبیت فاطمیه و بیان اهمیت آن، در روز شهادت حضرت علیها السلام با جمعی از فضلا،

ص: ۴۸۹

طلاب و مؤمنین با پای برهنه بر روی زمین داغ به سوی حرم حضرت معصومه علیها السلام حرکت کردند، که با این حرکت، تمام هیئات و مراکز مذهبی الگو گرفتند و سال‌های بعد، هیئات برای عرض تسلیت به حضرت معصومه علیها السلام در روز شهادت حضرت زهرا علیها السلام بر سر و سینه‌زنان به طرف حرم مطهر روانه شدند و پایهی این حرکت را مرحوم میرزا قدس سره بنا نهادند و با این حرکت عاشورایی، موفق شدند فاطمیه را به عاشورای دیگر تبدیل کنند و این یادگار آن مخلص درگاه حضرت فاطمهی زهرا علیها السلام بود، ایشان تا آخرین سال‌های حیات خود، حتی سال آخر حیاتش، علی رغم تشدید بیماری، روز شهادت حضرت فاطمهی زهرا علیها السلام برای عرض تسلیت به بی‌بی حضرت معصومه علیها السلام و عرض ادب به ساحت مقدس حضرت فاطمهی زهرا علیها السلام پای برهنه بر روی زمین گرم از دفتر خود به سمت حرم مطهر روانه شدند و بر سینه و سر زنان و گریه‌کنان، مقداری از راه را پیاده حرکت کردند؛ ولیکن متأسفانه در نیمه‌ی راه به دلیل ضعف و ناتوانی نتوانستند پیاده به حرکت خود ادامه دهند و بقیه‌ی راه را با ماشین (همراه عزاداران) حرکت کردند و آن سال، مرحوم میرزا قدس سره حال و هوای خاصی داشتند و با خلوص تمام در ایام فاطمیه بی‌تابی می‌کردند. گویا می‌دانستند که آخرین فاطمیه‌ی عمر شریفشان است و هنوز اشک‌های خالصانه‌ی آن عالم ربانی که همچون باران از گونه‌های مبارکشان جاری می‌شد، در خاطره‌ها باقی است و هرگز از ذهن‌ها پاک نمی‌شود که چگونه برای دفاع از مظلومیت

ص: ۴۹۰

فاطمهی زهرا علیها السلام و مسلمات مذهب برحق تشیع، با اقدامی شجاعانه و پایی برهنه بر روی زمین تفدیده حرکتی جاوید گونه از خود به یادگار نهاد، تا درسی باشد برای دیگران که چگونه ارادت خویش را به اهل بیت علیهم السلام ابراز کنند. روحش شاد باد که با تمام وجود در راه دفاع از دین و مذهب، عمری تلاش نمود.

ص: ۴۹۱

مقام و جایگاه حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

میرزای تبریزی قدس سره و توسل به ابوالفضل العباس علیه السلام

علاقه‌ی وافر فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره به مجالس توسل به اهل بیت علیهم السلام زیانزد خاص و عام بود. ایشان در مجلس عزای اهل بیت علیهم السلام بسیار اشک می‌ریختند و به شدت ابراز احساسات کرده و سفارش می‌کردند که بگویید، روضه‌ی باب الحوائج (ابوالفضل العباس علیه السلام) را بخوانند و با شنیدن لفظ «ابوالفضل العباس علیه السلام» اشک در چشمانشان حلقه می‌زد و به لفظ «عباس» علاقه‌ی خاصی داشتند و به خطبا می‌فرمودند: «به ابوالفضل العباس علیه السلام توسل کنید که «باب الحوائج» است و این شخصیت باوفا و شهید، تمام هستی خود را در راه خدا فدا کرد و بهترین یار و یاور سالار شهیدان بود؛ به طوری که با شهادتش، مولا، ابا عبدالله الحسین علیه السلام فرمودند:

«الآن انكسر ظَهْرِي ٣٢٣»

«ایشان حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را نسبت به مرتبه و مقام خود، معصوم می‌دانست و در استفتائی از ایشان در خصوص عقیده‌ی بنی‌هاشم و ابوالفضل العباس علیهما السلام آمده است: «هرچند که ایشان در رتبه‌ی ائمه علیهم السلام نیستند؛ ولیکن نسبت به رتبه و جایگاه خود، معصوم هستند.» ایشان از خاطرات دوران تحصیل نجف می‌فرمودند: چه ایام با معنویتی بود، شب‌های جمعه موفق می‌شدیم ساقی کربلا را زیارت کنیم؛ آن فداکاری که با حماسه‌ی خود دین را بیمه کرد و با تمام وجود در خدمت

ص: ۴۹۲

سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام بود. او علمدار راستین و حامی واقعی بود، به طوری که امام حسین علیه السلام روز تاسوعا هنگامی که لشکر عمر بن سعد به خیام نزدیک شدند، خطاب به ابوالفضل العباس علیه السلام فرمود: «

بنفسي أنت» ۳۲۴

۳۲۳ (۱). بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۲؛ العوالم، ص ۲۸۵.

۳۲۴ (۱). الارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۹۰.

؛ یعنی برادر، جانم فدای تو! این جمله را امام حسین علیه السلام در حق کسی به کار نبرده است و این دال بر مقام والای ابوالفضل العباس علیه السلام است.

ص: ۴۹۳

السلام عليك يا اباالفضل العباس عليه السلام

علاقه‌ی فراوان مرحوم میرزا قدس سره به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

در موطن متعدد مشاهده شد که فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره به خطبایی که خدمتشان می‌آمدند، می‌فرمود: «به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام توسل کنید» و از آنان می‌خواستند که مجلس به نام آن بزرگوار برپا شود و هرگاه نام حضرت را بر زبان می‌آوردند، به سرعت چشمانشان پر از اشک می‌شد و در حالی که بغض گلویشان را می‌گرفت، اسم علمدار با وفای کربلا را به زبان می‌آوردند. بسیار مشاهده شد کسانی که مشکل داشتند و از مرحوم میرزا قدس سره کمک می‌خواستند، آقا می‌فرمود: به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام توسل کنید که حلال مشکلات است و نباید از توسل به این بزرگوار غافل شد که مجرب است. مردی که تمام وجود خود را در راه خدا فدا نمود و با قدرت و اعتقاد کامل از دین دفاع کرد و تا زنده بود اجازه نداد کسی به خیام حرم نزدیک شود، این شخصیت تا زمانی که در میدان بود مولانا، ابا عبدالله علیه السلام احساس تنهایی نمی‌کرد، اما همین که حضرت ابوالفضل علیه السلام بر زمین افتاد ابا عبدالله الحسین علیه السلام فرمود: الان کمرم شکست.

مرحوم میرزا قدس سره هر جا نام ابوالفضل علیه السلام را می‌شنیدند، خود به خود دگرگون می‌شدند و بارها و بارها از زبان مبارک ایشان شنیده شد که

ص: ۴۹۴

می‌فرمودند: «ابوالفضل العباس علیه السلام در دشت کربلا چه‌ها کرد، چه جان‌فشانی‌ها کرد، هرچه داشت در راه خدا فدا نمود و سیدالشهدا علیه السلام را تا آخرین لحظات تنها نگذاشت. پرچمدار راستین اسلام بود و آن قدر مقامش والا است که به «باب الحوائج» معروف شد؛ زیرا توسل به این بزرگوار مجرب است. به اهل منبر سفارش کنید که از ابوالفضل علیه

السلام زیاد مصیبت بخوانند و اگر کسی گرفتار است و مشکلی دارد، بگوئید به این بزرگوار متوسل شود. برای ابوالفضل العباس علیه السلام مجلس روضه خوانی بگذارید؛ ان شاء الله حاجاتتان برآورده می شود».

ص: ۴۹۵

باب الحوائج

توسل به ابوالفضل العباس علیه السلام

آقای محمدرضا دشتی می گوید: یک روز اول وقت، خدمت فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره رسیدم، ایشان مطالب ولایی بسیار مفید و مؤثری نقل کردند، از جمله فرمودند: من از دوران جوانی به ابوالفضل العباس علیه السلام علاقه ای فراوان داشتم و به او توسل می کردم. بعد از آنکه تصمیم گرفتم دبیرستان را ترک کنم و به دروس حوزه مشغول شوم یک شب در عالم خواب دیدم که حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام سوار بر اسب هستند. خدمت آن بزرگوار سلام کردم و در حالی که آن وجود نازنین سوار اسب بودند، قسمت بالای زانوی ایشان را بوسیدم، ایشان فرمودند: این کتاب را بردار! در کنار ایشان یک جلد قرآن مشاهده کردم که جلد نداشت. آن را برداشتم و در این فکر بودم که چرا آقا، خود کتاب را به من نداد و امر کرد خودم بردارم، ناگهان ایشان فرمودند: میرزا! مگر نمی دانی که من دست در بدن ندارم؟

(آقای محمد رضا دشتی می گوید: خود مرحوم میرزا قدس سره گفتند که در عالم خواب اولین بار وجود نازنین ابوالفضل العباس علیه السلام او را میرزا خطاب کرد) مرحوم میرزا قدس سره در حالی که اشک می ریخت می فرمودند: ابوالفضل العباس علیه السلام هرچه داشت در راه خدا داد و یار و یاور برادر خود بود و باب الحوائج است، بارها به او متوسل شدیم و حاجت گرفتیم و هرکس به این بزرگوار متوسل شود، ناامید بر نمی گردد؛ خداوند مرتبه ای ولایی را به این قهرمان کربلا داده است.

ص: ۴۹۶

توسل به ابوالفضل العباس علیه السلام

حجت الاسلام، شیخ محمد رضا ناصری قوچانی می‌گوید: روزی فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره به مناسبتی شمه‌ای از فضایل و مناقب ابوالفضل العباس علیه السلام، و مقام والای آن قهرمان کربلا را مطرح می‌کردند و در حالی که اشک چشمانشان را فرا گرفته بود، گفتند: «ابوالفضل العباس علیه السلام واقعاً باب الحوائج است.» و در ادامه فرمودند: «من مشکلی داشتم که برای حل آن زیاد به حضرت علیه السلام متوسل شدم. یک شب در عالم خواب خدمت قهرمان کربلا مشرف شدم، ایشان علیه السلام فرمودند: میرزا! به مراد خود خواهی رسید.» مرحوم میرزا قدس سره می‌گوید: «آن مشکل به برکت و عنایت آن حضرت علیه السلام حل شد و من به مراد خود رسیدم.» مرحوم میرزا قدس سره به توسل به باب الحوائج عجیب عقیده داشتند و همیشه به منبری‌ها می‌گفتند، به حضرت عباس علیه السلام توسل کنید. ایشان در مجلسی که روضه‌ی ابوالفضل العباس علیه السلام خوانده می‌شد به شدت گریه می‌کردند و مانند ابر بهاری اشک می‌ریختند، آن قدر می‌گریستند که چشمانشان قرمز می‌گشت و تا ساعتی چند، اثر بکاء بر چهره ایشان نمایان

بود. ۳۲۵